BP
320
.M35
v.23

# مجموعهٔ آثار قلم اعلی

BAHA'I WORLD CENTRE
LIBRARY

## ۲۳

این مجموعه باجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی ایران
شیدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر
شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمی باشد

شهرالبهاء ۱۳۳ بدیع

Provided by the Afnan Library

صفحه — فهرس


١ بدون عنوان — شهادت قلم مالک قدم بعظمت یوم ظهور و بغفلت نفوس
بسبب اشتغال بدنیا

١ — بدون عنوان بیان مالک ملکوت بقا در خصوص فنای ایام عمر و مأوای جمیع بندگان
از غنی و فقیر در تحت تراب

٢ — بدون عنوان نصیحت قلم اعلی بمخاطب لوح بعدم مجالست با نفوس محتجبه
و همچنین نصیحت بذبیح بخروج از سجن نفس

٤ — بدون عنوان ظهور عنایت از سماء مشیت مظهر احدیت بمخاطب لوح
و ابوی مشارالیه و قبولی فراش حریر و ارجاع آن بعد از قبول بخود مشارالیه

٥ — هـ م بافتخار سید لطف‌الله توجه لحاظ عنایت جمال کبریا باهل عالم و تقدیر
از نفوسی باحکام کتاب مستطاب اقدس عامل هستند

٥ — ک ر بافتخار سید مرتضی قلم محی رمم باین بیان جانگداز ناطق




صفحه — فهرس


قوله جلّ جلاله (... انّ الذی یستطیع ان یسخر العالم باشارة من قلمه
قد صار مظلوماً [illegible] فی هذا المقام البعید

٦ — بافتخار جناب میرزا محمد خ ا توجه لحاظ عنایت مظهر احدیت بمشارالیه و نزول
مناجات طلب تائید

٧ — بافتخار جناب محمد ع خ ا بیان محبوب عالمیان در خصوص القاء ندا امام وجوه
عباد و ظهور بحر اعظم

٨ — بدون عنوان نصیحت قلم قدم بمخاطب لوح بتطهیر از داء مریبین
و توجه بمحبوب عزیز فرید و توکل بخداوند

٨ — بافتخار جناب شیخ محمد الذی حضر تلقاء الوجه ظهور عنایت جمال
رحمن بمشارالیه و ذکر منع جدال در این ظهور اعظم و احتجاب نفوس

١٠ — بافتخار سید اسدالله بیان طلعت احدیت در ظهور ایام مسطوره در کتب قبل
و حجبات قلوب و امر باستقامت نفوس مقبله

## فهرس

صفحه


۱۰ — بدون عنوان بیان جمال رحمن بحر بیان بحر حیوان در امکان و اینکه
چون ظلمت کل بریه را اخذ نمود نفس حق ظاهر گردید

۱۱ — بافتخار جناب میرزا سید محسن نزول مناجات طلب تأیید از سماء
مشیت منزل آیات در حق مشارالیه

۱۲ — بدون عنوان ظهور عنایت از سماء جود مظهر احدیت در حق مخاطب لوح و اخوان
مشارالیه و ذکر اینکه برای امر الله وقتی مقدر است اذا جاء اجله یظهر بالحق

۱۳ — بافتخار جناب رضا خ ا نزول مناجات طلب تأیید از مخزن قلم الهی در حق مشارالیه

۱۴ — بافتخار سید صفدر لسان عظمت باین بیان احلی ناطق قوله جل فضاله ... امروز
روز ذکر است و امروز روز خدمت است و خدمت حق جل جلاله تبلیغ مراد بصره و همت

۱۵ — بافتخار جناب شیخ محمد بیان مالک اسماء اینکه عالم برای یوم اعظم خلق شده و بعد از ظهور علماء
منکر گردیده و بواسطه انکار آنها خلق منکر شده اند

۱۶ — بافتخار جناب ملا کریم تقدیر قلم اعلی از مشارالیه بجهت ترک اوهام و اقبال بخداوند




## فهرس

صفحه


۱۶ — کرمانشاه بافتخار جناب ملا سید مرتضی امر قلم مالک قدم
بهدایت نفوس بافق اعلی و احیاء اجساد بارواح تازه

۱۷ — کرمانشاه بافتخار جناب آقا سید اسدالله نصیحت ناصح امین بمشارالیه
بتمسک بمعروف و عمل باحکام کتاب الهی

۱۷ — ز جناب سید اسمعیل علیه بهاء الله توب ظهور عنایت از شطر مظهر احدیت بمشارالیه

۱۸ — ز بافتخار امیر اسمعیل بیان طلعت سبحان در قیام در قطب عالم و ندای عباد باسم اعظم

۱۸ — ز سید و پ چ ی شکوه قلم مالک انام با بتلاء بین جنبیاء و حبس در اخرب بلاد

۱۹ — بافتخار جناب میرزا سعید شکوه مظلوم عالم از بلایای وارده در سبیل الهی

۱۹ — بنام خداوند یکتا - بعنوان - یا حسن بیان نیر آفاق در دعوت من علی الارض
بصراط مستقیم الهی و خوشبختی نفوسی که بافق اعلی راه یافتند

۲۰ — شیشوان بافتخار جناب ملا آقا جان بیان مقصود عالمیان در نصب میزان ظهور
صراط و خوشبختی نفوسی که بافق اعلی اقبال نمودند

۲۱ — نزول مناجات از قلم مولی الوری بساحت عز کبریا بحفظ سراج امر از جاجه قدرت و الطاف


Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه


۲۲ — بدون عنوان بیان طلعت احدیه در استواء هیکل قدم بر عرش عظمت و طلوع شمس از افق سجن و مجیء محبوب و اضائه امکان

۲۳ — بدون عنوان ذکر قلم ابهی در خصوص یوم تبه اعدام ملکوت اسماء و حصر توجه بافق تبه

۲۴ — بدون عنوان توجه لحاظ عنایت مظهر قیوم بمخاطب لوح و امر باستقامت در امر اعظم

۲۴ — بافتخار جناب میرزا محمد تقی م ن تقدیر قلم در مقام بقاء از مشارالیه در بسط ایادی دادن مهاجرین منزل خود و رفتاری در لایق ایام تبه و نزول کلمه غفران در حق والد ایشان و ظهور عنایت درباره علی محمد

۲۵ — ب ر - جناب میرزا تقی م ن امر محبوب امکان بمشارالیه باستقامت در امر اعظم و بنای فخر عالم

۲۶ — بافتخار جناب میرزا تقی نصیحت مالک ملکوت بعنایت مشارالیه بعدم تحزن از شئونات خلق و تمسک بعروه عنایت

۲۷ — بافتخار جناب میرزا علی رخ ا ظهور فضل از سماء مشیت مولی الانام در حق مشارالیه و طلب تأیید

۲۷ — بدون عنوان بیان حصر نجات بسجون در اینکه یوم یوم منقطعین بعضی و خداوند کینونات احدیه بانجذابات صمدیه خلق میفرماید

۲۹ — خطاب ( ای مجد الدین ) ظهور عنایت جمال قدم نسبت بمشارالیه و احضار بساحت اقدس




# فهرس

صفحه


۲۹ — بعنوان ( یا احبائی ) بیان مالک اسماء در انقراض دولت بغاة و متکبرین و کون ملیح و قبیح و صالح و طالح با یکدیگر باقتضای حکمت الهی

۲۹ — ادرس بافتخار جناب فتح نزول آیات از قلم رب الآیات البینات در حق مشارالیه و طلب تأیید

۳۰ — ارض ا فتح اعظم ذکر قلم اعلی از اشتعال نار در قطب عما و انصعاق طوریون و اجتماع احرف سجین در عراق و انتشار ارباح شرک در آفاق

۳۱ — بافتخار جناب ف ت ح ا ر اخبار جمال مختار از تفرقه اهل بغضا و ابتلای ایشان بعذاب ظالمین ادوار قبل

۳۲ — بدون عنوان ) ۱۵۲ مناجات قلم اعلی بساحت عز کبریا بحفظ مقبلین از شر اعداء

۳۳ — بافتخار جناب فتح اعظم بیان جمال معبود در سر نغمه نظر بحکمت و اعراض علماء در ایام رسول و اقبال ابوذر راعی غنم و حال افتخار علماء باسم او

۳۴ — بافتخار فتح اعظم ذکر قلم مظلوم عالم از خروج از ارض سر و رکوب یکشتی و سیر در بحر ابیض و وقوف مقابل اسکندریه و تشرف جواد از اهل این مسجون بکتابی از اسقف نصاری

۳۵ — بدون عنوان بیان محبوب امکان در نزول کتاب که تذکره است برای عالمیان و اینکه اهل بهاء


Provided by the Afnan Library

# فهرس

قرة عين ابداع وزينت ممالك اختراع ...

صفحه

۳۵ — بدون عنوان بيان مولی العالم در اینکه کتاب مصباح هدی و آیه قدم و ذکر اعظم برای اهل سموات و ارضین ا...

۳۶ — بدون عنوان اظهار حزن قلم مالک قدم از احزان وارده بواسطه مشرکین و مکار ... وابتلای قبل و ...

۳۷ — ارض ... بافتخار جناب زین العابدین نصیحت قلم اعلی بمخاطب لوح بعدم ... اهل ... و ... قبل ...

۳۷ — بافتخار جناب میرزا حسن در ارض الالف بیان ورقا، احدیه در خصوص ... مؤمن ببیان ... وذکر این آیه از آیات نقطه بیان ... وللکن ... بجائه اذا نزلت اقدامهم وکانوا من الخاسرین

۳۹ — بدون عنوان (در حق یکی از اماء الرحمن) (نزول مناجات از سماء مشیت رب البریه)

۳۹ — بافتخار اسمعیل بیان جمال سبحان موعود بودن کل بنزول کتاب و اعراض غافلین بعد از نزول

۴۰ — ارض ... بافتخار جناب میرزا حسن بیان مطلع رحمن بانکه استواء بر عرش و ارتفاع نداء آیات است برای متفرسین

۴۱ — بافتخار جناب میرزا حیدر علی ارض الف توجه لحاظ مکرمت طلعت احدیت بمشار الیه و ضلعین واخت و ام



# فهرس

صفحه

۴۲ — بدون عنوان نصیحت قلم مالک انام بمخاطب لوح بتوبه کردن در ساحت کبریا وحسن سلوک و مدارا با عباد الله

۴۴ — بدون عنوان بیان محبوب عالم بحرق احجاب و محیی ... از سماء امر و ظهور معانی

۴۵ — بدون عنوان بیان سلطان بفضل ما آیات و باضائه افق بیان شمس حکمت و تبیان قیام و ثبات

۴۵ — بدون عنوان مناجات نازله از سماء مشیت رب مجید و طلب تأیید و عزت در حق احبا . .

۴۶ — بدون عنوان بیان طلعت موعود در ارتفاع ندا و نفخ در صور و انصعاق ابدان و امر بمخاطب لوح بقیام بخدمت امر

۴۷ — ارض ... بافتخار جناب میرزا ظهور فضل از سماء اراده مولی البریه در حق مشار الیه و اذن تشرف بساحت اقدس

۴۹ — بدون عنوان مالک ملکوت بیان باین ندای جان افزا منادی قوله عز و علا (انوار قدم در عرش عظیم سایر و اسرار قویم بر الواح شمیم ساطر و حمامه قدرت در هواء قدس عزت بجناحی قوت طایر . . . .

۵۰ — بعنوان ان یا ف ت ح الاعظم شهادت قلم مالک قدم بحب و خلوص مشار الیه و طلب تأیید در حق ایشان . .

Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه

۵۱ — بدون عنوان ظهور فضل و مکرمت از قلم مظهر حضرت احدیت در حق اماء الرحمن ...

۵۱ — بدون عنوان نزول مناجات از سماء مشیت رب الآیات البینات و طلب
صون و حفظ الهی در حق یاران و اماء رحمن حین نزول ارياح افتتان ...

۵۱ — بدون عنوان بیان جمال سبحان باینکه هرگاه ناظر باسم رحمن نمود هر آینه بکلمه
تکلم میفرمود که سموات وجود از آن کلمه منفطر میشد

۵۲ — بدون عنوان ذکر قلم مالک قدم از احاطه ارياح قتل و بغضاء و وقوع
درقاد احدیت در بین مخالیب اولی البغضاء ...

۵۲ — بدون عنوان مناجات جمال ذوالجلال بدرگاه قادر متعال در تائید عباد
الهی و اماء رحمانی استقامت در حب حضرت باری تعالی

۵۳ — بدون عنوان نزول مناجات مالک ملکوت بقا و طلب تائید در حق احبا

۵۳ — بدون عنوان توجه لحاظ عنایت سلطان احدیت در حق نفوسی طبقاً لمرضات الله صائم گردیده‌اند

۵۴ — ط بافتخار امة الله سید خانم ظهور عنایت قلم اعلی بمشار الیها بواسطه جناب باسم منیر

۵۵ — بافتخار جناب اشرف نصیحت جمال مبین بمشار الیه بعمل بر آنچه که سزاوار
مقام انسان است ...



# فهرس

صفحه

۵۶ — بعنوان (یا محمد) امر سلطان بیمثال بآقا محمد مشار الیه در مراقبت با احوال
مسافرین و مهاجرین

۵۶ — بدون عنوان نزول مناجات از قلم محی رمم در حق احبا و امر بتوجه بمنظر اعلی ...

۵۷ — بدون عنوان مناجات نازله از قلم اعلی در حق یکی از اماء الرحمن ...

۵۷ — بدون عنوان توجه طرف عنایت محبوب عالم بیکی از احبا لاجل عرفان الهی در مظهر نفس او

۵۸ — بدون عنوان بیان طلعت رحمن بظهور الهی در نفس خود مرة باسم علی اعلی و طوراً بسلطان اسماء بذکر بهائی.

۵۸ — بافتخار جناب ملا محمد حسین بیان مقصود عالمیان در اینکه جناب اکبر علمای ایام ظهور
بوده و ذکر نادی دولت آبادی که با اوهام حزب قبل متمسک است

۵۹ — بافتخار جناب ملا محمد حسین ق بیان ورقاء بقا بمجیئ یوم الله و ظهور مکلم طور
و افعال حزب شیعه و کشتن نفسی که هزار و دویست سال در فراقش ناله میکردند

۶۰ — بدون عنوان مناجات جمال ابهی باحت عز کبریا بعدم
محرومیت آفاق از نور اتفاق

Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه

۶۰ — بدون عنوان محی رمم باین کلمه اتم ناطق قوله جل وعلا ((واجب را حادث وصف نداند بیچون ازاد کار عالم چند وچون مبر است

۶۱ — ط بافتخار جناب آقا محمد حسین ظهور عنایت از قلم مالک قدم درحق مشارالیه

۶۱ — بدون عنوان قلم اعلی باین کلمه علیا ناطق قوله جل وعلا ((... قسم بشمس وجود امروز هر نفسی بکلمه الهیه فائز گشت او دارای ثروت حقیقی وغنی حقیقی است ...)) ودر ذیل لوح مبارک نزول مناجات طلب نمایند

۶۲ — بدون عنوان بیان حضرت قدیم در عظمت امر تبلیغ مشروط بحکمت وتکلم جمیع من علی الارض بیک لسان ونوشتن یک خط

۶۳ — بعنوان (یا محمد قبل تقی) شکوه قلم اعلی از نفس غافلی بدر ارتکاب آنچه که فرائض امانة دربدن دیانت ازان مرتعد کردیده وظهور عنایت کبری درحق مشارالیه

۶۴ — بدون عنوان بیان مظهر الوهیت در قبول احزان لاجل فرح من فی الامکان وتحمل ذلت برای عزت بریه ...

۶۵ — بافتخار میرزا محمد حسن امر جناب سبحان بذکر پروردگار بحکمت برای اجتناب از حدوث فتنه وتزلزل مستضعفین ....



# فهرس

صفحه

۶۶ — بعنوان (یا الهی علیک بهائی) ظهور عنایت سلطان بفعل ما یشاء درحق جناب میرزا حبیب الله ومن سمی بالله، والقاف وذکر متعرضین ونسبت نحو سرقت بنفاسی که ملحقات کتب عالم است

۶۷ — بافتخار لاعباسقلی نصیحت مظهر رب قدیر بمشارالیه باتباع اوامر الهیه ...

۶۷ — بافتخار جناب میرزا تقی نصیحت قلم اعلی بمشارالیه بعمل بآنچه سبب ارتفاع امر الله است

۶۸ — بافتخار شیخ جعفر من ص توجه طرف نیر عنایت بمشارالیه وامر بحفظ لوح وقرائت آن

۶۹ — ط بافتخار جناب عبدالرحیم بیان طلعت رحمن در خصوص اینکه آثار والواح عالم را احاطه نموده وامر باهل بها که بلا رقیب ازاین کاس بیاشامند ...

۶۹ — بدون عنوان نصیحت قلم مالک امم بمشارالیه درعدم تقرب وتجمع با معرضین ...

۷۱ — بدون عنوان ظهور فضل وعنایت حضرت محبوب عالمیان بیکی از اماء الرحمن ...

۷۲ — بدون عنوان ظهور فضل وعنایت حضرت مولی العالمیان درحق یکی از اماء رحمانی ..

۷۲ — بدون عنوان بشارت مظهر احدیت بیکی از اماء رحمانیه در مرسله مشارالیها در لیله ولادت دو مولود

۷۲ — بدون عنوان امر سلطان احدیه بمخاطب لوح بقیام بخدمت الهی باستقامتی که ارکان کفر مضطرب از آن مضطرب شود

Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه

٧٣ — بدون عنوان نصیحت قلم مالک قدم بیکی از اماء الرحمن بعدم احتجاب از شئونات اماء و توجه بمنظر اکبر . . .

٧٤ — بدون عنوان تقدیر قلم اعز ابهی از یکی از اماء الله بجهت استماع ندا و تعهد باصغاء کلمه اطهر

٧٤ — بدون عنوان امر سلطان لاتغیر بان شاء بیکی از اماء الرحمن باداء شکرانه بساحت اقدس حضرت یگانه بجهت فوز بحب جمال قدم و انقطاع از ما سوی الله . . .

٧٥ — بدون عنوان نزول مناجات از قلم رب الآیات البینات و طلب تائید در حق یکی از اماء الرحمن

٧٥ — بدون عنوان نزول مناجات از سماء رحمت مالک یوم معاد در حق یکی از اماء الرحمن و طلب تائید

٧٥ — بدون عنوان امر قلم مقصود عالم بیکی از اماء الرحمن باداء شکرانه بدرگاه الهی بجهت فوز بایمان

٧٦ — بدون عنوان شکرانه قلم اعلی بساحت عز کبریا بجهت تحمل بلایا در سبیل اظهار امر الهی . . .

٧٦ — بدون عنوان تسبیح و تهلیل جمال ابهی در تقدیس و تنزیه و علو و سمو حضرت بیچون . .

٧٧ — ک با افتخار ورقه عمه بیان طلعت مقصود در اخذ لآلی از عمان رحمت رحمن و ارسال آن بسوی مشار الیها

٧٧ — ک با افتخار عمه بیان مکلم طور در عظمت یوم و ارتفاع ندای مالک احدیه و اعراض نفوس مگر نفوس فارغ از ما سوی الله . . .



# فهرس

صفحه

٧٨ — ک با افتخار عمه بیان متکلم آن ظهور بزرگ در حضرت قیوم در خصوص ظهور نبأ عظیم که جمیع انبیاء بآن بشارت داده اند . . .

٧٨ — مهر مبارک (بهاءالله) عمه التی حضرت و خانم ظهور عنایات کبری از سماء فضل مالک اسماء در حق مشار الیها و خدیجه و صاحب و بنات . . .

٧٩ — ک با افتخار ورقه بنت عمه ذکر قلم جمال مبین در خصوص جمیع عالم که بجزء از کلام الهی معادله ننماید

٨٠ — مهر مبارک (بهاءالله) خدیجه علیها بهاءالله بنت عمه اظهار حزن مظلوم عالم از حزن مشار الیها و وصیت اماء باخلاق مرضیه و اعمال طیبه

٨٠ — ک با افتخار ورقه عمه تقدیر قلم اعلی از مشار الیها بجهت اقبال بامر الهی از بدو اشراق آفتاب ظهور از افق اراده الله و ظهور عنایت در حق بنت و بنت اخری

٨١ — با افتخار ورقه خدیجه بنت عمه بیان مولی الانام بظهور مکنون و ندای سدره و مجیئ یوم الله . .

٨١ — با افتخار ورقه خدیجه بنت عمه ظهور عنایت ورقاء احدیه در حق مشار الیها . . .

٨٢ — ک با افتخار بنت عمه تقدیر قلم مالک قدم از مشار الیها بجهت توفیق باقبال در ایامیکه عرفا و علما اعراض نمودند

Provided by the Afnan Library

## فهرس

صفحه


۸۲ — بافتخار امة الله عمه نزول مناجات از قلم رب الآیات بآیات طلب تائید در حق مشار الیها

۸۳ — بدون عنوان مناجات قلم اعلی بساحت قدس کبریا طلب استقامت در حق عباد و اماء

۸۴ — بافتخار خدیجه سلطان بنت عمه ظهور عنایت مالک اسما در حق مشار الیها و جناب محمد علی

۸۴ — بعنوان (امتی شیرین) بیان مقصود عالمیان بنزول اعظم علما به درکات سفلی و صعود مشار الیها بدرجات علیا . . .

۸۴ — بدون عنوان بیان طلعت رحمن در خصوص دخول ورقه نورا، بمثابه بدر طالع از افق سماء، و سؤال مشار الیها از جمال ابهی راجع بخروج از عکا و قصد ممالک اخری
(این لوح در باب پنجم (از نزول جمال قدم بسجن اعظم نازل و مقصود اخبار از صعود ا

۸۶ — بدون عنوان نزول مناجات از غمام فضل مظهر احدیت در حق یکی از احبا و طلب تائید

۸۶ — بدون عنوان بیان جمال سبحان باینکه اگر حضرتش نمود بیان و صحائف الهیه نازل نمیشد و اگر جمال مبین نبود احدی بنصرت حق قیام نمینمود

۸۷ — بدون عنوان بیان مالک ملکوت در خصوص وعد الهی در جمیع کتب و صحف بظهور اعظم و مجیئ یوم الله و احتجاب اهل عالم و اضطراب مقبلین باندک هبوب . . . .




## فهرس

صفحه


۸۸ — بدون عنوان بیان سلطان ظهور در خصوص ارتفاع ندا از افق سجن و دعوت ملاء انشاء باعلی الندا

۸۸ — بافتخار جناب مشهدی حسن امر قلم اعلی ببر و تقوی و نهی از بغی و فحشاء و فساد و نزاع . . .

۸۸ — ۸۹ — ط بافتخار جناب ملا علی نهی قلم مالک قدم در عدم تاویل کتاب و اتخاذ معانی ظاهره آیات

۹۰ — ط بافتخار جناب ملا علی ک بیان مولی العالم باینکه هرگاه ناس عارف میشدند هر آینه توقف در امر الهی نمینمودند . . .

۹۰ — ط بافتخار جناب ملا علی ب ز بیان مالک یوم التناد در خصوص خذلان نفوسی که کتاب الله گذارده و باهواء خود متمسک‌اند . . .

۹۸ — (بهاء الله) بدون عنوان تمجید مظهر رب مجید از مخاطب لوح بجهت قطع جبال و بر و بحر و حضور در محضر حق . . .

۹۸ — بدون عنوان مناجات قلم اعلی بدرگاه حضرت کبریا و طلب فیوضات الهیه در حق احبا و اماء رحمانی

۹۹ — بافتخار جناب میرزا آقا الذی حضر و فاز و رقا، بقا باین کلمه علیا ناطق قوله جل و عز: (... بشارت عظمی که از قلم جاری و نازل اینکه و لکنه رسول الله و خاتم النبیین بکلمه مبارکه یوم یقوم الناس لرب العالمین منتهی گشت

۹۹ — بافتخار جناب میرزا آقا ذکر قلم مالک قدم در خصوص اشتغال نفوس بعالم و محرومیت از حضرت باقی و اینکه جزای اعمال عنقریب کل را اخذ خواهد نمود . . .

۱۰۰ — بدون عنوان شمول نفحات غفران از غمام رحمت مظهر رب غفور در حق مخاطب لوح و تطهیر مشار الیه از خطایای مرتکبه


ص ۸۹ – بدون عنوان [illegible]

## فهرس

صفحه


١٠١ — بافتخار جناب میرزا آقا ذکر مالک ملکوت بیان در خصوص نزاع و جدال در کور فرقان براساء باسم امام روحی و نقیب و نجیب و رکن رابع و در یوم جزا اعمال پاک از آنها ظاهر نه و بالاخره فتوی بدم مظهر مشرق آیات دادند . . .

١٠٢ — بافتخار جناب میرزا آقا نزول مناجات از عمان بیان مظهر آیات در حق مشارالیه و طلب تأیید . . .

١٠٣ — بافتخار جناب میرزا آقا الذی حضر و فاز بیان محبوب من فی الامکان در تغییر عالم و ظهور انقلاب و احاطه اختلاف و سبّ و لعن علمای ایران بمقصود عالمیان در سنین اولیه . . .

١٠٤ — بافتخار جناب میرزا آقا جمال قدم باین کلمه اتم ناطق قوله عز بیانه (قد انار افق العالم بالنیر الاعظم . . . . .

١١٤ — بافتخار جناب عباس الذی هاجر بیان مولی العالم باینکه اگر نفسی بعرف ایام تبه واجد گردد اشارات کفار او را محزون نگرداند

١١٤ — بافتخار آقا عباس فی البا امر قلم اعلی مشارالیه بانقطاع از نفس و اقبال بقلب بخداوند علی ابهی

١١٤ — بدون عنوان بیان طلعت قدم در ظهور کنز مخزون و غیب مکنون و حاجبه او بمنبوء احدی بعرفان الله فائز نمیگردید . . .

١١٥ — بدون عنوان رجاء قلم اعلی از حضرت رب قدیر باینکه برای نفوسیکه باصغای ندای الهی موفق شده اند اجر مخلصین مکتوب فرماید

١١٥ — بافتخار جناب ابوطالب بیان جمال مبین بجنبی اینکه از اول بلا اول مکنون بصره و ظهور اسرار الهی




## فهرس

صفحه


١١٦ — خلج بافتخار جناب میرزا سید علی توجه طرف عنایت محبوب بمشارالیه و محمد مهدی باقر و آقا علی محسن و محمد و علی و عده‌ئی از احباء الهی

١٢١ — ط بافتخار جناب سید علی ظهور فضل از عمان بیان بمقصود عالمیان در حق مشارالیه . . .

١٢١ — بافتخار جناب سید علی ظهور مکرمت از سماء مشیت مظهر احدیت در حق ایشان

١٢٢ — بافتخار جناب استاد قاسم جمال مبین بائین اول اعلی ناطق قوله جل کبریائه . . . هر هنگام که مظلوم امکان توجه به بستان مینماید آثارت را مشاهده میکند . . .

١٣٠ — ص بافتخار علینقی امر قلم قدم بمشارالیه باداء شکرانه بدرگاه الهی . . . . . .

١٣٠ — بدون عنوان رجاء جمال ابهی بساحت کبریا بنزول امطار رحمت در حق مخاطب لوح .

١٣٠ — بافتخار محمد قبل اسمعیل شهادت مظهر وحدانیت بتوحید ذات الهی . . .

١٣١ — بدون عنوان ذکر قلم اعلی از قبول سجن بجهت حب الهی و اتباع امر او . . .

١٣٢ — بافتخار علیمحمد ذکر قلم مولی الامم بنفوسی که بقلب خود اقبال المقام محمود کرده اند

١٣٢ — بدون عنوان ظهور عنایت سلطان ظهور در حق مخاطب لوح و اخبار بوصول قطعات مرسله

١٤٣ — ص بافتخار جناب علیمحمد ظهور عنایت مولی الاسماء در حق مشارالیه . . .

١٤٣ — ص بافتخار جناب استاد مهدی نصیحت قلم اعلی باهل وفا باتباع از احکام کتاب و تمسک بما ینبغی للانسان


Provided by the Afnan Library

صفحه فهرس


۱۳۴ — باقتخار جناب علی ابن من صعد الی الله توجه طرف عنایت مظهر احدیت در حق مشارالیه و طلب علو درجات در حق متعارج الی الله

۱۳۵ — باقتخار جناب میرزا علی محمد ظهور عنایت محبوب من فی الامکان در حق مشارالیه مرحوم مرفوع ...

۱۳۵ — ط باقتخار امة الله صدر جهان توجه طرف عنایت جمال ابهی بمشارالیها و بیان اینکه عفو یک
صادر است از نزد خداوند ...

۱۳۶ — باقتخار امة الله تاجر ظهور عنایت مولی الامم در حق مشارالیها

۱۳۸ — ط باقتخار امة الله ضلع مرحوم رحیم ابن عطار ظهور فضل و عطا از براعه مولی الاسماء در حق مشارالیها

۱۳۸ — ط باقتخار ورقه ضلع جناب حاجی محمد رح نصیحت قلم اعلی بمشارالیها باینکه قدر ایام بداند
چه که چشم عالم شبه آنرا ندیده ...

۱۳۹ ط باقتخار ورقه ضلع جناب محمد رظهور عنایت محبوب آفاق در حق مشارالیها و محمد رحیم مزین شدن بشرف ورقه معزی الیها بنظر از قبل

۱۴۰ — ط باقتخار ضلع جناب رحیم توجه طرف عنایت محبوب آفاق بمشارالیها ...

۱۴۰ — ط باقتخار ورقه ضلع جناب حاجی محمد رحیم ذکر مظهر احدیه شفیاض بفوز عمه مشارالیها بعز قبول و رضا

۱۴۱ — باقتخار امة الله سکینه ضلع رح ظهور عنایت مولی الوری در حق مشارالیها ...

۱۴۲ — باقتخار امة الله ضلع محمد قبل رحیم بیان مالک اسماء در ظهور دریای بخشش و اشراق آفتاب جود
و عدم امکان تدارک آنچه الیوم از غنی فوت شود

۱۴۳ — باقتخار ضلع من هاجر و فاز نزول مناجات از سماء مشیت رب الآیات البینات در حق مشارالیها طلب تأیید




صفحه فهرس


۱۴۳ — ط باقتخار محمد رحیم بیان مالک قدم در اینکه کتاب صراط الله است برای سموات و ارض
و صور اعظم است بین امم و چنین در آن دمیده شد هر ذی روحی منصعق شود ...

۱۴۴ ط باقتخار رحیم ابن ع ط بیان مولی العالم باینکه هر نفسی الیوم سبب اتحاد شود از ناصرین امر است

۱۴۴ — ط باقتخار جناب رحیم ع ط بیان قلم اعلی در اینکه نصرت امر و اخلاق و صفات مقدم بر لقا است

۱۴۵ — ط باقتخار جناب رحیم ذکر حال ابن از حضور مشارالیه لدی العرش و استماع آیات الهیه و امر بحفظ این مقام

۱۴۶ — باقتخار جناب محمد قبل رحیم بیان مالک قدم باینکه باب ثروت امانت است

۱۴۷ — باقتخار جناب محمد قبل رحیم الذی هاجر و فاز ابن ع ط ذکر قلم اعلی از ورود مشارالیه بساحت عز اعظم مقام اعلی از و استغراق او در بحر عنایت الهی

۱۴۸ — بدون عنوان ذکر مقصود عالمیان از حضور مخاطب لوح لدی الباب و استماع ندا از افق اعلی ...

۱۴۹ — بعنوان (امة الله) بیان مولی العالم باینکه نفوسی که باصغای ندای الهی فائز گشته عاقبت آن خیر خواهد بود

۱۴۹ — بدون عنوان رجاء مالک اسماء از ساحت کبریا بنزول فضل و جود در حق مخاطب لوح و عائله مشارالیه

۱۵۰ — شاه آبام باقتخار ضلع ملا حسین الذی صعد الی الله نزول مناجات از قلم منزل آیات
در حق مشارالیها و ظهور عنایت در حق حسین

۱۵۰ — باقتخار جناب میرزا حسن بیان مالک یوم معاد باتصاف افق عالم بشمس عظم اعظم و اعراض نفوس

# فهرس

صفحه

١٥١ — بعنوان (بنام دانای یکتا) امر مولی الانام باستقامت احبا در امر الهی و ذکر نفسی که بکلمهٔ احقر عباد از آفتاب معانی محروم گردیده

١٥٢ — بافتخار جناب میرزا اسدالله ابن تجارباشی بیان جمال مبین در غفلت ناس و اینکه بزودی ثمرات اعمال خود را مشاهده خواهند کرد

١٥٣ — بعنوان (یا مسجون) ذکر قلم مالک قدم در خصوص ابتلای اولیاء تحت سطوت اشقیاء خلق و طلب خیر دنیا و آخرت در حق آنان

١٥٤ — بدون عنوان بیان جمال احدیه در اینکه بسا قریبی که بعید است و بسا بعیدی که قریب است و هر آن نفسی که هر دو را با یکدیگر جمع نماید او بکل خیر فائز گردیده است

١٥٤ — بعنوان (ان یا محمد) بیان جمال سبحان در خصوص شئونات دنیا و فنای آن و بقای امر الله و تنبه و تذکر این عباد

١٥٥ — بعنوان (ان افرحوا یا احبائی) امر قلم اعلی باحبای الهی باتحاد در امر الله و عمل بمعروف

١٥٦ — بدون عنوان امر محبوب آفاق باحبای الهی بعمل باوامر کتاب اقدس و مشی با اهل حکمت

١٥٧ — بدون عنوان مالک اسماء و صفات باین کلمات تامات ناطق قوله جل و عز (... اولیای الهی را آگاه نما که شاید بمقامی فائز شوند در منع مانعین و نعاق ناعقین و شبهات مریبین ایشان را از مالک یوم الدین محروم ننماید و منع نکنند . . . . . . .



# فهرس

صفحه

١٥٨ — بدون عنوان بیان جمال مبین باینکه ذکر الهی بر هر ذکری سبقت گرفته و ذاکرین را ذکر مینماید

١٦١ — ط بافتخار استاد غلام علی و استاد غلامحسین و استاد ابوالقسم ظهور عنایات از سماء مشیت مظهر احدیت بمشارالیهم و طلب تائید

غ ١٦٢ — بافتخار جناب میرزا محمد حسن اهل نون توجه طرف عنایت مولی الانام بمشارالیه و عطاء الله و ابن کمال و طلب تائید . . .

م ١٦٣ — بعنوان (یا علی) ظهور عنایت قلم اعلی بمشارالیه و امة الله

١٦٣ بافتخار جناب ملا حسین الذی هاجر و فاز وصیت قلم اعلی بمشارالیه بارتفاع مقام انسان بین ادیان

١٦٤ — بافتخار جناب استاد باقر امر قلم مالک قدم بمشارالیه و مستظلین در ظل شریعت الهیه بتشبث بمعروف و بآنچه سبب ارتفاع شان انسان است . . . . . .

١٦٤ — بافتخار جناب استاد باقر شکوه مظلوم آفاق از مصائب وارده و ظهور عنایت باحباء ارض طا

١٦٦ — بافتخار جناب حسین الذی فاز بشهادت و قلم اعلی بعلو مقام شهداء امر الهی و عدم امحاء ذکر شان از الواح عالم . . .

١٦٧ — ص بافتخار جناب میرزا حسن قناد بیان مالک اسماء در عظمت یوم بدیع و منوط بودن عرفان مالک یوم ببصر حدید و تفکر در آثار . . . . .

Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه

١٦٨ — بدون عنوان امر مالک ملکوت بقا بمخاطب لوح باستقامت در امر الهی
١٦٨ — بافتخار حیدر حسین بصرت نزول مناجات از قلم منزل آیات در حق مشار الیهم
١٦٩ — بدون عنوان نزول مناجات از قلم مظهر امر الهی در حق یکی از اماء الرحمن و طلب تائید
١٦٩ — بافتخار مشهدی حیدر ظهور عنایت مقصود عالم در حق مشار الیه . . . .
١٧٠ — ص بافتخار حیدر بیان مظهر سبحان در خصوص اعراض و انزجار خلق و اینکه فائزین بشریعه الهیه از اهل فردوس هستند . . . . . .
١٧١ — ص بافتخار امة الله حسینیه سلطان ظهور عنایت مظهر رحمن در حق مشار الیها . .
١٧١ — ص بافتخار مشهدی حیدر امر سلطان بفعل باشیاء بمقبلین بسقایات و عمل باحکام نزوله در کتاب
١٧١ — بافتخار ح س ن ع ل ی بیان مظهر احدیت باینکه برای دوستان با استقامت اجر لقا در کتاب ثبت میشود . . . . . .
١٧٢ — ص بافتخار ابن علی نور الدین صعد الی الله مناجات طلب مغفرت از قلم مظهر رب غفور در حق راجع الی الله . . . . . .
١٧٣ — ص بافتخار فاطمه بیگم نصیحت قلم اعلی احبای الهی باعمال و اقوالیکه سبب ارتفاع امر الله است . . . . . .



صفحه فهرس

١٧٣ — ص بافتخار حیدر بیان محیی رمم باینکه هر نفسی باوامر الهیه و کتاب اقدس فائز شد از اهل لقا محسوب است . . . . .
١٧٤ — ص بافتخار ملا عباس ظهور عنایت مالک ملکوت بقا در حق ایشان
١٧٤ — بافتخار فاطمه بیگم امة الله امر جمال مبین بمشار الیها باستقامت در امر الهی . . .
١٧٥ — ص بافتخار حسینعلی ابن مرفوع علی نور امر قلم اعلی بمشار الیه باینکه در جمیع احوال بحق ناظر باشند
١٧٥ — ص بافتخار حسینعلی ابن مرفوع علی نور توجه وجه قدم بمشار الیه و ظهور عنایت در حق مشار الیه
١٧٥ — بدون عنوان بیان مولی الانام در خصوص اینکه حضرت رب اعلی سلطان مشیت و جلال خداوند و شمس احدیه و نقطه اولیه است وامر بمخاطب لوح بنصرت امر الهی . . .
١٧٧ — بافتخار جناب حاجی عبد الغفار نزول مناجات از قلم رب الایات البینات و طلب تائید در حق احباء و اماء رحمانی
١٧٨ — بدون عنوان امر قلم اعلی بمخاطب لوح بتمسک باوامر منزله در کتاب . . . .
١٧٨ — ط ص بافتخار جناب حسینعلی امر مقصود عالمیان بمشار الیه که در حین ورود بارض صاد از لسان جمال مبارک حرارت تأثر از مصیبه اسم جمال ابراز دارد (مقصود شهادت حضرت سلطان الشهداست . . . . . . . .

# فهرس

صفحه


١٧٩ — بدون عنوان امر جمال مبین باحبّاء الهی برعایت حکمت . . . . . . .

١٨٠ — ط ص بافتخار جناب سمندر امر قلم اعلی باهل بها بتمسّک بحبل امانت و وفا

١٨١ — بعنوان (امة الله) بیان مظهر رحمن بظهور موعود و تحیّر کلّ من علی الارض از مقاومت با امراد

١٨٢ — بعنوان (سمّی مقصود) نزول مناجات طلب مغفرت از قلم مظهر احدیّت درحق حسن قبل علی و تسلیت بازماندگان آن متصاعد الی الله . . . . .

١٨٣ — بافتخار جناب حاجی عبدالغفار نزول آن از سماء مشیّت مالک قدم و طلب تائید درحق مشارالیه . . . . .

١٨٤ — بافتخار جناب زین العابدین ابن علی نورالدّین صعد الی الله نصح ناصح امین مشارالیه بامانت و عفّت و وفا و باعمال طیّبه و اخلاق مرضیّه که سبب ارتفاع کلمة الله است

١٨٥ — بعنوان (یا زین) ذکر قلم اعلی در خصوص بحر بیان حق و ظهور عنایت درحق پسر زن

١٨٧ — ط بافتخار جناب مشهدی حیدر ص ظهور فضل و عنایت از قلم مظهر احدیّت قیّاض درحق حسین قبل علی و زین العابدین و علی و یدالله و روح الله و نصرالله و سیّد محمّد و ابن السّماء . . . .

١٩٥ — بدون عنوان ظهور احزان از قلم جمال رحمن بجهت صعود غصن الله الاطهر مهدی . . . .




# فهرس

صفحه


١٩٧ — بدون عنوان ذکر قلم اعلی در عدم امکان تشرّف احبّاء بلقاء و عرش و طلب تائید درحق آنان

١٩٧ — بدون عنوان امر جمال مبین بمخاطب لوح بایمان بحضرت اعلی و موعود مستغاث و ظهور بعد آن و اینکه ایشان کلّ مرایای الهی بوده و ماسوی مرایای آنها . . .

١٩٩ — بعنوان (ای علی) بیان جمال رحمن در خصوص ظهور آیات الهیّه در جمیع اشیاء و استغراق نفوس در اوهام و محتجب شدن از مقصود مانند اهل بیان که تلاوت بیان نمایند و از منزل آن غافلند . . . . .

٢٠٠ — بدون عنوان بیان جمال سبحان در اینکه خداوند سموات و ارض را اقرب از آن خلق فرموده و ذکر خلق در سته ایام نظر بحکمت بوده و اینکه ساعت و قیامت از انوار عزّ محبوب ظاهر گردیده است . . . . . . . .

٢٠٢ — بدون عنوان ذکر جمال مختار از اشتیاق احبّای الهی بلقای مخاطب لوح . . .

٢٠٢ — بدون عنوان امر قبلهٔ آفاق باتّحاد احبّاء که بواسطه آن ظهر منکرین شکسته شود و تمسّک بحبل الله در هیکل انسان ظاهر گردیده . . . . . . .

٢٠٣ — بافتخار شیخ سلمان ذکر طلعت قدم از خلوص مشارالیه از دست نفوس و اظهار عنایت بواسطه خدمات و مسافرتهای مشارالیه . . . . .

٢٠٤ — بدون عنوان بیان طلعت ابهی منّان در اینکه اگر نفسی یک آیه از آیات الهی از قلمش جاری گردد

صفحه

## فهرس

اجر لقا از جانب خداوند برای او مکتوب میشود . . . . . .

٢٠٥ — بدون عنوان بیان جمال رحمن در خصوص ارسال رسالات بملوک بعد از ورود بسجن اعظم

٢٠٦ — بعنوان یا علی اعظم که با این بیان احلی ناطق قوله جلّ و عزّ « ان یا علی ان استمع ما یوحی الیک من جهة العرش انه لا اله الا هو ... ان یا علی فی هذه الشجرة التی تنطق بالحق بانه لا اله الا هو وان علیاً قبل نبیل لعبده وبصره ونفسه ولسانه بین عباده ... لو یظهر بما کان علیه لن یقدر احد ان یتقرب به او ینظر الیه . . .

٢٠٨ — بافتخار جناب میرزا حیدرعلی جمال مبین با این علامات آیات ناطق قوله جلّ سلطانه (شهد لسانی وقلبی واحشائی وجوارحی وعروقی وشعراتی انه لا اله الا انا ربّ العالمین..

٢٠٨ — بدون عنوان ظهور عنایت جمال ابهی در حق یکی از اماء و طلب تائید . . .

٢٠٩ — ا ر بافتخار جناب میرزا علیمحمد بیان طلعت سبحان در خصوص ضوضاء معرضین و مکر ماکرین وامر با حیاء باجتناب از کتاب سجین . . .

٢٠٩ — بافتخار اخت جناب حیدر قبل علی طلعت یکوان با این اعز اعلی ناطق قوله جلّ کبریائه (این ایام اسم الهی در کمال ظهور در تصرف مشغولند اسم محیی و اسم ممیت میمیرانند و زنده میفرمایند... بر موحدین برد و سلام و رحمت لعبه و بر مشرکین سموم قهر و عذاب.

٢١٣ — بافتخار امة الله خورشید فی ارض الالف امر قلم اعلی بشارالیها . . . . . .



صفحه

## فهرس

بمجاهده مبین آن خورشید حقیقی و افروختن از افق سماء حب . . . . .

٢١٤ — بدون عنوان نزول مناجات از قلم اعلی و طلب تائید در حق یکی از اماء الرحمن

٢١٤ — بافتخار جناب محمد الذی یطوف حول العرش ظهور عنایت محبوب عالمیان در حق شاربیه و حب مغفرت در حق متصاعده . . . . .

٢١٦ — بافتخار جناب میرزا ابوطالب بیان طلعت رحمن بتبلیغ امر الهی بحکمت و بیان و عدم مجادله و منازعه و نسخ حکم قتل . . .

٢١٧ — بافتخار جناب میرزا ابوطالب محبوب ابهی با این کلمه علیا ناطق قوله عزّ و علا) امروز روزیست که محبوب لن ترانی انظر ترانی میفرماید قسم بآفتاب افق بیان که اگر جمیع من فی الامکان بآذان واعیه این کلمه را اصغا نمایند از سکر و حلاوت آن از عالم و عالمیان بگذرند و بافق اعلی ناظر شوند . . . .

٢١٨ — ق بافتخار جناب میرزا ابوطالب خطاب مستطاب حضرت ربّ الجلال بقلم اعلی و توصیف از قیام بامر الهی با وجود منع ظالمین . . . .

٢٢٠ — ط بافتخار جناب ابوطالب امر جمال سبحان باتباع حدود منزله در کتب که خداوند از اعلت حیوة اهل عالم قرار داده است . . . .

٢٢١ — ط بافتخار جناب ابوطالب نصیحت قلم اعلی باهل عالم باینکه خود را از فرات رحمت الهیه ممنوع ندارند

# صفحه — فهرس


٢٢٣ — بافتخار جناب میرزا ابوطالب ط ال امر جمال مختار بشاراليه بعدم تحزن از آنچه براو وارد گردیده و وعده نصرت . . .

٢٢٣ — بعنوان (ان یا ابوطالب) بیان محی عالم باجتناب از شرک بخداوند ولو جمیع بمخالفت برخیزند . . . .

٢٢٤ — ط بافتخار ضلع جناب ابوطالب الذی صعد الی الله بیان مقصود فی الامکان در خصوص اینکه محبت الهی بمنزله لؤلؤ است باید آنرا در صدف قلب محفوظ داشت و ظهور عنایت در حق طالب . . . .

٢٢٥ — بافتخار ابن حاجی میرزا موسی الذی رفع الی الرفیق الاعلی قد نزل لابوطالب . . . بیان قلم اعلی بظهور جمال اقدس از خلف سحاب چه اگر سحاب مرتفع شود جمیع من فی السموات و الارض بفزع آید و هر جبلی با خرّ مندک گردد . . .

٢٢٧ — ط بافتخار جناب سید ابوطالب بیان محرم در خصوص استوای موعود بر عرش ظهور و شکرانه حضرت روح از تشرف دیار بقدوم پروردگار . . . .

٢٢٨ — بافتخار جناب سید ابوطالب ذکر قلم قدم از خارج گردیدن مشرکین جمال الهی از ارض سر و قطع یکی از احباء حلقوم خود و افکندن دیگری خود را بدریا در فراغ از طلعت ابهی و فدا کردن منیر روح خود را در اقدام مبارک . . . .


# صفحه — فهرس


٢٢٩ — ق م بافتخار جناب سید ابوطالب نزول مناجات از یراعه مشرق آیات و طلب تائید در حق مشاراليه . . . .

٢٣٠ — ط بافتخار امة الله ضلع جناب سید ابوطالب بیان مظهر امر الهی در شأن اماء الله در این ظهور اعظم و امر باعمال طیبه و اخلاق مرضیه . . . .

٢٣١ — بافتخار ضلع جناب سید ابوطالب محبوب امکان باین نغمه ملکوتی مترنم قوله الاعز الاعلی (امروز روزیست که نسبت علو و دنو مرتفعست هر نفسی چه از عباد و چه از اماء بحق توجه نمود او از حق محسوب و من دون آن از اهل خسران . . . .

٢٣١ — بافتخار ضلع جناب سید ابوطالب توجه طرف عنایت مقصود عالم بمشاراليها و تقدیر از خدمات ایشان در سبیل الهی . . . .

٢٣٢ — بافتخار جناب فضل الله بیان مظهر رحمن در استوای حق بر عرش ظهور و وضع میزان و ظهور صراط

٢٣٣ — بافتخار جناب اشرف بیان جمال قدیم در اینکه نفوسی در الواح ذکرشان از قلم اعلی جاری شده اهل ملاء اعلی در عشی و اشراق آنها را ذکر مینمایند . . .

٢٣٤ — بافتخار جناب اشرف بیان محبوب عالم باینکه حق و آنچه از او ظاهر میگردد ممتاز از ما سوای است . . . .

٢٣٤ — ط بافتخار جناب اشرف ذکر جمال اقدس ابهی از مصائب وارده بر مشاراليه بواسطه اعداء و اینکه بعد از آن عنقریب آنها را ناخود خواهد نمود


Provided by the Afnan Library

# فهرس

صفحه


٢٣٥ — بافتخار داعی امر جمال مختار با جتبای الهی بنصرت امر و اجتناب از فساد . . .

٢٣٥ — بدون عنوان ذکر قلم اعلی از قرائت مکرّرت مخاطب لوح در ساحت اقدس و ارتفاع بکاء از عیون جمیع مدائن اسماء و طائفین حول و از عین الله الانور الابهی . . . .

٢٣٨ — بدون عنوان نزول مناجات از قلم منجی عالم در حقّ یکی از اماء و طلب تائید در حقّ مشار الیها . . .

٢٣٨ — بدون عنوان نزول مناجات از سماء مشیّت ربّ الآیات بیّنات طلب تائیدات الهیّه در حقّ احباء و اماء الله

٢٣٩ — بافتخار الامة علیها بهاء الله جناب ... بیان جمال سبحان در ترویج مفتریات و دعوی ... مظلومیت و مناجات طلب تائید در حقّ مخاطب لوح . . . .

٢٤٠ — هـ م بافتخار جناب محمّد قبل حسن بیان طلعت یزدان بظهور کتاب بهیکل انسان و بشارت بظهور الله . . . .

٢٤٠ — هـ م بافتخار محمّد حسن بیان مظهر حیّ قدیر در خصوص انفطار سماء بظهور مالک آن با عظمت و جلال

٢٤١ — بافتخار محمّد حسن امر جمال الهی بقوم بتفکّر در آنچه ظاهر شده و توجّه بسوی او

٢٤٢ — بافتخار جناب محمّد حسن بیان مولی الانام بظهور مکلّم طور و نصیحت مشار الیه بعدم اعتنا بشبهات منکرین

٢٤٢ — بافتخار جناب محمّد حسن ص سلطان ظهور بیان بیان اعلی ناطق قوله عزّ بیانه (( . . . قد قمنا علی الامر علی شأن با منعتنا الصفوف و لا الالوف یشهد بذلک من عنده کتاب کریم . . .




# فهرس

صفحه


٢٤٣ — بافتخار بنت ملیح مظهر احدیّه بابن نغمه لاهوتیّه مترنّم قوله جلّ سلطانه (( . . ولکن از خدا الطلب که لآلی حبیّه از دست سارقان و مظاهر شیطان محفوظ ماند . . .

٢٤٣ — بعنوان یا فضل مظهر ظهور باین کلمه اتمّ ناطق قوله عزّ بیانه (( . . اسمظلوم با وفا دوست و فادار دوست میداشت

٢٤٤ — بدون عنوان امر مالک ملکوت بمشار الیه بانکه را ببدایع کلمات الهیّه منجذب نماید

٢٤٥ — بعنوان یا محمّد قبل حسن) جمال مبین باین بیان محکم متین ناطق قوله جلّ جلاله (( اذکر من فی ارض الالف ...

٢٤٥ — بدون عنوان بیان مطلع احدیّت بانکه آیات بمثابه سراج ما بین خلق بوده و کسیکه بعد از عود نبذ نماید کاذب است

٢٤٦ — بدون عنوان مناجات جمال ابهی بساحت عزّ کبریا بانکه نفوس را بطراز حبّ خود مزیّن بدارد

٢٤٧ — بافتخار جناب فضل الله ط بیان طلعت رحمن در اینکه ارض سجن گاهی مضطرب و گاهی ساکن است

٢٤٨ — ک بافتخار ام بهاء جرب جناب میرزا رضا امر مالک ظهور بمشار الیها باداء شکرانه بدرگاه الهی از اینکه پسرش در سبیل حقّ هجرت نموده

٢٤٩ — بدون عنوان مناجات جمال مبین بدرگاه ربّ العالمین بانکه عباد و اماء خود را باستقامت و خدمت تائید فرماید

٢٤٩ *

٢٤٩ — ط بافتخار جناب محمّد صالح بهاء جر تجدید قلم اعلی از نفوسیکه صفحات ... انهار از ... با نفوس ... باز مداند

٢٥٠ — بدون عنوان بیان سلطان ظهور در بعثت حضرت آدم و ادریس و ابراهیم و نزول تورات

# فهرس

صفحه


ورنور و فرقان و آیات و بینات این ظهور اعظم و اعتراض اهل بیان و تمسک بظنون و اوهام

۲۵۱ — ط بافتخار جناب محمد علی قبل نبیل ک بیان جناب نبیل زرندی در خصوص اینکه مصائب اهل بهاء در سبیل محبت مالک اسماء در پیشگاه حضور مذکور و چنانچه امری لایق لاکم آیه بنفحه ظاهر شد برحمت خود مبدل فرمود

۲۵۲ — خلج بافتخار جناب میرزا سید علی (این لوح مبارک در صفحه ۱۱۶ همین کتاب استنساخ گردیده)

۲۵۸ — بافتخار جناب آقا سید علی نزول مناجات قلم اعلی در حق مشارالیه و طلب تائید

۲۵۹ — ط بافتخار جناب آقا سید علی ذکر جمال حق از بلایای وارده بر مشارالیه برای اعلاء کلمة الله و نزول مناجات طلب تائید

۲۶۰ — بافتخار جناب استاد قاسم ظهور عنایت مظهر فیاض در حق مشارالیه و اینکه هنگام توجه قبستان آثار اور شاهد میفرماید

۲۶۱ — بافتخار جناب ابوطالب بیان مولی العالم باینکه بقوی گرد از ما عند القوم چشم پوشیده و بما نزل من لدی الله تمسک جسته مرند تائید الهی هستند

۲۶۲ — بدون عنوان زنون ۵۲ نزول مناجات از سماء مشیت مظهر احدیت در حق مخاطب لوح و طلب تائید

۲۶۳ — بدون عنوان نزول مناجات مولی الوری در حق مخاطب لوح و طلب تائید

۲۶۴ — رشن بافتخار جناب میرزا محمد علی بیان جمال سبحان باینکه مظلوم عالمیان در حین ابتلاء بین ایادی اعداء کل سو بخداوند دعوت میفرماید در حضور علما و فقهاء مانع اظهار امر معبود

۲۶۴ — بافتخار جناب میرزا مهدی بیان نیر آفاق در اینکه آیات منزله از قلم اعلی در حق مشارالیه از صد هزار اولاد صالح افضل بوده




# فهرس

صفحه


۲۶۶ ۱۵۲ بدون عنوان نزول مناجات قلم اعلی در حق یکی از افنان و طلب تائید در حق مشارالیه

۲۶۶ — ۱۵۲ بدون عنوان ظهور عنایت مالک اسماء در حق یکی اماء رحمانی ...

۲۶۸ — ۱۵۲ بدون عنوان ظهور عنایت مظهر احدیت در حق یکی از حضرات افنان و طلب تائید در حق ایشان

۲۶۹ — ی بافتخار آقای معظم حضرت افنان حضرت باو قاف توجه طرف عنایت محبوب عالم بمشارالیه و شکوه از منکرین و ذکر اینکه یومی در علم الهی مکنون است که یوم حشر الواح و نشر آیات خواهد شد


Provided by the Afnan Library

بنام محبوب عالمیان
هذا یوم فیه فازت الآذان باصغآء باسم الکلیم فی الطور و ابتهجت
فی المعراج والروح اذ صعد الی الله المهیمن القیوم طوبی از برای نفسی که ایام الله را ادراک نمود
و بر امرش مستقیم ماند جمیع کتب و صحف الهی بر عظمت این امر گواهی داده و لکن اکثری از نفوس
از آن غافل و بی خبر اشتغال بدنیا عباد را از مالک اسماء منع نموده عنقریب بنوحه و ندبه قیام نمایند
و لکن از برای خود ناصر و معین نیابند الا بان توبوا و رجعوا الی الله العزیز العطوف یا ایتها
الورقه ان استمعی ندآء ربک انه یذکرک فی سجنه الاعظم بما یتضوع منه عرف عنایة ربک
العزیز الودود ان اعرفی مقام هذا اللوح ثم احفظیه باسم ربک مالک الوجود

مقابله شد

بسم الله العلی الاعلی
هذا کتاب من لدی البهاء الی الذی سافر الی الله و کان من المهاجرین
فی اللوح مذکوراً الی ان دخل السجن هذا المقر الذی فیه نزل البلاء من سحاب القضاء فی کل حین
ان یا عبد طوبی لک بما سکنت انه فی سبیل الله واحتملت المشقة فی طرق رضائه و توجهت
الی شطر الذی قد کان الوجه عن افق الحزن فیه مشرقا ان استقم علی حب مولاک و لا تحزن عما ورد
علیک ان اصبر ثم اصطبر انه یوفی اجور الذین هم صبروا ابتغاء الوجه و انه کان علی کل شیء قدیرا
قل ای رب انا الذی توجهت الی شطر رضائک و الطافک و قصدت حرم امنک و امانک
اذا لا تحرمنی عما عندک ثم قدر لی ما یقربنی الیک و یقطعنی عن دونک انک قد کنت علی کل شیء محیطا
ای عبد مهاجر بشنو ندای این عبد محزون را و شکر کن محبوب عالمیان را که بعرفانش فائز شدی
و از شمال وهم بیمین یقین وارد گشتی و در سبیل رضایش از راحت گذشتی و بشطر عنایتش توجه نمودی
و بمشقتهای وارده صابر بودی جمیع این مراتب از فضل پروردگار عالمیان است چه که اگر

Provided by the Afnan Library

ارياح عنايت که از يمين فضلش بر هبوبات عباد را اخذ نمايد احدی برضايش موفق
نشود و بغفرانش فائز نگردد چنانچه مشاهده ميشود بسی از عباد که ليالی و ايام منتظر حق بوده اند
و بعد از ظهور احدی بعرفانش فائز نشد الا من شاء ربک لذا بايد اين عباد در کل حين بفضل
بديعش شاکر باشيم و از او توفيق طلب نمائيم که بر حبش مستقيم باشيم و از دونش منقطع عنقريب
ايام عمر باخر رسد و جميع با بندگان در تحت تراب ماوی گيريم و در آن مقر جز عنايت او
معينی نه و مونسی نخواهد بود غنی و فقير عالم و جاهل عزيز و ذليل کل در آن مقر بقدر يک قسم وارد اند
و افتخارات و امتيازات عالم ملکيه بالمره مرتفع شود و هيچ چيز در آن محل بکار نيايد مگر عنايت
فضلش پس بايد از خدا طلبيم که از فضل و عنايتش محروم نمانيم و از کوثر رحمتش بی نصيب نگرديم
و در اين چند روزه فانيه از ذکرش غافل نشويم و بدونش توجه ننمائيم و در حين نزول شدائد
و بلايا صابر باشيم و در موارد نعمت و رخاء شاکر و الروح عليک و علی الذين هم توکلوا علی الله
الفرد الواحد الاحد الصمد المقتدر المهيمن القيوم و الحمد لله الملک المقتدر المحبوب

مقابله شد

هو العزيز

هذا کتاب الله المهيمن القيوم قد نزل بالحق من لدن عزيز محبوب و ينطق بالحق فی
ملکوت البقاء ثم فی جبروت العماء بانه لا اله الا هو يحيی من يشاء بفضل من عنده و ان اليه
کل يرجعون له الخلق و الامر کل عنده فی کتاب محفوظ ان يا خليل اسمع ما يناديک
فی جبروت الامر و لا تکن من الذين هم بآيات الله لا يهتدون قل يا قوم اتق الحق قد شقت ثياب
القدس و طلع غلام الروح بجمال الله العزيز المحبوب اياک ان لا تجالس مع الذين لن تجد منهم
رائحة الحب من هذا الملک المرسل المشهود دعهم لانفسهم لانهم عتوا فی الامر و تمادوا فی القول و [illegible]



هم لا يشعرون قل يا قوم قد کنتم فی حجبات الوهم فی ايامکم بحيث ما عرفتم مراد الله فی الواح المکنون
کذلک تتلی لک الآيات لئلا يحرمک عن صراط ربک اعراض الذين هم کفروا و اشرکوا
و کانوا علی اعقابهم ينقلبون و انک انت فاستعذ بالله ربک ثم انقطع عن دونه و انه يکفيک عن
کل من فی السموات و الارض و عن کل ما کان و ما يکون و يحفظک کما حفظک من قبل و يرزقک ما لا
رزق به احد الا الذين هم توجهوا الی ميادين القدس و کانوا الی شطر القدس هم يقصدون
کذلک يرفع الله من يشاء و يخفض من يشاء بفضل من عنده و انه لهو الحق علام الغيوب و اذا
رايت الذبيح الذی خرج عن السجن اکبر من لدنا علی وجهه ثم تبشر به ذکر من عندنا ليکون
من الذين هم کانوا ببشارات الله هم يستبشرون قل يا عبد فاشکر الله بارئک بما نجاک من السجن
ثم اسمع بان لا تدخل فی سجن اخری و تکون من الذين هم کانوا فی سجن انفسهم غافلون قل انا
راينا کمن قبل فی وهم عظيم بحيث حضرت بين يدی الله ربک و ما اشعرت بذلک و کنت
من الغافلين و لو لا انا سترنا الوجه عنک و غطيناه بتحت الف حجاب لئلا تطلع عليه و کذلک
نفنا عينک و عيون المستضعفين قل يا عبد فاخرق سبحات الوهم ثم اخرج عن خلف الحجاب
بسلطان مبين و ان لن تقدر بنفسک علی ذلک فاستعن باسمی العزيز المقتدر القدير ثم تنح فی
اول الامر عنک ثم عباد الله و لن تزن الله بين بريته و ذکرهم بما علی صوتک و لا تخف من احد
فتوکل علی الله العزيز المنيع قل يا قوم فانصفوا بالله فی انفسکم و لا تکونن من المعرضين ثم اتل عليهم
ما نزل علی محمد رسول الله بلسان عربی مبين لا يجادل فی آيات الله الا الذين کفروا کذلک نزل
بالحق من لدن عزيز جميل ان يا قوم فاتقوا الله و لا تجادلوا فی آياته اذا انزلت بالفضل و لا تکونن
من المسرفين کذلک ينبئکم حمامة القدس و ينصحکم بالحق لئلا تکونن من الغافلين

مقابله شد

Provided by the Afnan Library

هو العزیز
هذا کتاب یذکر فیه کلّ خیر فضّل من لدی الله العلیّ العظیم و یصل کلّ نفس رزقها علی ما هی
علیه ان اشهد من العارفین فطوبی لمن لم یمنع عن نفسه ما قدّر له و یکون من الزاهدین و نسئل الله فی کلّ
حین بان لا یسدّ ابواب الرحمة علی وجهه و لا ینقطع عنه ما نزل من سماء عزّ منیر کذلک امرنا العباد
من اول الذی لا اول له و ما نراهم منتبهة بالحقّ ان اشهد من العارفین ثم اعلم بان حضرت بین یدینا کتابک
و عرفنا ما فیه و کنّا من الشاهدین و قدّرنا لک جزاء ذلک فی سماء القدس خیرا کثیرا الذی لا یحصیه
احد من العالمین کذلک نثنا علیک کما منّا علی عبادنا المقرّبین لتستقرّ فی ذاتک و تکون ثابتا فی
حبّه لا کره انه ما من اله الا هو و انه ولیّ المحسنین و اطّلعنا فی کتابک بما صنعت لنا فوا شأنی من
الذی یقبل المنسوج وارو ... ان ترسلها عندنا و تکون من المرسلین فاعلم بانّا قبلنا منک و نسئل الله
بان یجزیک بما جزاه حسنا و یرزقک عرفان نفسه و انّ هذا اخر عطا فی السموات و الارضین و
لکن بهذا القبول و هذا ذلک لانّا احببنا ان نقعد علی التراب فی هذا السجن البعید و لا ینبغی للمسجون
بساط الحریر ان اشهد من العارفین و ان لن ترضی بذلک فارسلها الی اسم المنیب لیفعل ما هو المقصود
کذلک امرناک فی هذا اللوح لتکون من العالمین و ذکر نفسک ثم اکتب بان لا تغفل عما القی الروح علیه
حین الذی کان جالسا بین یدی الله المهیمن العزیز القدیر و لا تکن فی ریب فیما نزل علیه و تکون من
الراسخین قل بالله قد فزت بما فاز به احد من العالمین لانّ الناس ان فازوا بین یدی الله ما عرفوه
و لمّا فازوا بما فزت به علی ما کنت علیه کذلک یلقیک احد ان انت من الموقنین ان استقم
علی حبّک بحیث لو یحرقون علیک اسیاف کلّ من فی العالمین و ینادیک المشرکون بکلّ ما علی الارض
و بکلّ بکر مبین انّک تقوم فی مقابلهم بقدرة الله و سلطنته و قوّة الله و عزّته بحیث لن تضطرب فی
نفسک و لن ترتدّ البصر عن هذا الوجه المبارک المنیر و انّک اذا انقطعت عما اتقنت کلّ من خرج ام الحکم
تنقطع ان تطیر بسمی فی ممالک البقاء مقام الذی لن تطیر الیه طیور الافئدة و لا عقول الموحّدین کذلک

الهی ذکر



الهمناک و ملّکناک و القیناک بما یحفظک عن رمی الشیاطین فاحفظ هذا اللوح ثم اقرئه فی اکثر الایام
لتطّلع علی ما اراد الله لک فیه و تکون من الزاهدین و الروح و التکبیر علیک و علی ابیک و علی
کلّ من آمن بالله و آیاته من کلّ اناث و ذکور و صغیر و کبیر .

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران

هو
سید لطف الله

هو العزیز الحکیم قد توجّه وجه القدم الی العالم و انّه لهو الاسم الاعظم ینادی ما علی النداء و یبشّر
من فی ملکوت الانشاء الی الله مرسل الارباح ان الذی سمع و اقبل انّه من اهل الفردوس فی الکتاب
انّه یصلّی علی الذین نبذوا میثاق الله و عهده یشهد بذلک لسان الله من اعلی المقام طوبی لنفس علمت
ما انزله الرحمن فی کتابه الاقدس الذی تزیّن بالاحکام قل انّ الکتاب هو سماء قد زیّنّاها بانجم
الاوامر و النواهی یشهد بذلک من عنده امّ الالواح ان الذی اخذ کتاب الله بید القوّة انّه
من اهل البهاء و الذی اعرض انّه من اهل الضلال کذلک نطق لسانی و تحرّک قلمی توجّه وجهی لتعرّج
و تکون من اهل الایقان قد نزل هذا الکتاب لمن اقرّ بالله مالک المبدء و المآب .

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران

ک ز آقا سید مرتضی

هو الناطق من اعلی المقام یا ملأ الادیان ان استمعوا نداء الرحمن انّه ارتفع بالحقّ فی هذا المقام
الذی سمّی بالسجن الاعظم فی لوح حفیظ ایاکم ان تمنعکم مقالات الذین اعرضوا عمّا ابتعوا و انکروا
ان اقرّوا بالله ربّ العالمین قل ان اقرأوا ما انزلناه من سماء الفضل و تفکّروا فیه یا ملأ الغالب القدیر

Provided by the Afnan Library

ان الذی یستطیع ان یسخّر العالم باشارة من قلمه قد صار مظلوماً فریداً فی هذا المقام البعید ایاکم ان تحزنکم الدنیا بما تمرّ ابها تستغنی نفسه بذلک ما نزل فی ازل الآزال من لدی الله المهیمن العلیم دعوا العالم عن ورائکم ثم اعملوا ما امرتم فی کتاب الله الاقدس انه نزل من سماء مشیة ربکم العزیز المنیع ان اشکروا بما سقاک الله رحیق وحیه انه لهو الفضّال القدیم البهاء علیک و علی الذین فازوا بانوار الایمان فی هذا الفجر المنیر .

مقابله شد محفل روحانی بهائیان طهران

جناب میرزا محمد ... علیه بهاء الله

بسم المهیمن علی من فی الارض والسماء

ذکر من لدی المظلوم الی الذی آمن بالله المهیمن القیوم لتجذبه نفحات الذکر والبیان الی افق ظهور ربه الرحمن المقام الذی فیه ینطق الذرات الملک لله مالک الغیب والشهود قد حضر اسمک لدی المسجون فی سجنه الاعظم ذکرناک بما لا تعادله اذکار الامم ان ربک هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون انا اظهرنا السبیل و انزلنا من سماء الفضل ما تنوّرت به القلوب و قرّت به العیون طوبی لمن شرب رحیق الوحی من کأس عطاء ربه و فاز بلقائه بما منعها خوف الذین کفروا بالله المقتدر العزیز الودود اذا فزت بآیاتی و وجدت نفحات البیان من قمیصی قل الهی الهی لک الحمد بما ذکرتنی من شطر سجنک و انزلت لی ما تحیّرت منه العقول و عرف عطائک اسئلک ببحر فضلک و ما سترتیه من شئ لی عملک و حکمک بان تکتب لی من قلمک الاعلی ما یکون شفاء للامراض و دریاقا لضعف الاجساد ای رب ترانی متقبلاً الیک و متمسکاً بحبل عنایتک و فضلک بان تجعلنی خادماً لذکرک بین عبادک و ناطقاً بثنائک فی بلادک انک انت الذی شهدت الکائنات بقوتک و قدرتک و الممکنات بعظمتک



و سلطانک لا اله الا انت الفضّال الکریم .

مقابله شد محفل روحانی بهائیان طهران

جناب محمد علی ... علیه بهاء الله

بسمی الذی به ماج عرف الرحمن فی الامکان

هذا یوم فیه نادی المناد امام وجوه العباد الملک لله رب العالمین قد ظهر البحر الاعظم و اظهر ما فیه لئالی الحکمة والبیان التی کانت مکنونة مخزونة فی اصداف امر الله من لدی الله العزیز الحکیم قد اتی الوعد و الموعود امام وجوه الاحزاب و الملأ الاعلی ینطق بما امر به من لدی الله المقتدر القدیر بحیث ما ضعفته قوة العالم و ما منعته شوکة الملوک والسلاطین قد انزلنا الآیات و اظهرنا البیّنات لهدایة العباد و شهد بذلک من عنده کتاب مبین انا ذکرناک باسمی فی السجن و سقیناک من بحر البیان اقبل الیک و ذکرناک بما لا یعادله دوام ملکوت ربک الغفور الکریم انک اذا فزت بوحیی و وجدت عرف آیات ربک قل الهی الهی یشهد بظاهری و باطنی و ارکانی و جوارحی و عروقی و شعراتی بوحدانیتک و فردانیتک و بانک انت الاول و الآخر و الظاهر والباطن ای رب اسئلک بنفحات وحیک بان تقدر لی ما یقربنی الی انوار وجهک و ما تقربنا الیک و ساقنا الی آثار قلمک الاعلی و بانک الاعلی وقفنا علی خدمة امرک یا رب الوری ای رب تری الضعیف تمسک بحبل قوتک والفقیر قصد باب غنائک اسئلک ان لا تخیبه عما اراد من بحر جودک و سماء کرمک انک انت الفضال الکریم لا اله الا انت العزیز العظیم .

مقابله شد محفل روحانی بهائیان طهران

Provided by the Afnan Library

بسم الله العزیز العلیم قد هبّت روائح الفضل حینئذ من جهة عرش عظیم ان اقبل الیها لکی تشکر
من ورآء الغیب و تقدّسک عن اشارات الذین هم کفروا و تجعلک خالصاً لوجه محبوبک العزیز الفرید
توکّل علی الله ثمّ انقطع عمّا سواه ثمّ استغن عن العالمین انه یحبّ من احبّه و یؤیّد الذین هم نطقوا بثنآء
نفسه بین عباده الراقدین قل ان ربّکم الرحمن اراد ان یقرّبکم الیه اتم تفرّون منه فما لکم یا معشر
الغافلین قد غشّتم فی اکثر ایامکم اذا فاستیقظوا ثمّ انظروا الی منظر الاکبر مقرّ الذی استضآء فیه وجه الله
العلیّ الحکیم کذلک القیناک قول الحقّ لتذکر الذین تجد من وجوههم نضرة النعیم و البهآء علیک و علی
الذین هم فازوا بعرفان الله الملک العدل المعلی العزیز الرحیم والحمد لله ربّ العالمین ... مقابله شد

جناب شیخ محمد الذی حضر لقاء الوجه

بسم الله الاقدس الابهی هذا کتاب من لدنّا الی الذی اقبل الی الله و انقطع عمّا سواه الا انّه ممّن
فاز بلقاء الله المهیمن العزیز الحکیم و طاف کعبة الله الی ان دخل فیها باذنه و حضر تلقاء العرش بخضوع
مبین عمت ابصار الذین منعوا العباد عن الورود فی فنآء رحمة ربّهم الغفور الکریم کذلک اراد ان یحضر تلقاء
الوجه سکرت ابصار الذین کفروا بالله و منعوا احبّائه عن التوجّه الی وجهه المشرق المنیر ان یا محمد
اسمع ندآء الله عن شطر اسمه الابهی ثمّ انظر فی اولی الفرقان الذین کفروا بآیات الله العزیز الحکیم
ینسبون انفسهم الی محمد رسول الله انه یبکی و ینوح و هم لا یفقهون یعترضون علی آیاته و یقتلونه بالظلم
و یا لیتهم یعجزون و لا یشعرون قل انه ینادیکم من الرفیق الاعلی و یقول یا قوم هذا هو الذی بشّرناکم به و انّه
هذا محبوب العالمین هذا لهو الذی لولاه ما ظهرت نفسی و ما نزل الفرقان و الانجیل اتّقوا الله و لا تتبعوا



الذین یدعونکم الی الهوی انّ هذا المنظر الابهی توجّهوا الیه من شطر قریب و بعید ایاکم ان تضیّعوا حرمة الله
بینکم ضعوا ما عندکم و خذوا ما اوتیتم من لدن علیم حکیم ان یا محمد طوبی لک بما سمعت الحان ربّک و فزت
بلقائه بعد الذی حبس جمال القدم فی السجن الاعظم اذاً یشهد کلّ الذرّات بانّک انت من الفائزین ان
اقصص لاحبّائی ما رأیت و سمعت و عرفت لئلّا یمنعهم البلاء عن مالک الاسماء کذلک ینادی ربّک العلام من لدن
علیم حمید انّا نوصیک و احبّائنا بتقوی الله و الانقطاع عمّا سواه لیظهر منهم ما ینجذب به افئدة العالم ان یا
نصر الله ربّک بین السموات و الارضین ان اشکر الله بما وفقت بلقائنا حینئذ الله تطوف لائکة المقربین
و دخلت بقعة الله باذن من لدنّا و خرجت بامر من عندنا ان ربّک یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید لا تحزن
عن الخروج فاسئل الله بان یجعلک و من اتبعه یا حج و هذا اعظم الاعمال عنده غنی المتعال و لکن اکثر
هم لا یعرفون قد منع البقعة الطاهرة انا نقصد ما ابتغیه القلوب کذلک یذکّرک ربّک العلیم قل یا قوم لا تفسدوا
فی الارض و لا تتبعوا کلّ جبّار عنید منعوا احبّائی بان یدعوا الناس بالحکمة و البیان الی بحر الرحمن
قد منع الجدال فی هذا الظهور العزیز العظیم قد منع الناس من احجاب انفسهم لو عرفوا انّه و ما عندهم و اقبلوا
الی شطر الله الذی فیه اشرق جمال القدم بسلطان مبین ان ربّک اراد نصر احبّه انه لهو الغفور الرحیم
و اراد ان یحمل من علی الارض کلّها فی ملکوته المقدس العزیز المنیر لا تنظر الی الذین ظلموا احبّائی انّهم غفلوا
و عزّوا انفسهم و ما انفسهم فی سبیلی سوف یأتی یوم فیه یبصرون انّا مهم من اشیائهم و یبکون علی انفسهم کذلک
قضی الامر من لدن مقتدر قدیر کبّر من قبلی علی وجه احبّائی قل طوبی لکم بما فزتم بعرفانی و استقمتم علی الامر
الذی زلّت عنه اقدام الذین یحسبون انّهم مخلصون الا انّهم من المفسدین و یشهد بذلک حامل عرش
عظیم و الحمد لله ربّ العالمین . مقابله شد

Provided by the Afnan Library

هو الله

بنام خداوند یکتا    ایامی که در کتب الهیه از قبل مسطور بود ظاهر و مشهود و صبح ظهور از افق اراده روشن
و منیر و بحر علم ربانی که از الواح آسمانی بود در امکان بکمال ظهور و امواج باهره آفتاب حکمت و معانی
از مطلع مشیت سبحانی مشرق و لائح ولکن قلوب را حجبات منع نموده و ابصار را رمدهای نفسانیه از
مشاهده محروم ساخته چنانچه مشاهده میشود با آنکه ندای الهی در کل حین مرتفع است ناس ممنوع و پژمرده
بلکه مرده ملاحظه میشوند مگر معدودی که از کوثر عرفان رحمن آشامیده و سرمست در انجمن امکان بذکر
دوست یکتا ناطق و مشغولند طوبی لهم ثم طوبی لهم لعمری ان لهم حسن مآب دوستان آن ارض طرّاً
لدی الباب قائمند و در ظل سدره عنایت ساکن و قلم اعلی جمیع را بآیات کبری ارسیفرماید چه که
شیاطین در کمین بوده و هستند و هر باطلی بلباس حق ناس را اگراه مینماید لذا باید نفوس متمسّکه
بر امر الله مستقیم باشند بشأنی که بعد از عرفان حق و عنایات او خود را غنی و مستغنی از عالم مشاهده نمایند
اینست مقام اهل بهاء که از قلم اعلی در صحیفه حمراء ثبت شده طوبی للعارفین و نعیماً للفائزین

مقابله شد ... طهران

هو الظاهر من الافق الابهی    قد جری بحر الحیوان فی الامکان طوبی لمن شرب و شکر ربه المعطی الکریم
ان الذین اعرضوا عن نفحات القمیص فی ایام الله اولئک منعوا عن رحمته والطافه یشهد بذلک کتابی
الکریم طوبی لمن اخذت النقطة کل البریة اظهرنا نفسنا الحق فضلاً من لدی العزیز الحکیم من الناس من تمسک
بالنقطه و منهم من قصد المقصد الاقصی و فاز بانوار وجه ربه الخبیر قل یا ملأ الارض تعالوا ثم انصفوا
فی امر الله رب العالمین ان تنکروا هذا الظهور الاعظم بای برهان تثبت ما انتم علیه فأتوا
به ان انتم من الصادقین کذلک ذکرناک لتقول لک الحمد یا اله العالمین البهاء علی



مقابله شد ... بهائیان طهران

اهل البهاء من لدی الله مقصود العارفین .

جناب میرزا سید محسن علیه بهاء الله

یا ایها المتکئ علی الاغصان    ذکر من لدی المظلوم الی من شرب الرحیق المختوم اذ اتی القیوم من سماء
البیان ببرهان مبین کتاب من لدی المسجون الی الذی اقبل الی السرّ المکنون الذی ظهر و دعا الاحزاب
فی المآب الی الله رب العالمین قل بالله کشفت الحجبات و خرقت السبحات اذ اتی منزل الآیات
بسلطان غلب من فی السموات والارضین ان اشکروا علی المقام الذی من سمی بالعبد الحاضر لسان
الله الآمر القوی الغالب القدیر و قرء لک ما ورد لدی الوجه و جد منه عرف بیانی و حبک من انقضه
اکثر العباد و اقبالک الی من اعرض عنه کل متعدّ اثیم احبابک بهذا الفرح العزیز البدیع انک اذا ارت
به و ول وجهک الی کعبة الله رب العرش والثری و مولی الوری قل الهی الهی لک الحمد بما سقیتنی ما جری
من قلمک الاعلی و عرّفتنی ما منع عن عرفانه اکثر الوری اسئلک اللهم یا الهی باسمک الفضال و اسئلک اللهم
یا الهی باسمک الذی به سخرت ملکوت الاسماء بان تجعلنی من الذین نبذوا الاوهام وراء ظهورهم مقبلین الی
ما انزلته من سماء مشیتک فی کتابک العظیم ای رب ترانی متمسکاً بآیاتک الکبری و متحداً بنفحات وحیک یا فاطر
السماء اسئلک بنور کلمتک العلیا و بسلطنتک التی غلبت الاشیاء بان تجعلنی فی کل الاحوال ثابتاً علی حبک و راسخاً
فی امرک و مستقیماً علی صراطک المستقیم و نبأک العظیم ثم قدر لی یا مولی العالم و مقصود الامم خیر ما قدرته لامنائک
فی کل عالم من عوالمک انک انت الغفور الکریم لا اله الا انت العلیم الحکیم .

مقابله شد ... بهائیان طهران

بسی اذن بر

Provided by the Afnan Library

بسمی الذی به ماج بحر العرفان امام وجوه الادیان حمد مقدس از ادراک کائنات و عرفان ممکنات
ساحت امنع اقدس حضرت قیومی را لایق و سزاست که فرداً واحداً امام وجوه عالم قیام نمود و کل را
بنبأ اعظم بشارت داد [illegible] قلم تعطیل الله بایشان [illegible] و رایة انه لا اله الا هو را علی المقام منصوب
جنود و صفوف عالم و ضغینه و بغضای امم او را از اراده باز نداشت بید و بیده ملکوت کل شیء ختم رحیق
مختوم را گشود و عباد را بان دعوت فرمود تا کل بیاشامند آنچه را که از برای آن بوجود آمده‌اند ولکن
کل باعراض قیام نمودند الا من شاء الله جل جلاله در جمیع کتب عباد خود را بشارت داده بظهور این امر
اعظم و نبأ عظیم ولی از برای نفسی که بحجبات علماء و سطوت امراء او را از صراط الهی منع نمود و از بحر بیان
محروم نداشت نامه آن جناب که بعبد حاضر ارسال نموده لدی المظلوم حاضر و عبد حاضر عرف ذکرک
و بیانک و رأینا توجهک و اقبالک فی ایام الحین نسئل الله ان یؤیدک علی ذکره و ثنائه و یجعلک
من الذین ما منعتهم لومة لائم و لا ضوضاء من اعرض عن الله رب العالمین انک انا وجدت عرف قمیص
و ذرت به حین بیانی قل الهی الهی لک الحمد بما هدیتنی و عرفتنی مشرق آیاتک و اسمعتنی صریر قلمک و دللتنی
الی صراطک اسئلک بقدرتک التی احاطت الکائنات و بامرک الذی احاط الممکنات و باسمک الذی
به تحرک کل عظم رمیم و ظهر کل امر حکیم بان تجعلنی ثابتاً علی امرک و راسخاً فی حبک بحیث لا تمنعنی اسباب العالم
من التقرب الی اسمک الاعظم ای رب ترانی مقبلاً الیک و متمسکاً بحبلک اسئلک بانوار ملکوتک و اسرار
جبروتک بان تکتب لی من قلمک الاعلی ما یکون معی فی کل عالم من عوالمک ثم احفظنی یا الهی من شبهات
المنافقین و اشارات الذین [illegible] انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الرحیم انتهی
درباره اخوی محمد ابراهیم ذکر نمودی [illegible] فی هذا الحین [illegible] الله رب العالمین یا محمد ابراهیم
اسمع نداء المظلوم من شطر السجن انه یذکرک و یوصیک بالاستقامة علی هذا الامر الاعظم و بالامانة
والعفة و بما ترتفع به امر الله بین العباد انه هو الناصح العلیم از ظلم ظالمین محزون نباش این ایام



بیت رسل و خاتم انبیاء نگر ما پچنین در ایام روح بن مریم وارد شده بر ایشان آنچه که سحاب صیحه زد
و سماء نوحه کرد و بعد انوار امر آفاق را احاطه نمود اسم و رسم مشرکین کل معدوم راجع و علم انه لا اله الا هو
را علی المقام منصوب از برای سرادق [illegible] تقدر [illegible] اذا جاء اجله یظهر بالحق ان ربک هو
المبین العلیم و نذکر اخاک الاخر الذی سمی بغلام رضا لیفرح و یکون من الشاکرین یا غلام نذکرک من لدی
الامام من شطر السجن و نبشرک بعنایة الله العزیز الحمید در جمیع احوال ناظر باش و در امور بر او توکل نما
متمسکاً بالاسباب انه هو المقتدر العلیم الحمد لله ذکرت لدی المظلوم مذکور و بکلمه علیا من لدی الله مولی
الوری فائز شدی بمقام این مقام اعظم را دان و قل الهی الهی ایدنی علی حفظ هذا المقام ثم اکتب لی
ما کتبته لعبادک المخلصین انک انت ارحم الراحمین جناب ابن علیه بهائی مکرر ذکر شما و جناب آقا
محمد اسمعیل را نموده لازال ذکر دوستان از قلمش جاری نذکره من اقبل الی الوجه و نسئل له ما یحفظه و نفضل
والعطا و ما یکون باقیاً ببقاء ملکوت الله المقتدر القدیر و آنچه درباره توجه بان شطر ذکر نمودی آن
ایام غافلین [illegible] و ناس بیچاره [illegible] نسئل الله ان یکتب لکم اجر الحضور و اللقاء انه هو
السامع المجیب اولیاء را از قبل مظلوم تکبیر برسان [illegible] الی [illegible] البهاء من
لدنا علیک و علی من معک و علی الذین ما منعتهم شئونات الاشیاء عن التوجه الی الافق الاعلی [illegible]
لبیک یا اله من فی السموات و الارضین و لبیک یا مقصود العارفین و محبوب المقربین .
مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران [illegible]

جناب رضا خان ا علیه بهاء الله
هو الناصح العلیم ان المظلوم یذکرک لوجه الله و یذکرک بآیاته المهیمنة علی من فی السموات و الارضین
قد اشرق النور من افق سماء البیان و به اشرقت الارض ولکن القوم فی حجاب مبین هذا یوم

Provided by the Afnan Library

فیه ینادی الذرات یا ملأ الله آه و انت تری اکثرهم من الغافلین اسمع ندآء المظلوم ارفع یدیک
ثم اخرق بهما حجبات الموهوم بامر ربک القیوم لتری ما کان مستوراً عن العیون و مکنوناً فی علم الله
رب العالمین اذاً اجذبه بک حفیف سدرة المنتهی و اخذتک رحیق اسمی الابهی قل الهی الهی لک الحمد
بما هدیتنی و لک الثناء بما عرفتنی و لک الشکر بما ایدتنی فی یوم فیه اعرض عنک اهل مملکتک اسئلک یا
مولی العالم باسمک الاعظم بان تجعلنی من الذین اقبلوا و سرعوا الی ان اخذوا کوثر البقاء من ید
عطائک و شربوا باسمک من عبادک ای رب انا عبدک و ابن عبدک اقبلت الی افق ظهورک
و مشرق آیاتک و مطلع انوارک و احکامک اسئلک ان لا تجعلنی محروماً عما قدرته للمنقطعین من عبادک انک
انت الجواد الکریم لا اله الا انت العلیم الحکیم .

مقابله شد

جناب سید صفدر علیه بهاء الله

هو الشاهد العلیم یا صفدر ان شاء الله ظلمت ظلم و نفاق آفاق را بانوار عدل و اتفاق مبدل سازد
امروز روز ذکر است و امروز روز خدمت است و خدمت حق جل جلاله تبلیغ امرالله بوده و هست
جهد نما تا در ایام الهی فائز شوی بآنچه مقصود از خلقت و آفرینش است ان شاء الله از بحر عرفان
حضرت رحمن بنوشی و بنوشانی من احیی نفساً کانما احیی الناس جمیعاً امروز عالم بانوار وجه مالک
قدم منور و روشن است طوبی از برای نفسی که بمقام این یوم مبارک پی برد و از فضلش نصیب
برداشت قل سبحانک یا الهی اشهد بما شهد به لسان عظمتک قبل خلق سمائک و ارضک انک
انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت فی علو القدرة و القوة و الجلال و سمو الرفعة و العظمة
و الاجلال اسئلک بانوار وجهک و اسرار کتابک و مشارق وحیک و مطالع الهامک بان تجعلنی



علی الاستقامة علی امرک الذی به زلت اقدام العلماء و الفقهاء الا من انقذته بفضلک و الطافک
انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم .

مقابله شد

جناب شیخ محمد علیه بهاء الله

هو الشاهد السامع العلیم یا محمد ان اذکر اذ خرجت من مقرک شوقاً للقاء الله رب العالمین
و قطعت البر و البحر الی ان حضرت تلقاء الوجه و شربت کوثر اللقاء من ید عطاء ربک الغفور الرحیم
انه الذی هاجرت و سافرت الی ان وفدت و حضرت بمقر و رأیت ما قدر [؟] الله
العلیم الخبیر طوبی لعین رأت افق الاعلی و لاذن سمعت نداء الاعلی و لقلب اقبل الی تلقاء العزیز المنیع
تمسک بعروة حکمتی و تشبث بذیل عنایتی ثم انطق باسمی بین عبادی لتجذبهم نفحات بیانی و تقربهم الی البحر
الاعظم الذی کل قطرة منه ینادی انه اتی مالک الملک من عند العزیز الجلیل یا محمد قد خلقنا العالم
لهذا الیوم الاعظم فلما ظهر انکره علماء الارض و بانکارهم انکر العباد یشهد بذلک کل عارف بصیر [؟]
الله بان یخرق الحجاب الاکبر باصبع القدرة و القوة و لا قوة الا به یهدی الکل الی ما اراد
فی یومه العزیز البدیع کبر من قبلی علی من شرب الرحیق المختوم باسمی القیوم علی شأن ما منعته اشارات
الغافلین قل یا قوم قد فزت بما لا یعادل به کنوز الارض کلها ان افرح و کن من الشاکرین طوبی لک
یا محمد بما اقبلت الی الامر علی ذکر المظلوم و ثنائه بما ینبغی لمن تزین برداء الانصاف و فاز
بعرفان الله العزیز الجلیل انا نوصیک بالحکمة فی کل الامور لئلا یظهر ما یرتفع به ضوضاء المنکرین کذلک
زینا سماء اللوح بشمس کلمتی طوبی لمن اخذ باسمی و ویل للمعرضین البهاء علیک و علی من معک [؟]
الذین تمسکوا بحبل الیقین .

مقابله شد

Provided by the Afnan Library

جناب ملا کریم علیه بهاء الله

انا السامع المجیب سبحان الذی انزل الآیات و اظهر البینات و دعا الکل الی صراطه المستقیم من الناس من اخذه سکر خمر علاوة البیان علی شأن نبذ العالم و اقبل الی الاسم الاعظم و منهم من تمسک بالهوی معرضا عن الله مولی الوری کذلک نطق قلمی الاعلی فی مقامه العزیز الکریم قد حضر کتابک و عرضه العبد الحاضر لدی المظلوم اذا انطق لسان العظمة بما لو تلقیها علی الارض لتجدها تطهر سحاب الاوراد الحمراء بما سرت علیها نسمة الله رب العالمین طوبی لک بما نبذت الاوهام و اقبلت الی الله اذ اعرض عنه العلماء و الفقهاء الا من اید الله فضلا من عنده و هو المقتدر الغالب العلیم الحکیم طوبی لک و لمن اتاک کلمة الله المطاعة و عرفک الفرقان و هداک الی سبیله و سقاک کوثر العرفان باسم ربه العزیز العظیم خذ کاس البقاء باسم ربک مالک الاسماء ثم اشرب منها رغما لمن اعرض و کفر بالله مالک یوم الدین قل یا ملأ الارض بالله قد ظهر ما کان مستورا فی کتب الله و اتی من کان موعودا بلسان المرسلین دعوا ما عندکم ثم اقبلوا الی الافق الاعلی المقام الذی ینطق فیه لسان العظمة الملک لله المقتدر العزیز الحمید کذلک ماج بحر البیان و هاج عرف قمیص الرحمن طوبی لمن رآی و وجد و ویل للغافلین ان افرح بما غفر الله لک و قدر لک ما اراد فضلا من عنده و هو المشفق الکریم

مقابله شد

کرمانشاه جناب آقا سید مرتضی علیه بهاء الله

هو الاقدس الاعظم امروز روز بیان آیات باید اهل بهاء بکمال رفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند احباء و طالبان ارواح اند باید بنفوس بکوثر نفحات کلمة الله



احباء را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح مبین مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و بتبلیغ امر مالک قدم قیام نمود کذلک طرز نا اللوح من رشحات مداد قلمی العلیم الحکیم الحمد لله العلی العظیم

مقابله شد

کرمانشاه جناب آقا سید اسد الله علیه بهاء الله

هو الناطق بالحق ذکر من لدنا لمن اقبل الی الوجه و آمن بالله رب العالمین لیعلمن بفضل مولاه و ینطق فی کل الاحیان انه لا اله الا هو الفرد الخبیر خذ کتاب الله بقوة من عنده ثم اعمل بما نزل لایامه انه هو الناصح الامین کن متمسکا بالمعروف و عاملا بما امرت به فی کتاب الله العزیز الحمید انا نوصیک بالعمل الخالص لله الحق انه ینفعک فی الآخرة و الاولی یشهد بذلک من عنده کتاب مبین ایاک ان یمنعک شیء عن الله او تخوفک سطوة الظالمین الذین اعرضوا عن الحق و اتبعوا کل جاهل بعید کذلک ذکرناک شده القوی من شطر سدرة المنتهی لتکون من الشاکرین

مقابله شد

ر ا جناب سید اسمعیل علیه بهاء الله توپ

هو الاقدم الاعظم قد ارتفع حفیف السدرة و هو رحمة الاحدیة بین البریة و لکن القوم هم لا یسمعون الا من اوتی الاذن الواعیة من الله رب ما کان و ما یکون کم من عبد تقرب منقطعا عن العالم و سمع نداء الله المهیمن القیوم و کم من عبد منع عن بحر الحیوان بما اکتسب من قبل انه لهو المجزی بالعدل و انه لهو الحق علام الغیوب انا نوجه الی من توجه الی الله و ذکره

Provided by the Afnan Library

جابیقی به ذکره بدوام الملک والملکوت .

مقابله شد

ز  آقا میرزا اسمعیل

هو المستقر علی العرش  شهد الله انه لا اله الا هو  [illegible]  الفضل و سماء العدل
انه لهو الذی قام فی قطب العالم و نادی العباد باسمه الاعظم علی شأن اضطربت منه قبائل الارض
کلها ان انظروا یا اهل  [illegible] ن بین نور آیه ثم توجهوا الیه بقلوب بیضاء لعل تعرفون مطلع
الاقتدار و مخزن القوة التی احاطت من فی السموات و الارضین . مقابله شد

ز  سید  ت و پ ح ی

الاقدس الامنع الاعز الاعلی  ذکری عبدی لتجذبه نفحات الذکر الی اعلی المقام ثم بادن
الله علی امر ربک ثم اذکر الناس بالحکمة والبیان بهذا النور المشرق من افق ارادة ربک
مالک الانام طوبی لک بما زین هیکلک بطراز حب ربک الرحمن و اقبلت الی قبلة الآفاق
فاعلم انی قد ابتلیت بین الحزبین بما الذی [illegible] فی اخرب البلاد بما اکتسبت ایدی الفجار وقد
حملت البلایا فی سبیل الله وانها ما منعتنی عن ذکره بین العباد ادع الناس الی الحق ولو
احاطتنی المشرکون بالسهام والاسیاف انا ندع الناس الی الافق الاعلی و هم یدعون
الی ما هم علیه ان هذا الا شیء عجاب قل انه قام علی امر الله علی شأن لا یمنعه من علی الارض
ولا تضطربه سطوة کل مشرک جبار یدع الامم الی الله مالک القدم بشیرا بما یتیقن الیوم



اتبعوا من جائکم بقدرة و سلطان ان الذین اعرضوا عن الوجه اولئک فی غفلة و ضلال ان [illegible]
و اذکر من قلم الوحی ثم اشکر ربک بهذا الفضل الذی  تمسک بالعروة الوثقی و
تشبث بذیل رحمة ربک العزیز الوهاب کبر انک من لدنا و بشره بما توجه الیه  [illegible]
قل طوبی لک بما سمعت و اقبلت ما شاء الله بان یحفظک مستقیما علی حبه علی شأن لا یمنعک نعاق الذین کفروا
بالله رب الارباب زین لسانک بذکری و قلبک بحبی و صدرک بما نزل من قلم ربک [illegible]
لک مما تراه و یشهد بذلک من ینطق بالحق من لدن ربک العزیز العلام . مقابله شد

جناب میرزا اسمعیل علیه بهاء الله

هو الاقدس الاعظم  یا اهل الارض ان استمعوا نداء هذا المظلوم الذی بلی بلایا ما احصیها الا
المحصی العلیم انا صبرنا فی البأساء والضراء وآثرنا ارادة الله علی ما هو آیه یشهد بذلک سجنی و بلائی العظیم
کم من یوم ارادوا ان یسفکوا دمی وکم من لیل فیه ناح اهلی بما ورد علی من الغافلین انا لا نذکر ما بای
لئلا یحزن الذین آمنوا بما مستهم البأساء فی سبیلی و انا المبین العزیز الحکیم انا نذکر من حمل البلایا و [illegible]
بمقام کریم طوبی لک بما توجهت الی الافق و سمعت ندائی و آمنت بالله الفرد الخبیر . مقابله شد

بنام خداوند یکتا  یا حسن مولی الوری امروز جمیع من علی الارض را الیوم بصراط مستقیم الهی دعوت
فرموده طوبی از برای نفوسی که باین نداء بافق اعلی راه یافتند و رحیق بقا از کأس بیان

با ملک اسماء نوشته نه آن نفوس از اهل بهاء در صحیفهٔ حمراء مذکور و مسطور نه جهد نما تا باستقامت
کبری فائز شوی و بانوار یوم الهی منور گردی فرح اعظم مابین امم ظاهر و همچنین فزع اکبر
ان احفظوا انفسکم باسم ربکم المقتدر القدیر انّه لم یزل و لایزال بحق ناظر باشید و بذکرش
ناطق انه یسمع و یری و هو السمیع البصیر البهاء علیک و علی ضلعک التی آمنت بالله المهیمن القیوم
کبّر علیهما من قبلی و بشّرهما بذکری البدیع

مقابله شد
محفل روحانی
بهائیان طهران

شیشوان جناب ملا آقاجان علیه بهاء الله

هو السامع البصیر شهد الله انه لا اله الا هو و الذی اتی انه لمطلع الوحی و مظهر الامر و مشرق
اوامر الله رب العالمین من اقبل الیه قد اقبل الی المقصود و الذی اعرض انه من الاخسرین
فی کتاب مبین هذا یوم فیه نطقت الاشیاء انه لا اله الا هو الفرد الخبیر هذا یوم فیه نصب
المیزان و ظهر صراط الله المستقیم طوبی لمن توجه الیه و اقبل الی الافق الاعلی المقام الذی ینطق
فیه مالک الاسماء انه لا اله الا هو العزیز الحمید ان المظلوم سمع ذکرک و رأی اقبالک
ذکرک بما لاینقطع عرفه بدوام اسماء الله الحسنی و صفاته العلیا یشهد بذلک مالک الوری
فی هذا اللوح البدیع ذکر الناس و بشرهم بهذا النبأ الذی شهدت له کتب الله العزیز
الجمیل قل یا ملأ الانشاء تالله قد ماج بحر العلم و اشرقت شمس البیان من افق سماء ارادة ربکم
العلیم الحکیم ایاکم ان یمنعکم زینة الدنیا عن مالک الاسماء ضعوا ما عندکم و خذوا ما اوتیتم به
من لدن منزل قدیم ایاکم ان تمنعکم الدنیا عن رب العرش و الثری سوف یفنی ما ترونه الیوم



و یبقی الملک لله ربکم و رب من فی السموات و الارضین و قبض الکل باصبع من قبل لیظهر من الارض
ما اراده الله انه لهو المؤید الکریم طوبی لمن سمع النداء و اجاب مولاه و ویل لکل غافل بعید یا ایها
الناظر الی الافق الاعلی ان المعرضین ارادوا ان یطفئوا نور الله بظلمهم و اعراضهم قل سحقاً لکم انه
یظهر امره کیف یشاء رغماً لکم یا ملأ المشرکین کن ناطقاً بذکر ربک و قائماً علی خدمة امره انه یؤید
کما اید عباده من قبل بیده من فی ملکوت الامر و الخلق یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو السمیع البصیر
کبّر من قبلی علی احبائی فی هناک الذین تمسکوا بالعروة الوثقی و تشبثوا بذیل رحمة ربهم الغفور الرحیم
البهاء المشرق من افق سمائی علیک و علی من معک و علی الذین عملوا بما امروا به من لدن قوی
غالب قدیر

مقابله شد
بهائیان طهران

از حضرت بهاءالله

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به سخرت من فی السموات و الارض بان تحفظ سراج
امرک بزجاجة قدرتک و الطافک لئلا تمر علیه ارياح الانکار من شطر الذین غفلوا عن اسرار
اسمک المختار ثم زد نوره بدهن حکمتک انک انت المقتدر علی من فی ارضک و سمائک ای
رب اسئلک بالکلمة العلیا التی بها فزع من فی الارض و السماء الا من تمسک بالعروة الوثقی
ان لا تدعنی بین خلقک و ارفعنی الیک و ادخلنی فی ظلال رحمتک و اشربنی زلال خمر عنایتک
لاسکن فی خباء مجدک و قباب الطافک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت
المهیمن القیوم

مقابله شد
محفل روحانی
بهائیان طهران

Provided by the Afnan Library

الله لا اله الا هو كتاب الظهور قد نزل من سماء الفضل لمن اقبل الى الله مرسل الارياح
ان فى استواء هيكل القدم على العرش الاعظم وطلوع الشمس من افق السجن لآيات لاولى
الابصار قل يا اهل الهدى باى اثر كم به الهوى تشكوا بهذا الحبل الذى اذا تحرك تحركت
منه الاكوان ان اطلع من افق الاسماء باذن فاطر السماء ثم انصر ربك بين ملأ الانشاء كذلك
امرت من لدن مطلع الالهام بذكرى يطيرن الموحدون الى معارج الحقائق والمخلصون
الى مشرق الانوار باسمى ينقلب النحاس بالذهب وبحقى مذهب الابرار بندائى الاحلى اشتعل
العالم وباسمى الابهى انفجرت الانهار من الاحجار قد اخذ القلم سكر حب مالك القدم على شأن
لو نأمره ليجذب من فى البلاد قل باسمى الاعلى نزل نور اكسير ان على من فى الاكوان وباسمى
الرحمن هبت نسمة الغفران تعالى اسمى المشهور اذ اذكر خرجت الحور من القصور يتقبلن الى
منظر الظهور وبرئت الآخرة بمنظر الاكبر ونادى مالك القدر قد اتى المحبوب واضاء الآفاق
اشهد ان الرب ينبغى التسبيح من اهل الاديان والاستان فانصفوا يا اهل الاكوان قل
اتكفرون بما جرى من قلمه لتبرى لو يبقى على الحبل ليطير الى مالك العلل وتوتر نغماتها على الطور
يسرع الى منظر الظهور اتقوا الله يا اولى الالباب قل اتجزون قدرته به الذى احاطت
الارضين والسموات خافوا الله ولا تسئلوا ما نهيتم عنه فى الكتاب ان اختاروا الاحكم
ما اختاره الله لكم بهذا الاصل الاثر ان اعرفوا يا اولى الانظار قل ان الروح تخجل عنه لطافته
فطرته والنور استحى من ان ينظر تلقاء وجهه انتم فلتم ما عجزت عن ذكره الاقلام ان الذى
يخجل المرآت من ان تصير برطانه قد سكن فى اخرب البلاد هل عند البلايا تنعسا بل
لانفسكم تشهد بذلك كل الذرات هل ينبغى الوقوف لاحد بعد الذى يسمع ان العطوف
يقول الىّ الىّ يا اهل الاشارات هل اردت لنفسى شيئا فى الملك تفكروا فى اعمالى ثم تكلموا



يا اولى الالباب اوجدتم ما ظهر منى حفظ نفسى لا ورب الارباب اذا اضطرب القلم الاعلى
وارتفع منه نحيب البكاء ويقول لا بعدك ذكرى يا مالك الاسماء ولا اعلم يا من به ذكر تحت الاذكار
هل اتحرك على اللوح بعدك وهل يسمع احد صريرى او تحرك يا من فى قبضتك ملكوت الآيات
كذلك نزل لك يا ايها المذكور لدى العرش بما جعله الله غرة صحائف الابداع ان احفظه كما
تحفظ عينيك ثم اقرأه بابدع الالحان اياك ان يمنعك شئ عن الله تمسك بذكره وسبح بحمده
فى العشى والاشراق اذا فزت بالروح ول وجه القلب الى الافق الابهى قل لك الحمد يا الهى
بما ذكرتنى فى سجنك الاعظم نفسى لسجنك الفداء يا من بيدك ملكوت القدرة والاقتدار

هو السامع المجيب بگواى غافلين اين يوم يوم الله است در او ديده بنيوشيد وحق آثار
امروز ملكوت اسماء نفخ بخشيده واذكار عالم غنى نساخته طوبى از براى نفسى كه سبحات را
خرق نمود وحجبات را دريده وبافق الله وحده توجه نمود اوست اهل بهاء واصحاب
سفينه حمراء بگواى دوستان خود را ابطال از استقامت نزين واريد تلكم كل غافل بعيد
ضعوا الظنون والاوهام وخذوا ما امرتم به من لدى الله العزيز الحميد اياكم ان تجحدوا
الحق بما عندكم اتقوا الرحمن ولا تكونوا من الغافلين هذا يوم لا تعادله القرون والاعصار ان
اعرفوا ولا تكونوا من الجاهلين كذلك غردت حمامة البقاء على غصن الوفاء ان اعرفوا لدى الله العزيز الجليل
طوبى لمن سمع وفاز وويل لكل جاهل اعرض عن الحق وكان من الجاهلين فى كتاب مبين انا نكبر من
هذا المقام على وجوه الذين آمنوا بالله الفرد الخبير البهاء على اهل البهاء الذين ما منعتهم شبهات المعرضين
عن الله رب العالمين

مقابله شد

هو الناصر المعین     ذکر من لدنا لمن اقبل الی الله المهیمن القیوم لیقربه الی الافق الاعلی و یشهد بما شهد
به لسان العظمة انه لا اله الا انا الحق علام الغیوب انا سمعنا ندائک اجبناک و رأینا اقبالک انزلنا
لک الآیات لتشکر ربک مالک الملوک و وصیناک بالاستقامة علی هذا الامر الاعظم الذی به
ارتعدت فرائص کل جاهل محجوب کن ناطقا بثناء ربک و قائما علی خدمة امره المحتوم ان الله
غفر الذین اردت لهم الغفران من عنده انه هو العزیز الغفور البهاء علیک و علی ابنک
و ضلعک و امها و علی اللائی آمنّ بالله رب العالمین انا نکبر من هذا المقام علی وجوه اولیائی
و نبشرهم برحمتی التی سبقت من فی السموات و الارضین .

مقابله شد

جناب میرزا محمد تقی م ن علیه بهاء الله

هو الناظر الحاضر العلیم الحکیم    کتاب میفرماید طوبی از برای نفسی که باحکام الهی معروف عمل نمود
لسان عظمت میفرماید نعیم از برای عبدی که بما جری من الله را در منزل خود ماوی داد و بکمال
محبت و وداد رفتار نمود قلم اعلی میگوید طوبی لک یا ما با ظهر منک یا ینبغی لک و لایام الله رب
العالمین اگرچه مقام ذکرش ولکن کل باین نقطه راجع التی جعلها الله مقدسة عن عرفان
عباده انه هو المکنون و لو یشهد و یری و هو المخزون و لو تراه موجوداً و هو الجاری از کان ساکن
و هو الساکن از کان جاریا و هو الفرات الذی به احیی الله العباد و خضعت له البحار و ظهرت به
الاشجار الملک و الملکوت و القدرة و الجبروت لمن اتی من افق الاقتدار بسلطان غلب العالم
و بآثار احاطت من فی السموات و الارضین قد حضرت بک لدی المظلوم جنابک بهذا اللوح المبین
و عنایت نمودیم تا اولیاء را بالحکمة الکبری از احباب نفحه الهی را بشنوید نعم الله الرحمن مرده



حال هر یک را از عالم شاه بگیشنه قل الهی الهی اید اولیائک علی العمل علی ما انزلته فی کتابک
و تمسکهم علی امرک بالحکمة التی امرت الکل بها فی زبرک و الواحک اشهد یا الهی بان التأیید منک
و التوفیق من عندک و تمنا علی ما تحب و ترضی انک انت رب الآخرة و الاولی لا اله الا انت
المقتدر القدیر جناب با علیه البهاء ذکر معروف شاه را تفصیل نمود هنیئا لک و مریئا لک نعم الله
قد فاز بقرب لقائی و تزین بطراز رضائی هذه کلمة لا تعادلها کلمات العالم ان ربک هو المشفق الکریم
انا اردنا ان نذکر اباک فضلا من عندنا و رحمة من لدنا ان ربک هو الفضال العلیم الحکیم و نقول
فی هذا الحین اول موج ارتفع من بحر العلم علیک یا مطلع الحکم اشهد انک صعدت الی الرفیق الاعلی و فزت
بالافق الابهی فی هذا الحین الذی تحرک علی ذکرک قلم الله مالک الاسماء نسئل الله ان ینزل علیک
رحمة من عنده و نعمة من لدنه فی کل الاحیان انه هو المقتدر العزیز المنان یا محمد قبل تقی اشکر الله
بهذا الفضل الاعظم و قل لک الحمد و الثناء و لک العظمة و البهاء بما ایدتنی علی الاقبال و جعلتنی من
الفائزین بآثارک فی ایامک اسئلک بان تکتب لی خیر کل عالم من عوالمک انک انت الغفور
الرحیم انا ذکرنا من سمی بعلی فی کتاب الاسماء و نذکره بحر و الیفرح و یکون من الشاکرین قد
ذکره من احبنی ذکرناه و ازلنا له ما قرت به عیون المخلصین قل یا الهی اسئلک بان تسک ثبات القوم
ثم علی خدمة الامر باستقامة لا تزلها شبهات الذین ... بالعالم نشهد انهم کانوا اجدادها
بین الله و احبائه یشهد بذلک لسان العظمة فی هذا المقام الرفیع نسئل الله ان یوفق الکل علی ما
یحب و یرضی و یقربهم الیه انه هو ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین .

مقابله شد

ب ز  جناب میرزا تقی م ن علیه بهاء الله

هو الظاهر العلیم

قد شهد قلمی الاعلی بما شهد لسان العظمة قبل خلق الارض والسماء انه لا اله الا هو المهیمن القیوم قد تزیّن العالم بانوار الاسم الاعظم والقوم هم لا یفقهون قد نقضوا میثاق الله وعهده الا انهم لا یشعرون قد نبذوا الحق عن ورائهم متمسکین بما عندهم من الاوهام والظنون طوبی لقائم ما منعته الاوهام ولبصیر ما حجبته حجبات کل غافل محجوب قل یا اهل الارض ان اقبلوا ... الرحیق الکریم انوار الوجه من الافق الاعلی ... الرحیق المختوم قد حضر اسمک لدی المذکور ذکرناک بآیات اذا انزلت خضع لها ما فی الملک والملکوت ایاک ان تحزنک سطوة الفجار قم بالاستقامة الکبری علی امر ربک سوف یفنی ما تراه الیوم ویبقی لک ما قدر من لدی الله مالک الوجود ان افرح بذکری ایاک انه لا یعادله ذکر من الاذکار ولا ما عند القوم یشهد بذلک من عنده لوح محفوظ ان استقم علی الامر ثم اذکر ربک العزیز الودود والبهاء المشرق من افق البقاء علی الذین ما نقضوا میثاق الله وعهده وعملوا بما امروا به فی لوحه المسطور

جناب میرزا تقی علیه بهاء الله

بسم الله الذی به ماج عرف الرحمن فی الامکان کتاب معلوم من مهیمن قیوم الی من شرب رحیقی المختوم لیفرح ویکون من الذین اقبلوا الی الافق الاعلی فی یوم فیه نادی المناد الملک لله مالک الغیب والشهود قد ذکرک اسمی جمال علیه بهائی ذکرناک بلوح لا یعادله شیء من الاشیاء وانا الحق علام الغیوب ... الله الذی ارتفع من شطر السجن انه لا اله الا انا العزیز المحبوب کن ناطقا بثنائی ومقبلا الی افقی وذاکرا باسمی المنیع الذی به تزعزع بنیان کل عالم واضطربت افئدة کل عارف الا من شاء الله مالک الملکوت کذلک نطق لسان الوحی اذ کان فی المظلوم



مستویا علی عرش الجبروت ایاک ان تحزنک شئونات الخلق تمسک بعروة عنایة ربک العزیز الودود ذکر من قبلی احبائی الذین آمنوا بالله مالک الغیب والشهود انا نوصیهم بما وصینا به عبادنا من قبل وبما نزل فی لوح محفوظ البهاء الظاهر اللائح من افق سماء بیانی علیک وعلی عبادی الذین ما نقضوا میثاقی وعهدی وعملوا بما امروا به فی کتابی المشهود

جناب میرزا علی خ ا علیه بهاء الله

بسمی الظاهر من افق العالم یا علی قد ذکرک من احبنی واقبل الی افقی ذکرناک بما فاح به عرف الرحمن فی الامکان نسئل الله تبارک وتعالی ان یوفقک علی خدمة امره ویؤیدک علی ذکره وثنائه انه هو المقتدر القدیر انا فی بحبوحة البلایا نذکر اولیاء الله واصفیائه الذین سمعوا ندائه وعملوا بما امروا به فی کتابه المبین یا علی افرح بما توجه الیک وجه المظلوم من شطر السجن وذکرک بما لا یعادله ذکر المقربین وثناء المخلصین قل ای رب اشهد بوحدانیتک وفردانیتک بانک انت الله لا اله الا انت المقتدر القدیر اسئلک بان تؤیدنی علی ما ینبغی لایامک ویلیق لساحة عزک ای رب تری الضعیف تشبث بحبل قربک والبعید اقبل الی افق قربک اسئلک ان لا تخیبه عما عندک انک انت الفیاض العزیز الحکیم

بسمی الذی به نطق الورقاء فی قطب البقاء بانه لا اله الا انا العزیز الحکیم ان یا لسان القدم ذکر الذی هاجر الی الله الی ان دخل بقعة البقاء مقر الذی استشرقت عن افقه شمس البهاء بانوار



مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران

Provided by the Afnan Library

لوح بسیا و حمل نفعة الله وارتد الیه بلحظات قدس منیرا وذاق حلاوة الذکر من هذا الذکر الذی اذا اکشف الغطاء عن وجهه انفزع کل من فی السموات والارض الا الذین هم انقطعوا عن الخلائق جمیعا ان یا عبد تالله الحق الیوم یوم الذی ینبغی لکل ذی بصر بان یشهد ولکل ذی سمع ان یسمع ولکل ذی قلب ان یفقه ولکل ذی لسان بان ینادی بین الارض والسماء علی هذا الاسم المقدس العلی الاعلی که لک ینطق عنه لسان القدس فی جبروت عز علیا تالله الحق الیوم یوم المنقطعین والیوم یوم الموحدین والیوم یوم الذی فیه تجلی الله بایدی قدرته کینونات احدیته وساذجیات صمدیته کل واحدة تنفض الدنیا و ما فیها عن ورائهن وتستقیمن علی امر الله بشأن تتحیر عنه کل عاقل علیما ان یا عبد اسمع ما یخرج من افواه هؤلاء الذین هم کفروا بالله بعد الذی آمنوا به بالله یتکلمون بما تکلموا علماء الفرقان حین الذی جاء علی علی سحاب امر الذی کان علی العالمین محیطا الکلمات یا عبد لا تمس ذکری ولا ایام التی کنت فی مقابلة وجهی ثم اذکر حزنی وابتلائی لعل الله یبعث من یبصر الغلام وکذلک علمک قلم القدم لتقوم علی امره بانقطاع فیها ان استقم علی شأن لو ینزل لن یعطرها اسمائنا الحسنی کلها ویمنک عما کنت علیه فی امر مولاک لن تفتک الیهم ولا یا عندهم سلطان الذی اشرق عن افق القدس بانواره بعدها ثم اعلم بان کلما سمعت فی هذا الامر بالله قد ظهر من ناحیة امری وما اطلع بذلک احد الا الله ان انت بذلک خبیرا فلما ارتفعا الامر قام علی قتلی من یحذو منی ویطوف فی حولی فی کل بکور وعشیا کذلک نعرف شأن هؤلاء والذین هم اتبعوهم واتخذوهم من دون الله لانفسهم ربا تالله انهم ومعبودهم فی النار ولا ینفعهم حینئذ من عذاب ربک شیئا الا بان یتوبوا ویرجعوا الی الله الذی خلقهم بامر من عنده وانه قد کان توابا رحیما بشر یا عبد فی نفسک بان الله قبلک بحب نفسه وثبتک بقائه وکتب اسمک فی الواح الذی کان لدی العرش بخاتم الحفظ من اصابع القدرة علی الحق



بالحق مهورا والبهاء علیک وعلی من معک وعلی من یذکر ربه وانقطع عن الذین لن یعرفوا الیمین والشمال واتبعوا کل شیطان مریدا .

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران
بیت التبلیغ ۵۲

هو العزیز ای مجد الدین عنایات الهی درباره شما بسیار است روز جمعه در ساحت قرب اظهار شد بیا بیا .

جمال قدم جل ذکره بود

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران
بیت التبلیغ ۵۲

یا احبائی لا تحزنوا عما ترونه الیوم سوف تنقرض دولة البغاة والمتکبرین وعز العصاة والفجرین لله ابهین الاولین نابعا ثم ان الذی اعرض واعترض انه کبرق خلب او سحاب صیف او کسراب قاع دعن اعظم المصائب واکبرها دعوة الظالم بالعدل والکاذب بالصدق والجاهل بالعلم بل ان مع الملیح قبیح ومع القدیسین ومع الصالح طالح ومع العالم جاهل کذلک اقتضت الحکمة والارادة الرحمانیة والمشیة الالهیة .

بخط مبارک حضرت عبدالبهاء بود

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران
بیت التبلیغ ۵۲

اردس جناب فتح علیه بهاء الله

هو الله تعالی هو الظاهر من افق الحکمة والبیان ان یا فتح الاعظم یذکرک المظلوم فی هذا المقام الکریم ایاک ان یحزنک شیء ان اطمئن بفضل مولاک القدیم قل اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به نادت السدرة ونطقت الصخرة بان تنصر عبادک الذین اقبلوا الی افقک الاعلی وتقربوا الی

Provided by the Afnan Library

كمكث الليث ثم اخطفهم يا الهي من الذين كفروا بمطلع وحيك ومشرق الهامك ثم قدر لهم بانفسهم في كل
عالم من عوالمك انك انت المقتدر المتعالي المعطي العزيز الوهاب.

ارض ا    فتح الاعظم

بسم الله العلي المقتدر الاعلى    ان يا فتح الاعظم كن بكينونتك وحقيقتك وذاتك بمعانيك تسبح
بما نطق ربك العلي الاعلى في قطب البقاء تالله الحق قد اشتعلت النار في قطب العماء واشتعل منها كل من
في السموات والارض وكل حينئذ مشتعلون وقد انعدمت اركان العرش وفرت حوامله واذا حمله
نفس الله ربك ورب ما يرى وما لا يرى ورب ما كان وما يكون واخذ السكر سكان السموات
والارض وكل حينئذ بين يدي ربك يتيهون وقد انصعقت الطوريون على الطور الرفيع وانعدمت
السينائيون على سيناء المنيع وكل شيء اضطرب في نفسه الا عدة احرف حب الهي المهيمن القيوم
وانك انت قم على الامر ثم انقطع عن كل الجهات ولا تلتفت الى اليمين والشمال وان وجدت في
نفسك وقوفا فاصبر ثم اصطبر الى ان يأتيك الله بامره المبرم المهيمن العزيز المحبوب وقد اجتمعت احزاب
النفي ليمنعن الناس عن شاطئ الامر قل فويل لكم وبما انتم اليوم تعملون اياك ان لا تلتفت اليهم
ولا ترتد البصر الى ما يظهر بينهم دعهم على التراب ثم طر في هذا الهواء الذي جعله الله مقدسا عن انظر
الذين هم كفروا واشركوا وكانوا بآيات الله هم يستهزئون كذلك امرناك لتقوم على الامر بجبروت
فضل من لدنا عليك وعلى الذين هم يسلكون على صراط الذي ظهر بالحق من لدن مهيمن قيوم اياك
ان لا تنس ما اخبرناك من قبل من عدة احرف السجين اذا قد اجتمعوا في العراق ويمكرون في
هذا الاحيان فسوف تنتشر ارياح الشرك من شطر قلوبهم الى الآفاق وانك انت لا تعتد بالله



لئلا يصيبك ضر هؤلاء الذين هم كفروا بالله جهرة واعرضوا عن جمال القدم وكانوا من المنكرين
على الواح عز محفوظ ثم قم بقيام الله على امر ربك ولا تلتفت اليهم ولا الى ما عندهم قل الملك يومئذ
لله الحق فطوبى لمن استقبل الى انوار وجهه وويل للذين هم كانوا عنه معرضون وكذلك اخبرناك
من قبل ونخبرك حينئذ نحمي اياك لئلا يمنعك شئونات الجلال عن هذا الشطر المرتفع المقدس المنيع.

جناب ف ت ح    ا

بسم الله القدمي بلا زوال    قد ارسلنا اليك بيد امين كتابا كريما لما اتى الشيء ترتلت
هذه الآيات مرة اخرى عن جهة عرش عظيم ثم اعلم ان الذين كفروا بآيات الله واتحدوا
في البغضاء سوف يفرقهم القضاء من لدن مقتدر قدير انا ندعوا العباد في كل الاحيان الى مولى
العالمين لا نخوف من سطوة الذين ظلموا ولا منعنا جنود الظالمين عن ذكر الله الى ان يرتقي الروح الى
الافق الاعلى كذلك امرت من لدن ربك العليم وفي تلك الايام ينبغي بنصرك ربك الرحمن
وذكرك عباده الغافلين نسئل الله بان يقطع دابر الذين ظلموا انه على ما يشاء قدير فانظر في القرون
الاولى والذين ظلموا اكلت لسانهم ومحت آثارهم واخذتهم نفحات العذاب من كل الجهات من
لدن قوي حكيم اين ارباب سلطنتهم واعلامهم واثارهم ونجاتهم قد انزل لهم رسول الموت من مقاعدهم
الى مقابرهم كذلك قضي الامر في القرون الاولين سوف يأخذهم هؤلاء الذين استكبروا وارتكبوا
ما ينوح به المقربون ان يا حبيبي طوبى لك انت الذي وفيت بعهد الله وميثاقه وما منعك
عن جهته ضر المفسدين ان لك مقام عند لا تحزن من شيء نسئل الله بان لا يفرق بينك وبينه
لا في الدنيا ولا في الآخرة ويكتب في كل العوالم في ظل رحمته انه على كل شيء محيط ذكر

Provided by the Afnan Library

من قبلی من فی حولک من کل ذکر و اثنی و قل ان الحمد لله رب العالمین . مقابله شد

۱۵۲

بسم ربنا المقتدر المهیمن العزیز العلام یا من بنور وجهک انارت قلوب المقربین و الی بحر
فضلک سرعت افئدة المخلصین لم تزل کنت یا الهی مقدساً عن شئونات خلقک و منزهاً عن
اشارات بریتک قد ظهرت و اظهرت بحر جودک یا مقرب العباد و الی بحر رحمتک و افق ظهورک منهم من
سرع و اقبل و منهم من اسرع اعرض و انکر ... و کفر بآیاتک ای رب تری المقبلین بین ایادی
المشرکین اسئلک بهذا الاسم الذی قدرتک و ظهورات قوتک بان تحفظهم من شر اعادی نفسک و
تنزلهم خیر الاخرة و الاولی بجودک و مواهبک ای رب انت القوی و هم الضعفاء لدی
بابک ایدهم علی ذکرک و ثنائک و ما انزلته فی کتابک انک انت مولی العالم و الظاهر
بالاسم الاعظم لا اله الا انت الفرد المقتدر الخبیر . مقابله شد

جناب فتح اعظم علیه بهاء الله

الاقدس الابهی لعمری یا فتح قبل اعظم قد نشر فیک نفحة لو تظهر بتمامها لتنجذب منها الملأ العلین
ولکن اظهرناها علی قدر مقدور ناظراً الی الحکمة که انک اراد مصدر الالوهیة ولکن الناس
فی غفلة و حجاب اگر بتمامها ظاهر میفرمودیم کل را جذب مینمود ولکن بعد از جذب بکلمه
تضییعه که ما بین بریه مشغول بر تق و فتق است از یک قطره ای عشاق بتمام جذب



و اشتیاق بلند میشد و از جهتی ضوضاء اهل عناد بکمال اعراض و طغیان مرتفع و در صورت
تجلیات کلمه حرق میشد لذا بقدر روانه از ظاهر فرمودیم قل لک الحمد یا حی قیوم العالمین
انه یعلم من یشاء و ما یشاء و یفتح لسان من یشاء علی ما اراد انه لهو الحاکم علی ما یرید طوبی لک
بما اشتعلت من نار الحب و نطقت بذکر اسم ربک باذن الله العلیم الحکیم علم و بیان در قبضه
قدرت حق بوده و خواهد بود این مقام و علی توجهم ناس نداشته و ندارد و در ایام رسول
تفکر نمایند که بعد از ظهور آن نیر اعظم جمیع علماء و ادباء اعراض نمودند و ابوذر که راعی
غنم بود اقبال بشریعه قرب و لقا نمود و بحر علم و بیان فائز نشده و حال جمیع علماء باسم او
افتخار مینمایند و در تزویر و کرش خاضعند یا طوبی لنفس تفکر فی آثار الله و ما یجری من قلم الله
المقتدر چنانچه الیوم اگر علمای من علی الارض فی الجمله شعور آیند کل بخلوص تمام بآن جناب
توجه نمایند مع آنکه بعلم ظاهره معروف بوده و نیستید لعمری سوف یقبلون الیک ولکن الیوم
لا یفقهون دوستان حق را فرداً فرداً از قبل حق تکبیر برسانید قل طوبی لکم بما اقبلتم الی
کعبة المقصود و ذکر اسمائکم فی لوح الله المقتدر العزیز البدیع انشاء الله کل بکمال شوق
و اشتیاق و جذب و انجذاب در حب مالک یوم حساب ظاهر شوند و مشتعل گردند شاید
که بیان شئونات ایشان را محو نماید چه که توهم بسیار شده و میشود و نعیب غراب
از اکثر بلاد مرتفع خواهد شد چنانچه در الواحی که در ایام مهاجرت از عراق نازل ذکر
شده طوبی لمن یتبع الوری عن ورائه مقبلا الی مولی الوری انشاء الله از بعد الواح
منیعه ارسال میشود انه هو خیر الذاکرین و الحمد لله رب العالمين . مقابله شد

فتح اعظم

هو الاعظم

بسم الله العلی بالعلاء ان یا عبد الناظر الی الله فاعلم بان اتی القضاء و امضی ما نزل فی الواح مالک الاسماء و اخرجوا الغلام من ارض السر بظلم مبین و لما اخرجنا کتب علینا من کل الملل و ظهر فزع الاکبر فی ذلک الیوم العظیم و ما مررنا علی شجر و حجر و ارض و مدر الا و قد اودعنا فیه سراً من اسرار الله المهیمن العزیز القدیر فسوف یظهره بالحق و ان ربک لعلیم و حکیم و قد نزلت فی کل حین آیات و ظهرت فی کل آن بینات اقتضاءات منها وجوه اهل ملأ الاعلی بما به انجذبت افئدة المقربین انا وجدنا اهل السرادقات فی سرور مبین و حزن عظیم اما الحزن بما ورد علینا فی سبیل الله و اما السرور بما رأوا اشراق شمس الاستقامة عن افق العظمة و الکبریاء کذلک فصلنا لک تفصیلا عما ورد علینا من الغافلین و کنا طائراً فی هواء الاشتیاق الی ان وردنا فی شاطئ البحر اذا استوی جمال الاعظم علی الفلک و جرت علی البحر الابیض و سرنا الی ان بلغنا مقابل مدینة التی سمیت بالاسکندریة قد دخل علینا فتی من اهل الالف و حضر لقاء الوجه بکتاب عربی مبین الذی کتبه احد من انقطع النصاری وجدنا منه رائحة رحمة ربک العزیز العظیم و قد امرنا عبد الحاضر لدی العرش بان یرسل الیک صورة کتابه لتعرف کیف قلبه قدرة ربک و اخذه بایادی الفضل و جعله منقطعاً عن العالمین تذکر ثم انظر فی تلک الایام التی احاطتنا البلایا انه اشتعل بنار حبی و ذکری علی شأن ما منعه القضایا کانه خلق من کوثر رحمة ربک الغفور الرحیم ینبغی لکل نفس بان یکون ثابتا فی حب مولاه بحیث لا یمنعها ما ظهر فی الابداع کما منعته هذه الفتنة التی اماته و اشتعله فی ظلمها کذلک کان ربک مقتدراً علی ما یشاء و انه لهو الحاکم علی ما یرید و لو نذکر لک کل ما ورد علینا لتحزن و لکن فاعلم بانا نکون فی فرح مبین و فی کل ما ظهر لحکمة فسوف یظهره الله بالحق و یحیی العالم بهذا الماء الذی نبع



منه الکوثر و السلسبیل قد ارسلنا الیک الواحاً ما ذکر فیها اسم احد فاعط کل واحد منها لمن تجد فی وجهه نضرة الغلام و ما سترنا الاسماء الا لحفظ انفسهم و ربک بکل شیء علیم.

مخصوص ارض کاف لوح ارسال نشد ما بدا الا لحکمة فسوف نرسل و لکن شما خبر نفرستید

مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

الاقدس الاعظم الابهی کتاب نزلناه بالحق و جعلناه تذکرة للعالمین انه لنفحة الرحمن بین الامکان و آیة عزه لمن فی السموات و الارضین به یجدن الموحدون عرف اللقاء و یشربن المخلصون کوثر البقاء من اصباح رحمة ربهم الغفور الرحیم ان الذین غفلوا عنه اولئک فی تیه الضلال و الذین اقبلوا اولئک فی مقام منیع قد تحرکت الافلاک من هزیز ارياح رحمة مولاک و لکن الناس اکثرهم من الغافلین قد اهتزت السدرة من اهتزاز آیات مالک البریة و لکن الناس اکثرهم من الغافلین طوبی لاهل البهاء تالله انهم قرة عین الابداع بهم زینت ممالک الاختراع و طراز لوح الحفیظ هم الذین رکبوا علی سفینة الاستقلال متوجهین الی شرق الجلال بارواحهم بما فازوا بما اراد ربهم العلیم الخبیر بنورهم زینت السماء و لاحت وجوه المقربین کذلک مرت نفحات الحیوة من ریاض رحمة الفیاض و احاطت الفضل کل صغیر و کبیر ان اقبلوا الی الاثر الاطهر ایاکم ان تمنعکم حجبات البشر عن هذا المنظر الکبیر . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

بسم الباقی الدائم کتاب نزل من لدنا انه لمصباح الهدی بین الوری و آیة القدم بین الامم و الذکر الاعظم لمن فی السموات و الارضین طوبی لمن تقرب و اشتعل و ویل لمن

Provided by the Afnan Library

یا قوم فی سماء الضلال لکان من المبعدین توجّهوا یا احبّاء الله علی امره الکریم العزیز البدیع ثمّ انصروا ربکم الرحمن بما تهتزّ به الامکان کذلک یأمرکم مولی العالمین من تقرّب و شرب انه من اهل البهاء لدی الله مالک الاسماء و الذی نسی انه من المیتین انا البهاء لاهل البهاء الذین وفوا بمیثاق الله و عهده و کانوا من الراسخین .

مقابله شد
محفل روحانی بهائیان طهران

هو الباقی سبحان الذی قد ظهر بین السموات و الارض بسلطان الذی احاط الممکنات و انه لهو المهیمن العزیز المختار و بذلک بدت البغضاء فی صدور الذین هم استکبروا علی الله فی یوم الذی استوی علی العرش بسلطنة و اقتدار یا قوم اتقوا الله و لا تکفروا بالذی آمنتم به بعد الذی جائکم علی ظلل من الامر و به زلّت اقدام العارفین و شخصت به الابصار و انت یا اسم الاعظم لا تنس ایّامی حین الذی کنت جالساً فی مقابلة العرش و کان ان یستشرق علیک الانوار ثمّ اعلم بانا قد البسنا قمیص الاحزان بما اکتسبت ایدی کل مشرک مکار تالله قد احاطنی حزن لن ترین الابداع شبهه و کذلک قضت علینا القضایا من لدی الله العزیز الجبار و انک لو ترید ان تعرف اسرار الامر فاخرج عن المدینة التی کنت فیها ثمّ ادخل فی الفردوس ثمّ اسکن فی نفسک ثمّ اصمت عن کل الاذکار ثمّ توجه بقلبک اذاً تسمع ضجیج الاشیاء و صریخهم فی حزنی لعلّ تطّلع بما لا اطّلع به احد من الخلق و کذلک نغنّی علیک فی سرّ الاشارات جواهر الاسرار ان استمع یا عبد علی حبّک و لا تلتفت الی ما یمسکک عن حبّ الغلام و لو یکون صحایف السموات و الارض او القصور و الهیاکل لان کل ذلک خلق بقولی و یشهد بذلک لسان الله المقتدر العزیز الجبار کذلک القیناک و قصصنا لک و ردّ علینا عن کل الاشطار من هؤلاء الفجّار ثمّ ذکّر من لدنا عباد الذین هم فی حولک و من توجّه الی ربه العزیز المختار ۱۵۲ مقابله شد



آقا جناب زین العابدین

بسمه المذکور فی کل الالواح یا احبائی تری المذکور یذکرکم فی سجن الاعظم و نسمع منه ما اهتزّت به الاشیاء و صاحت الحصاة انه لا اله الا هو العلیم الحکیم تعرّی ان المحبوب یحبکم و المقصود یقصدکم من هذا الشطر البعید ایاکم ان یمنعکم فی ایام ربکم الرحمن شئونات اهل الامکان دعوها عن ورائکم ثم اقبلوا بالقلوب نوراء و صدور بیضاء الی مشرق وحی ربکم العلیم الحکیم قد اشتعل کل الاشیاء من نار کلمة مالک الاسماء و تری الناس اکثرهم من الغافلین قد اشرقت من افق الوحی شمس ذکر ربکم العزیز الحکیم و الاح سماء الحکم من النیر الذی ظهر باسمی الابهی و هم عنه محجوبون ایاکم ان یمنعکم عن البحر سبحات الاعراض او یصدکم عن ابواب شبهات المعرضین ضعوا الامکان عن ورائکم ثم توجهوا بابصارکم الی شطر ربکم العلی الابهی تعرّی لو تتوجهون باذان قلوبکم لتسمعون من کل الاشیاء ما سمع الکلیم من سدرة السیناء کذلک قضی الامر ان انتم من العارفین الکاملات یا ایها المتوجه الی الله لو سمعت الندا و فزت بهذا اللوح ان اشکر و قل لک الحمد یا من ینطق باسمک ارکان بیت ایدی الظالمین مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

۳۹

جناب میرزا احسن فی ارض الالف

بسم الله الارفع الاعلی شهد الله انه لا اله الا هو و ان نقطة البیان عبده و بهائه ما انزل علی ظهوره قبلی الذی تمی بعلی قبل نبیل و الذین هم اتوا بالبیان علی زعمهم شهدوا بما شهد الله فی هذه الآیة المبارکة العزیز العظیم و لکن الله ما قبل شهادتهم لانهم شهدوا الی ان بلغوا الی الغایة فلما وصلوا الی بهائه اذاً زلّت اقدامهم و کانوا من الخاسرین قل الیوم لن یقبل

شهادة احد الا بهذا الاسم الذي انصعق عنه كل من في السموات والارض الا الذين هم انقطعوا
عن الاسماء وملكوتها وذاقوا حلاوة الاثمار من سدرة ربهم المختار في هذا الشجر المرتفع الرفيع
قل هذا اسم به فصّل الله بين الحق والباطل وعند ذكره يستضيء وجوه اهل البقاء ويسودّ وجوه المشركين
وانه لقهر الله على الذين هم كفروا ورحمته على المقربين ومن المشركين من قال بان الحجر يترقى الى
ان يصل الى رتبة الياقوت فلما بلغ الى هذا المقام كيف ينزل عن مقامه وبذلك يستدل في نفسه
ليثبت باثره هويته واتخذه من دون الله خليلا ووكيلا قل ان ربك لمقتدر على كل شيء يبدل
ما يشاء بقوله ان انت من الشاعرين قل يا ايها المشرك بالله هل زعمت بانه عاجز عن شيء
او يعجزه امر عما خلق بين السموات والارضين قل ما شهدت بانه خلق كل شيء من التراب ويرجعه
اليه وعدا من لدنه وانه كان على كل شيء قديرا بالله الحق يخرج من افواه هؤلاء ما يحترق به
اكباد المكنات انهم ما استشعروا وكانوا بلعب انفسهم من اللاعبين قل يا قوم هذا علي قد جائكم
بكل الآيات وذكر حكيم هل بعد ظهوره ينبغي لنفس بان يتمسك بحرف من الكتاب بعد الذي
نزلت الالواح من اصبع قدس منير وهل يليق لاحد بعد ظهور الشمس واشراقها يسئل من
الاعمى هل هي اشرقت لا فو الذي انطق السن المكنات بثناء نفسه المقتدر المتعالي العظيم بالله الحق
تحيرت نقطة الاولى في الرفيق الاعلى واذا ابكي وينوح مما اكتسبت ايدي الذين هم ادعوا
الايمان في انفسهم وكفروا بالله وكانوا من المشركين ان يا حسن انك لو تطلع على ما ورد على
نفسي لتنوح في الشهور والسنين ان يا حسن لن تحزن في امر الله ربك ولا تحزن عن شيء
ودع ملكوت التقليد عن ورائك ثم انطق بذكر ربك بين العالمين قم على امر الله ونصره و
لا تلتفت الى الذين هم كفروا واشركوا ثم اتّحد مع الذين ارادوا الوجه في العشيّ والاشراق
ويدعون الله بين السموات والارضين ان احسن على نفسك وانفس الذين تجد منهم نفحات

حب ربك



حب ربك الرحمن كذلك نأمرك بالحق لتكون من العاملين طهّر قلبك عن الاشارات ولا تكن مرتابا في
هذا الامر الذي عليه زلت كل الاقدام الا من عصمه الله بفضله وانه لهو الغفور الرحيم قل يا قوم اتقوا الله
ولا تشركوا بالذي به غنّت الورقاء في قطب البقاء وترنّح ديك العرش على سدرة المنتهى ونطق لسان
العظمة في سرادق الكبريا اتقوا الله يا قوم ولا تكونوا من المتوقفين ان اعمل بما استأذنت عن الله ربك
وقد اشرق منه جمال الاذن من افق ربك العلي العظيم وان ربك يحب ان يقترن امائه بعباده
الموحدين كذلك القيناك قول الحق فضلا من لدنا عليك لتكون من الشاكرين ثم اعلم بان الله قد غفر
امته التي ذكرت في كتابك ورقت عليها نسائم الغفران عن شطر ربك الرحمن وانه يغفر من يشاء
بامر من عنده وانه لهو الرحمن الرحيم والضياء الذي اشرق عن جبين البقاء عليك وعلى من معك
وعلى عباد الله الموقنين . مقابله شد

بسم الله العلي الاعلى  فيا الهي كل ورقة من اوراق سدرة حبك ارادت ان تتوجه الى رياح
رحمتك لذا ينبغي بفضلك واحسانك بان ترسل عليها ما يجذبها بها اليك ويحركها بحبك اسئلك بالذين
حفظهم اسراري في سبيلك وتنزعها عن رائحة الدنيا في حبك بان ترزق كل ورقة ما يحفظها عن تركها
وتعصمها عن ذكر المكنات المقتدر المتعالي العليم الحكيم والحمد لله رب العالمين . مقابله شد

اميل
الاعظم الاقدم  قد وجد كل نفس بهذا الكتاب المبين اذا انزل بالحق اعرض عنه كل غافل بعيد

ص ان ثم

Provided by the Afnan Library

من الناس من قال انه افترى على الله ومنهم من قال قد ظهر قبل الميقات كذلك نزلت لهم انفسهم كانوا
من الاخسرين قل هذا الامر الذي به ظهر امر الله في الاعصار وان هذا الحكم الحكم المتين من تمسك بالهدى
معرضا عن الهدى انه من الهالكين قل ان البحر امامكم وخذوا بقدر ما تقربوا اليه ولا تكن من الغافلين
وجمال القدم فوق رؤسكم يدعوكم الى الله ان انتم من السامعين يا قوم لا تحرموا انفسكم في ايام الله
توجهوا الى منظره مولاكم القديم انه ما اراد من شيء يذكركم لوجه الله يشهد بذلك كل منصف بصير
كذلك نزلت الآيات وارسلت اليك لتكون من الشاكرين . مقابله شد

ارض س جناب میرزا حسن علیه بهاء الله

بسمي المهيمن على الاسماء قل قد اتى الفلاح وظهر المصباح وانصعقت منه افئدة الذين انقطعوا عما سوى الله
وتوجهوا الى شطر نصه العزيز المنيع ان في استوائي على العرش في السجن الاعظم وندائي بالعظمة
والاقتدار في العالم لآيات للمتفرسين طوبى لمن تفكر في قدرة الله وسلطانه وتوجه اليه
بقلب منير قد اتخذ العالم نفسنا ومطالع القدرة لكربنا وانا في فرح مبين نتحرك في كل الاحيان
تحرك القلم الاعلى على الصحيفة النوراء على شأن ما منعته قوة من على الارض ولا شوكة المعتدين نفعل ما نشاء
ونحكم ما نريد وانا المقتدر القدير يا اهل البهاء كونوا مظاهر القدرة بين البرية بحيث لا تمنعكم
شئونات الجبابرة ان ارحم عباده الراسخين قل ليس لاحد بان يعترض على احد توكلوا على الله انه يظهر
امره كيف اراد وانه لهو الغني عن العالمين كونوا مظاهر القدرة ومصادر الخضوع ومطالع الخشوع ليجد منكم
الناس عرف اخلاقي التي بها تزين كل عارف بصير ما سروا الامم بالروح والريحان ثم
ذكروا هم ما علمكم من الحكمة والبيان انه لهو المعلم العليم الخبير هذا كتاب نزلناه بالحق وارسلناه اليك

لتعرف به



ليعرف الله ويشرب منه كوثر رحمتي التي سبقت العالمين . مقابله شد

جناب میرزا احمد علی ارض الف

بسم الله الامنع الاقدس هذا كتاب من لدن نقطة الاولى الى الذي آمن بالله وتوجه الى
شطر القدس وترعرع في نفسه شوقا للقاء المحبوب الى ان اتصل بجود الله حين الذي خرج جمال
القدم من العراق كذلك كان الامر مقضيا فطوبى لك يا عبد فيما سكت مالك الرضا والذين
هم كانوا اسكنه وخلعتم سرادق القدس في رضوان الذي كان الوجه فيه مستويا كذلك ينبغي لك انه
الذين هم وفوا بميثاقهم وتوجهوا اليه وانقطعوا عن العالمين جميعا ان يا عبد اسمع ندآء الله من شطر
هذا السماء التي علقت على الكائنات بانه لا اله الا هو والذي يحق بين الارض والسماء انه نظر الله
وكان بامره الحق على العالمين محيطا ان استقم على الامر ولا تلتفت الى الذين هم كفروا بالله عظيما بالله تولوا
من في امانهم بالله وكذلك عليهم هويتهم وجعلهم عن شاطئ هذا الفضل بعيدا اسمع قول ربك ثم انقطع عن
الذين هم كفروا واشركوا ثم اتخذوا العجل لانفسهم ربا من دون الله ان هم الا اخسر شأنا
واضل سبيلا قل يا قوم اتقوا الله ولا تعقبوا امر الله بهواكم ان افتحوا ابصاركم لتشهدوا اشراق
الشمس في وسط السماء وتكونن على الامر مستقيما ايا ك لا تشكن في نفسك اقل من حين ذكرا ربك
من الناس ولا تخف من احد وان ربك يكفيك عن العالمين وانه على ما اراد قديرا كذلك
اذكرناك في هذا اللوح لتشكر ربك وتستريح في نفسك وتكون على الامر مقيما ذكر من له ما ضلك
وكبر من قبل الله على وجههما ليستبشرا في انفسهما وان هذا من فضل الله عليهما ليجدا ما كتبه لعبد
خاضع سليما لان الذي خدم الله ربه للكل ينبغي بان يجد ثمره جنات قبلة رحمتنا وارسلنا الى احبتك

٩
وخالصا لوجهه وانه كان

لوحا

لو فا على لسان فارسي بديعا فسوف يعطي الله اجرك واجرها بما فزتما بلقاء الله في ايام التي
كان الكل عن عرفانه محجوبا ثم كبّر من لسان الله على وجه امّك لتفرح في نفسها وتكون متذكرا
بذكر الذي كان في كتاب نفسي على الحق مذكورا . مقابله شد

بسم الله الامنع الارفع الاقدس الابهى ان يا ايها العبد اسمع نداء الله ثم اعمل بما تؤمر
من لدن ربك ولا تكن في دين الله من الذين هم اذا اشرقت شمس الجمال عن افق الجلال اتخذوا
لانفسهم خلقه وكانوا في شك وارتياب اياك ان تشرك بالله الذي كان لم يزل كان في ذاته وما اتخذ
لنفسه شريكا ولا شبيها ويشهد بذلك كل ما نزل من قبل من لدن عزيز وهاب ان الذي سمّي
بمحمد قبل علي ونسبه الله الى نفسه انه لورقة من اوراق تلك الشجرة تالله الحق لو نأخذه في اقل من
الحين فيوضات الامر لتصفر وتسقط على التراب ان يا عبد هل تعجب في امر الله وتحب ان تكون
من الذين هم يتخذون في كل حين ربا من دوني والها سوائي ومعبودا غيري ومحبوبا عني واني
تالله قد زلت اقدامهم واسودت وجوههم اذا فاعتبروا يا ملأ الاحباب ان اعلم باني وحده قد
كنت محبوب كل شيء وانه كل من في السموات والارض وما اتخذت لنفسي شريكا في الملك
وكذلك كنت من قبل القبل والكون الى آخر الذي لا آخر له وانك فاشهد بما شهد الله ولا تكن
في ريب وحجاب وانا خلقنا الان ما [illegible] من لدنا وقدرة من عندنا ونطقناه بثناء نفسنا لتتذكر
به اولي الالباب ويشهدن قدرة ربهم ويوقنن بانه لهو المقتدر على كل شيء ينطق من يشاء
بسلطان من عنده وان اليه يرجع حكم المبدء والمآب ان الذين هم ما حضروا لقاء العرش
وما سمعوا نغمات الله وما اشرقت عليهم انوار الجمال لو يتكلمون باهواء انفسهم ويحتجون بالاوهام





قل يغفرهم الله بعد رجوعهم اليه لانهم ما اطلعوا باصل الامر وكانوا في ستر وحجاب ولكن انت
يا عبد كنت حاضرا لقاء العرش ورأيت ببصرك وعرفت بقلبك بان كل ذي شمس سجدت
لطلعتي وكل ذي عز عززت بذكري وكل ذي ضياء اشرق بضيائي وكل ذي نور يطوف في حولي
وكل ذي امر قد ظهر بامري تالله لو تفتح بصرك لتشهد بان حركت نغمة ربك كل الارياح كل
الامواج التي تشهد من هذا البحر [illegible] في [illegible] وعلة ظهورها غاية هذا البحر الذي احاط الممكنات
نخف عن الله ولا تفسد في الارض بعد اصلاحها فاقبل بقلبك الى الله ثم اجتنب عن الذين
الذين خرجوا من [illegible] النفاق بنفس الله وعلة [illegible] واشركوا به كذلك يعلمك بالحق نفسك
من لدنا عليك لتنقطع عن العالمين وتستظل في ظل هذا القباب ان يا عبد لا تقترن بذكري
ذكر احد من الممكنات ولا بنفسي نفس احد من الموجودات لان ما سوائي قد خلق باشارة
من اصبعي اما شهدت كيف انفطر كل سماء وانشق كل ارض وخسف كل قمر ومرت الجبال
كمر السحاب واما شهدت بان كل الوجود فاني عنه ظهورات عزي وكل ذي قدرة في
اضطراب من خشيتي اتق الله ولا تتخذ امر الله هزوا وكن من الذين دعوا كل من في السموات
والارض عن ورائهم واقبلوا الى هذا الوجه الذي ظهر بالحق بخضوع وخشوع وانابت
الى الله ولا تحزن الذين تجد من قلوبهم نفحات حبي ثم اخفض بين يديهم جناح الذل [illegible]
وانا عرفنا بما اكتسبت [illegible] الذي احب الله ربه وعنده علم السموات والارض
وعلم كل شيء في صحف وكتاب اليقين بان لن يعزب عن علمه من شيء لا في السموات ولا في الارض
ولن يتحرك من ذرة الا بامري وكل شيء يحضر في كل حين تلقاء عرشي ويقص ما فيه ولم
[illegible] عليه وظهر عنه كذلك كان امر ربك ويشهد بذلك عباد الذين انقطعوا عن كل
الجهات وخرقوا بسلطاني كل الاحجاب ان يا عبد انا احببناك من قبل واردناك بان

تعاشر

Provided by the Afnan Library

ثم اشرع الاحباب بخضوع و خشوع و تذکرهم بهذا المظلوم الذی قاموا علیه عباد الذین هم کفروا
بالله و اشرکوا بالجلاله و حاربوا انفسه لعل یتذکرن فی انفسهم بالله الذی خلق کل شیء بامر
من عنده و ان الیه یرجع الامر فی یوم الحساب انا امرناک بان تحرق حجبات الاوهام و [illegible]
[illegible] فی بعض النفوس [illegible] اذا اظهر نفسک [illegible] عن کل ما سوائی ثم ذکر
الناس بالموعظة الحسنة فی هذا الجمال الذی استوی علی عرش الاحزان فی تلک الایام و لم یجد لنفسه ناصرا
الا نفسه العزیز الوهاب و البهاء علیک و علی من اتبع امر مولاه و استقر الیه [illegible] الذی اخذ
کل النفوس رجفة و اضطراب ای رحیم [illegible] اعلی را [illegible] کبری و کمال
سلوک و مدارا با عباد الله رفتار نما [illegible] حرکت کن بشانی که آثار حق از تو ظاهر شود
لا تجادل مع احد و ذکر الناس بموعظة و حکمة ان یا عبد تخلق باخلاقی لانا ارفعنا حکم النزاع
و الجدال و اظهرنا الامر بقدرة و اقتدار من غیر ان یقبض به احد من العالمین لان القدرة
فی اراوتی لا فی المحاربة و الجدال کذلک ینطق لسان ربک عن جهة عرش الجلال لتکون من
الموقنین امر الله را همچه بدان که در هر روزی و ساعتی هر نفسی بخواهد اظهار [illegible]
[illegible] ربوبیت لله الحق [illegible] و لا تکن من الذین یشکون فی کل حین علی
سبیل جدید و البهاء علیک . مقابله شد

بسم المهیمن علی ما کان و ما یکون قد خرقت الاحجاب بما اتی الوهاب من سماء الامر بسلطان
عظیم اذا نادت الاشیاء الملک لله الواحد الفرد المقتدر العزیز العظیم من الناس من
نبذ المحبوب مقبلا الی من کفر بالله و منهم من توقف و منهم من تحیر و منهم من شرب سلسال الوصال



بهذا الاسم الذی احاط العالمین قل یا قوم قد ظهرت المعانی کلها فی لفظ موجز انه لهذا
المنظر لو انتم من العارفین قد ظهر البحر الاعظم علی هیئة الانسان تبارک الله مولی
العالمین ان احمد الله بما اقبلت و ذکرت و نزل لک هذا اللوح العظیم لتکن مستقیما
فی الامر و راسخا فیما انت علیه لئلا تزلک شبهات المعتدین الذین یوسوسون فی صدور
الناس الا انهم مظاهر الخناس کذلک نزل فی الالواح من لدن علیم خبیر مقابله شد

الاقدس الاعظم الابهی کتاب من لدنا لمن اقبل الی مشرق الوحی اذ انار افق البیان
بشمس الحکمة و التبیان لیجد نفحات الآیات فی ایام ربه المقتدر العزیز الوهاب و یقوم
بین العباد باسم ربه مالک الایجاد و یقول یا قوم قد اتت الساعة و قامت القیمة طوبی
لاولی الابصار ان یا عبد ان استمع ما یذکرک به مولی الوری و تمسک بالعروة الوثقی علی
شان لا تمنعک جنود الفجار قل هذا یوم فیه نطقت الاشیاء یا ملأ الانشاء الملک لله
المقتدر العزیز المختار ایاکم ان یمنعکم ما عندکم دعوه بهذا الاسم الذی به سخرت البلاد
ثم خذوا ما اوتیتم من لدی الله مالک الاشیاء و له ما خلق فی الارضین و السموات مقابله شد

هو المقصود بالذات سبحانک اللهم یا الهی قد بکت عیون المقربین فی فراقک و ارتفع صریخ
المخلصین فی هوائک ما بقت من مدینة الا و قد ارتفع فیها ضجیج الاشتیاق و صریخ الفراق
و انک کنت فی کل الاحیان شاهدا علیهم و ناظرا علیهم و سامعا ما یخرج من شفتهم انک

بالملک الاعظم

باسمک الاعظم بان تجذب قلوبهم علی شأن لاتؤثر فیها سهام الاعداء و رماح الاشقیاء
و لا یقلبهم هبوب القضاء ثم افتح علی وجوههم ابواب الخیرة فی الدنیا و الاخری و انک انت
فعال لما تشاء و انک انت العلی الاعلی . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

الاقدس الابهی قد اتی الوعد و هذا لهو الموعود قد حدثت الارض اخبارها و مرت الجبال
و الناس هم لا یفقهون قد اتت السماء بدخانها و قضی الامر لدی الله المهیمن القیوم قل یا قوم
تسمعون نداء الله فما لکم لا تجیبون تالله قد اتت الصیحة بالحق و انتم لا تشعرون قد انشقت
السماء بالغمام و اتی الغلام علی السحاب و انتم لا تعرفون قل اتنکرون آیات الله ثم تنکرونها
فما لکم لا تهتدون قد احاطت القدرة من فی السموات و الارض و ارتفع النداء بین الارض
و السماء و انتم تسمعون قد نفخ فی الصور و انصعقت الابدان و نطق لسان العظمة الملک لله العزیز الودود
قل اتنکرون و انتم تشهدون اما تتذکرون و انتم تسمعون قد اتی الهوی باسم ربکم الابهی
هذا خیر لکم ان انتم تعلمون قل انه مطلع البلاء لانفسکم و انتم عنه معرضون یشرب فی کل حین کأس القضاء و انتم
عنه غافلون اتقعدون و انه تلقاء رؤسکم توجهوا الیه ثم سیروا الی ملکوتی الذی زیناه باسمی
العزیز المحبوب انک انت یا عبد ان استمع نداء المظلوم انه یدعوک فی هذا السجن الذی احاطه
جنود المشرکون قم علی خدمة الله و ذکره ثم ادع الناس بالبیان الی ربک الرحمن انه یذکرک
انه لهو الحق علام الغیوب طوبی لک بما اقبلت الی الوجه و اعرضت عن الذین هم یظلمون
دع الله یا عبد ورائک و ذکر الناس فی ایام ربک لعل تجذبهم نفحات الوحی و تجعلهم
تنزههم الی المقصد و کذلک امرناک و نعیناک ان اعمل بما امرت انه یجزیک بالحق لا اله

الا هو



الا هو المهیمن القیوم . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

از جناب میرزا آقا علیه بهاء الله

هو المنادی من افق الابهی کتاب انزله مالک الملکوت للذین آمنوا بالله الفرد الخبیر ایادی
فی الالف و الراء اسمعوا نداء آیات ربکم الی مقام نطق فیه المصباح النور و الفلاح بحر الله
الذین هم نبذوا سبحات الاسماء عن الله مولی الوری و ما خوفتهم جنود الذین انکروا حجة الله و برهانه
و کفروا بیوم الدین یا اولیائی انا ذکرناکم من قبل فی الواح شتی و نذکرکم فی هذا الحین
فضلا من لدی الله المشفق الکریم ایاکم ان تحزنکم الضوضاء و القباع من الذین انکروا الله و آیته
و سلطانه و قالوا ما ناحت به الملائکة و الروح و الذین حضروا امام الوجه و سمعوا النداء
و فازوا بما کان مرقوما من القلم الاعلی فی کتب النبیین و المرسلین قل ایاکم ان تمنعوا
نعمائکم او تمنعوا انفسکم عما قدر لکم فی الفردوس الاعلی من لدی الله رب العالمین قد مضت
الایام و اللیالی و ما حضر امام العرش ذکرکم و اسمائکم قل اتقوا یا اصحاب البهاء و لا تکونوا
من الصامتین هذا یوم فیه نطق لسان العظمة بین البریة و نادت الاشیاء هذا یوم الذی ذکره
مولی العالم و سلطان الامم فی کتابه المبین خذوه بایادی القدرة و القوة ثم اقرؤه فی
اللیالی و الایام امرا من لدی الله الآمر الحکیم نسئل الله ان یوفقکم علی ما یقرب العباد الیه
ینصرکم بجنود الحکمة و البیان و یحفظکم من شر الظالمین انظروا فی قدرة الله و سلطانه کیف اخذ
الظالمین الذین انکروا آیاته و اولیائه و کفروا بالحجة و نبذوا برهانه المبین قد اخذت الزلازل
قبائل الارض الذین نقضوا عهد الله و میثاقه و نبذوا ما امروا به فی کتابه العظیم نسئل الله ان

یؤیده

Provided by the Afnan Library

یؤید حضرة السلطان و یحفظه من شر الذین زینهم بالالقاب و الاموال و الذهب الذی غرهم
و المهد الذی جعلهم من الاخسرین اولئک کفروا بنعمة الله بعد انزالها الا انهم اراذل الناس باطل
و ظنوا انهم من الموحدین یشهد ام الکتاب اذ یمشی فی قصر حبه الله تغرد عرشه العظیم یا نصر السلطان
حزب من الاحزاب و لا جند من الجنود و لکن نصره قلمی الاعلی بعهد لا یاخذه النقض یشهد بذلک
ما ظهر من اولیائی فی الجهات ثم الذین یطوفون البیت فی هذا المقام الرفیع یا بن فیما اسمع
نداء ربک الابهی ثم اقراء بین العباد لیقربهم کتاب ربک الی افق منه اشرق نیر بیان الله
العزیز الحمید لعمری قد خان الذین یاکلون نعمائه و یکفرون فضله الا انهم من الخاسئین فی کتابی
المبین ینبغی لکل مقبل ان یذکر الله ربه بما ایده علی عرفانه فی یوم فیه ارتفع ضجیج المقربین قل
سبحانک اللهم یا اله الاسماء و سبحانک اللهم یا مولی الوری اسئلک باسمک الابهی الذی تحمل
الشدائد فی سبیلک و البلایا فی حبک ان تؤید اولیائک علی ذکرک و ثنائک و توفقهم علی
اظهار عدلک فی مملکتک ای رب ترهیم صامتین فی ایامک راضین بقضائک و ما ارادوا
الا اصلاح ارضک و اخماد نار الضغینة و البغضاء فی افئدة خلقک انک انت المقتدر علی
ما تشاء و فی قبضتک زمام الاشیاء تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا اله الا انت المقتدر العزیز الخبیر
یا قلم اذکر ابن من سمی بالفتح الاعظم الذی شرب رحیق البقاء من کاس عطائک و نبذ وطنه
قاصداً وطنه الاعلی امام عرش عدلک الی ان ورد فی مقام ارتفع فیه ندائی الاعلی و صریر
قلمی الاعلی نشهد انه فاز بما کان مرقوما من قلم عنایتک فی کتبک و زبرک و الواحک ای
رب ایده الذین ینسبهم الیک و علی القیام علی خدمة امرک الذین اقبلوا الیک بوجوه نوراء
انک انت المقتدر بسلطانک و المهیمن بآیاتک و الظاهر ببرهانک و الناطق فی کتابک و المتمسک
بحبلک المتین الملک و الملکوت قدرة القوی الغالب القدیر یا بن رفیعا طوبی لک بما حضر
کتابک



کتابک فی السجن و اجابک مولاک ببیان انجذبت به افئدة المقربین و المخلصین البهاء
المشرق من افق سماء عنایتی علیک و علی الذین شربوا رحیق بیانی من کاس عطائی و اقروا
بما نطق به لسان عظمتی من ملکوت بیانی البدیع انا اردنا ان نذکر اولیائک فی صفحة اخری ان
ربک هو المقتدر علی ما یشاء بامره المبرم الحکیم .

هو الآمر الحکیم جناب صادق ابن محبوب الشهداء علیهما بهائی و عنایتی و رحمتی شما را ذکر نموده اند
سماء عطاء حق جل جلاله اذن حضور طلب داشته اند در این حین نیر اذن از افق سماء فضل مشرق
و لائح و آل و جهک شطر الله و قل لک البهاء یا مولی الاسماء و لک الثناء یا فاطر السماء بما اذنت
لی بالحضور لدی باب رحمتک و القیام امام عرشک اشهد انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا
انت الآمر الحکیم یا صادق یا ایها المذکور امام الوجه سؤال شما اجابت شد و از اول لحاظ
عنایت بشما متوجه بوده و هست از بعض حوادث روزگار محزون نباشید سوف یرفعکم الله الی
مقام ینطق بذکرکم السن اهل الارض من شرقها و غربها یشهد بذلک ام الکتاب الذی یمشی
و ینطق انه لا اله الا هو الفرد الواحد العزیز العظیم از قبل مظلوم نفوس حاضره را تکبیر برسانید و
تجلیات انوار نیر بیان مالک امکان سرور دار البهاء علیک و علی من معک و یحبک
و یسمع قولک فی هذا النبأ الکبیر و همچنین اذن داده شد نفس مذکور که جناب ابن رفیعا
علیه بهائی ذکرش را نموده با او بشطر مقصود توجه نماید هذا ما حکم به محبوب من فی السموات
و الارضین .

مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

هو الله انوار قدیم در عرش عظیم سایر و اسرار قویم بر الواح شیم ساطع و حمائم قدرت

در اوا

Provided by the Afnan Library

در هوای قدس عزت بجناحی قوت طایر و ورقاء عظمت بالحان بدیع رفعت در تغنی و طاوس
جنان احدیت بتشعشعات غر صمدیه در تبهیش و اطیار جلال قدس بقا در تغنی و حوریات
جمال انس بقا در کشف و عندلیب ثناء بتروفا در تصفق الحمد لله که سلطان قدرت و غلبه
بر عرش عزت ساکن و ملیک بقا در قصر لقا متمکن و روایح طیب بقا از شمال محبوب
متهیج و اطیاب مسک وفا از این شطر مقصود متموج و ورقاء نور بر افنان وفا ظاهر
ترنمی و رنگ سبحانی در صدای غز صمدانی در تغنی اوکه لکان الحمد لله محبوب الاولین
والاخرین والظاهرین والباطنین .

مقابله شد محفل روحانی بهائیان طهران

ان یا فتح الاعظم   ان استمع نداء مالک القدم انه دعوته بلسان المحبة
والوداد وانه اجابک بهذه الآیات التی تفدی بهاش فی الایجاد انک نادیته بالجذب
والاشتیاق وانه ینادیک بنفسه الذی احاط الممکنات قد حضر لدی الوجه کتابک وقرء
بلسان عبدنا الحاضر تلقاء عرش ربک المقتدر المختار وجدنا من کل کلمة منه عرف خلوصک بنفسه
وانقطاعک فی امره المبرم الحکیم قد نزلنا لک الواحا وارسلناها بید الامین ان اشکر
بما انزل علیک من النعمة الباقیة التی ما اخذها النفاد نسئل الله بان یؤیدک فی کل الاحوال
ثم الذین قاموا علی نصرة هذا المظلوم بین العباد نکبر من هذا المقام علی وجهک ووجوه من
فی حولک الذین توجهوا الی الوجه منقطعین عما سواه .
مقابله شد



هو الله کور فی الصحف الاولی   کتاب البهاء الی الاماء اللائی شربن رحیق الحیوان
فی ایام الرحمن واقبلن بقلوبهن الی الله مالک الامکان یا امائی ان افرحن بذکری ثم استقمن
علی حبی کذلک یامرکن صاحب الادیان لا تحزن عن المکاره انه قد یتنفس فی بحر البلاء
بذلک شهد مالک الاسماء فی اعلی المقام ینوح الذرات بحزنه ولکن الناس اکثرهم
فی سکر ورد وابتهاج قد اخذتهم الغفلة فی ایام الله سوف ینوحون علی انفسهم ولا یجدون
من ناصر انا البهاء علیکن یا اماء الله وعلی من طاف حول الامر بروح وریحان
مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

الاقدم الاعظم   سبحانک یا الهی اسئلک باسمک الرحمن بان تحفظ عبادک وامائک عن هبوب
ارياح الامتحان وظهورات شئونات الافتتان ثم اجعلهم یا الهی من المتحصنین فی حصن حبک وامرک
علی شأن لا یستطیع علیهم اعادی نفسک واشرار عبادک الذین نقضوا عهدک ومیثاقک وقاموا
بالاعتراض علی مطلع ذاتک ومظهر اجلالک ای رب هم قد قاموا لدی باب فضلک
ان افتح علی وجوههم مفاتیح الطافک انک انت المقتدر علی ما تشاء والحاکم علی ما ترید ای
رب هؤلاء قد توجهوا الیک واقبلوا الی شطرک فاعمل بهم ما ینبغی لرحمتک التی سبقت العالمین
مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

الاقدس العلی الابهی   سبحانک اللهم یا الهی ترانی بین ایادی الذین هم کفروا بآیاتک الکبری
واعرضوا عن مطلع اسمائک الحسنی واعترضوا علی الذی به خلقت الارض والسماء وعزتک یا الهی
لو لم اکن ناظرا باسمک الرحمن لکنت بکلة انفطرت عنها سموات الوجود ولکن کیف یکون ذلک



بعد الذی

به الذی اری امواج بحر کرمک و الطافک و هبوب ارياح فضلک و مواهبک ای رب
اسئلک باسمک الذی به اطلع الآثار العليم بان تثبت بسلطانک من يقوم علی نصرة امرک
و اعلاء کلمتک و اظهار سلطنتک بين بريتک ای رب تری ضعف احبتک بعد الذی اقروا
بانک انت القوی القدير فاظهر لهم من افق الاقتدار ما تطمئن به قلوبهم و تنجذب به افئدة العارفين

مقابله شد

الاقدس الاعظم الابهی سبحانک يا الهی قد احاطت المصباح ارياح الغل و البغضاء اين زجاجة حفظک
يا محافظ العالمين و تری الورقاء فی مخالب اولی البغضاء اين شئونات قدرتک يا قدار العالمين
تری المظلوم بين جنود الظلم و النفاق اين ظهورات سلطانک يا قهار العالمين اسئلک يا من بيدک
زمام الموجودات بان تنزل احبائک و تخلصهم من ايادی الظالمين من خلقک الفاجرين من بريتک ثم
احفظ هذا السراج من انفاس الذين حرکتهم اهوائهم علی شأن قاموا علی اطفاء نورک و اضلال
خلقک ای رب خذهم بقدرتک ثم اکفف شرهم بسلطانک انک انت الذی احاطت قدرتک
و ظهرت سلطنتک و انک انت علی کل شیء قدير . مقابله شد

هو الاقدم الاعظم سبحانک يا الهی تسمع حنين العشاق فی الفراق و تری احتراق افئدة المخلصين
فی الآفاق اسئلک يا مالک يوم الطلاق بان تؤيد عبادک و امائک علی الاستقامة علی حبک و
الانقطاع عن دونک انک انت الذی لا يعجزک اشارات الذين ظلموا و لا يمنعک سطوة الذين
کفروا تفعل ما تشاء باقتدارک و تحکم ما تريد بعظمتک و سلطانک ای رب قدر لاحبتک ما تطير به

ارواحهم



ارواحهم و تقر به عيونهم و تستبشر به صدورهم قد سبقت رحمتک کل شیء و انک انت المقتدر
المتعالی العليم الحکيم .

مقابله شد

بسم الله الاقدس الابهی سبحانک يا مرسل الارياح و فالق الاصباح اسئلک باسمک الفتاح
بان تفتح علی وجوهنا ابواب رحمتک و تجعلنا من الذين اعترفوا بفردانيتک و اقروا بوحدانيتک
و استقاموا علی امرک علی شأن ما منعتهم اشارات المشرکين من خلقک و حجبات المعرضين
من بريتک قاموا باستقامتک علی امرک و دعوا العباد الی شطر مواهبک و افق الطافک
ای رب قد توجهنا اليک و اقبلنا الی بحر عطائک اسئلک بان لا تمنعنا عما عندک و اکتب
لنا ما کتبته لعبادک الاصفياء الذين استشهدوا فی سبيلک يا مالک الاسماء انک انت
المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهيمن القيوم

مقابله شد

بسمی العزيز المختار يا مالک الملک و الملکوت و سلطان الجبروت اسئلک بقلب العالم الذی
جعلته قبلة الامم بان تنزل علی الذين خضعوا لسلطان امرک و صاموا طلباً لرضائک ما يحفظهم من
الذين انقطعوا فی حبک عن من علی الارض ثم اشربهم من ايادی عطائک کوثر الحيوان يا مالک
الرحمن ای رب هؤلاء عباد اقبلوا الی افقک الاعلی فی يوم فيه ارتفع النداء بين الارض
و السماء و اجابوا اذ دعوتهم الی شرق انوار وجهک و تمسکوا بحبل الاحکام اذ نزل من سماء
مشيتک و اخذتهم نار محبتک علی شأن استقبلوا کل بلاء فی سبيلک و کل مصيبة فی حبک

ای رب

Provided by the Afnan Library

ای رب لا تدعهم بأنفسهم خذ بأیادی فضلک الأیادی التی ارتفعت الی سماء مواهبک و اخذت
کتابک بقوتک فی یوم فیه اخذت خشیتک من فی سمائک و ارضک اسئلک یا سلطان
العالم بنغمتک العلیا و الکلمة الأولی بان تقدّر لهم فی لوحک المحفوظ ما کتبته لاصفیائک
و امنائک و سفرائک انک انت المقتدر الذی شهدت الکائنات بعظمتک و سلطانک
و الممکنات بقدرتک و اقتدارک لا اله الا انت العزیز الکریم

مقابله شد

ط امة الله سیده خانم علیها بهاء الله

هو المشفق الکریم یا امتی علیک بهائی انتم نیّر در ایام حیات بثناء حق ناطق و در هواء
حق طائر و بار حق سائر و بذکر حق ذاکر و در سبیل حق سالک این است صراط مستقیم که در
ظهور نبأ عظیم بر عالمیان واضح و هویدا گشت یعنی بر صاحبان ابصار نفوسی که بعنایت
حق جل جلاله فائز شده اند آن نفوس لدی الحق مذکورند بل معدوم و مفقود حمد کن مقصود
عالمیان را که نسبت بامی از اماء از قلم اعلی جاری افرحی ثم اشکری ربک الکریم
البهاء علیک و علی کل امة توجهت و سمعت و اجابت ربها الناطق البصیر و الحمد لله
الفرد الواحد العلیم الخبیر

مقابله شد

ط سیده خانم التی نسبها الله الی اسمه المنیر علیها بهاء الله الابهی

هو المشفق الکریم یا امتی علیک بهائی اسم نیّر در ایام حیات بثناء حق ناطق و در هواء

حق طار



حق طائر و بار حق سائر و بذکر حق ذاکر و در سبیل حق سالک این است صراط مستقیم که در
ظهور نبأ عظیم بر عالمیان ظاهر و هویدا گشت یعنی بر صاحبان ابصار نفوسی که بعنایت حق
جل جلاله فائز شده اند آن نفوس لدی الحق مذکورند بل معدوم و مفقود حمد کن مقصود
عالمیان را که نسبت بامی از اماء از قلم اعلی جاری افرحی ثم اشکری ربک الکریم
اوست مقتدری که بیگانه را طراز آشنائی عطا فرماید و بعیده را کوثر قرب و لقا بخشد
یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المختار العلیم الحکیم از حق جل جلاله میطلبیم کل را از فضل ایام
خود محروم نفرماید اوست قادر و غالب و قوی و توانا البهاء علیک و علی کل امة توجهت
و سمعت و اجابت ربها الناطق البصیر الحمد لله الفرد الواحد المقتدر العلیم الخبیر

مقابله شد

جناب اشرف علیه بهاء الله

هو الشاهد الخبیر قلم اعلی در لیالی و ایام بمواعظ و نصایح مشغول و امر فرموده آنچه را که بر شأن
انسان بیفزاید و نهی نموده آنچه را که بکاهد امروز باید حزب الهی باستقامتی ظاهر شوند که از برای
مشرکین بیان مجال گفتار نماند این است شأن اهل بهاء که باسم مالک اسماء در سفینه حمراء
ساکنند از حق میطلبیم کل را از بحر معانی محروم نفرماید و از آفتاب توحید ممنوع نسازد قد حضر
من احبّنی و ذکر اسمک و ذکرناک بهذا الکتاب المبین و نوصیک بما ینبغی لمقام الانسان ان
ربک لهو الناصح الامین البهاء علی اهل البهاء الذین ما نقضوا عهد الله و میثاقه و کانوا
من الراسخین الحمد لله المقتدر المتعالی العزیز العظیم

مقابله شد

هو الله

هو الله تعالی شأنه العظمة والاقتدار     یا محمد علیک سلامی نامهٔ آن جناب که بعبد حاضر
ارسال نموده بودی امام وجه عرض شد و از آن مراتب توجه و خلوص و اقبال ظاهر و مشهود و
نسئل الله ان یزین بطراز خدمته و لیاته کما زینک من قبل انه هو المؤید العلیم الحکیم باری
در جمیع احوال مراقب حال مسافرین و مهاجرین علیهم فضل الله و رحمته باشید چه که این
نفوس نفوسی هستند که بفیوضات لا نهایات مالک اسماء و صفات فائز گشته از اراده
الهی احاطت نمودند و اسباب غیب و شهود با مر مالک وجود مدد فرمود تا آنکه وارد شاطی بحر اعظم
گشته و بحضور فائز و باصغاء ندائه مرزوق طوبی لهم و نعیمالهم قد سبقوا العالم فی الاقبال
و نزل لهم ما تضوع به عرف العنایة والالطاف نسئل الله تبارک و تعالی ان یقربهم الیه فی کل
الاحوال و یقدر لهم ما قدره لاصفیائه الذین نبذوا الاوهام و اخذوا رحیق الایقان من کأس
عطاء ربهم الرحمن و شربوا باسمه العزیز البدیع نامهائی که باسم آن جناب ارسال نموده ام
کل در ساحت اقدس عرض شد و واحداً بعد واحد هر یک را ذکر نمود نسئل الله ان یشرفهم
بالجواب انه هو العزیز الوهاب     و همچنین عریضهٔ آن جناب بیکی از اغصان امام وجه قرائت
شد انشاء الله جواب عنایت میشود انه هو الفیاض الکریم مهاجرین طرا را از قبل مظلوم
سلام برسان و بشیر و ذکر و بیان مقصود عالمیان منور دار السلام والبهاء علیک و علیهم
و علی عباد الله المخلصین     مقابله شد

العالم الخبیر     قل سبحانک یا آله الارض والسماء ایده عبادک علی النظر بالمنظر الاعلی لئلا یمنعهم
سطوة الفضاء عن التوجه الی وجهک الابهی انک انت المقتدر علی ما تشاء و المهیمن علی الاسماء





لا آله الا انت المقتدر المهیمن العزیز الحکیم ان انصروا ربکم الرحمن سوف یطوی الزمان
و یدع و یکب العرش علی الافنان طوبی لمن وفی بعهد الله فی ایام التی اشرقت شمسها عن
افق البیان شمس الحکمة والتبیان التی ظهرت باسمه الابهی فی ملکوت الانشاء کذلک قدر
لمن عزیز عظیم والحمد لله مالک یوم الدین .     مقابله شد

هو الله تعالی شأنه العظمة والاقتدار سبحانک یا مالک الوجود و سلطان الغیب والشهود اسئلک
بلآلی بحر علمک و تجلیات انوار شمس عنایتک بان تؤیدنی علی ذکرک و ثنائک والتوجه الی انوار
شرق فضلک ای رب انا امتک و ابنة امتک آمنت بک و بآیاتک واکون معترفة
بوحدانیتک و فردانیتک اسئلک ان لا تحرمنی عما عندک انک انت المقتدر علی ما تشاء
لا آله الا انت الغفور الرحیم .     مقابله شد

بسمه السبحان     ام یا یوحی الیک من شطر القدس من لدن ربک العلی الاعلی قل انه ینشد
فی الافق الابهی ینادی بین الارض والسماء کل الوری بان تالله ذا رب الآخرة والاولی
قل انه ما نطق عن الهوی لو انتم من اولی النهی قل انه لو ینطق عن الهوی لیس لکم ان تعترضوا
علیه یا اولی الحجی لان لا یری فی هواه الا هوی الله محبوبکم العلی الابهی و لا فی نفسه الا
نفس الله رب ما یری و ما لا یری هنیئاً لک یا عبد بما استعرجت الی سدرة المنتهی
بلغت غایة القصوی و انها العرفان الله فی مظهر نفسه الذی جاء مرة اخری و البهاء

علیک

عليك وعلى من آمن وهدى . مقابله شد

بسم الرب ذی العظمة والاقتدار بيده ملكوت ملك السموات والارضين قل كل الاسماء
اسمى وما خلق برهانى طوبى للعارفين مرة اذكرنى بالعلى الاعلى وطورا بسلطان الاسماء
الذى يذكر بالابهى لو انتم من العالمين ان الذى اشرق من افق سمائى وظهر من سدرة
امرى قد انقضاه لذكرى وثنائى بين العالمين اياكم ان تشركوا بالله انه ما اتخذ لنفسه
شريكا هذا ما نزل فى الالواح وكتب المرسلين هل يقوم معه من شيء لا ورب الكرسى
الرفيع انا خلقنا الاسماء وملكوتها بكلمة من عندنا دعوا ما عندكم وتمسكوا بهذا الحديث
قل لا ينفع احدا شيء لو تمسك باسباب الاولين والآخرين قل هذا ربكم الرحمن انه لهو المقتدر
القدير قل اياكم ان تأولوا كلمات الله بما امركم به اهوائكم ان اتبعوا البينين لكم ما اراد به
لهو العليم الخبير انك لا تحزن فيما يقولون بغير حق فالوا من قبل ان ربك يعلم المفسد من المصلح
عنده علم كل شيء فى كتاب مبين ذكر الذين غفلوا بالحكمة ان اقبلوا الى الهدى فلهم اجر
فى الآخرة والاولى وان اعرضوا ان ربك لهو الغنى المقتدر نسئل الله بان يجمع الكل
على البحر الاعظم ويطعمهم بهذا الذكر الذى به رفعت السماء واشرقت شمس وانصاء وجوه
المخلصين . مقابله شد

جناب آقا محمد حسين عليه بهاء الله

بنام



بنام خداوند يكتا لا زال اهل عالم را از نورهای اديان از مقصود امكان محروم نموده اند
حجاب اكبر علمای ايام ظهور بوده و هستند بيانات ايشان را از توجه بافق اعلى منع نموده
و مینماید در علمای شیعه تفکر نما در قرون واعصار بذکر حق جل جلاله ناطق و بر منابر بکلمه
یالیتنی کنت معک ای مع القائم ذاکر و چون باب اعظم مفتوح و نیر قدم ظاهر بعد از نشش
شنول و بالاخره بقتلش فتوی دادند و عمل نمودند آنچه را که صراط لرزید و میزان گریست
حال هادی دولت آبادی از اهل صاد بهمان اوهام تمسک جسته و بیچارها را شباهه
حزب شیعه تربیت نموده و مینماید مع آنکه در یوم جزا حزب قبل را اخسر اهل عالم مشاهده
کرده عالم اصغاء و مشاهده از او اخذ شده و این است جزای عمل او از حق بطلبید ترا
مستقیم فرماید بشانی که شبهات معتدین و اشارات معرضین از مالک یوم جزا محروم ننماید
اشکر ربک بهذا الذکر الاعظم وقل لک الحمد یا مولی العالم و الظاهر بین الامم بما اقبلت
الی من شطر سجنک و ذکرتنی بما لا تعادله اذکار غیرک لا اله الا انت المهیمن الفضال
الکریم اسئلک ان تکتب لی من قلمک ما یقربنی الیک انک انت المقتدر العلیم الحکیم
مقابله شد

جناب آقا محمد حسین علیه بهاء الله ق

هو ان طرز من الله الاعلی قلم اعلی در این حین اراده نموده یکی از عباد را ذکر نماید بفضل و عنایت
و رحمت الهی آگاه شود و ایام عمر را در ذکر و ثنا و خدمت امرش صرف کند یا محمد حسین
جناب علی قبل حیدر علیه بهائی ترا ذکر نموده لذا ذکرت از قلم اعلی جاری اشکر ربک بهذا
الفضل المبین و هذا الامر العظیم جمیع عالم منتظر یوم الله بوده اند و چون باب فضل با سمع قدرت

الهی

Provided by the Afnan Library

الهی باز شد و افق ظهور بنور کلم طور روشن و منیر گشت کل اعراض نمودند و بر هتک حرمتش قیام کردند لعمر الله حیاة ارض و نزاة آن بل جمیع اشیاء از افعال و اطوار حزب شیعه بوده و هست مشغولند در برش که ساکن و خود را اهل توحید می شمرند در بیداء وهم بادیه و خود را اهل یقین میدانند کشتند نفسی را که هزار و دویست سال از فراقش ناله مینمودند حمد کن مقصود عالم را از افاق نور فرمود بانچه اهل ارض از آن محرومند قل یا اله الوجود و مالک الغیب و الشهود اسئلک بانوار عرشک و اسرار بحر علمک بان تجعلنی متمسکا بحبلک بحیث لا تمنعنی شبهات العالم و ضوضاء الامم ثم اکتب لی ما کتبته لاهل التقوی و اصحاب السفینة الحمراء انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الملک و الملکوت لا اله الا انت الفرد الواحد العزیز الودود

مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

جناب ... حسین ... هو المقتدر القدیر سبحانک یا الهی تری و تعلم انی ما اردت الا ایجاد عبادک و بلوغهم الی ذروة فضلک و عطائک لتقر عیونهم و تفرح قلوبهم ای رب عرفهم سبیلک و علمهم ما اردت به لهم بجودک و کرمک ای رب لا تحرم الآفاق من نور الاتفاق انک انت مالک یوم الطلاق لا اله الا انت المقتدر القدیر . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

جناب ... بیک هو المشفق الکریم واجب را حادث وصف نماید چون از ادراک عالم چنین و چون منزه و مبری است لم یرفعه مرح الکائنات و لم یضعه ذم الممکنات یا ملهاب انا اقبلنا الیک من شطر السجن و ظهرنا کرمنا ... النهایة و الذکر و انزلنا لک ما لا تغیره حوادث الارض

از افرح



ان افرح بفضل مولاک انه مع من اراده و هو الغفور الرحیم البهاء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علی الذین فازوا و شهدوا بما شهد الله رب العالمین . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

ط جناب آقا محمد حسین علیه بهاء الله

این دو کلمه از لوح بعلی ... لا یقره مانده

بسمی المهیمن علی الاسماء الحمد لله الذی انزل الآیات و اظهر البینات فی ... بنوره اشرقت الارض و السماء لیقرب الکل الیه انه هو العزیز الفیاض انا اقبلنا الی الذین ... کل ظالم مکار طوبی لعبد نبذ الهوی متشبثا باذیال رداء رحمة ربه الفضال قد سمعنا ذکرک و ذکرنا ... وراءنا توجهک الی ما ... بالبحار و باح عرف الله مالک المبدء و المآب قل یا قوم اتقوا القیوم و الامر لله المقتدر المختار ایاکم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل الاکبر ضعوا ما عند الناس و خذوا ما امرتم به من لدی الله منور الآفاق کذلک نطق القلم اذ ارتفع ... ملک القدم طوبی لمن سمع و ویل لکل معرض اعرض عن الله مالک الابداع البهاء المشرق من افق سماء فضلی علیک و علی الذین ما منعتهم لومة لائم و لا سطوة ظالم اقبلوا بقلوب نوراء الی الافق الاعلی رغما للذین کفروا بالله مالک الرقاب . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

هو المستوی علی عرش البیان لله الحمد باثار قلم اعلی فائز شدی و بانوار بیان رحمن منور قسم بسدره وجود امروز هر نفسی بکلمه الهی فائز گشت او دارای ثروت حقیقی و غنای حقیقی است عرضه عالم قابل ظهور عنایات حق نبوده و نیست الا علی قدر محدود و لکن به قدرت ظاهر فرماید آنچه را که

الیوم

Provided by the Afnan Library

الیوم تسورات طوبی لمن فاز بالبحر الاعظم و شرب منه باذن ربه المشفق العزیز الکریم مکرّر از
برای آن جناب نازل شد آنچه که عرفش عالم را احاطه نموده این ایام جناب اسم جود علیه بهائی
امام وجه حاضر شما را ذکر نمود مجدّد این لوح امنع اقدس نازل و ارسال شد تجدید نما عرف
عنایة ربک و کن من الشاکرین ایّاک ان تحزنک حوادث العالم او شبهات الذین کفروا
بالله رب العالمین .

قل الهی الهی انا عبدک و ابن عبدک اسئلک بعتبتک الاعلی اقبلت الیک یا فاطر السماء
و مالک ملکوت الاسماء و رأیت امواج بحر بیانک توجهت الیها بفضلک و عنایتک لولا
عنایتک من یقربنی الیک و لولا فضلک من یدلنی الی مشرق آیاتک و مطلع اسرارک انا الذی
یا الهی تمسکت بک و فوضت الامور الیک و توکلت علیک فافعل بی بجودک و کرمک ما تحب و
ترضی انک انت اعلم منی و تعلم ما یقربنی و ینفعنی اشهد انک انت السامع الخبیر و انک انت الحق
علام الغیوب ای رب اسئلک بان تکتب لی ما کتبته لاصفیائک الذین شربوا رحیق الاستقامة
من ید عطائک و ما منعهم شیء من الاشیاء و اعرض من الامور عن التوجه الیک انشدک بآذیال
رحمتک لا اله الا انت المقتدر العفو العطوف . مقابله شد

بنام دوست یکتا  امروز تبلیغ امر الهی از اعظم اعمال بوده و هست و لکن بحکمتی که حکم آن
از قلم اعلی جاری چه جلّ جلاله از برای اصلاح عالم آمده تا جمیع من علی الارض بمثابه یک
نفس مشاهده شوند جمیع را امر کل بیک لسان امر فرموده و همچنین بنوشتن یک خط تا جمیع ارض
وطن کل محسوب شود و وقتی باین کلمه علیا تنطق نمودیم تا انوار آفتاب عدل جمیع اخراب

مخلص



مختلفه را منور فرماید و بمقام اتحاد کشد لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحب العالم
اگر نفسی صغیر این طیر معانی را که در این هواء با فضای نورانی طیران مینماید
احصا کند بطراز فراغت کبری مزین شود این است معنی حریت حقیقی و لکن الناس
اکثرهم لا یشعرون و از برای تبلیغ هم شرایطی در کتاب الهی نازل اهل ارض بمثابه
طفل مشاهده میشوند باید ببیانات خفیفه لطیفه که بمثابه لبن است در اول تکلم نمود تا با دادی
تربیت بحد بلوغ که مقام عرفان الله است فائز شوند از قبل فرمودیم یک کلمه بمثابه
شرابست و اخری مانند نیشتر طوبی از برای حکیمی که بحکمة عمل نماید و کلمة الله را در ارض
طیبه مبارکه و دیعه گذارد و ذکرت از قبل و بعد نزد مظلوم مذکور و لحظ عنایة متوجه انشاءالله
از دریای حکمة و دانائی بیاشامی و بآنچه الیوم مقبول است مشغول گردی چون این
ارض می الحکمه در حرکت است لذا در اذن توقف نمودیم انه یقدر لک ما اراد و یحب
لمن یرید اجر لقائه العزیز البدیع ان احمد الله بما جعلک فائزاً بهذا اللوح العظیم
المنیع و انزل لک ما لا یتغیر بدوام اسماء الله رب العالمین . مقابله شد

هو الله تعالی شأنه العظمة و الالطاف  یا محمد قبل تقی علیک بهائی  قد ورد
علی المظلوم فی هذه الایام ما ناح به کل عارف و صاح به کل عالم بصیر قد غیّر الغافل
نعمة الله و فضله و ارتکب ما ارتعدت به فرائص الامانة فی بدن الدیانة و بکی اهل
و ناح الانصاف فی هذا المقام العزیز البدیع انا وصینا الکل بما یرتفع به کلمة الله و تقدیسهم
و الغافل عمل بما اهتنی به الاخوان یشهد بذلک اهل ملکوتی و جبروتی و عن ورائهم لسان

عظمتی

Provided by the Afnan Library

عظمتی فی هذا المقام الرفیع انا نحب ان نذکرک کما ذکرناک من قبل بآیات قرت بها اعین
المقربین قد قام علی الاعراض من آویناه وارتکب ما نهی عنه فی کتاب الله العزیز الحمید
نسئل الله ربک ورب ما یری وما لا یری بان یؤیده علی الرجوع انه هو التواب
الغفور الکریم احمد ربک ثم افرح انه فی بحبوحة الاحزان ذکرک بما اشرق به نیر السرور
من افق سماء الظهور فضلاً من لدی الله مقصود العارفین نذکر فی هذا الحین من صعد الی الرفیق
الاعلی و آمن بالله الفرد الخبیر یا حبیب قد احاطک الفضل وسبقتک رحمة الله رب العرش
العظیم انت الذی سمّاک بالحبیب فی کتابی المبین اشهد انک سمعت الندآء واقبلت الی
الله مولی الوری اذ اعرض عنه اکثر الناس و آمنت به اذ کفر القوم طوبی لک و نعیماً لک
نسئل الله تبارک و تعالی ان یجعلک معاشراً فی الفردوس الاعلی مع انبیائه و اصفیائه
و یلقیک فی کل الاحیان کوثر عطائه و سلسبیل بیانه و یسمعک تغردات عنادل رضوانه
و حفیف سدرات الجنة العلیاء و خریر کوثر رحمته من الملأ الاعلی انه هو الفضال الکریم
البهاء من لدنا علی اولک و آخرک و ظاهرک و باطنک و علی من ذکرک و قرء
ما نزل لک من لدی الله الفرد الواحد العلیم الحکیم . مقابله شد

جناب ملا جعفر

هو المقتدر المهیمن علی من فی السموات والارض قد جری السلسبیل و ظهر السبیل والدلیل بما ذی
بین السموات والارضین انه ما اراد للعباد الا ما یقربهم الی الله و یعلمهم ما ینفعهم فی الآخرة
والاولی انه لهو الغفور الکریم قد قبل الاحزان لفرح من فی الامکان و حمل البلایا لنجاة البریة

نحمده بذلک



شهد بذلک قلمی الاعلی فی هذا المقام الذی ینطق انه لا اله الا هو العلیم الحکیم انا اردنا لهم ما
یطهرهم عن رجس الدنیا وهم کفروا بهذا السجن المتین تالله انه سجن بارحم بل المطهر
ما کان مکنوناً فی قلوبهم و عن ورآئه حکمة ما اطلع بها الا الله رب العالمین قد بشرنا البشر
بالمنظر الاکبر و انساهم ما ینطق به مالک القدر و هم اعرضوا عنه و کفروا بهذا الفضل العظیم
انا نذکر الذین اقبلوا الی الله لیبقی به ذکرهم بدوام الملک والملکوت انه لهو المقتدر القدیر
ان افرح بما ذکرک الفرح الاکبر الذی ما منعته الاحزان عن ذکر ما اراد و نطق و قال
الملک لله الملک العزیز الحمید قد ارسلنا الیک هذا الکتاب لتشکر ربک و تکون من الشاکرین .
مقابله شد

میرزا محمد حسن

الاقدس الاعلی قد شهدت الحصاة بانه مالک الاسماء والصفات و لکن اهل الاشارات
منعوا عن نفحات ایام ربهم العزیز الحکیم تنادی الاشجار قد اتی المختار و لکن الاشرار فی خسران
عظیم اذا قیل لهم قد ظهر الموعود یقولون این البرهان بعد الذی احاط العالمین قل موتوا
بغیظکم قد اتی الوهاب راکباً علی السحاب و المخلصون ینظرون و یقولون آمنت بک یا من بیدک
زمام العالمین طوبی لمن اقبل الی مولاه و انقطع عما سواه و ویل للمشرکین ان یا محمد قبل حسن ان احمد
الله ربک بما جری اسمک من قلم الوحی ان هذا الفضل مبین ان افرح بذکری ایاک و کن ذاکراً
امره بین العباد لعل الذین رقدوا یقومن و یتوجهن بقلوبهم الی هذا المنظر الکریم ایاک ان یحزنک
شیء فی ایام ربک توکل علیه فی کل الامور انه مع عباده المتوکلین اذا شربت رحیق الحیوان و فزت
بآیات ربک الرحمن قم بین ملأ الاکوان قل هذا لهو المذکور فی صحف الله العزیز القدیم وهذا

لهو الذی

لهو الذی وعدتم به فی الالواح ان انتم من العارفین ان ارودت ذکر ربک ان اذکره بالحکمة لئلا تحدث فتنة تزل بها اقدام المستضعفین ان احفظ الامر من کل الجهات لئلا تلتهب نار البغضاء فی صدور المغلین بالحکمة ظهر ناالامر و بها امرناکم فی کل الالواح تمسکوا بها من لدن عزیز علیم قل ای رب لک الحمد بما عرفتنی نفسک و سقیتنی کأس افضالک اشهد انک انت المعطی الباذل الغفور الرحیم . مقابله شد

هوالشاهد الخبیر یا الهی علیک بهائی ذکر جناب میرزا حبیب الله علیه بهائی را نموده اید و از عمان بیان مقصود عالمیان ذکرش را خواسته اید انا اظهرنا باسمه من خزائن قلمی الاعلی لئالی الحکمة و البیان التی ما شهدت عین الابداع شبهها و عجزت الالسن عن تحدیدها و توصیفها و ذکرنا من قبل من صعد الی الله بذکر تضوع عرف عنایة الرحمن فی الامکان و نذکره فی هذا الحین مرة اخری فضلا من لدنا طوبی لک بما اتخذت لنفسک فی جوار الله مقاما رفیعا البهاء من لدنا علیک و علی من ذکرک و نذکرک بما نزل من قلمی الاعلی عنایة من لدی الله رب الارباب قد ماج بحر الغفران اذ تکلم اللسان و نصب سرادق العفو علی اعلی المقام قد حضر من قبل کتاب من تسمی بالتاء و القاف ذکرناه بذکر انار به الآفاق یا اسمی لازال اولیای مذکور بوده و هستند جناب حبیب الله علیه بهائی را ذکر نموده و نمائیم در لیالی و ایام مشابه امطار آیات نازل و جاری ظاهر نفحه لک من ضعین بیان مقام مظهر از افئده و ادراک رابطین او هام آلوده انه به حجر نسبت داده انه قل انظروا انظروا امواج بحر بیانی امام وجوه العالم اسمعوا اسمعوا ندائی الاعلی بین الامم منهم من قال انه سرق

آیات النقطة



آیات النقطة و انزلها باسمه قل ویل لک یا ایها المشرک المرتاب لعمر الله لو کان النقطة لیقوم امام الوجه و یکبر بما نزل من سماء مشیة الله رب الارباب یا اسمی لازال ذکر اولیاء را دوست داشته و داریم مقامی که مطاف کتب عالم است آن را به حجر نسبت داده اند ایکاش حاضر شده و تجلیات انوار نیر بیان الهی را بچشم خود مشاهده مینمودند با سماء تمسک نموده اند و از نفسی که بکلمه اش ملکوت اسماء خلق شده اعراض کرده اند باری قابل ذکر نبوده و نیستند احباء را ذکر نمائیم یا علی علیک بهائی انشاء الله بتوفیق باشی بر ذکر و ثناء و خدمت امر الهی یا حبیب علیک بهائی ذکرت از قبل و بعد از قلم اعلی جاری البهاء علیک و علی من تمسک الی فازت بذکر الله رب العالمین . مقابله شد

آقا عباسعلی

هو المؤید المعلم الحکیم قد نعتناکم فی الالواح بما استفرح به الملاء الاعلی طوبی لمن اتبع ما امر من لدن علیم حکیم قل یا قوم لا تتبعوا اهوائکم و لا تأخذوا ما عند الناس بالباطل و الاتحاد لوا احد انه لهو المقتدر الآمر الخبیر کونوا اعلام الهدایة بین البریة و مظاهر عنایات ربکم الرئوف الرحیم طوبی لک بما فزت بایام الله و عرفان نفسه انه یری من اقبل الیه و یسمع ندآء الذین توجهوا الی مطلع الامر و کانوا من الراسخین ان اشکر الله بما ذکرت بلسان مطلع امره المشرق المنیر مقابله شد

جناب میرزا تقی

هو الاقدس الاعظم الابهی

ایکاش

کتاب نزّل بالحقّ لمن اقبل الی الله المهیمن القیّوم و شرب الرّحیق المختوم اذ اتی القیّوم بملکوت الله العزیز
المحبوب انّا نوصی احبّائنا بما ترتفع به امر الله و سلطنته ایّاکم ان تدعوا ما امرتم به من لدی الله
العزیز الودود و قل خذوا ما امرتم به و لا تتّبعوا الّذین نبذوا احکام الله ورائهم و اتّبعوا
کلّ جاهل مردود قل قد ظهر صراط الله ان اسرعوا الیه لا تکوننّ من المتوقّفین انّا قدّرنا التّوجّه
بالقلوب ان اعرفوا و لا تکوننّ من الّذین توجّهوا بارجلهم الی هذا المقام المحمود انّه ما اذن لهم لئلّا
ترتفع ضوضاء العباد انّه لهو الحقّ علّام الغیوب انّا نذکر کلّ من اراد ان یتوجّه الی هذا الشّطر
الممنوع و نقدّر لمن شاء اجر اللّقاء انّه لهو الحاکم علی ما یشاء بقوله کن فیکون کذلک نطق
لسان الوحی بآیات تنجذب بها من فی السّموات و الارض انّه لهو المقتدر علی ما کان و ما یکون .

مقابله شد

ش جعفر بن ص

بسمه المهیمن علی الاسماء ذکر من لدنّا لمن تحرّک من هبوب ارياح رحمة ربّه الرّحمن و توجّه الی
الوجه الّذی به اشرقت سماء الاسماء و من فی الارض و السّماء انّا کنّا عالمین و جذباک بفضلنا
الی الله لذا انزلنا لک هذا اللّوح الّذی منه فاحت نفحة الوصال فی المآل ان اعرف قدره
و کن من الشّاکرین قد سمعنا ندائک و اجبناک بالحقّ انّ ربّک لهو الغفور الکریم قد فزت بما لا
فاز به اکثر العباد و وجدت عرف ایّام ربّک المهیمن علی العالمین ایّاک ان تمنعک شئونات
الخلق کن طائراً باجنحة الاشتیاق فی هذا الهواء المنبسط اللّطیف قد قبلناک بالفضل بهذا امر
لا یعادله ما فی السّموات و الارضین ان احمد الله بهذا الفضل المبین ثمّ احفظ اللّوح و اقرأه
فی ایّامک بروحات تنجذب بها افئدة المخلصین . مقابله شد

ط



ط جناب عبد الرّحیم علیه بهاء الله

بسمی الله الاکبر العظیم ذکر و بیان مقصود عالمیان بمقامی رسیده که عالم و عالمیان را احاطه
نموده و لکن اهل عالم محروم و محجوب یا اهل بهاء عدم وجود رقیب فضلی است از برای شما
بنوشید از کأس عطا رحیق بقا رغماً للّذین کفروا بالله مولی الاسماء و فاطر السّماء لا زال
جناب حبیب علیه بهائی و توجّه تحت لحاظ عنایت بوده اید الواح منزله شاهد و گواه قد نزّل
له ما یشهد بفضل الله و عنایته و رحمته و الطافه و لک فی هذا اللّوح ما لا [illegible] امام وجوه عالم
یشهد بذلک من ذکرک فی سجنه العظیم اولیای آن ارض را ذکر مینمائیم و بعنایت حقّ بشارت
میدهیم و بما یرتفع به الامر وصیّت مینمائیم طوبی لمن سمع و تمسّک بما امر به من لدی الله ربّ
العالمین البهاء علیکم یا اهل البهاء من لدن غفور کریم . مقابله شد

بسم الله الامنع الاقدس العلیّ الابهی فدای آن جناب این خادم احباب نامه مبارکه
باین ذرّه فانیه واصل و همچنین مکتوب دیگر و از قبل آن مکتوب دیگر ارسال شده بود
فرحی تازه و سروری بی اندازه حاصل شد چه که نفحات قمیص ذکرش ذکر اسم اعظم
و روحات جنّتیه مالک امم معطّر بود طوبی للمستنشقین و آنچه از مراتب و مقامات تنزیه
و تقدیس و ارتفاع و امتناع ذات امنع اقدس ابهی جلّت سلطان عظمته و اعزازه
مذکور شده بود ببصر سرّ و سرّه ملاحظه شد طوبی للسانک و لبیانک و اقلامک بما جری
علی ذکر من شهد کینونة القدم بقدسیّة ذاته و واحدیّة نفسه و اقرّ ذاتیّة الهویّة بفردانیّة
کنهه و امتناع ذکره نسئل الله بان یجعلک من الّذین اذا شربوا من کأس التّوحید

ودادوا

Provided by the Afnan Library

وذاقوا من کوثر التفرید والتجرید استقاموا علی الامر و ما منعهم من فی الانشاء عن التوجه
الی المنظر الابهی والنظر الی الافق الابهی الاعلی ولم یزل کان طرفهم الی شطر محبوبهم وقلوبهم
الی وجه مقصودهم وانفسهم لم یزل کانت مهتزة من نسمات التی مرت عن جهة المحبوب وارواحهم
متعلقة باسم الله المهیمن القیوم حمد محبوب آفاق و قاتل عشاق را که آن جناب از
شاربین کاس ابدع ابهی و رحیق الطف اصفی در منظر اعلی شهود نموده واز اهل بها محسوب
از حق جل اجلاله میطلبیم که جمیع را بطراز استقامت مزین فرماید و از حملات شبهه از شطر
نفوس غافله محفوظ دارد چه که الامر عظیم عظیم والاستقامة اعظم من ذلک طوبی للمتقین
طوبی للثابتین طوبی للراسخین ودیگر این عبد فانی ایام [illegible] حاضر و آنچه بساحت
اقدس امنع در مکتوب این بنده معروض داشته بودند عرض شد اما اشرق من
افق بیان ربک الرحمن قوله عز اعزازه :
لاتحزن من شیء ان استقم علی امر مولاک ان هذا لهیکل غنیا عما خلق بین السموات والارضین
ان الذین آذوک انهم اتبعوا الهوی وسلکوا مناهج الظالمین انا عصمناک بآیاتی ونعمک
فضلا من عندنا ان ربک لهو المقتدر القدیر ولکن حق لک ان لاتتوجه الی الذین
تجد منهم نفحات الاعراض ولاتقرب الیهم ولاتجتمع معهم هذا ما امرناه به عبادنا الذین آمنوا
بالله المقتدر العزیز الحکیم وان اتق الاجناح لن تطرف قلبک ناظرا الی الله ربک
ورب آبائک الاولین قل ای رب احفظنی من الذین تری فی وجوههم غبرة الجحیم ثم ایدنی
علی ذکرک وثنائک ثم استقمنی علی شأن لاتمنعنی حجبات اهل الاکوان ولا اشارات
الشیاطین ای رب انت هدیتنی الی شرق امرک ومطلع الهامک اسئلک باسمک الاعظم الذی
فصلت به بین الامم بان تحفظنی تحت سرادق رحمتک و خباء مجدک انک انت المقتدر الغفور

الرحیم



الرحیم هل تخرجن من الدنیا انما تستغنی ورب العالمین ان افرح بحبی لایعادله ما خلق فی
الابداع ان ربک لهو العلیم الخبیر ان اطمئن بفضل مولاک انه من احبه انه هو ارحم
الراحمین . انتهی
طوبی لک بما تکلم بذکرک لسان القدم وانزل علیک آیات قدسه وجعله المحبوب بفضل
لایعادله شیء فی العالمین ودیگر ذکر تکبیر وثنای آن جناب را حضرت اغصان
و افنان سدره الهیه عز شأنهم معروض داشتم و مخصوصا تکبیر ابدع امنع ابلاغ فرمودند
و آنچه درباره قبالجات بیت مرقوم داشته بودند تاکید بلیغ در ارسال آن شده انشاء الله
برسد جناب [illegible] کمال خجلت از آن جناب دارند و عرض تکبیر بالانهایه میرسانند
و این که عکس مبارک اقدس حضرت غصن الله الاعظم روح العالمین فداه را خواسته
بودند بر آن جناب معلوم بوده که در این ارض و ترس بآن شخص که اخذ عکس مبارک را
نموده نیت در این جهات حال تحصیل آن ممکن نه شاید بعد انوار تقسیم دیگر جاری شود الامر
بید الله و البهاء علیک وعلی اهله . خادم ۷۶ مقابله شد

بنام محبوب عالم نگوست حال زنده که به ره تنگ جست بنی که بهوب ارباح امتحان
و افتتان او را از سدره منقطع ننمود جناب اسم الله مهدی مراتب خلوص و استقامت و مودت
ثمار اب حتا امنع اقدس معروض داشت انشاء الله در کل احیان بعنایات مخصوصه رحمانیه فائز
باشید و در ظلش ساکن و متریح البهاء علیک . مقابله شد

الاقدس الاعظم

الاقدس الاعظم قد اردنا ان نذكرك من آياتنا التي اتت بالله الملك العزيز الحميد وتسقيها مرة اخرى كوثر الحيوان انا كنا قادرين ان يا امتي ان افرحي بذكري ثم اذكري ربك في كل بكور واصيل اياك ان تحزنك مكاره الدنيا ان انظري ما ورد على ربك فاطر السماء بالحجبت ايدي الغافلين ان اشربي في كل الاحيان سلسبيل العرفان من كاس عنايات ربك الغفور الكريم انا نذكر كل من توجه الى الله ويذكر ربه المقتدر القدير كذلك نزلت الآيات فضلا من عندنا عليك لتكوني من الشاكرات في لوح مبين . مقابله شد

هو الاقدس الاعظم سبحان الذي انزل الآيات بالحق ونطق انه لا اله الا هو المهيمن القيوم طوبى لك يا امتي بما اقبلت الى مطلع الوحي وعرفت سلطنة ربك في هذا الفضل المشهود قد تشرفت بارسله وتزين بالمنظر الاكبر في ايامه فيها وله المكنون ان افرحي قد رزقك الفضل ثم افرحي على شان لا تحزنك شئونات العالم ولا تحجبات الامم كذلك يذكرك مالك القدم انه لهو المقتدر العزيز المحبوب لا تحزني من شيء توكلي في كل الامور على مالك الظهور انه يجيبك بالحق انه لهو الحق علام الغيوب . مقابله شد

الامنع العلي الابهى تلك آيات الله الملك الحق المبين نزلناها من سماء الامر رحمة من لدنه وذكرى للعالمين ان يا امتي يا يوحي اليك من جهة العرش مقام الذي يطوف حوله اهل ملأ الاعلى ثم اهل مدائن الاسماء انه لا اله الا انا المقتدر القدير قل يا قوم هل ترون لربكم الرحمن شريكا في الملك لا ومجالي المشرق المنير وهل ترون له وزيرا لا ونفسه الحق لو انتم من العارفين هل تقدر احد ان يقترن به لا

وربي طوبى لمن يتقرب باسمي العظيم ان الذين يرون له ندا اولئك في حجاب مبين غلبت عليهم شقوتهم الهم من قوم سوء اخسرين تالله قد ظهر مالك القدر بسلطانه الاعظم العظيم ولا يمنعه شيء عما خلق بين السموات والارضين ينزل آيات ربها من عنده ويحكم ما يريد باعجب قم على الامر باستقامة تضطرب بها اركان الذين كفروا بيوم الدين باستقرارکم تندک جبال الاوهام وتنشق اراضي الافئدة وتتزلزل افئدة المشركين وبصعودكم الى الافق الابهى تجد اركان المريبين اياك ان يمنعك شيء عما نزل بالحق تلك يجعل الامر ثبت بذيل رحمة ربك العزيز الحميد قد خلقنا كل شيء لذكرنا وجعلنا كل امر حكيم كن متذكرا بهذا الاسم الذي به انك يتوجه من فعل الى ربه الغفور الرحيم ان احمد الله ان اذكره ان اهل تلك يتنفسق عما راه له لك علماك وارثك فضلا من لدنا ان اشكر وقل لك الحمد يا اله من في السموات والارضين . مقابله شد

الاعظم الاقدم قد بدت نسمة الرحمن من شطر السجن وتموج بحر البيان بهذا الاسم العظيم طوبى لمن وجد العرف واقبل اليه بوجه منير يا امتي ان اسمعي نداء ربك الابهى من الافق الاعلى انه لا اله الا انا العليم الحكيم تقربي الى الله بالذكر والثناء انه لهو المجيب القريب اياك ان تحجبك شئونات الاسماء توجهي بالبصر الاطهر الى المنظر الاكبر قولي لك الحمد بما عرفتني نفسك وايدتني على ذكرك وذكري بلسان عظمتك في هذا اللوح المنيع قد نزل لك لوح من قبل فضلا من عندنا عليك انه لهو العزيز الكريم ان اشربي رحيق الحيوان من كوثر بيان ربك الرحمن كذلك يأمرك مولى العالمين انا نسمع من يذكر ربه ونرى من كان مقبلا اليه في هذا اليوم البديع ان افرحي بذكري اياك انه لا يعادله شيء في الملك يشهد بذلك من عنده علم كل شيء في لوح مبين انا البهاء عليك وعلى الاماء اللائي

آمن بالله الفرد الخبير . مقابله شد

بسم الله الاقدس الابهی ورقة من امة الله الی الورقة التی تمسکت بهذا الاصل القدیم وبعث الله آ اذا ارتفع
بالحق وقالت آمنت بک یا اله العالمین وفازت بالعطا کلمة الله اذ ظهرت بسلطان مبین ان یا امتی
طوبی لک بما غمست فی بحر عرفانی وفزت بانوار حبی ولذت بحسن جمالی وتمسکت بحبل کرمی وتشبثت
بذیل الطافی التی احاطت السموات والارضین لعمری لو یأخذک عرف ما نزل لک فی هذا اللوح
لتجدین فی نفسک حرارة المحبة علی شأن لاتمنعها میاه العالمین کذلک نورنا قلبک بانوار شمس
البیان وزیناک بطراز الفضل من لدن ربک العزیز الحمید ایاک ان یأخذک الاحزان فی شیء
توکلی علی الله انه یحفظک بالحق انه لمولی المقبلات وولی المقبلین ان الحمد لله رب العالمین . مقابله شد

الاقدس الابهی قلم اعلی میفرماید ای کنیزمن و دختر کنیزمن حمد کن مقصود عالم را که از بحر اعظم آشامیدی
و بجمال قدم فائز شدی و در این ایام که امطار رحمت نازل و ارياح قمیص رحمانیه در هبوب
و آثار سدره ربانیه در ظهور و امکان از طراز ربیع رحمن مزین و منور تو محروم نماندی و بالکلیه
فائز شدی حمد کن که در کمال استقامت و ثبوت از کوثر عنایت بنوشی و بنوشانی بذکر حق مسرور
باش و از ما سوایش منقطع نظر الطاف الهیه با شما بوده و خواهد بود قدر این فضل را بدانید و نعمت
شمرید انتهی عباد الذین آمنوا و امائه اللائی اقبلن تکبیر ابهی الفرد الواحد المهیمن المقتدر العلیم الخبیر .
مقابله شد

بسم الله



بسم الله الاقدس الانور سبحانک اللهم یا الهی انت الذی خلقت الممکنات بکلمة امرک و ذرات الموجودات
بسلطنتک والله ان کل عزیز ذلیل عند ظهورات عزک وکل قوی ضعیف عند شئونات قدرتک وکل
بصیر عمی عند بوارق انوار وجهک وکل غنی فقیر عند بروز ذرات غنائک اسئلک باسمک الابهی الذی به
زینت من فی ملکوت امرک و جبروت مشیتک بان تحفظنی من نفحات ورقاء احدیتک التی تغن علی
افنان سدرة فضائک بانک انت الله لا اله الا انت ای رب طهرنی بمیاه رحمتک ثم اجعلنی
خالصا لوجهک و متقربة الی حرم امرک وکعبة قربک ثم قدر لی یا الهی ما قدرته لخیرة امائک ثم انزل
علی ما تستضیء به وجهی و تستنیر به صدری وانک انت المقتدر علی ما تشاء والحاکم علی ما ترید . مقابله شد

بسم الله الابدع الامنع العلی الابهی یا من سبقت رحمتک علی کل الاشیاء و فضلک احاط من فی الارض
والسماء و بابک اثمرت سدرة البیان من فواکه العرفان و بذکرک زینت قلوب المنقطعین بطراز
الایقان اسئلک باسمک الرحمن بان تسقینی خمر رحمتک وعنایتک ثم اکتبنی من اماء اللائی اقبلن
الیک و نطقن بثنائک و ما منعهن عن حبک ورضائک اشارات المشرکین وکلمات المعرضین
ای رب نور قلبی بنور معرفتک ثم بصری بکحل عرفانک لاعرفک بنفسک و استقیم علی حبک و رضائک
وانک انت الذی لم تزل کنت مقتدرا علی ما ترید لا اله الا انت المتعالی المقتدر العزیز الکریم
والحمد لله رب العالمین . مقابله شد

الاقدس الابهی ای امة الله حمد کن محبوب عالمیان را که بعنایت او بشریعه احدیه وارد شدی

و نفوذ

Provided by the Afnan Library

و بفیوضات رحمانیه که از سماء اراده نازل است فائز گشتی طوبی لک و للواصلین والواصلات .
ذکرت لدی العرش مذکور و این لوح که مطلع عنایت ربانیه است نازل و مخصوص آن امة
ارسال شد تا نفحه رحمانی را از این لوح روحانی استشمام نماید و بکمال بهجت تمام بذکر محبوب امکان مشغول
گردد در این ایام و عنایات مشرقه از افق فضل را بدانید چه که شبه آن در ابداع ظاهر نشده
انّ الله لم یزل و لا یزال [illegible] انقطعت باشانیه و از ذکر غیر دوست فارغ و آزاد
باشید البهاء علیکن یا اماتی . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

الاقدس الامنع الاعظم لک الحمد یا الهی بما جعلتنی هدفا لسهام اعدائک فی سبیلک اشکرک یا عالم
الغیب والشهود و مالک الوجود بما جعلتنی مسجونا فی حبک و سقیتنی کاس البلایا لاظهار امرک و اعلاء
کلمتک ای رب اتی بلائی او کربتی و بحبک اذکر ما ورد علی من قبل من اشقیاء خلقک او ما
احاطنی فی تلک الایام فی سبیل رضائک اشکرک یا اله الاسماء و احمدک یا فاطر السماء بما اردت
فی هذه الایام من بلائه عبادک و [illegible] بان تحفظنا من الذین استکبروا علی امرک الی
ان طارت ارواحهم الی سماء قدسک و هواء عنایتک انک انت الغفور الرحیم . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

هو الله فسبحانک اللهم یا الهی انک انت فاطر السموات والارض و انک علی کل شیء علیم خالق کل
شیء و رازق کل شیء و بارء کل شیء و مصور کل شیء و منور کل شیء اذ انه لا اله الا هو
له الخلق والامر من قبل و من بعد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و انه هو حی لا یموت فی قبضته ملکوت

کل شیء



کل شیء و فی یمینه کل الاشیاء بانه العزیز المحبوب لا اله الا هو له الاسماء الحسنی من قبل و من بعد لا اله الا هو
المهیمن القیوم و له الامثال العلیا و ظهورات الکبری و تجلیات العلیا و انه علی کل شیء علیم قد خلقوا
کل شیء بامره و بقوله کن فیکون بانه الله لا اله الا هو خالق الاشیاء و مصور الاشیاء بانه لمتعالی
قدیر فسبحانک اللهم یا الهی انک انت خالقی و رازقی و محیی و ممیتی و انک الحکیم العلیم . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

ک ورقه عمه علیها بهاء الله

ای ورقه و آن دوست شنوا بالتمه لآلی بیان از عمان رحمت رحمن اخذ نمودیم و بسوی تو فرستادیم
قسم بآفتاب حقیقت این لآلی کلمات را آنچه در عالم خلق است معادله ننماید اشکری ربک بهذا
الفضل العظیم و قولی لک الحمد یا ایها المظلوم و لک الثناء یا ایها المسجون بین ایدی الغافلین . مقابله شد

محفل روحانی بهائیان طهران

ک عمه علیها بهاء الله

بسمی المقتدر علی الاغصان کتاب انزله الرحمن للتی سمعت و اجابت و فازت بایام ربها المهیمن
القیوم ای ورقه ندای مالک احدیه را از گوش جان بشنو قسم بجان محبوب اگر نفسی از این کاس
بنوشد بعینی بلذت بیان رحمن فائز شود در جمیع ایام و لیالی بذکر دوست یکتا مشغول گردد امروز
روزی است که ذکرش لم یزل و لایزال بوده و جمیع اهل عالم بآن وعده داده شده‌اند و چون
انوار فجر یوم الهی طالع شد کل اعراض نمودند و با امر شیطان عامل گشتند مگر نفوسی که از ما سوی
الله فارغ و آزاد بوده‌اند ایشانند نفوسی که ذکرشان در کتب الهی از قبل و بعد بوده طوبی لهم و نعیما لهم

نشهد

Provided by the Afnan Library

انت یا امة الله آن ورقه در جمیع احوال باید برضای تو متمسک باشد بشأنی که ارياح مختلفه او را ساقط ننماید
این است حقیقت محبوب عالم ترا و سایر کنیزان را در جمیع اوان حمد کن محبوب امکان را چه که ترا
فائز نمود بامری که علمای ارض از آن محتجبند ان ربک لهو الغفور الرحیم البهاء علیک و علی
امائی فی هناک من لدن مشفق کریم . مقابله شد

ک ورقه عمه علیها بهاء الله

هو الله اکبر والله ذکر را یا ورقتی بذکر که بنبأ اعظم بسلک حمل عرفت انزلناه فی الفرقان فی هذا
الذکر الحکیم قلم اعلی شهادت میدهد که بنبأ عظیم اقبال نمودی و بافق اعلی که مقام اشراق آن نیر
اعظم است متوجهی امروز آفتاب حقیقت مشرق است آن نبائی که جمیع انبیاء عباد را بآن بشارت
داده اند و کتب و صحف و زبر الهی بذکرش مزین و مطرز نه مفتخر باتمام قصد و سه ذکر القویبطوره
والیوم فی حجاب عظیم تعرب شأن متقلبین از عباد و اماء بر من علی الارض ظاهر شود ان الغافلین فی
ذلک الیوم فی خسران عظیم که لک بترک العلیم اشکر ربک الخبیر البهاء المشرق من افق الوحی علیک
و علی کل عبد فاز و علی کل امة فازت بهذا الامر المبین . مقابله شد

مهر مبارک (بهاء الله) عمه التی حضرت فائزت

بنام خداوند بخشنده مهربان قد اخذ بعنایت کبری فائز گشتی و بسلسبیل لقای مالک اسماء را
از قدح فضل نوشیدی حق جل جلاله از برای هدایت و تهذیب نفوس آمده و کل را بتقدیس





و تنزیه و معروف امر فرموده تا جمیع من علی الارض بطراز اتحاد و اتفاق فائز گردند و جائیست مبین للانسان
عامل شو تا باما امة الله آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بعنایتش بشارت ده و بگو
فرزندان و کنیزان بوده و هستند امة الله آلی محبت حقانی را باش حفظ نماید مخصوص خدیجه علیها بهائی را
تکبیر برسان بگو لعمرالله احرقنی فراقک نسئله تعالی ان ینزل لک ما تقر به عینک و یقدر لک الخیر فی کل عالم
من عوالمه انه علی کل شیء قدیر و همچنین صاحب التی فازت و بنات او را از قبل مظلوم تکبیر برسان
از حق تعلیم کل را انشاالله فرماید و بما یحب و یرضی موفق دارد البهاء المشرق من افق سماء فضلی علیک
و علی امائی هناک اللائی آمنّ و عملن ما امر الله رب العالمین . مقابله شد

ک ورقه بنت عمه علیها بهاء الله

بسمی الناطق الامین یا ورقه علیک بهائی دریای کرم محبوب عالمیان نظر کن در بحر اعظم و حینی
که امواج او را احاطه نموده ترا ذکر مینماید بذکری که جمیع عالم یک حرف آن معادله نمینماید
ان اذکری بفضل ربک انه لهو الفرد الواحد المشفق الکریم جمیع خزائن ارض و ما عند الملوک بکلمه مبارکه
یا ورقتی علیک بهائی که بآن فائز شده ای معادله ننموده و نخواهد نمود و انه یشکر نفسه من قبل عباد
و امائه و انه لا یوصف بوصف غیره و لا یذکر بذکر ما سواه چه اگر جمیع عالم الی آخر الذی لا آخر له
بشکر حق قیام نمایند در حد کلمه از کلماتش و نعمتی از نعمائش معدوم و مفقود کذلک ذکرک المظلوم
من شطر سجنه العظیم و ارسل الیک ما لا یعدله دوام الاسماء الباقی القدیم . مقابله شد

مهر مبارک (بهاءالله) خدیجه علیها بهاءالله بنت عمه

هو الناطق بالحق یا ورقتی علیک بهائی ذکرت نزد مظلوم بوده و خواهد بود حضرت حبیب حزن مالک قدم گشته ناله و حنین اصغاء شد و اقبال و توجهت ثبت دفتر گشت توکلی فی کل الامور علی الله ربک و فوضیها الیه انه اقرب الیک یسمع ندائک و هو السمیع البصیر قد رأینا عزائک و بکائک و زفراتک لعمر الله قد قدر لک ما تفرح به القلوب و تقر به العیون آنچه مقتضیات حکمة بالغه الهیه است البته ظاهر شود و بعد الحمد فائز شدی بآنچه که اکثر خلق از آن محروم شده و مؤید گشتی شأنی که مالک قدم در سجن اعظم ترا ذکر فرموده افرحی بهذا الفضل المبین جمیع اماء آن ارض را تکبیر برسان کل را وصیت مینمائیم باخلاق مرضیه و اعمال طیبه و محبت و مودت و اتحاد از قبل و بعد قلم اعلی کل را نصیحت فرموده بآنچه که سبب و علت ظهور لآلی حکمة و بیان است از معادن انفس انسان البهاء من لدنا علیک و علی اللائی آمن بالفرد الخبیر . مقابله شد

ک ورقه عمه علیها بهاءالله

هو المشفق الخبیر یا ورقتی علیک بهائی طوبی از برای توجه که از اول امر که آفتاب ظهور از افق اراده حق جل جلاله اشراق نمود اقبال نمودی و بمحبت و مودت تمام بخدمت اولیای الله قیام کردی از رجال بزرگ مشاغل مذکوری اولیای حق ذکر خدمت ترا نموده اند نشهد بذلک من عنده ام الکتاب و نذکرک الّتی فازت بایام ربها لازال ذکرش لدی المظلوم بوده و شهادت میدهد بر اقبال و توجه و خضوع و خشوع و خدمت او فیه و فی سبیله المستقیم و نذکرک الاخری و نبشرها برحمتی و عنایتی و فضلی الذی احاط الملک و الملکوت جمیع منتسبین که بافق اعلی ناظرند و بعروة

وثقی



وثقی تمسک لدی الوجه مذکور بوده و هستند محمد گشته محبوب عالم را انظار را منور فرمود و باقبال باری که من علی الارض از او غافل و محجوب الا من شاء الله رب العالمین البهاء علیکن و علی اللائی آمن بالفرد الخبیر . مقابله شد

ورقه خدیجه بنت عمه علیها بهاءالله

هو المقتدر علی ما یشاء قد ظهر المکنون و نطق المخزون و نادت السدرة قد اتی یوم الله الملک الفرد الخبیر یا ملأ الارض اتقوا الله و لاتتبعوا اهوائکم ان اتبعوا من یدعوکم الی الصراط المستقیم تالله لاینفعکم شئونات الارض و زخرفها و لا ما عند الملوک و السلاطین سوف یأخذهم الله اخذ من عنده انه لایعجزه جنود العالم یفعل ما یشاء بسلطان من عنده انه لهو المقتدر القدیر یا امتی اذا فزت بکتابی توجهی بتمامه عرف بیان ربک الرحمن ثم ضعیه علی عینیک و قولی لک الحمد یا الهی بما ذکرتنی و ایدتنی علی عرفانک اذ اعرض عنک اکثر الخلق اسئلک بانوار وجهک بان توفقنی علی الاستقامة علی امرک انک انت المقتدر الغالب القدیر . مقابله شد

ورقه خدیجه بنت عمه علیها بهاءالله

بنام مقصود عالمیان یا ورقتی یا خدیجه از اول ایام الی حین باشراقات انوار آفتاب حقیقت فائز بودی و از رحیق بیانش مرزوق لازال ذکرت و خدمتت نزد مظلوم مذکور و در صحیفه حمراء از قلم اعلی مسطور الحمد لله بسلسبیل بخشش فائز شدی و از کوثر عنایتش نوشیدی لعمر الله در فردوس

اعلی

Provided by the Afnan Library

اعلی وکرت مذکور بذا ماشهد به لسانی فی سجنی العظیم . مقابله شد

ک بنت عمه علیها بهاء الله

بنام یکتا خداوند دانا الحمد لله موفق شدی بر اقبال در ایامی که اکثر عباد از علماء و ادباء و امرای ارض از حق اعراض نمودند الا من شاء الله این مقام بسیار بزرگ است و نفسی الحق جمیع من علی الارض با او معادله ننماید بفضل حق متمسک و مسرور باش و از دونش فارغ و آزاد از قبل قلم اعلی کل را ابتغاء ... اخبار فرموده انشاء الله حق منیع کل را حفظ فرماید و از کوثر استقامت بنوشاند امروز بحق منسوب است چه که در کتب قبل یوم الله مذکور و مسطور گشته است مقام کسی که باستقامت کبری فائز و برامر الهی ثابت و راسخ شاهد گشت عنایات و رحمات تعالی الحق معلوم و مذکور است انشاء الله بفیوضات نامتناهیه فائز شوید اجر احدی در نزد حق ضایع نشده و نخواهد شد طوبی از برای نفسی که او را شناخت و قلب را از غیر او پرداخت البهاء علیک و علی اللائی آمنّ و اجبن نداء الله الفرد الخبیر . مقابله شد

امة الله عمه علیها بهاء الله

سبحانک الاقدس لک ان تقول یا ورقتی یا اله الجبروت و سلطان الملکوت اسئلک بالذی به انفزع الفزع الاکبر کل البشر و ظهر کل امر مستور بان تنزل من سماء فضلک ما تقربنا الیک و رحمتک الی بحر قربک و سدرة ظهورک ای رب انا التی سرعت الی شطر عرشک بالقلب و الفؤاد و احبت





ذاتک و اقبلت الی افقک و نطقت بثنائک ای رب ایده و رفعک علی ذکر بین امائک و قدر لها ما تقر به عینها و ینشرح صدرها ای رب انت الکریم و امتک قائمة علی بابک اسئلک بان تقدر لها ما یجعلها ناطقة حول اراده ... و ناظرة بامرک فی کل عالم من عوالمک انک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم . مقابله شد

هو الظاهر من الافق الابهی الهی الهی اشهد بذا الیوم یومک الذی کان مذکوراً فی کتبک و صحفک و زبرک و الواحک و اظهرت فیه ما کان مکنوناً فی علمک و مخزوناً فی کنائز عصمتک اسئلک یا مولی العالم باسمک الاعظم الذی به ارتعدت فرائص الامم بان تؤید عبادک و امائک علی الاستقامة علی امرک و القیام علی خدمتک انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الاشیاء تحفظ من تشاء بقدرتک و سلطانک انک انت القوی الغالب القدیر . مقابله شد

خدیجه سلطان بنت عمه علیها بهاء الله

هو الناطق العلیم یا امتی یا ورقتی ندای شما را شنیدیم حق شاهد و هم او گواه است لازال ذکر شما در ساحت مظلوم بوده و هست عریضه شما رسید و باین جواب که از سماء عنایت مقصود عالمیان جاری شده جواب عنایت شد فضلاً من عنده و هو الفضال الکریم آنا ... و اوراق آن ارض را تکبیر میرسانیم و وصیت مینمائیم بآنچه که سزاوار ایام الله است متمسکین بطراز الفضل و عنایت حق جل جلاله بشارت ده و از قبل مظلوم ذکر نما البهاء من لدنا علیک و علی اماء اللائی آمنّ بالله

الفرد الخبیر جناب محمد علی علیه بهآء الله را ذکر مینمائیم و بعنایت حق جل جلاله بشارت میدهیم .

مقابله شد

امتی شیرین

بنام خداوند یکتا یا شیرین در فضل و عنایت حق جل جلاله تفکر نما آنکه از اعظم علمای عصر بزعم ناس بود بدرکات سفلی نزول نمود و تو بدرجات علیا صعود نمودی او از یوم الله محجوب و تو بآن فائز او از دریای عرفان محروم و تو مرزوق لک الحمد یا الهی الاعلی اسئلک بالفطر یا قیوم من قبل کل العلیم الحکیم و العلیم الحکیم ان العالم من هدی الناس الی صراطی و علمهم سبیلی المستقیم البهاء علی امتی و علیک و علی اماء الله من قبل و من بعد . مقابله شد

بسمه المقتدر علی الافنان یا اسمی اسمع ندآئی من حول عرشی لیبلغک الی بحر لا ساحل له و امواجه متموج ان ربک لهو العلیم الکریم قد اردنا ان نمن علیک بذکر ما رأیناه و نری العالم النورانی فی هذا العالم الظلمانی و توقن بان لنا عوالم فی هذا العالم و تشکر ربک الخبیر انه لو اراد ان یظهر من الذرة انوار الشمس و من القطرة امواج البحر لیقدر کما فصل من النقطة علم ما کان و ما یکون انا کنا مستویا علی العرش و رأیت ورقة نورآء لابسة ثیابا رفیعة بیضآء اصبحت کالبدر الطالع من افق السمآء تعالی الله موجدها لم تر عین شبهها لما تجلت التمام اشرقت السموات و الارض کان کینونة القدم تجلت علیها بانواره تعالی الله موجدها لم تر عین شبهها و حتی تبسم و تمیل کغصن البان فی منظر الرحمن تعالی مظهرها لم تر عین شبهها ثم سارت و طافت من غیر قصد و ارادة من عندها کان آیة العشق انجذبت من مغناطیس الجمال المشرق امام

وجهها



وجهها تعالی موجدها لم تر عین شبهها فتمشی و الجلال یجذبها و ملکوت الجمال یقبل و رأیتها من بدیع حسنها و دلالها تواضعت ارکانها تعالی موجدها لم تر عین شبهها ثم وجدنا اشعرات السودآء علی طول عنقها البیضآء کانت اللیل و النهار اعتنقا فی هذا المقر الابهی و المقصد الاقصی تعالی موجدها لم تر عین شبهها لما تفرسنا فی وجهها وجدنا النقطة المستورة تحت حجاب الواحدیة مشرقة من افق جبینها کان بها فصلت الواح محبة الرحمن فی الامکان و دار ... فی الآفاق تعالی موجدها لم تر عین شبهها و علت عن تلک النقطة نقطة اخری فوق ثدیها الایمن تعالی مولی الستر و ابدع الذی خلقها لم تر عین شبهها و قام هیکل الله میشی و تمشی و رأیته سابقة تحرکت تجذبه من آیات بهائه تبارک الذی خلقها لم تر عین شبهها ثم اندارت سرورا و فرحا و شوقا الی ان تبسمت و صعقت کلما اقترب تقربت و قالت نفسی لنفسک الفدآء یا سر الغیب فی ملکوت الانشاء تعالی موجدها لم تر عین شبهها و کانت تنظر الی مشرق العرش کمن بات فی سکر و حیرة الی ان رفعت بهو حول عشق بها و نسمة الیها فلما تقربت تقربنا وجدناها انزل فی الصحیفة المخزونة الحمرآء من قلمی الاعلی تعالی موجدها لم تر عین شبهها ثم مالت برأسها و التفتت بوجهها الی جنبها کان الهلال اقترن بالبدر التمام تعالی موجدها لم تر عین شبهها عند ذلک صاحت و قالت کل الوجود لبلائک الفدآء یا سلطان الارض و السمآء الی م اودعت نفسک بین هؤلآء فی مدینة عکا اقصد ممالک الاخری المقامات التی ما وقعت علیها عیون اهل الاسمآء عند ذلک تبسمنا اعرفوا اذا ذکر الاعلی و ما اردناه من اسرار المستسر الظاهر الاخفی یا اولی النهی من اصحاب سفینة الحمرآء قد تصادف هذا الذکر یوما فیه وله بشری الذی نطق بذکری و سلطانی و اخبر الناس بهائی ستبنی بحر اراده تو شمس ظهوری عن نام بیوم آخر الذی فیه ظهر الغیب المکنون و السر المخزون و الرمز المصون الذی به اخذ الاضطراب سکان ملکوت الاسمآء و انصعق من فی الارض و السمآء الا من انقذناه بسلطان من عندنا و قدرة من لدنا و انا المقتدر علی ما اشآء لا اله الا انا العلیم الحکیم طوبی لمن وجد عرف الله فی هذا الیوم الذی کان مطلع الظهور و مشرق

الی ظهور

Provided by the Afnan Library

الی النفور و فیه فاحت النفحة و مرت نسمة و اخذ جذب الفردوس فی القبور و ذوی الملک تبارك المقتدر المتعالی
العلیم الخبیر و فیه فاز کل قاصد بالمقصود و کل عارف بالمعروف و کل سالک بصراطه المستقیم سبحانک یا الهی
بارک علی احبائک ثم انزل علیهم من سماء عطائک ما یجعلهم منقطعین عن دونک و متوجهین الی الافق الذی
منه اشرقت شمس فضلک و قدرتک یا الهی لهم ما ینفعهم فی الدنیا و الآخرة انک انت المقتدر المتعالی
المعطی الباذل الغنی الکریم . مقابله شد

هو الفرد الواحد الصمد اللهم یا الهی هذا عبدک الذی سعی بروحه و قلبه و فؤاده و جسمه حتی ورد علی شاطی
بحرک الاعظم و شرب من زلال سلسال الوصال عند شروق اشراقات طلعة من شمس توحیدک
اذا یا الهی اسئلک بآیاتک الظاهرة فی هیاکل التوحید و آثارک الباهرة فی مظاهر التفرید بان
تقدر له کل خیر قدرته فی ملکوت انشائک لعبادک المخلصین و تنزل علیه فیوضات سحاب سماء
رحمتک الکبری یا من بیدک مفاتیح القلوب کلها لا اله الا انت کل فقراء ببابک و اذلاء عند ظهور عزک
و سلطنتک لا تکلک فی ملکک شیئا

الاقدس الابهی هذا ذکر من لدنا الی الذی آمن بالله العزیز الوهاب لیجذبه نداء الله علی شأن
لا یؤثر فیه ظلم الذین ظلموا و لا اجتماع الذین کفروا بالله اذ اتی فی ظلل السحاب انا نراک بین
الذین اعرضوا ان ربک لهو العزیز العلام ان اطمئن ثم استقم قل یا قوم هل الیوم یوم الارتیاب
بعد الذی اتی الموعود بسلطنة و اقتدار خافوا الله و لا تشکوا ان احاط سلطانه الآفاق لولا





من یقوم علی الامر ان انصفوا یا ملأ الفجار نصبت اعلام النصر و ارتفعت رایات الذکر فی البلاد و قل
هل ینبغی لاحد ان یرتد الی الله بالباب معرضا عن الوهاب ان هذا الا شیء عجاب قل و عزة
الله به و البحر الاعظم امام وجوهکم ان اعتبروا یا اولی الابصار قل و ربی الرحمن لولاه ما ظهر البیان
و ما نزلت صحائف الله المقتدر العزیز المختار کسروا اصنام الوهم بعضد الیقین مقبلا الی مشرق الالهام
قد نزل البیان لامری و زین بذکری المهیمن علی الاکوان انه جعل البیان معلقا باذنی و ورقته من عنوانی
و انتم ترمونی بسهام البغضاء ما لکم یا ملأ البیان ان انصفوا لعل تعرفون هذا الیوم الذی فیه یطوف
البرهان حول عرش ربکم الرحمن لولا البهاء من نصر الله فی السر و الاجهار لعمری لو تتفکرون هؤلاء فی
ما ظهر فی هذا الظهور یدعون الوری عن ورائهم و یسرعون الی کعبة من فی الارضین و السموات انک
لا تحزن توکل علی الله انه ینصرک بآیات قدرته و سلطانه قل یا الهی ترانی بین اعدائک الذین کفروا
بک و اعرضوا عن جمالک بعد الذی وعدوا به فی کتابک ای رب اسئلک باسمک الذی
به فاحت نفحات قمیص رحمانیتک فی دیارک بان تنصرنی فی کل الاحوال و تقدر لی اجر من قام علی امرک
و استقام علی حبک ای رب ایدنی لا نصرک فی بلادک ثم اکتب لی ما کتبته لاصفیائک الذین
استشهدوا فی سبیلک انک انت المقتدر المتعالی العزیز الحکیم . مقابله شد

بسم الله الاقدس الابهی بارها حق جل جلاله در جمیع کتب و صحف و زبر خود خلق را به این یوم امنع اقدس
و ظهور اکبر اعظم وعده فرموده و شأن این یوم معزز است که در جمیع قرون و کتب مطلع امر
و مشارق وحی بیوم الله مذکور و مسطور است مع ذلک اکثر اهل عالم از مالک قدم محروم و ممنوع
شاهد دیده شده و بعضی هم که بگمان خود اقبال نموده اند بانک هوی مضطرب شده و گردند و اگر



Provided by the Afnan Library

از کوثر یقین آشامیده و بوده ایشان برائحه نتنه شک و ریب از بحر حیات محروم و ممنوع
نگشته از حق بخواه تا عباد را با نوار آفتاب اتفاقات منوّر و مزیّن فرماید انه لهو المقتدر
القدیر الآمر به انه العزیز الحمید . مقابله شد

الاقدس الامنع الاعظم کتاب من لدنا الی الذی فاز بالعرفان اذ اشرق من ربه الرحمن لیأخذه
جذب البیان الی مقام ینطق من فی الامکان بهذا الاسم الذی به توجهت بحار الحکمة والتبیان طوبی لک بما
تقربت الی المقصود اذ تبعد عنه کل مشرک مرتاب انا ما وجدنا منک عرف محبة الله نزلنا لک هذا
اللوح وارسلناه بالحق فضلاً من عندنا ان ربک هو العزیز الوهاب ان اذکر ما ورد علینا فی سبیل الله
ثم سجنی غربتی فی هذا المقام بین ایدی الفجار قل یا قوم واسم القیوم انه من افق السجن ینادی یا ملأ
الله آه و یدعو ملأ الانشاء الی الله مالک المبدء والمآب قل ایاکم ان تمنعوا انفسکم عن هذا
النور المشرق من افق الابداع توجهوا بالقلوب الی شطر المقصود و لا تتبعوا کل ناعق نعق اذکرناک
ارسلنا الیک نفحة من نفحات الرضوان لتجد عرف الرحمن و تقول لک الحمد یا مولی الانام . مقابله شد

جناب مشهدی حسن علیه بهاء الله

هو الحاضر الناظر العلیم کتاب نزل بالحق من لدی الله رب العالمین و یأمرکم بالبر والتقوی
وینهاکم عن البغی و الفحشاء که لک اشرق نیر الحکم من افق ارادة الله المقتدر القدیر یا حسن از حق
بطلب صراط مستقیم فرماید برارش و مؤید نماید بر آنچه بعد از قبول مزین است نه و نزاع و جدال





منع شده اولیا باید از آنچه رائحه فساد استشمام شود تجنب کنند و دوری نمایند از حق بطلب
اولیا را موفق دارد بر آنچه سبب راحت و اطمینان عباد است انه هو القادر المجیب
قد حضر لدی کتابک و انزلنا لک ما تقربک الی الفرد الخبیر و تعطرک بالذکر فی کل عالم من
عوالمه انه هو الفیاض الغفور الکریم . مقابله شد

ط جناب ملا علی ک علیه بهاء الله

هو الناطق بالفضل رحیق بیان مقصود عالمیان نفوس مطهره مقدسه و قلوب منیره طاهره را
اخذ نموده بشانی که کل قصد مقام اعلی و افق ابهی نموده اند تا فائز شوند بآنچه که از برای آن از عدم بوجود
آمده اند یا حزب الله بحافظه عنایت حق جل جلاله متوجه بوده و هستند بحبل الله متمسک و … محروم
گشته امروز انوار نیر اعظم عالم را احاطه نموده طوبی از برای نفوسی که اعراض معرضین و نعاق
ناعقین ایشان را از نور مشرق لائح مبین منع ننمود و با کمال قصد مطاف فردوس اعلی و جنت علیا نمودی
این ایام منکرین و ظالمین بر راحت مترصد و بیارینی … مشتعل له اقتضیات حکمة الهی امر توقف
… ولکن بحر کرم مواج و آفتاب جود مشرق و لائح نسئل من بحار الفضل و العطاء ان یکتب لک
ما هو المقصود من قلمه الاعلی انه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو العلی الاعلی . مقابله شد

ط جناب ملا علی علیه بهاء الله

بسم الله الاقدس الامنع کتاب نزل بالحق من ملکوت ارادة الله العلی العظیم و انه لطراز الالواح



Provided by the Afnan Library

الابداع و تفصیل ما نزل من قبل من لدن عزیز کریم قل کل حرف یخرج من فم الله فیه کنز من المعانی
لا اطّلع به احد الا العلیم الخبیر طوبی للذین اخذوا جواهر ما نزلناه و وضعوا التأویل فی هذا الظهور
البدیع قل لا یعلم تأویل الکتاب الا الله لیس لاحد ان یتکلم به او یتفکر فیه کذلک قضی الامر من مقتدر قدیر
قل خذوا ما اردنا و ظواهر ما نزلناه فی الکتاب بذا اخبرکم ان انتم من العارفین فانظر فی ملاء الفرقان
انهم ما تولوا و ما اصابوا الا من ایده الله بالحق کذلک یتکلم العلیم قد تشتت شرایع الحکمة و البیان
بما اختلفوا اهل الادیان الا انهم من الهائمین تمسکوا بحبل الاتحاد ثم اسمعوا ما اذن واحدة ما یتکلم به
لسان العظمة کذلک یأمرکم مالک البریة فی هذا الفجر المنیر اذا فزت به کبّر الله کبّر قل لک الثناء
یا محبوب الذاکرین . مقابله شد

ط جناب ملا علی ک

بسمه العزیز الحمید قد انزلنا الآیات و اظهرنا البینات و لکن الناس اکثرهم من الغافلین ان الذی فاز
بانوار الوجه انه من اهل هذا المنظر الکریم طوبی لعبد تقرب و لعبد توجه الی سلسبیل رحمة ربه الغفور
الکریم لو عرف الناس ما نبذوا امر الله عن ورائهم و ما توقفوا فی هذا الامر الذی توجه الیه الملأ الاعلی
و اهل الفردوس و الذین ما عرفهم الا الله رب العالمین قل یا قوم لا تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل
الاکبر و لا تتبعوا کل جاهل بعید کذلک ارسلنا الیک نفحة من نفحات آیات ربک لتشکر مولاک القدیم . مقابله شد

ط جناب ملا علی علیه بهاء الله ب ز





بسمی العزیز الوهاب قد ظهر حکم الله الذی رقم باصبع القدرة فی کتابه المکنون هذا یوم فیه قام الکتاب
ینطق و لکن القوم لا یفقهون قد نبذوا البحر الاعظم عن ورائهم مسرعین الی کل جاهل مردود و یرون کوثر الوحی
امام وجوههم و هم عنه معرضون طوبی لمن خرق الاحجاب باسم ربه مالک الملوک و ویل لمن نبذ کتاب الله
عن ورائه متمسکا باهواء الذین اعرضوا عن الله فی یومه الموعود قد ذکر ذکرک لدی المظلوم و نزل لک
هذه الآیات التی تنطق فی العالم قد اتی فاطر السماء بسلطان مشهود خذ اللوح بقوة من عندنا ثم اقرأه برنات
المقربین الذین قاموا و قالوا الله ربنا و رب من تزین بقمیص الوجود . مقابله شد

کهف واله

هو العلی القدیم

قد تشبثنا البیان علی هیئة اللوح وارسلناه الی الذین آمنوا بالله المهیمن القیوم الذین ما منعتهم
شئونات القوم فسرعوا وقالوا آمنا بک یا اله الغیب والشهود اذا اردنا فی هذا الحین ان
نسقی احداً من احبائی کوثر عنایتی من ید عطائی لیسبقه الی مقام لا تحرکه حوادث العالم ولا تخوفه
سطوة الارض وعلمائها الذین نقضوا عهد الله ومیثاقه وکفروا وادبروا اذ اتی الظل من یحکم بما یشهد
قلم الاعلی اذ کان فی ... الوری شیئاً علی عرش اسمه الالهی بانک خرجت من البیت مقبلا
الی الله وقطعت الجبال والاوعار والبر والبحر الی ان حضرت وسمعت نداء وورائه
بالشرت به کتب الله رب ما کان وما یکون طوبی لوجهک بما توجه ولقلبک بما اقبل
الی المغرب المظلوم الذی ما منعته سبحات الجلال ولا حجبات اهل الضلال قام بین الوری
ونادی باعلی النداء تالله قد اتی ما وعدتم به فی کتب خلقت السموات والارض للقائه
انظروا یا قوم ولا تکونوا من الذین انکروا حجة الله وکفروا بنعمته وجادلوا بآیاته واعرضوا
عنه فی یومه الموعود نعیماً لک بما شهد لک قلم الاعلی فی هذا المقام الرفیع نسئل الله
بان یؤیدک علی حفظ ما نزل لک من لدن ربک العزیز الودود البهاء من لدنا علیک وعلی
اولیائی الذین ما منعتهم الدنیا وزخرفها ولا تجارتها عن ذکری العزیز الجمیل

[illegible]

هو السامع المجیب

الهی الهی ارحم عبادک وامائک ولا تمنعهم عن فرات رحمتک التی جری فی ایامک



فی حقیقة المعانی بامرک ای رب انهم عباد اقبلوا الیک منقطعین عن دونک فانزل
علیهم وعلی امائک من سحاب سماء جودک ما یحفظهم عن دونک ای رب تری
ملاء البیان نقضوا عهدک وکفروا بنعمتک واعرضوا عن جمالک اسئلک
بالبحر الاعظم الذی ماج باسمک وبعرف قمیصک الذی ماج فی ایامک بان تحفظ عبادک
وامائک بقدرتک وسلطانک لا اله الا انت المقتدر القدیر

جناب میرزا آقا الذی حضر وفاز

هو الآمر الحکیم

امروز جذبات عشاق اهل فردوس اعلی اخذ نموده وجمیع اشیا بذکر وثنای منقطعین ناطق وذاکر
در مدینه عشق نغمات واوراد طوبی از برای نفسی که باین فائز گشت وبنور تقوی
وانقطاع منور شد بشارات عظمی که از قلم اعلی جاری ونازل اگر کلمه ربی الیه
وخاتم النبیین بکلمه مبارکه یوم یقوم الناس لرب العالمین منتهی گشت یا اولیاء الله
وحزبه ایاکم ان تحزنکم سطوة الظالمین وظلم المعتدین سوف یفنی ما یشهد ویری ویبقی
لکم ما نزل من القلم الاعلی فی حینها طوبی لکم ولمن یحبکم لوجه الله العزیز الحمید [illegible]

جناب میرزا آقا علیه بهاء الله

بنام خداوند یکتا

آیات نازل وبینات ظاهر ولکن عباد غافل ومحجوب بما نفس مشغولند واز حضرت
باقی محروم امروز روز ذکر وثنا است طوبی از برای نفسی که شبهات عالم او را

از انوار یقین منع نمود و محروم ساخت سبحان الله زخارف و الوان فانیه عالم ناس را
از ملکوت باقی الهی غافل نموده عنقریب جزای اعمال کل را اخذ نماید ان ربک
هو العادل الحکیم امروز حضرت قیوم ظاهر و رحیق مختوم مشهود نکو است عبادی که بآن
شاید فائز شوند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده اند زینت و صیت بطون
بهی ارض را طوبی لمن سمع و اقبل و ویل للمعرضین الحمد لله رب العالمین تبارک

انا نذکرک لوجه الله و نطق شئنا الله مالک الوجود هذا یوم فیه قام الناس لله المهیمن القیوم
و هذا الیوم اخبر به الله و بشر به عباده بقوله ان اخرج القوم من الظلمات الی النور
و ذکرهم بایام الله کذلک قضی الامر من لدی الله رب ما کان و ما یکون هذا الیوم
فیه مرت الجبال و القوم اکثرهم لا یفقهون قد حضر کتابک لدی المظلوم و سمعنا ما
نادیت الله رب البیت المعمور قد فاز حنینک بالاصغاء و ان لهذا ما لا
یعادله شیء من الاشیاء و لا کنز من الکنوز تمسک بالحبل الاعظم و تشبث بذیل الله
رب المقام المرفوع الذی فیه نطق لسان العظمة [illegible] الی البقعة المحمود من الناس
من اخذه جذب آیات ربک علی شأن [illegible] العالم مقبلا الی الله مالک القدم
اقبل و سمع و اجاب و فاز بما کان مذکورا فی افئدة الانبیاء و مسطورا من القلم الاعلی
فی لوح المحفوظ قد ارادت الغفران من علی ان رحمة ربک الرحمن انا ذکرناک
فضلا من عندنا بما یلیق العنایة و الالطاف ان ربک هو المشفق العطوف
انک اذا وجدت عرف کلماتی و فزت بآثار قلمی ذکر اولیائی بما ورد علی من اعدائی



الذین نبذوا امر الله عن ورائهم بما اتبعوا کل عالم مردود و کل جاهل متروک
قد افتی علینا الذین عند ذکرنا قاموا و قالوا ما قالوا و لما اظهرنا الامر اعرضوا
عنا و اعترضوا علینا بظلم ناح به اهل الملکوت انا نوصیک بما یرتفع به امر الله
هذا ما ینبغی لمن اقبل الی الافق الاعلی فی هذا الیوم الموعود البهاء علی اهل البهاء الذین
تمسکوا بعهد الله و میثاقه و عملوا بما امروا فی لوحه المسطور الحمد لله مالک الملوک و سلطان البریة
تبارک [illegible]

جناب میرزا تقی علیه بهاء الله

هو السامع المجیب

امروز از امواج بحر بیان مقصود عالمیان این کلمه علیا ظاهر شد یا حزب الله و صفیائه انصروا ربکم
بما انزله فی کتابه ایاکم ان یمنعکم ضوضاء العلماء عن التقرب الی الله رب العالمین طوبی از
برای نفسی که باصغای کلمة الله فائز گشت و باستقامت کبری تمسک نمود نفوس غافله عالم باسما از
مالک اسما محروم ماندند در هر کره ظاهر شد آنچه که هر صاحب بصری بر اعمال مقبلین
و معرضین آگاه گشت از حق بطلب عباد را از ادامات حزب قبل حفظ فرماید
در کور فرقان رابع و صدال برپا واقع باسم امام و [illegible] و نقیب و نجیب و رکن رابع و امثال
آن بمحاربه و لعن و سب و رد مشغول و در ایام ظهور جز [illegible] از علمای حزب
ظاهر نه کل آگاهند که آن حزب اعراض نمودند و بالاخره بر سفک دم اطهر مشرق آیات
الهی فتوی دادند قل الهی الهی اسئلک بقدرتک التی غلبت الکائنات و بسلطانک
الذی احاط الموجودات و بسلطان الاسماء الذی به سخرت الارض و السماء بان
تزین عبادک بتجلیات انوار نیر العدل و الانصاف انک انت مالک المواهب

Provided by the Afnan Library

والالطاف ای رب ترانی تعلّقا الیک منقطعا عن دونک قدّر لی ما ینبغی لسماء
عطائک و بحر فضلک انّک انت المقتدر العزیز العلّام سؤال از مرج البحرین نموده‌اند
در سنین اولی قلم اعلی از تفسیر و تأویل کتب الهی مهیمن و در کشف رموزات و اشارات
اصحاب بیان و معانی مرقوم داشته آنچه را که هر ذی علمی بحر علم لدنی گواهی داده و لکن
این ایام میل بتفسیر و تأویل ننموده و نیستیم و این آیات از سماء منظر مبین نازل
لیس الیوم یوم السؤال والجواب بل ینبغی لکل نفس اذا سمع النداء من الافق الاعلی
یقوم و یقول لبیک یا مولی الاسماء و لبیک یا من فی قبضتک زمام من فی السموات والارضین
این ایام آنجناب را ادعیه حق با تکالیف روح و ریحان باسبابی که سبب اعلاء کلمه است
تمسک نماید آنجناب الحمد لله مؤید شده‌اند باقبال و توجه و حفظ در ایامی که اکثر اهل
عالم معرض شده گشتند محزون مباش نسئل الله ان یفتح علی وجهک بابا من ابواب فضله
و رحمته انه هو المقتدر علی ما یشاء و هو الغفور الکریم البهاء من لدنا علیک و علی
من سمع النداء و قال بلی بلی یا مالک ملکوت الاسماء و فاطر السماء باسمک الاعظم الابهی
مقابله شد

جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله هو السامع المجیب
قد سبّح لک اللهم یا الهی الملک بحمدک و جنودک و بالنور الذی به اشرقت ارضک علیک
و حکمتک ان تقدّر له ما یقرّبه الیک ثم اکتب له یا الهی ما کتبته لعبادک الذین استقاموا علی
حبک انک انت المقتدر العزیز المختار مقابله شد

جناب میرزا آقا الذی حضر و فاز هو الله تعالی شأنه الحکمة والبیان
عالم تغییر نموده خاک زر شده و زر خاک ... که از اعلی المقام بر تراب
سفر یافتند ... نور ظاهر و خائن بمقام امین قائم سبحان الله شأنی انقلاب ظاهر
که حسابان مبین در ارض متحیر اختلاف عالم را احاطه نموده طوبی از برای نفسی که قلب
و بصر و سمع را از دنیا و آنچه در آن از آثار و اثمار و قصص و حکایات مقدس نمود
و ببصر و سمع خود در آنچه ظاهر شده تفکر کرد لو از برای بها از قلم اعلی در صحیفه حمرا
مذکور و مسطور یا ایها الناظر الی الوجه له الحمد در حبّ الیوم اقدس مذکور بوده و هست
از حق بخواه ترا مستقیم فرماید بشأنی که رجال کالجبال ترا از غنی متعال محروم
نسازند عمامه و ردا سبب هلاکت قوم شد عباد بیچاره از آن ای نفس غافله بدار غفلند
آنچه را که سبب گمراهی شد و در یوم جزا ... آن شد که دیدند و شنیدند علمای
ایران طرّا در سنین اولیه ... مقصود عالمیان مشغول عمل نمودند آنچه را که هیچ
حزبی عمل ننمود و وارد آوردند آنچه را که هیچ نفسی ارتکاب نکرد حنین اشیاء
مرتفع و زفرات ملاء اعلی متصاعد قلم نوحه مینماید و ذکر میکند لوح میگرید و حجر مینالد
از حق بطلب آنجناب را حفظ فرماید و دانائی بخشد اگاهی عنایت فرماید نامه آنجناب
رسید و عرف خضوع و خشوع لوجه الله از آن متضوع نسئل الله ان یؤیدک
علی ذکره بالحکمة و البیان انه هو العزیز المنان سامی مذکوره هر یک بعنایت
کامله و حکمت بالغه نزد مظلوم مذکور طوبی لهم و نعیما لهم نشهد انهم فازوا بآثار
قلم الاعلی و شربوا رحیق الحیوان من ایادی الفضل و العطاء نسئله تعالی ان یؤیدهم علی
حفظ لئالی حبه فی اصداف القلوب انه هو المحبوب البهاء من لدنا علیک و
المستقر الی العزیز

مع الذین ما منعتهم زخرفة الدنیا عن التقرب الی الله مالک یوم المعاد اولئک
وصفهم الله فی کتابه المبین قال و قوله الحق لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون

جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله
هو العلیم الخبیر
قد انار افق العالم بالنیر الاعظم و نطقت الاشیاء قد اتی المالک الملک لله العزیز الودود

۱

جناب عباس [illegible] تاجر

هو الله الاقدس الاعظم

ذکر من لدنا لمن فاز بانوار الوجه و تمسک بحبل الله العزیز الحمید انا اردنا ان نذکره [illegible]
الذین کفروا بالله [illegible] یقوم بین [illegible] الاسم الاعظم [illegible]
[illegible]
[illegible]

لدی الله العزیز العلیم الحکیم

عباس [illegible]

بسم الله الاقدس الابهی

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۸/۴/۲۱

هو الله الاقدس الاعظم الابهی

[illegible]
[illegible] الکریم



۲

[illegible]
[illegible]

بالله رب العالمین

بسم الله الاقدس الاعظم العلی الابهی

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جناب [illegible] علیه بهاء الله

هو الناطق [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] العلیم الحکیم [illegible] الله رب العالمین

Provided by the Afnan Library

۳

قد یأمره بالمعروف فی اراده ثم تضع ... ولا یحق ... و ذکره من الموقنین قد فازت
ورقتی ... بما ... لابدّ کل ... عالم بصیر تا له قد خرقت الحجاب و مالک الرقاب
فی یوم ... فضل الله ... الفضل الکریم من ... سمع الندا
وارفع ... ربک ... یا مقصود العالم و ... یا الهی
فی زمرة المرسلین ... کتاب ربک ... حزب الله ... الذین ... رحمة
الله ... الظالمین ... اشهد ... شر ... من
... یا رب ... الغفور الکریم والحمد لله رب العالمین مقابله شد

## هو جناب ... علیه بهاء الله

هو الله تعالی شأنه الحکمة والبیان

کتاب نزل ... مظلوم ... بایام الله ... من ... الذی ... قد ...
... ان ... رب ... حبیب ... الذین ... الفرقان ... قد ...
... فی ... آیات ... الذین ... کل ...
الذین ... کذلک نطق القلم ...
فی ... العالمین ... ذکرک ...
... عظیم ... الحکیم الخبیر ...
... تقدیر ... فی ... ربک ...
... بصیر ... الله ... آیات الله ...



۴

من ... المنزل القدیم یا ... انا المظلوم ...
... قد ... فضل ... 
بحیث ... الله ... العزیز ...
... الا لله ... العزیز العظیم ... ربک ...
من ... العزیز الحمید ...
... ربک ...
... ربک الکریم ... علی ...
... یوم الدین قد ... آیات ... نزل
... الحکمة والبیان ... الموقنین ...
... المقتدر القدیر ... عرف ...
... بیان ...
... القدم ... سلطان ...
... الموقنین ...
... المرسلین ...
... العالم ...
... الرحیم ... مالک ...
... العزیز الرحیم ... الاعظم ...

من يذكرك فى سرّى ... انه هو السميع البصير انّا اردنا ان نذكر الذين [illegible]
الله ربّ العالمين يا محمّد [illegible] آيات ربّهم [illegible]
الذين [illegible] الى المصير [illegible]
[illegible] ثم نذكر من سمّى بمحمّد حسين [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم نذكر من سمّى بمحمّد حسين بآيات [illegible]
العظيم [illegible] ربّ العالمين [illegible]
[illegible]
والله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible]
[illegible] كان عليّا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم نذكر من سمّى بمحمّد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]





الدنيا [illegible] ان كان ذلك الكتاب [illegible]
[illegible]
[illegible] ثم نذكر من سمّى بمحمّد باقر [illegible] بآيات [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم نذكر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] چه که رجال [illegible] شده [illegible] بالله [illegible]
و انصاف تمام شده و نیز عدل [illegible] سحاب [illegible] حق [illegible] شکایت [illegible]
[illegible] تنزیه [illegible] قلم اعلی [illegible]
که [illegible] آیات [illegible] حیاً میتاً باشد [illegible]
نزول [illegible]
[illegible] حفظ [illegible] شده چه که [illegible]
[illegible] امام وجه عباد [illegible]
و حرمت [illegible] سبب بقا و علت حیات [illegible]
[illegible] حجاب [illegible] بیان [illegible] مظلوم [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] یا علی [illegible]
[illegible]
[illegible] حکیم حاذق [illegible]
[illegible] حق [illegible]
[illegible] جمیع [illegible]
[illegible] مقصود [illegible] بیان [illegible]
[illegible] نعمت عظمی [illegible] قلم اعلی [illegible]
[illegible] حقیقی فائز [illegible] مشرق [illegible]
[illegible] نزل [illegible] آیات [illegible]

مقابله شد





ط جناب آقا سید علی علیه بهاء الله

هو [illegible] العلیم الخبیر

ذکر من لدنّا من حضر [illegible] الاعظم [illegible] المظلوم الذی [illegible]
[illegible] العلیم الحکیم [illegible] الذین [illegible] رب العالمین
یا علی [illegible] العزیز الحمید
[illegible] آیات ربک [illegible]
[illegible] المقام الذی [illegible] مشرق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عالم [illegible]

والامر [illegible] العزیز الرحیم

مقابله شد

جناب سید علی علیه بهاء الله

هو الله تعالی شأنه الحکمة والبیان

کتاب انزله الرحمن لمن اقبل الی الافق الاعلی [illegible] الله [illegible] العزیز
[illegible] حضر [illegible] المظلوم [illegible] رب [illegible]
[illegible] العالم [illegible]
[illegible] الملک [illegible] رب الارباب [illegible]
[illegible]

Provided by the Afnan Library

لک الحمد یا الهی بما عرفتنی مظاهر ملکوتک و الذین انقطعوا عما سواک و توجهوا الی سبیلک
بحبل رحمتک و بساط فضلک و انوار سدرة المنتهی و اسرار ملکک الذی بان تجعلنی مستقیما علی
حبک و ناطقا بثنائک و متوجها الی وجهک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت [illegible]

[illegible] مقابله شد

جناب استاد قاسم

بنام حضرت یکتا

ای قاسم اگر چه ظاهر نیستی بحسب ظاهر در کمال تعلق و توجه بنگری [illegible]
دگر [illegible] هر هنگام که بمظلوم [illegible] آثار
[illegible] بی قاسم [illegible]
ضعیف [illegible] تا کل بر صراط مستقیم بمانند
دنیای فانی را قدری نبوده و نیست چه که در آخر زائل و معدوم میشود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انک انت المقتدر علی ما تشاء و بیدک ملکوت کل شیء و انک انت المقتدر القدیر

مقابله شد

یحیی من یشاء بماء البیان ویسقی من اراد من رحیقه المنیر انه ما من اله الا هو له الخلق والامر یؤید من یشاء بسلطان من عنده انه لهو الفرد الواحد الخبیر تمسکوا یا قوم بحبل التوحید و لا تکونن من الذینهم اشرکوا بالله العزیز العلیم انما البهاء علیک وعلی من آمن بالله رب العالمین تعالی

هو الاقدس الاعظم

ذکر من لدنا لمن آمن بالله الفرد الخبیر انک حضرت فی السجن الاعظم وسمعت نداء المظلوم مرة انه لا اله الا هو و طورا انه لهو المقتدر العلی العظیم انا نوصیک بالاستقامة ثم تمسک بها باسم ربک العلیم الحکیم کنت لدی الوجه فی اشهر معدودات ایاک ان یمنعک شیء عما سمعت و رأیت فی هذا المقر المبین تمسک بالله فی کل الاحوال و توکل علیه انه لهو الغفور الکریم انا نکبر من هذا المقام علی ابنک وضلعک ثم الذین آمنوا بالله رب العالمین ان اشکر الله بما ایدک علی الحضور و اسمعک بدائع ذکره فی هذا السجن المنیع تعالی

هو الاقدس الاعظم

ذکر من لدنا لمن سمع واقبل و فاز بالرحیق المختوم کم من عبد منع عن البحر الاعظم بما اتبع الذین کفروا بالله المهیمن القیوم و کم من عبد اقبل و شرب رحیق الحیوان من ایادی عطاء ربه العزیز المحبوب قل یا قوم ان استمعوا هدیر الورقاء وما ینطق به هذا المظلوم انه قدسمن لحب الله و امره



ص علیقلی

بسمه المهیمن علی الاسماء

کتاب من لدنا لقوم یفقهون انه یشهد بما شهد الله قبل خلق الاشیاء انه لا اله الا هو الحق علام الغیوب قد نزلنا الآیات و اظهرنا العلامات ولکن القوم اکثرهم لا یعلمون نسئل الله بان یؤید الذین غفلوا الیوم و یقربهم الی هذا المقام الممنوع انا فی السجن ندع الکل الی الله یشهد بذلک عباد مکرمون انک اذا فزت بهذا اللوح ان اشکر ربک و قل لک الحمد یا اله الوجود و مربی الغیب و الشهود تعالی

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

اسئلک یا اله الاسماء و المهیمن علی الاشیاء بانوار ملکوتک و جبروتک بان تنزل علی من اقبل الیک امطار رحمتک من سحاب فضلک ای رب ایده بجودک و قدر له ما ینبغی لسماء عطائک انک انت المفضال الغفور الرحیم تعالی

ص محمد قبل اسمعیل

هو العلیم الحکیم

شهد الله انه لا اله الا هو یحیی و یمیت ثم یحیی بفضله کیف یشاء انه لهو المقتدر القدیر یحیی من یشاء

Provided by the Afnan Library

ویل لمن اعتدی علیه فی هذا الیوم المشهود انّما البهآء علی اهل البهآء الّذین آمنوا بالله ربّ ماکان ومایکون تعالی

علی محمّد

هو الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

ذکر من لدنّا لمن آمن بالله المهیمن القیّوم وشهد بما شهد الله فی ازل الآزال انّه لا اله الّا هو العزیز المحبوب انّا نذکرن فی الانشآء و نریدنّ من اتّبع امر الله واقبل بقلبه الی هذا المقام المحمود طوبی لمن فاز بما انزله الرّحمن فی فرقان وتمسّک بعروة عنایة ربّه العزیز الودود کذلک قضی الامر من القلم الاعلی من لدی الله مالک الغیب والشّهود

هو الله تعالی شأنه

اللّهمّ یا مالک الملوک وراحم المملوک اسئلک باسمک الاعظم وسلطانک الغالب علی الامم بان تقدّر للّذین استمسکوا بالعروة الوثقی وتشبّثوا بالملّة البیضآء والشّریعة الغرّاء وآمنوا بما نزّل من سمآء مشیّتک ما هو خیر لهم فی الآخرة والاولی وارزقهم من اثمار سدرة عرفانک وایّدهم علی الاستقامة فی الایمان لظهور مظاهر امرک والثّبوت علی صراطک المستقیم ودینک القویم لا اله الّا انت العزیز الکریم علیک عنایة الله قطعات مرسله جندی قبل بصحابت پوسته واصل اجرک علی الله ربّک نسئله ان یرزقک ما هو خیر لک ویحفظک فی ظلّ عنایته این اوقات جناب

علیه



علیه ۶۶۹ فائز بند وتجلّیات انوار شمس حقیقت مستغنی وچون بمقرّ مشهود اراده توجّه نمودند ذکر آنجناب مذکور واین دو کلمه مرقوم وارسال شد تا یقین نمائید که الطاف حضرت محبوب درحق دوستان خود از حساب خارج وهمیشه مذکور ومورد الطاف بوده وخواهند بود باقی والبهاء علیک

جناب علی محمّد علیه بهاءالله

ص

بسمی الاقدم الاعظم

یا علی قبل محمّد در فضل حقّ جلّ جلاله تفکّر نما در اوّل این لیل که لیل هشتم ماه مبارک رمضان است عبد حاضر احضار شد وبعد از حضور تلقاء وجه عرایض آن ارض شرف اصغاء فائز ومخصوص کلّ از مالک اسماء نازل شد آنچه که اشیای ارض باو معادله ننماید ان افرح بهذا الفضل العظیم قسم بآفتاب حقیقت اگر ناس بتمام یک کلمه از کلمات علیا را بیابند کلّ بکمال شوق واشتیاق به نیّر آفاق توجّه نمایند کذلک نطق المظلوم عنایة من عنده لتشکر وتکون من الرّاسخین

جناب استاد مهدی علیه بهاءالله

ص

هو النّاطق فی ملکوت البیان

یا اهل الوفا ان استمعوا نداء المظلوم الّذی یذکرکم فی السّجن الاعظم ویوصیکم بما امرتم

Provided by the Afnan Library

به في الكتاب اياكم ان يمنعكم شبهات العباد عن مالك الايجاد قد خلقتم لهذا اليوم
الاكبر ان احفظوا مقامكم يا اولي الالباب تمسّكوا بما ينبغي للانسان هذا ما امرتم
به في كتاب الله مالك الانام قد ارتفع الدخان ومنع الابصار عن النظر الى الافق
الاعلى ويل لنفس اعرض عن الحق وطوبى لعبد سمع وقال لبيك يا مالك الايام
انا ذكرناك بذكر لا ينقطع عرفه ان اشكر الله ربك في كل الاحيان

جناب علي ابن من صعد الى الله عليهما بهاء الله

هو المشرق من افق البقاء

ذكر من لدنا لمن اقبل الى افق الله رب الارباب سمع واجاب واعترف بما نطق لسان
العظمة في المآب بلهو بلهو لمن ادرك يوم الله وويل لكل غافل مرتاب قد ماج بحر البيان
في الامكان والقوم في سكر عجاب مرّت عليهم الآيات في العشي والاشراق وهم اعرضوا
عنها بما اتّبعوا الظنون والاوهام كذلك سوّلت لهم انفسهم الا انهم من الاخسرين
في كتاب الله مالك الرقاب يا علي اسمع نداء المظلوم انه يذكرك في السجن الاعظم
ويذكرك بآيات لا تعادلها كنوز العالم يشهد بذلك من عنده ام الكتاب اشكر ربك
بهذا الفضل الاعظم وقل لك الحمد يا مالك القدم بما ذكرتني اذ كنت بين ايدي الاشرار
اردنا ان نذكر في هذا المقام من صعد الى الله العزيز الوهاب الذي اقبل الى الافق
الاعلى اذ اشرق منه نيّر الظهور واضائت به الآفاق يا قلم الاعلى اذكر من
سمع ندائي وتمسّك بحبلي ونطق بثنائي انه من اهل البهاء واصحاب السفينة

الحمراء



الحمراء قل اول نور اشرق من افق بيان الرحمن واول عرف تضوّع في ايام الله
مولى الانام عليك يا من فزت بالايمان اذ كان القوم في ظلمات الاوهام قد اقبلت
بوجهك وقلبك وفزت بما نزل في اول الايام من قلم الرحمن طوبى لك ولقلبك
بما اقبل ولعينك بما رأت ولاذنك بما سمعت يشهد القلم الاعلى باقبالك و
ايمانك وعرفانك وايقانك واستقامتك في ايام فيها اخذ الدخان من في
الامكان هذه شهادة لا يعادلها شيء من الاشياء انت الذي اخذك جذب
النداء بحيث ما منعتك ضوضاء العلماء وما حجبتك سطوة الامراء ولا اضعفتك
جنود الامراء شهدت بما شهد الله طوبى لك ونعيماً لك ولمن ذكرك بما جرى
من قلم البيان في ايام ربك الرحمن البهاء الظاهر اللائح الباهر المشرق من افق
سماء عناية ربك عليك وعلى اوّلك وآخرك وظاهرك وباطنك ورحمة الله
وبركاته يا علي پدر جناب مرحوم مرفوع را ذكر نموديم قلم شاهد و لوح گواه
اجر هيچ علی عند الله ضایع نشده و نخواهد شد هر ذکر خیر و عمل طیب که ثبت
از برای صاحبش و عند الله محفوظ و مصون از حق بطلبیم ترا تأیید فرماید بر ذکرش
و تقدیر فرماید آنچه را که سبب و علت تقرّب است انه هو المقتدر على ما يشاء
بقوله كن فيكون والبهاء عليك وعلى الذين ما منعهم شيء من الاشياء عن
التقرب الى الله المهيمن القيوم

جناب ميرزا عليمحمد عليه بهاء الله

هو الناظر الى من توجّه اليه

Provided by the Afnan Library

یا علی قبل محمد لله الحمد در ایام بعرفان مالک انام فائز شدی سبحات علماء
و حجبات فقهاء ترا از افق اعلی منع ننمود این مقام عظیم است از حق مطلبیم ترا تائید
فرماید در جمیع احوال بر استقامت چه که ناعقین و خائنین و مفترین بر مراصد
قائم و منتظرند نفسی را بیابند و القا نمایند آنچه را که سبب ضلالت است
آنجناب و مرحوم مرفوع الذی صعد الی الرفیق الاعلی لازال مذکور بوده و
هستید این ایام جناب عطار علیه بهائی ذکر شما را نموده و این لوح ابدع امنع
از سماء عنایت مخصوص شما نازل لتجد عرف الرحمن من بیانه و رائحة العرفان
من کتابه ورقه اخت علیها بهاء الله به بلوغ ذاتی فائز گشتند و از قلم مخصوص او
نازل شد آنچه که شبه و مثل نداشته انا نکبر من هذا المقام علیک و علیها فضلا
من عنده و هو رب العالمین منتسبین طرا را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بعنایت
حق بشارت ده انه ولی القانتین و القانتات البهاء من لدنا علیکم و علی
الذین آمنوا بالله الفرد الخبیر - مقابله شد

امرلهم اجر

هو الله الاقدس الامنع الارفع الابهی

تلک آیات الله قد نزلت بالحق لورقة من اوراق التی کانت علی شجرة الحب
مشهوداً لتفرح فی نفسها و تتوکل علی الله فی کل الامور و تستقیم علی امر الذی
نزل بالحق من سماء عز مرفوعا ان یا ورقة تحرکی علی شجرة الفردوس باسم
ربک و لا تحزنی عن الدنیا و ما فیها و لا تفرحی بما خلق علیها ان انقطعی الی الله
ثم اذکریه



ثم اذکریه فی کل عشی و بکور ثم اعلمی بان فضل الله قد کان علیک و ارسلنا الیک
ما یحیی به فؤادک و افئدة العالمین مجموعا لان فی کل حرف من کلمات الله قد
جرت انهار التسنیم و الکافور فطوبی لمن شرب منها و لا یمنعه حجبات کل مشرک
مردود ان اطمئنی من احسک و انها آمنت بربها و کانت لدی العرش فی
علی الفردوس من لسان القدس بالحق مذکورا و انها تطوف حول الشجرة و قد
جعلها الله من اوراق شجرة التی کانت بید الله فی ارض العز مغروسا کذلک
کان الامر و اخبرناک به لتشکری ربک و تکونی من اللواتی کن بفرح الله مسرورا
ان استأنسی بذکر ربک و ان اشتدت علیک الشدائد فاذکری مصائبی فی
هذا السجن من الذین هم کفروا بالله و آیاته و کانوا عن نفحات القدس محروما ان البهاء
علیک و علی اللواتی هن یذکرن ربهن و کن من الفائزات فی اللوح مذکورا
مقابله

امة الله صدر جهان علیها بهاء الله    ط

بنام خداوند یکتا

دریای بیان الهی در این حین بامواج رحمت ظاهر و آفتاب برهان از افق لوح
مشرق سبحان الله جمیع عالم ساجد و عباد غافل جمیع اشیاء بتسبیح و تهلیل مشغول
و ناس ممنوع یا ورقتی یادت حمد کن مقصود عالم را که ترا تائید فرمود بر عرفان
مشرق وحی در ایامیکه احزاب عالم محروم بوده اند الآن شاء ربک از
حق میطلبیم ترا تائید فرماید شاید سبب و علت تقدیس و تنزیه اماء عصر گردی

Provided by the Afnan Library

لیس هذا علی الله بعزیز چه بسیار از اماء که نزد عباد ذکری نداشته‌اند و بعد بعنایت
ربانی و فضل سبحانی دیباجهای کتب بذکرشان مزین طوبی لهن و نعیماً لهن عقد الهی است
بزرگ و پیک صادق است از جانب حق بیک و بدر القا مینماید طوبی لمن فاز
بما اراد الله فی الکتاب البهاء علیک و علی من معک          مقابله شد

ط          امة الله ضلع مرحوم رحیم ابن عطار

هو المقتدر علی ما یشاء

سبحان الذی انزل الآیات و اظهر البینات لقوم یعلمون ان الذین فازوا
الیوم اولئک عباد مکرمون یصلین علیهم الملأ الاعلی و یذکرنهم لسان العظمة
فی هذا المقام المحمود طوبی لک یا امتی بما آمنت بالله رب ما کان و ما یکون ان
احفظی لئالئ محبة الله لئلا یسرقها کل خائن مردود کذلک یامرک ربک فضلاً
من عنده علیک انه لهو العزیز الغفور طوبی لک انک آمنت بالله و ویل لمن
اعرض عن هذا المقام الممنوع          مقابله شد

ط          ورقه ضلع جناب حاجی محمد رحیم علیهما بهاء الله

هو الشاهد من افقه الاعلی

یا امتی          حوریهٔ علیا که در فردوس اعلی در قصر یاقوت مقر دارد باین کلمه ناطق تا اماء

الارض قدر



الارض قدر ایام را بدانید چشم عالم شبه آن را ندیده امروز افق اعلی باهر و ندای
دوست یکتا مرتفع خود را از دیدن و شنیدن منع ننمائید امروز حضرت فیاض جود
و مائدهٔ سمائیه نازل باشمس اخذ نمائید و بیادش تناول کنید له الحمد فائز شدید
بآنچه که اکثر اهل عالم از آن محروم شدند شکر کن مقصود عالم را که ترا فائز فرموده و بافق
اعلی راه نمود له الفضل و الثناء و له الجود و العطاء لا اله الا هو المعطی الکریم
مقابله شد

ط          ورقه ضلع جناب محمد رحیم علیهما بهاء الله

هو الکتاب المبین

الحمد لله الذی اید عباده علی الاقبال الیه و اظهر لهم ما کان مکنوناً فی العلم و اید
ورقة من اوراقه علی العمل بما انزله فی کتابه نسئل الله ان یؤید عبده الذی سمی بمحمد رحیم
علی اعمال تضوع بها عرف القبول و یفتح علی وجهه باب العنایة و العطاء انه هو المقتدر
علی ما یشاء و الصلوة و الذکر و البهاء علی کل عبد اقبل بقلبه الی الافق الاعلی و
کل ورقة تمسکت بسدرة المنتهی نسئل الله تبارک و تعالی ان یمدهما بجنود الغیب و الشهادة
و یقربهما الیه انه هو المقتدر القدیر یا ورقتی نامه‌ات رسید و بملکوت بطراز قبول
مزین گشت قد اخذ الله لکما ما وعد کما فی لوح من الالواح انه هو الفضال الکریم
در جمیع احوال بذکر و ثنای مقصود عالمیان مشغول باشید انه سمع ذکر کما و سمع و هو
السمیع البصیر اماء آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان و جناب علی قبل
الحاء ذکر علی شما را که فی سبیل الله ظاهر شده نموده و الحمد لله برضای حق جل جلاله فائز شد

بقبول مزین از انه یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو الآمر الحکیم اهل آن بیت حرم آن ای
المظلوم مذکور بوده و هستند کل را بکبیر برسان و بما انزله الله بشارت ده و بعضی
بعضی بساحت اقدس فائز انشاء الله از بعد جواب عنایت میشود البهآء من
لدنا علیکم یا عبادی و علیکن یا امائی و علی کل ثابت مستقیم مقابله

ط
ضلع جناب رحیم علیها بهآء الله

هو الناطق من الافق الاعلی

یا امتی انا ذکرناک من قبل بما انجذبت به افئدة القانتات فی الغرفات ان
ربک هو الشاهد الخبیر و نذکرک فی هذا الحین بهذا الذکر البدیع ایاک ان تحزنک
شئونات الوری او تخوفک ضوضاء الذین کفروا بالله اذ اتی بامر عظیم قدی
کتاب لله تقرء من عنده ثم اشکریه بهذا الفضل المبین لعمری لا تعادل بذکری خزائن
الارض کلها یشهد بذلک کل عبد بصیر البهآء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و
علی الذین نبذوا ما عند القوم و علی اللائی آمن بالفرد الخبیر مقابله

ط
ورقه ضلع جناب حاجی محمد رحیم علیها بهآء الله

بنام محبوب یکتا

یا امتی و یا ورقتی چندی قبل ذکرت از لسان عظمت جاری امروز هم نفسی بیک کلمه از
کلمات الهی



کلمات الهی فائز شود صاحب مقام ابدی و دارای رتبهٔ سرمدیست عند الله
آن کلمه کنز نیست مکنون نزد امین حقیقی طوبی لعبد فاز بهذا المقام الاعلی و لامة فازت
بهذه الرتبة العلیا و طوبی از برای شجر و شجرهٔ که باثمار رضا فائز گردد و کلمهٔ
رضا مخصوص ایشان از رق اعلی نازل شود یا امتی ذکر عملت سبب نزول لوح
ثانی گشت تا بیقین مبین بدانی که عملت بعز قبول فائز و بنفوسی عنایت شد که
فی الحقیقه مستحق بودند طوبی لامة عملت فی سبیل الله ما امرت به فی کتابه المبین و تو
الحمد لله فائز شدی و کلمهٔ قبول از سمآء عطا باسمت نازل لوح اول نزد منزل
و این باقی محفوظ اوراق آن بیت حرم را از قبل مظلوم تکبیر برسان نسئل الله
ان یمدهن بجنود الاستقامة و یقربهن الیه انه هو السامع المجیب در الطاف حق تفکر
نما مع آنکه برحسب ظاهر در یوم مال صاحب مال بایمان فائز نشد و لکن نسبت تو
بفریادش رسید و از مالش قسمتی بقبول حق فائز لذا امید هست رحمت واسعه
اخذش نماید و از حق میطلبیم ام را هدایت فرماید تا از سلسبیل عطایش بیاشامد
فضلش عظیم است و عطایش بزرگ نسئله ان یؤید عباده و امآئه علی الاقبال
الیه و العمل بما امروا به انه هو المؤید الکریم و هو الغفور الرحیم البهآء من لدنا
علیک و علی من فی البیت من لدی الله الفضال الفیاض المشفق الکریم مقابله

امة الله سکینه ضلع رح علیها بهآء الله

هو الناطق فی ملکوت العرفان

Provided by the Afnan Library

یا سکینه مکرر ذکرت نازل و باثار الله فائز اماء ارض را ظنون و اوهام از حق
جل جلاله منع نموده و از بحر اعظم محروم داشته هر یک از اماء که بعنایت مالک اسما
خرق حجاب نمود او از رجال نزد غنی متعال مذکور و از قلم اعلی مسطور طوبی
لامة زینت هیکلها بطراز الانقطاع و راسها بتقوی الله مالک هذا الیوم
البدیع انا نذکر اماتی و اوراقی و نسئل الله ان یؤیدهن علی ذکره و ثنائه و
الاستقامة علی امره انه علی کل شیء قدیر البهاء المشرق من افق سماء رحمتی
علی اوراقی اللائی تمسکن بسدرة الله رب العرش العظیم

امة الله ضلع محمد قبل رحیم

بنام خداوند مهربان

ای امة الله دریای بخشش یزدانی ظاهر و آفتاب جود بر کل وجود مشرق جهد نما
تا از فیوضات ایام الهی قسمت بری و نصیب برداری آنچه الیوم از نفسی فوت
شود تدارک آن محال بوده و خواهد بود هر دانائی تصدیق اینکلمه مبارکه مینماید
و هر بینائی بآن شهادت میدهد بگو ای اماء ابر رحمت مرتفع است و از آسمان
عنایت امطار مکرمت جاری و نازل نیکوست حال نفسیکه بآن عارف شد و از
آن آشامید کذلک انزلنا من سماء البیان آیات الحکمة و التبیان طوبی
لمن عرف و قال لک الحمد یا اله العالمین

ضلع من هاجر و فاز



ضلع من هاجر و فاز

هو الناطق فی ملکوت البیان قولی الهی الهی تری امتک التی آمنت بک
و بآیاتک قد اقبلت الی بحر فضلک و افق رحمتک و سماء جودک اسئلک
بالکلمة الاولی و الورقة العلیا بان تقدر لامتک هذه ما ینبغی لجودک و الطافک
و عنایتک و مواهبک ای رب قد احترقت افئدة امائک فی ایامک
اشتیاقک بان تشرفهن بلقائک او تکتب لهن اجر وصالک انک انت الذی
لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر تفعل و ترید و انک انت الله الفرد الواحد
العزیز الحمید

محمد رحیم

ط

هو المغرّد علی الافنان

کتاب ینطق بالحق و انه لصراط الله لمن فی السموات و الارض و آیة القدم لمن
فی ملکوت الامر و الخلق و انه لهو الصور الاعظم بین الامم فلما نفخ فیه انصعق
کل ذی روح الا من شاء الله رب العالمین بنفحاته اهتز من فی القبور تعالی من
انزله و جعله مطلع علمه لمن فی العالم انه لهو المقتدر القدیر یا رحیم قد ذکر ذکرک لدی
المظلوم و نزل لک هذا اللوح الذی ینطق فی جبروت الوحی انه لا اله الا
انا العلیم الخبیر انا وجدنا منک عرف الخلوص و توجهنا الیک من هذا المقام
الکریم طوبی لک بما اقبلت الی الافق الاعلی و قصدت المقام الذی جعله الله

Provided by the Afnan Library

مقدسا عن عرفان کل غافل مریب لاتحزن من شیء انه قبل منک ما ظهر
فی حبه لعمری هذه کلمة تنشرح به صدور العارفین ان اشکر ربک بما ذکرت
من قلمه الاعلی و قل لک الحمد یا اله من فی السموات و الارضین

ط

رحیم ابن ع ط

بسمه المبین الحکیم

فارسان مضمار معانی و بیان الیوم باید بخدمت امر محبوب عالمیان مشغول باشند
براستی میگویم هر نفسی الیوم سبب اتحاد و اتفاق احبای الهی شود او از ناصرین
در کتاب مبین مذکور است ان اجتنبوا عما نهیتم عنه ثم اعملوا بما امرتم به فی لوح
کریم دو عریضه از تو بساحت اقدس وارد و بلحاظ مظلوم آفاق فائز گشت
انشاء الله از رحیق اطهر در کل احیان بنوشید و بمنظر اکبر ناظر باشید منقطعاً
عن العالمین الحمد لله رب العالمین

ط

جناب رحیم علیه بهاء الله ع ط

بنام محبوب آفاق

ای رحیم نفحات جنت بساحت اقدس فائز گشت و ندایت مرة بعد مرة
و کرة بعد کرة شنیده شد و از قلم اعلی درباره تو نازل شد آنچه بدوام ملک و
ملکوت باقی و دائم است



ملکوت باقی و دائم است اینمقام بلند اعلی را بمثابه جان حفظ نما تا ایادی
سارقین باو دست نیابد جمیع عالم بکلمه از کلمات الهی معادله نمی نماید ان
اعرف ما انزله الرحمن و کن من الشاکرین ارادهٔ توجه بافق اعلی نمودید جمیع
از برای لقا خلق شده اند و لکن الیوم خدمت امر مقدم است من فاز
الیوم بنصرة الامر انه فاز بکل الخیر من لدی الله العلیم الحکیم الحمد لله موفق شدی
بذکر الهی در ایامیکه ارکان عالم مضطرب مشاهده میشد این از نعمتهای
بزرگ پروردگار است الواح منیعه مکرر ارسال شد انشاء الله بان
و بما فیها فائز شوید الیوم در ساحت اقدس ذکر حق و خدمت امر و اخلاق
و صفاتیکه سبب ارتفاع امر الله است مقدم بوده انشاء الله آنجناب
بکمال همت در این امور ساعی باشند و اگر وقتی اقتضا نماید یعنی بهیچ جه
مغایر حکمت واقع نشود بشطر اقدس توجه نمایند البهاء علیک و علی ابنک و
ابیک الذی فاز بلقاء ربه فی الزوراء و سمع نداءه الاحلی یشهد بذلک
قلمی الاعلی فی هذا اللوح المنیع انا نکبر من هذا المقام علیک و علی ضلعک
و علی من معک فی بیتک لتشکر ربک الناطق السامع البصیر

ط

جناب رحیم علیه بهاء الله

بسمی المهیمن علی الاسماء

یا رحیم یذکرک الکریم الذی سجن فی سجن عکاء بما دعا الکل الی الله مالک الاسماء

لعمر الله

لعمر الله ان القوم فی ظلم مبین انا ذکرناک من قبل و فی هذا الحین انزلنا لک
هذا اللوح الذی لاح من افقه شمس بیان ربک المبین العلیم ان اذکر اذ
اقبلت الی الافق الاعلی و حضرت لدی العرش و سمعت آیات الله ربک و
رب العالمین و کنت شارباً رحیق الوصال من ایادی الجود و الافضال
الی ان رجعت باذن ربک الآمر القدیم ان احفظ هذا المقام ثم اشکر
ربک الکریم و نذکر اخاک الذی کان معک و نوصیه بالاستقامة علی هذا
الامر الکبیر الذی به اضطربت افئدة العباد الا من شاء الله ربک الغفور الرحیم
البهآء علیک و علی الذین ما منعتهم الاوهام من هذا الامر البدیع تبدیرشه

جناب محمد قبل رحیم علیه بهآء الله

هو الشاهد الخبیر

یا محمد قبل رحیم فائز شدی بمنظر اکبر و عنایات مالک قدر قدر این مقام اعلی را بدان
ترا وصیت مینمائیم بانچه سبب ارتفاع مقام تست دنیا فانی لا تنظر الیها
بل الی الذی خلقها و اظهرها لازال این مظلوم عباد را امر فرموده بانچه سبب
ظهور نعمت و برکت الهی است باب ثروت امانت است در بستان
حزاً را بآن وصیت مینمائیم تمسک بها ثم اعرف مقامها ان المظلوم هو
الناصح الامین تبدیرشه



جناب محمد قبل رحیم الذی هاجر و فاز ابن ع ط

بسم الذی به ماج بحر البیان

نور انزله الرحمن و بعثه علی هیئة اللوح و جعله بشارة من عنده الی من فی
السموات و الارضین به یری المخلصون ما ستر عن بصر القوم و یتوجه المقربون
الی وجه الله المقدس العزیز العلیم ان یا قلم ان اذکر من خرج عن وطنه
قاصداً وطنه الاعلی المقام الذی فیه ینطق مالک الوری انه لا اله الا انا
السامع الخبیر انه قطع البر و البحر الی ان ورد شاطئ البحر الاعظم الذی یسمع من
امواجه ما سمعه الکلیم فی طور اسمی القدیم المقام الذی فیه استقر عرش الله
العظیم طوبی لک بما قصدت و وردت و حضرت و سمعت ندآء المظلوم
اذ کان مسجوناً فی هذا الحصن المتین ان اعرف مقام هذا المقام الاعظم
ثم اشکر ربک المعطی الکریم الذی ایدک علی هذا الامر الذی کان مسطوراً
فی کتب الله من قبل و سقاک کوثر الوصال من ایادی رحمته التی سبقت
العالمین بنام دوست یکتا بلسان پارسی ندای الهی را بشنو تا آن
ندا ترا بمقامی جذب نماید که شئونات فانیهٔ دنیا در هیچ آنی از او ان
مشغول نسازد و از مالک اسماء باز ندارد آنچه در سبیل حق از تو ظاهر شد
در کتاب الهی از قلم جلی ثبت شده بکمال فرح و اطمینان و روح
و ریحان بخدمت امر قیام نما عنقریب آنچه مشاهده میشود غایب و فانی
خواهد شد و آنچه باقی و پاینده است کلمه ایست که از قلم اعلی درباره
تو نازل شده شاربان رحیق مختوم را از قبل این مظلوم تکبیر برسان

Provided by the Afnan Library

تا کل بما ینبغی لنسبتهم الی الله و بما یلیق لیومه قیام نمایند انشاء الله باید اعمال اهل بهاء . باین اعمال اهل ارض بمثابهٔ آفتاب واضح و منیر و روشن مشاهده شود بگو امروز روزیست که انسان میتواند مالک شود امری را که ذکرش بدوام ملک و ملکوت پاینده ماند وقت را از دست مدهید و جهد کنید تا باین مقام اعلی و شرافت کبری و نعمت عظمی فائز شوید و از حق میطلبیم که کل را آگاه نماید و از کوثر استقامت بنوشاند این است اعظم اعمال و اگر آن فاسئل الله ان یوفق الکل علی ذلک انه لهو المقتدر القدیر البهاء علیک و علیهم و علی من فاز بکوثر الاستقامة فی هذا الامر الاقدم الاقدس العزیز العظیم تعدیرشد

انه لبهاء الله لمن فی ملکوت
الامر والخلق و مصباح
الهدی لمن فی السموات
و الارضین
هو العزیز العظیم

شهد الله انه لا اله الا هو المهیمن القیوم قد حضرت لدی الباب و سمعت النداء من الافق الاعلی و فزت بما فاز به المقربون

هو الاقدس الاعظم



هو الاقدس الاعظم

ای امة الله کتابت شاهده شد و از قلم اعلی جواب آن نازل نفوسیکه الیوم بمطلع وحی اقبال نموده اند و باصغای ندای الهی فائز گشته اند عاقبت آن نفوس خیر بوده و خواهد بود و بغفران الهی مشرف و متنعمند کذلک شهد قلمی الاعلی فی هذا اللوح المنیع تعدیرشد

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

سبحانک اللهم یا الهی اشهد بان قدرتک احاطت الکائنات و بنور امرک اشرقت الارضین و السموات اسئلک بجودک الذی احاط الوجود و بسلطانک الذی احاط الغیب و الشهود و باسرارک التی کانت مستورة عن العیون ان تقدر لاصفیائک ما ینبغی لسماء عطائک ای رب هم اعترفوا بفقرهم و اقروا بضعفهم فانزل علیهم ما یجعلهم اقویاء فی ممالکک و امناء فی بلادک ثم انزل علی احد عبادک ما ینبغی لبحر فضلک و شمس جودک ای رب انه اقبل الیک و فاز بلقائک ثم اکتب لورقتک و اختک ضلعه التی اقبلت بقلبها الی افقک و عملت ما امرتها به فی کتابک خیر کل عالم من عوالمک ای رب ایدها بجودک ثم قدر لها ما قدرته لامائک القانتات القاصرات الحافظات اللائی تمسکن بحبل جودک و عطائک و طفن حول عرشک انک انت المقتدر القوی الغالب القدیر

شاه آباد ضلع جناب ملا حسین الذی صعد الی الله

هو الاقدم الاعظم

یا امتی قد توجه الیک وجه عنایتی و یذکرک بما یکون کنزاً لک فی ممالکی
ان افرحی بهذا الفضل العظیم قولی لک الحمد یا مالک الاسماء و فاطر السماء
اسئلک بالاسم الذی به نطقت الاشیاء بان تؤیدنی علی حبک و
ذکرک و علی الاستقامة علی امرک الهی الهی قد اقبلت الیک
امة من امائک و ارادت منک فضلک العمیم و احسانک القدیم
ای رب لا تخیبها بجودک و عنایتک لا تمنعها عن بحر رحمتک
و عطائک انک انت المقتدر الذی شهدت الذرات بعظمتک
و سلطانک و الکائنات بقدرتک و اقتدارک لا اله الا انت
الغفور الکریم انا نذکر فی هذا المقام عبدنا الحسین الذی آمن
بالله و آیاته و شهد بما شهد الرحمن فی یوم فیه استقر مالک القدم
علی العرش الاعظم لعمر الله یکفیه هذه الشهادة التی تحرک علیها قلمی
الاعلی فی هذا المقام المنیع البهاء علیه و علی الذین فازوا بما
فاز به عباد الله فی یوم فیه نطق لسان العظمة الملک لله رب العالمین

جناب میرزا حسن علیه بهاء الله
هو المبشر باسمی الابهی
کتاب الاسماء



کتاب الاسماء قد نزل بالحق من لدی الله مالک یوم المعاد و
وصینا فیه کل اسم من الاسماء لیکون مستعداً لیوم الله مولی العباد
و بشرناهم بلقاء الله فی ایامه و امرناهم بان لا یتوقف احد منهم
فی ذاک الیوم المشرق من افق الابداع فلما تنفس صبح الظهور و
انار افق العالم بشمس اسمه الاعظم کفروا و اعرضوا الا من شاء العزیز
الوهاب لعمر الله قد نبذوا مشیته آخذین مشیاتهم المکدرة و
تکلموا بما ناح به روح القدس فی الجنة العلیا و روح الله فی فلک
الاسماء و المظلوم فی هذا المقام باسم لوح الآد قد وصینا فیه العباد
بهذا النبأ الذی زلت منه الاقدام و باسم کتاب الاو قد امرنا
فیه الناس بالخضوع لدی الباب قد نقض الاسماء عهد الله و
میثاقه الی ان کفروا جهرة بالعزیز المختار کذلک فصلنا لک الامر
لتشکر من عنده ام الکتاب

بنام دانای یکتا

در اکثری از الواح عباد الله را باستقامت دعوت نمودیم و عظمت
این امر در اکثری از مقامات از قلم اعلی جاری و ثبت شده
مع ذلک نفسی به کلمه احقر عباد از اشراق آفتاب معانی محروم و
بظلمات فوق ظلمات راجع اینست شأن مردم و استقامت د

عرفائیکه مدّعی آن هستند از بحر اعظم اجتناب نمود و بچشمهٔ کدرهٔ
اجاجیه توجّه کرد فبئس ما عمل سوف یری نفسه فی خسران مبین
ای دوست حق شاربان رحیق بیان را باستقامت بخوان
وازچشمهٔ استقامت بنوشان تا از هادی و مهدی و اسما کلّها
بگذرند و بآفتاب حقیقت توجّه نمایند واز دریای بیان قسمت برند
طوبی لک بما آمنت بالله واعرضت عن الّذین کفروا بالیوم
البدیع

جناب آقا میرزا اسدالله ابن نجّار باشی علیه بهاء الله

بنام دوست یکتا

حق جلّ جلاله اهل عالم را بحیات دائمه میخواند ولکن عباد او را بظنون
واوهام غفلت بشأنی ناس را احاطه نموده که در لیالی و ایام بغیر
حق مشغولند وشاغرشدند در کل حین عذاب مبین از برای خود
مهیّا مینمایند عنقریب ثمرات اعمال خود را مشاهده کنند و بر خسران
خود گواهی دهند طوبی از برای نفسیکه زخارف فانیه و الوان
مختلفه و اقتدار فراعنه او را از مطلع نور احدیّه منع ننمود بحق
متمسک و باو متشبّث از حق میطلبیم عباد خود را محروم نسازد و از
رحیق مختوم قسمت عطا فرماید



یا مسجون تری یا الهی صفوتک تحت سطوة اعدائک و اولیائک بین اشقیاء
خلقک ای ربّ تری انظارهم متوجّهة الی شرق وحیک و مطلع الهامک
وقلوبهم مرتقباً بدایع فضلک و الطافک کم من وجوه تغیّرت من ظلمات المشرکین
من بریّتک وکم من صدور تشبّکت من سهام المنکرین فی مسلک اسمائک
یا مالک الاسماء و فاطر الارض والسماء بان تنزل علی احبّتک من سحاب
رحمتک ما یقرّبهم الیک و یسکنهم فی جوار رحمتک فی کل عالم من عوالمک
ثم اقبل منهم ما ارادوا فی حبّک و رضائک ثم اکتب لهم خیر الدنیا و الآخرة
بجودک و مواهبک و عنایتک والطافک انک انت المقتدر علی ما تشاء
و انت الغفور الرحیم مقابله شد

الاقدس الابهی

کم من قریب بعید ولا یعرف وکم من بعید هو القریب تقرّبوا بالقلوب
هذا هو المحبوب وجمالی المنیر من اجتمع فیه الظاهر والباطن انّه فاز
لکنز الخیر من لدن عزیز حکیم انّه اقل من الکبریت الاحمر یشهد بذلک
کل ذی علم منیع طوبی لقریب ما منعته اشارات البشریة عن جمال
الاحدیّة و لبعید وجد عرف الله من قمیص اسمه البدیع من اراد فی
انّه هو القریب وجمال الحبیب والّذی لم یرونی انه بعید ولو یکون فی
هذا المقام الکریم لیس لاحد ان یطهّر من نفسه لانّها امّارة بالسوء

Provided by the Afnan Library

ینبغی له بان یذکرها فی کل حین کذلک جری من القلم ما نزّل من لدن
مالک الامم لیکون تذکرة للمخلصین انک یا ایتها المذکور لدی العرش ان
اشکر ربک العزیز الحمید بما رقم ذکرک من القلم الاعلی اذ کان فی السجن
العظیم تمسک بالاسم الاعظم وسخر القلوب بهذا الذکر الحکیم
مقابله شد

بسمی المهیمن علی الاسماء

ان یا محمد ان استمع ندآء الفرد الاحد من هذا الصدر الممرّد انه لا
اله الّا هو المقتدر المختار قد اشتعل العالم من الاسم الاعظم ولکن
الناس اعرضوا عنه بما اتبعوا کل مشرک کفّار ان الکون صامتاً ولسان
القدم فی السجن الاعظم ینادی باعلی النداء ویدعو اهل الانشاء
الی الله ربّ الارباب فانظر فی الدنیا وشؤناتها لعمری سیفنی
ما فیها ویبقی الامر لله مالک الرقاب این الذین ظلموا واین الذین
غفلوا واین الذین ترکوا اوامر الله وسننه کذلک یذکرک القلم
الاعلی لتذکر الذین رقدوا علی المهاد کن ذاکراً بین الخلق بالحکمة
التی نزّلناها فی الزبر والالواح ان اعرف قدر الایام ثم اغتنم
فضل الله ورحمته التی احاطت الامکان ایاک ان یحجبک الخلق عن
ذکر الحق ان اذکر العباد بذکر تنجذب به افئدة من فی البلاد ان
المسجون ما اراد لنفسه من شیٔ یدع الکل الی الافق الابهی بعد الذی حبسه الله

غنیاً



غنیاً عما عند العباد انّما البهآء علیک وعلی الذین قاموا علی امر ربهم
المقتدر الجبار مقابله شد

هو الاقدس الاعظم

ان افرحوا یا احبائی بما یذکرکم القلم الاعلی رغماً للذین کفروا بالله ربّ
الوری ثم اشربوا فی کل الاحیان کوثر الحیوان من ایادی عطآء ربکم الغفور
الکریم ان اتحدوا فی امر الله ثم اعملوا بما امرتم فی الکتاب ولاتکونن
من الغافلین ان اوامری سرج عنایتی بین خلقی ونفحات قمیصی فی ممالکی
طوبی لمن فاز بها وویل للتارکین تفکّروا فی فضل الله ورحمته انه یذکرکم
اذ یکون مظلوماً فی السجن بین ایدی المنکرین انه یذکر الذین توجهوا الیه
ویبشر المقبلین بما قدّر لهم من لدی الله العزیز العظیم ایاکم ان تحزنکم
ما تضطرب به القلوب تمسکوا بالمعروف وتوکلوا علی الله العزیز الحمید
ان اشکروا الله بما ایدکم علی عرفان مطلع آیاته ومشرق بیناته الذی
ینطق بین العالم ویدع الکل الی الله رب العالمین علیکم بالاستقامة
الکبری انها تحفظکم عن اشارات الذین کفروا بالله وکانوا من
الخاسرین ان اشربوا من کاس الفرح والسرور فی هذا الظهور الذی
به ظهر ما هو المستور وبرز ما هو المسطور فی کتب الله العلیم الخبیر البهآء
علیکم یا احبائی انتم الذین فزتم بما لا فاز به اکثر العباد یشهد بذلک ربکم البصیر

Provided by the Afnan Library

بنام خداوند قادر توانا

قلم اعلی میفرماید جمیع عالم لاجل عرفان مالک قدم خلق شده اند و از عدم
بوجود آمده اند و چون فجر یوم الله طالع و افق ظهور منوّر شد کل بهواهای
نفسانی خود مبتلا و از مالک اسماء محتجب بل معرض مشاهده شدند مگر معدودی
از نفوس که بتائید الهی و عنایت ربانی از ظنون و اوهام فارغ شده بافق
اعلی توجه نمودند طوبی لهم ثم طوبی لهم زود است که مقام آن نفوس بر
عالمیان ظاهر و آشکار گردد ای محمّد کتابت لدی العرش حاضر و بمنظر مظلوم
آفاق فائز گشت و نفوس مذکوره در آن کل بذکر الله فائز شدند
قد غفرهم الله فضلاً من عنده و قدّر لهم ما تفرح به الافئدة و العقول
انشاء الله در کل احیان بذکر رحمن مشغول باشند و از دونش فارغ و
آزاد اليوم باید جمیع باوامر الهیه که در کتاب اقدس نازل شده
متمسّک باشند و بکمال حکمت ما بین خلق مشی کنند انه یأمر الله
طوبی لک و للعاملین و هر نفسی بغیر حکمت تکلم نماید آن کلام لدی
العرش مقبول نبوده و نیست ان اعرفوا یا احبائی ما نزل فی هذا
اللوح و تمسّکوا به من لدن علیم خبیر باید بکمال سرور بذکر حق مشغول
باشید چه که عنایتش درباره شما بوده و انشاء الله خواهد بود و از قبل
لوحی مخصوص آنجناب از سماء مشیت نازل و ارسال شد انه یحب من احبّه
و یذکر من ذکره انه ولی الصابرین و الذاکرین و المخلصین البهاء علیک
و علی من معک و علی کل عبد توجّه الی المقصود و کل امة اقبلت الی الله

الفرد



الفرد الواحد العلی الحکیم    مقابله شد

هو الله تعالی شأنه الحکمة و البیان

عبد حاضر با نامه ات حاضر و تلقاء وجه عرض نمود الحمد لله نفحهٔ استقامت
از آن متضوّع از حق بطلب این نفحه را باقی و پاینده دارد چه که خائنین
در کمین و سارقین بر مراصد منتظر اولیای الهی را آگاه نما که شاید بمقامی
فائز شوند که منع مانعین و نعاق ناعقین و شبهات مریبین ایشان را
از مالک یوم الدین محروم ننماید و منع نکند اولیای مذکوره در نامه
هریک بذکر مظلوم فائز گشته در لیالی و ایام لسان ناطق و قلم متحرک
هر نفسی اقبال نمود بطراز قلم اعلی فائز گشت بعضی در ظاهر و بعضی در باطن
هر یک را از قبل مظلوم تکبیر برسان اقرء لهم آیات ربک لتفرح به
قلوبهم و تجذبهم الآیات الی مقام لایرون فی الوجود الا الله مالک
الغیب و الشهود نسئله تعالی ان یؤیّدهم و یؤیّدهم و یحفظهم بجنود الغیب
و الشهادة انه هو المقتدر القدیر اذا فزت باصغاء ندائی قل الهی
الهی ترانی مقبلاً الیک اسئلک بان تقدّر لی ما یقرّبنی الیک و اسئلک
یا اله الاسماء و فاطر السماء بان تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و الاستقامة
علی امرک الاعظم و نبأک العظیم و اذکر ما ذکره احد اصفیائک ای
ربّ لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین    مقابله شد

Provided by the Afnan Library

الاعظم الابهی

کتاب من لدنا لقوم یفقهون انه نزل بالحق من الله المهیمن القیوم
لیعرف الذاکرون انه یذکرهم وذکره سبق کل ذاکر ومذکور یا قوم
ان افرحوا بالذکر الاعظم وتوکلوا علی الله العزیز المحبوب لاتحزنکم شئونات
الخلق لو اردتم الحق انتم فانظرون سوف یطوی بساط الخلق وانتم حول
الحق تطوفون ترون انفسکم فی اعلی المقام والی الوجه تنظرون کذلک
یبشرکم الله فی الکتاب وعلم کل شئ فی کتاب مکنون

مقابله شد

ط استاد غلامعلی و استاد غلامحسین و استاد ابوالقاسم علیهم بهاء الله

بسمی الناطق فی ملکوت البیان

این مظلوم از شطر سجن ندا مینماید و کل را بالوجه الله بأفق اعلی دعوت میفرماید طوبی از برای اذنیکه فائز شد و چشمیکه مشاهده نمود یا حزب الله قسم بانوار آفتاب افق معانی از برای امروز شبه و مثل نبوده و نیست جهد نمائید شاید باثمار سدرهٔ منتهی فائز شوید و از قدح فضل بیاشامید یا غلامعلی ندای مظلوم را بشنو شنیدنیکه اثرش از گوش محو نشود و باستقامت کبری برامر مولی الوری قیام نما انه لحمد اقبال نمودی و با آیاتش فائز شدی قل لک الحمد یا الهی بما ایدتنی علی الاقبال و عرفتنی مشرق وحیک و مطلع الهامک اسئلک بان لا تخیبنی عما قدرته لاصفیائک الذین نبذوا العالم واخذوا ما امرتهم فی کتابک لا اله الا انت القوی الغالب القدیر و نذکر من سمّی بغلامحسین بآیات لا تعادلها ثروة العالم و لا ما عند الامم لیفرح و یکون من الشاکرین ایاک ان یمنعک شیئ من الاشیاء عن الافق الاعلی او تضعفک قوة الامراء او تخوفک سطوة الذین کفروا بالله رب العالمین یا اباالقاسم بشنو ندای دوست حقیقی را و خود را از ظنون و اوهام بکوثر حیوان که از قلم رحمن جاری شده مقدس نما و بگو الهی الهی قد اقبلت الیک و تمسکت بحبلک و اتبعت بذیلک اسئلک بامواج بحر بیانک و اشراقات انوار شمس فضلک بان تکتب لی من قلمک الاعلی ما یقربنی الیک یا رب العرش والثری و مالک الآخرة والاولی لا اله الا انت العلی العظیم

استاد غلامعلی و استاد غلامحسین و استاد ابوالقاسم علیهم بهاء الله



Provided by the Afnan Library

هو الله

یا علی لله الحمد بطراز اقبال و نور ایمان مزینید ذکرت لدی المظلوم مذکور و
آفتاب عنایت حق بصورت کلمات از افق سماء قلم اعلی اشراق نمود لتشکر
ربک المشفق الکریم و نذکر امتی و نبشرها بعنایة الله رب العالمین البهاء
علیکم و علیها و علی من معکم من لدن علیم حکیم

جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله من اهل زرقان

جناب محمود علیه بهاء الله از اهل زرقان ورا ذکر نمودیم نسئل الله ان یحفظه و
یقدر له ما اراد من فضل ربه الفیاض الکریم یا محمود انا سمعنا ما ناجیت به الله
اجبناک بهذا البیان المبین و نذکر عطاء الله و نبشره بعنایتی و رحمتی
و نذکره آباءه و انا الذاکر العلیم و نذکر ابن الکمال الذی فاز بلقائی و طاف
حولی و تمسک بحبل عنایتی و تشبث بذیل نسئل الله ان ینزل علیه
سماء عطائه ما ینبغی لفضله و کرمه انه جواد کریم یا محمود علیک بهائی ذکرناک
من قبل و فی هذا الحین اشکر ربک الغفور الکریم البهاء علیک و علی
ضلعک التی اقبلت فی یوم فیه اعرض کل منافق شقی و کل عالم
مریب جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله من اهل زرقان

جناب ملا حسین الذی هاجر و فاز

هو الرحمن شأنه الذکر و البیان



قد شهد قلمی الاعلی بانک اقبلت الیه و وردت البقعة المبارکة التی فیها
ارتفع نداء الله رب العالمین و قمت امام وجه المظلوم و سمعت ندائه
و رایت مقامه فی هذا السجن العظیم نوصیک یا حسین بما یرتفع به
مقام الانسان بین الادیان انه هو الناصح المشفق الکریم و بتقوی
الله ربک و رب آبائک الاولین و نوصیک و الذین آمنوا
بالاستقامة الکبری فی هذا النبأ العظیم الذی به انفطرت السماء
و انشقت الارض و الصعق الطوریون و الذین ادعوا کل مقام کریم
طوبی لمن قام و نطق و قال انا اول التائبین و اول الراجعین کن
قائما علی ذکری و ثنائی علی شأن لا تزلک شبهات من علی الارض
و لا تمنعک ضوضاء الغافلین خذ الکتاب بقوة من عندنا و قل
لک الحمد یا اله الاسماء و فاطر السماء بما ایدتنی و عرفتنی و ادخلتنی فی
مقام نطق به لسانک ظاهرا باهرا بین عبادک اسئلک بهبوب
ارياح رحمتک و لئالئ بحر عزک و اقتدارک التی لا تمنعها امواج
افئدة خلقک ثم قدر لی ما ینفعنی و یقربنی الیک انک انت المقتدر
علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الاشیاء لا اله الا انت الغفور الکریم
البهاء من لدنا علیک و علی الذین سمعوا النداء فی یوم اللقاء و قاموا
و قالوا قد اتی المالک الملک لله رب العالمین جناب ملا حسین
الذی هاجر و فاز

Provided by the Afnan Library

جناب استاد باقر هو الناصح العليم علیه بهاء الله

ذکر من لدنا لمن ذکر اسمه لدی المظلوم لیشکر الله الذی ایده وهداه
الی صراط المستقیم انا نوصیه والذین امنوا بالمعروف وبما یرتفع به
شان الانسان بین الادیان وانا الناصح العلیم ایاک ان
تحزنک شئونات الخلق تمسک بحبل عنایة ربک المشفق الکریم
انه مع اولیائه فی کل الاحوال وهو السمیع البصیر یسمع ما یخرج
من افواه العباد ویری ما یعملون وهو الحق المهیمن علی من فی
السموات والارضین اذا فزت بلوحی واثره وجدت
عرف القمیص قم وقل لک الحمد بما ذکرتنی یا مظلوم الافاق ولک
الثناء بما ایدتنی یا محبوب قلوب العارفین انا نذکر اخاک الذی
طار باجنحة الاشتیاق الی ان ورد وحضر وسمع نداء الله اذ کان
مستویا علی عرشه العظیم انا ذکرناه بعد ما غفرناه وانزلنا له ما کان
سراجا منیرا امام وجهه فی کل عالم من عوالم ربه الغفور الرحیم
جناب استاد باقر علیه بهاء الله

جناب استاد باقر

هو المتعالی عن الذکر والبیان

کتاب انزله المظلوم الذی ذبح فی کل حین فی سبیل الله رب العالمین



قد ورد علینا ما لا ورد علی اصفیاء الله من قبل بحیث صاحت الصخرة
وناحت السدره وارتفع نحیب البکاء من الاشیاء ولکن
الناس فی حجاب مبین هل تفکر احد فیما ورد علی محمد رسول الله
من علماء الانجیل وما ورد علی الروح من الیهود وهل تفکر فی کل
ما ظهر عند کل ظهور کذلک یذکر قلمی المهموم لعل ینتبه من کان
راقدا ویقوم من کان من النائمین قد بلغ الظلم الی مقام بکت
السماء واضطرب السحاب ولکن القوم اکثرهم من الغافلین هذا
ذکر من لدنا لکل من آمن وتوجه الی الفرد الخبیر فاعلم قد حضر
فی السجن الاعظم اخوک الذی سمی بارکین الاول من هذا الاسم
الذی به فزع من فی السموات والارض الا من اخذته ید الفضل
وعرفه ما ظهر فی الابداع بامر من لدن علیم حکیم وشرب کوثر
البقاء من ایادی العطاء وذکر اسمک تلقاء الوجه لذا انزل لک
هذا الکتاب المبین ان اعرف ما انزله الرحمن ثم احفظه باسمه
المقتدر القدیر یا احبائی فی ارض الطاء ان استمعوا نداء هذا المظلوم
الذی جعله الله هدفا لسهام القضاء والبلاء بین الارض والسماء
ولا تکونوا من الغافلین لعمر الله لا یمنعنا شیئی نذکرکم والذین امنوا
نذکر سقی بدوام الله الملک العزیز الحمید ونلقی علی العالم ما امرنا به
من لدن مالک القدم لیشهد بذلک اسمی الاعظم الذی ینطق علی
العرش انه لا اله الا انا العزیز الکریم تمسکوا بحبل الصبر وبالحکمة التی انزلها

Provided by the Afnan Library

الرحمن فی کتابه البدیع کذلک نطق اللسان فی بحبوحة الاحزان لیشهد
بذلک کل ذی سمع بصیر البهاء علیکم یا احبائی فیهناک وعلی الذین
تمسکوا بحبل الاستقامه فی هذا الصراط المستقیم جناب ~~استاد بلقو~~

جناب حسین هو الاقدس الاعظم الابهی انذ فاز

یا زین ان ربک یرثی لاحبائه الذین استشهدوا فی سبیله بشهادة
ما رات شبهها عین الابداع وما ذکر لها مثیل فی کتب الله رب العالمین
مرة نذکرهم بالسرور الاعظم لانهم انقطعوا عن الدنیا وفازوا بالرفیق
الاعلی لعمر الله قد رقم من القلم الاعلی علی کل شیئ من الاشیاء ذکرهم
وثنائهم وقیامهم وصعودهم واستقامتهم وعلوهم وسلطانهم تالله
قد محت اذکار الارض ولا تمحو اذکارهم من الواح العالم لیشهد بذلک
مالک القدم فی سجنه العظیم یا ایها الطبیب انا نذکرهم طورا نحزن لما
احصی شبهه دفاتر الوجود ان ربک لهو الصادق الامین قد فعل
الظالمون ما ناح به سکان الملک والملکوت و نزل من سماء الفضل
ما یبقی به ذکر الذین انفقوا ارواحهم وما عندهم فی حب الله الملک
العلیم الخبیر ونذکر فی هذا الحین من صعد الی الافق الاعلی فی هناک
انه لهو الذی سمی بالصفی فی کتابی العظیم بما امن اذ حضر لدی الوجه
واعترف بما اعترف به الله فی یوم فیه اضطربت افئدة العلماء والعرفاء



لیشهد بذلک مولاک الخبیر هذا کتاب من لدنا الی الذی اقبل الی الوجه
وفاز بهذا المقام المحمود ان یا حسین ان اشکر الله بما ایدک علی
عرفان من ظهر بذکره الفزع الاکبر وقل لک الحمد یا مالک الارض والسماء
بما جعلتنی مقبلاً الیک وناطقاً بذکرک ومعترفاً بما نطق به لسان عظمتک
فی ملکوت بیانک ای رب انا الذی توجهت الی مشرق وحیک
باذنک و دخلت الرضوان اذ کان محبوب العالم یرثی لاحبائه ولعزتی
اصفیائه ولسئ عباده الذین طافوا حوله فی اللیالی والایام ای رب قدر
لی ما قدرته لاصفیائک ثم اجعلنی مستقیماً علی امرک انک انت
المقتدر المتعالی العلیم الحکیم جناب حسین الذی فاز

ص - جناب میرزا حسن قناد
بنام توانای یکتا
امروز روزیست که ذکرش در کتب اولی از قلم اعلی جاری و مذکور بر
عظمت این یوم بدیع احدی جز حق جل جلاله مطلع نه و هر
نفسی اراده نماید بعرفان مالک این یوم فائز شود باید از انچه
دیده و شنیده بگذرد و ببصر مقدس از ظنون و اوهام در نفس حق
ملاحظه کند و در آثار تفکر نماید اذاً یجد نفسه علی صراط مستقیم طوبی
از برای نفسیکه لوجه الله بانچه ذکر شد عمل کند انه من الفائزین

Provided by the Afnan Library

فی کتاب مبین البهاء علیک و علی الذین عملوا بما علمهم مولی الوری فی سجنه العظیم

بنام خداوند عالمیان

ندایت در سجن اعظم اصغا شد و نامه‌ات بلحاظ مظلوم عالم فائز گشت انشاء الله بر امر الله مستقیم باشی و در کل احیان بافق رحمن ناظر چه که شیاطین در کمین بوده و هستند نسئل الله بان یحفظ احبائه من جنود النفس و الهوی و یقربهم الی الافق الاعلی و یلهمهم ما یحفظهم مطالع الاستقامة بین البریة انه لهو المقتدر القدیر نیکوست حال نفوسیکه الیوم بحق توجه نمودند و از قلم اعلی ذکرشان جاری شد ان لهم حسن مآب

حیدر حسین نصرت

بسمک المعطی الفیاض

سبحانک اللهم یا الهی لا اعلم بایّ ذکر اذکرک بما یلیق لشأن حضرتک لانّ اذکار ما دونک فان عند تشعشع انوار وجه ذکرک فانزله بجودک و فضلک و عطوفتک و احسانک یا من بیدک مفاتیح



الاذکار و انک علی کل شیء قدیر

هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

سبحانک یا مالک الوجود و سلطان الغیب و الشهود اسئلک بلئالی بحر علمک و تجلیات انوار شمس عنایتک بان تؤیدنی علی ذکرک و ثنائک و التوجه الی انوار مشرق فضلک ای رب انا امتک آمنت بک و بآیاتک و ذنبت الیک و اکون معترفة بوحدانیتک و فردانیتک اسئلک ان لا تخیبنی عما عندک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الرحیم

مشهدی حیدر

هو المشرق من افقه الاعلی

تبارک الذی نطق بین العالم و انطق المقربین الی ذکر اسمه الاعظم انه لهو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو العلیم الحکیم قد ظهر الرحیق و جری السلسبیل و بحر الحیوان امام وجه ربک الرحمن ینادی و یقول طوبی لمن فاز فی ایام الله و اقبل الی افق وجهه و نطق بثنائه و قام علی خدمة امره و لاذ بسلطانه ویل لمن کان محروماً عن نفحاته و بعیداً عن کوثر قربه و ممنوعاً عن بحر وصاله انه

Provided by the Afnan Library

من احق الخلق ليشهد بذلك لسان الله الملك العزيز الخبير كذلك
اوقدنا نار البيان ليشتعل به الامكان ولكن القوم في حجاب
مبين توكل في كل الاحوال الى الغنى المتعال ثم اشكره بما
رشح عليك من بحر الوداد ما يبقى به ذكرك بدوام اسمائه الحسنى
انه لهو الغفور الرحيم

من حيه     هو الاقدس الاعظم

انا نذكر عباد الله خالصاً لوجهه وما نريد منهم جزاء في الملك وكفى بالله
شهيداً انا انفقنا الانفس واروا حنا لخلاص العالم وكان الله
على ما اقول عليما من الناس من اعرض عن الحق ومنهم من انكر
برهان الله واياته ومنهم من قال ان هذا الا رجل اراد ان يضلكم
عن الصراط الذى كان مستقيماً كذلك قالوا اذ ظهر محمد رسول الله
ومن قبله اذ اتى الروح بامر كان على العالمين محيطاً ان الذى فاز
بهذا الامر انه من اهل الفردوس في كتاب كان في سرادق العز
محفوظاً كذلك تحرك القلم الاعلى ونطق لسان العظمة في هذا المقام
الذى كان باسم الله مرفوعاً



ص امة الله حبيبه سلطان     بسم الله الاقدس الاعظم

اى امة الله ندايت را شنيديم و وجه قدم از سجن اعظم با حباى
خود متوجه بوده و خواهد بود از حق ميطلبيم كل را العمل فى حبه و رضائه
موفق فرمايد ان اشكرى ربك بما ذكرك فضلاً من عنده
انه لهو الفضال العليم الخبير

ص مشهدى حميد     هو الاقدس الاعظم

نداى الهى در جميع احيان مرتفعست و قلم اعلى در كل اوان ناطق
واين قلم در مقامى ارادهٔ حق جل و عز بوده وهست و ميفرمايد
اى مقبلين اليوم يوم يقين و عمل است نه يوم ظن و ريب
بايد دوستان حق بكمال استقامت و اطمينان باحكام
منزوله در كتاب الهى عامل شوند النجاة لمن اتبع ما انزله الرحمن
فى الالواح كذلك نطق اللسان فى ملكوت البيان لتكون
من العاملين

ح س ن ع ل ى

بنام خداوند عالم توانا

جميع را از قبل باين يوم مبارك بشارت داديم و چون از افق اراده

حق ظاهر شد اکثری از عباد معرض و غافل مشاهده شدند طوبی لنفس
عرفت و وجدت نفحات ایام ربها المقتدر القدیر انشاء الله اجر لقاء از
برای دوستان یعنی نفوسیکه بکمال استقامت بافق
اعلی متوجهند در کتاب ثبت میشود لاتحزن عن البعد قد حال
بیننا عباد مغلون فاسئل الله بان یرفع الحجاب انه لهو المقتدر
العزیز الحکیم

ص ابن علی نور الذی صعد الی الله

بسمه المعزی الغفور الکریم

قد یعزیک الله فیما ورد علیک و یذکرک بما تذهب به الاحزان انه لا
یعزب عن علمه من شیئ یحکم فی الملک ما اراد انه لهو المقتدر العلام
قد صعد عبدنا الینا اذ تجلینا علیه بانوار هذا الوجه الذی به اضائت
الافاق قد کنا معه حین صعوده و رفعناه مقاماً کان بالحق علیا
ان الفضل بیده یعطی و یمنع انه کان علی کل شیئ قدیرا و یخاطبه
لسان العظمه فی هذا الحین و یقول علیک بهاء الله و بهاء الملاء
الاعلی بما وفیت میثاق الله و عهده انت الذی فزت باللقاء
و شربت رحیق الوصال اذ اعرض عنه کل غافل کان عن الحق
بعیدا انه یجزی الذین اقبلوا الی الوجه و یذکرهم بذکر به ماج البحر و ماج
العرف و کان الله علی ما اقول شهیدا انا ذکرناک من قبل و نذکرک



فبهذا اللوح لتطمئن بفضل مولیک انه کان علیک رقیبا انما البهاء
علیک و علی من فاز بهذا الامر الذی کان من افق العز مشهودا

ص فاطمه بیگم

بنام دوست یکتا

ای امة الله نامه ات لدی المظلوم حاضر انشاء الله بعنایات الهی
و فضل رحمانی لم یزل و لایزال بافق فضل متوجه باشی و در ظل
سدره ساکن لحاظ عنایت الهی با حبای خود متوجه و جمیع را
وصیت میفرماید باخلاق و اعمال و اقوالیکه سبب ارتفاع امر الله
شود و نفس عمل شهادت دهد بر تقدیس و تنزیه او از آنچه
مخالف است بکتاب الله فاسئل ربک بان یوفق الکل
علی ما یحب و یرضی

ص حیدر

هو الاقدس الاعظم

جمیع از برای لقای الهی خلق شده اند و کل را از این مقام اعلی
قسمت بوده و هست و لکن احتجابات خلق ما بین فیض فیاض
و احبای او حایل شده و لکن این امر متعلق بظاهر است و در

Provided by the Afnan Library

باطن هر نفسی الیوم باوامر الهیه فائز شد و بکتاب اقدس که از ملکوت مقدس نازل گشته تشبث جست از اهل القا لدی الله محسوب است چه که باطلب و آرزوی عباد البته ایشان را از بحر فضل محروم نخواهد فرمود انه لهو المقتدر القدیر

ص ملا عباس

هو الاقدس الاعظم

طوبی لک بما حضر کتابک لدی العرش اذ یمشی المظلوم وینطق بآیات الله رب العالمین انا ذکرناک فضلاً من لدنا لتشکر ربک الغفور الکریم لو تعرف لتطیر من الشوق بما ذکرت من هذا القلم البدیع

ص فاطمه بیگم امة الله

بنام دوست مهربان

ای کنیز خدا انشاءالله در کل احیان بما امرت به من لدی الرحمن عامل باشی و با فق فضلش ناظر از حق استقامت طلب چه که شیاطین بکمال مکر در کمین عباد بوده و هستند قولی الهی احفظنی یا الهی فی ظل عنایتک الکبری انک انت المقتدر العلیم الحکیم



ص حسین علی ابن مرفوع علی نور

بنام خداوند علیم خبیر

قلم اعلی متتابعاً مترادفاً علی مرفوع را ذکر نموده طوبی له بما سمع و اقبل و بلغ و شکر ربه الغفور الکریم در جمیع احوال بغنی متعال ناظر باشید و بحبل عنایتش متمسک و بذیل فضلش متشبث انه لهو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو المتعالی العلیم الحکیم

ص حسین علی ابن مرفوع علی نور الذی صعد الی الله

بنام خداوند یگانه

وجه قدم از سجن اعظم با حبایش توجه نموده و میفرماید طوبی لمن قام علی خدمة الامر و عمل بما امر به فی کتاب الله رب العالمین قد سمعنا ندائک و اجبناک بهذا اللوح لتشکر ربک الفیاض الکریم

هو العزیز المحبوب

شهد الله انه لا اله الا هو و ان علیا لسلطان المشیة من عنده ثم ارادته ثم ذکره و جلاله ثم ظهوره و اجلاله ثم بطونه و اسراره

Provided by the Afnan Library

وكل بعثوا بامره وكل به يخلقون قل تالله انه لشمس الاحديه وطراز
الازليه وساذج القدميه والنقطة الاوليه ونفس الله القائمة
على كل من في السموات والارض ونحن لنشهد بذلك ان
انتم تشهدون وبه حركت الافلاك ودورت الادوار و
ظهر سر المكنون وبه تقمص جمال الهويه رداء العزه وطلع
سلطنة الله بقيوميته مشهود كذلك ينطق الورقا ويدلع
ديك العرش ويغن هذا الشجرة المرتفعة المحمود ان يا قلم
العز ذكر عبد الذى امن بالله ومظهر نفسه وورد عليه
البلا يا في سبيل الله المهيمن القيوم ليذكر في نفسه ثم
يذكر عباد الله الذينهم صعدوا الى الله العزيز المحبوب ان يا
عبد فاشكر الله باريك بما رزقك ما لا رزق به اكثر
العباد من كل عالم معلوم وكل عارف معروف ثم اخرج عن
حجبات البشر بحكمة مشهود ثم انصر ربك بما استطعت وان
هذا لخير لك عن كل شيى وعن كل مقام محجوب فاعلم بان هذا
اللوح لنار الله وسراجه قد ارسلناه اليك بحلة محدود
وانك لو تقرئه على لحن الورقاء لتظهر فيك نار الله المشتعلة الموقود
وتحدث منها الحرارة في قلوب الذين اخذتهم البرودة بما وردت
عليهم الاحزان من الذينهم كانوا بربهم ان يشركون ان يا عبد
قم في نفسك من هذه المرسلات التى هبت عليك عن هذا الشطر



العزيز المرفوع وبشر في نفسك ثم استبشر في ذاتك بما جعلك
الله عارفاً بنفسه واظهر لك ما سطر في الواح عز مكنون ولا
تحزن عما ورد عليك وعلى اصفياء الله فسوف تجد نفسك على
مقام الذى تتحير عنه افئدة الناس وان هذا الحق رقم بالحق
على لوح عز مخزون وكذلك اذكرناك في هذا الليل وانزلنا
عليك ما يقربك الى الله العزيز الودود والروح عليك وعلى
الذينهم سمعوا نغمات الله عن هذه الشجرة المرتفعة التى رفعت
بالحق وتنطق بانه لا اله الا هو العزيز المحبوب ١٥٣

جناب حاجى عبد الغفار

هو السامع المجيب

الهى الهى ارحم عبادك واماءك ولا تمنعهم عن فرات رحمتك
الذى جرى في ايامك في حديقة المعانى بامرك اى رب انهم
عباد اقبلوا اليك منقطعين عن دونك فانزل عليهم وعلى
اماءك من سحاب سماء جودك ما يحفظهم عن دونك اى رب
ترى طار البيان نقضوا عهدك وميثاقك واعرضوا عن حبالك
المسلك بالبحر الاعظم الذى ماج باسمك والعرف قميصك
الذى هاج في ايامك بان تحفظ عبادك واماءك بقدرتك و

Provided by the Afnan Library

سلطانک لا اله الا انت المقتدر القدیر

بنام خداوند اکبر اعظم

نامه‌ات تلقاء عرش حاضر و ملاحظه شد انشاءالله در کل احوال با وامر الحصیه که در کتب منزله از قلم اعلی نازل شده متمسک باشی چه که اوست سبب حیات عالم و حفظ امم قد غفر لک الله و اباک فضلاً من عنده انه لهو الغفور الکریم الیوم باید بکمال حکمت رفتار نمائید و بما یر تفع به الامر عامل شوید انه مع اصفیائه و یقدر لهم ما ینفعهم فی الدنیا و الاخره انه لهو المقتدر القدیر

ط جناب حسن ع علیه بهاء الله ص

لسمی السامع المجیب

یا حسن قبل ع انا نجد منک عرف ارض فیها کنزت امانة الله المهیمن القیوم انک اذا اقبلت الیها و فزت بها خاطب المنابر و قل یا ارض الصاد این سفنتی و این ناقتی و این اماناتی و این مطالع حبی و مشارق ودی کذلک یا مرک المظلوم اذ یرنی



لاحبائه بلسانه و بذلک یسمع نوح الثکلی من الملاء الاعلی فی هذه المصیبة التی بها تکدر العرش و ناح کل الاشیاء و تزعزعت ارکان الوجود یا سمی البهاء رجع ذکر الذبیح و ذکر الخلیل و عویل البکاء و القوم فی الاوهام و الظنون اذا وجدت عرف بیانی من قلمی الاعلی قل لک الحمد یا اله الغیب و الشهود بما ذکرتنی مرة بعد مرة اشهد انک انت الحق علام الغیوب طوبی لشهید سفک دمه فی سبیل و لنفس هاجرت فی ارضی و لعبد نطق بثنائی و لقلب اقبل الی مقامی الممنوع کذلک دلع الدیک لدی العرش و هدرت حمامة الامر تلقاء وجه بهاء مالک الغیب و الشهود انا نذکر کل مهاجر هاجر فی سبیل لعمری ذکرناهم بما لا یعادله کنوز العالم و لا ما عند الامراء و الملوک

بنام محبوب یکتا

الیوم باید دوستان الهی بحکمت ناطق باشند و بما ینبغی ذاکر حق آگاه گواه است که آنچه از قلم اعلی جاری شده و میشود مقصود ارتقای خلق و فراغت و آزادی بوده و خواهد بود باید صاحبان لسان و بیان که بحق منسوبند بحکمت تمام اطفال ارض را تربیت نمایند گفتار باید بمثابه نسیم ربیع باشد

تا اشجار وجود از او سرسبز و خرم شوند یک کلمه اثرش مانند
ارياح بهجت و کلمه دیگر بمثابه سموم بگواهی دوستان در
جمیع بیانات عربیه و فارسیه از قلم اعلی امر بحکمت نازل
شده مع ذلک مشاهده میشود بعضی از او غافلند یا ایها
المتوجه الی الوجه ان افرح بما ذکرک المظلوم وامر العباد بما
ینفعهم فی کل عالم من عوالم ربهم العلیم الحکیم ان والله کل بما
انزله الوهاب فی الکتاب عامل باشند و بانچه سبب علو
و سمو و اشتغال است تکلم نمایند البهاء علیک و علی الذین
عملوا بما امروا به

ط جناب حسنعلی علیه بهاء الله ص

هو المنیع الاقدس

ینادی الکتاب قد اتی الوهاب والملک لله مالک الرقاب
لسان الرحمن فی ملکوت البیان ینادی باعلی الندا قد ظهر ما وعد
فی کتب الله مالک الایجاد ان الذین سمعوا واجابوا اولئک
من اهل البهاء فی کتاب الاسماء والذین اعرضوا انهم اصحاب
النار فی الزبر والالواح انا نوصیک والذین امنوا بما نطق به
القلم الاعلی من لدی الله رب الارباب قل یا اصفیاء الله تمسکوا
بحبل الامانة والوفاء و ما یرتفع به امر الله بین العباد کذلک



ذکرناک و انزلنا لک ما تفرح به افئدة اولی الالباب

امة الله

هو الناظر السامع المجیب

انا نذکر عباد الله و امائه و نبشرهم فی کور البیان بهذا الاسم
الذی به هدر العندلیب علی الاغصان باذن الرحمن قد ظهر
الوعد و اتی الموعود بامر لا یقوم معه سطوة الامراء و لا شوکة العلماء
و لا ثروة الاغنیاء و لا ما خلق فی السموات والارض ینطق و
یقول یا ملاء الارض قد اتی مالک السماء و ملکوت الاسماء باسمه
الابهی الذی به استفرح الملاء الاعلی و ناح کل ذی عمامة بیضاء
الذین اخذوا الاوهام و نبذوا الیقین عن ورائهم بما اتبعوا
اهوائهم الا انهم من الغافلین الا انهم من الظالمین الا انهم
من المعرضین قولی لک الحمد یا الهی بما ایدتنی علی امر منع
عنه رؤساء البلاد و فقهاء العباد اشهد انک انت المقتدر
علی ما تشاء و فی قبضتک مفتاح السماء تمنع و تعطی و انک
انت الفضال الکریم

ط سمی مقصود علیه بهاء الله

بسمی المشفق الکریم

یا سمی المقصود اسمع نداء الله العزیز الودود من مقامه المحمود انه لا اله الا انا المهیمن القیوم قد انزلنا الایات واظهرنا البینات وما کان مخزوناً فی خزائن عصمة الله مالک ما کان وما یکون من الناس من اقبل ومنهم من اعرض ومنهم من توقف ومنهم من افتی علی قتل المظلوم ناح به اهل الملکوت انا اردنا ان نذکر اخاک الذی سمی بحسن قبل علی فی کتاب الله رب الغیب والشهود نشهد انه سمع اذ ارتفع النداء واقبل اذ اناراُفق الظهور بمکلم الطور واعترف بما نطق به القلم الاعلی فی هذا المقام المرفوع ونشهد انه رائی فی سبیل الله ما لا یحب ان یراه وسمع ما لا یرید ان یسمع لیشهد بذلک من عنده کتاب مرقوم قد ورد علیه وعلی اولیائی ما ناح به سکان الفردوس والذین طافوا العرش فی الاصیل والبکور یا حسن قبل علی علیک بهائی وبهاء قلمی وبهاء لوحی وبهاء من فی الارض والسماء وبهاء الفردوس الاعلی والجنة العلیا طوبی لک وبما امنت بالله ربک ورب العرش والثری فی یوم فیه اعرض العلماء والفقهاء والامراء الا من شاء الله مالک الوجود وما منعک شیئ من الاشیاء وما حجبتک سبحات الذین کفروا بالله شاهد والمشهود طوبی لک ونعیماً لک ولروحک



بما فزت باثار قلمی الاعلی حین صعودک وقبله وبعده ان ربک هو الحاکم علی ما یشاء بقوله کن فیکون یا سمی المقصود انا ذکرنا اخاک بما لا تعادله الدنیا وما فیها ولغیریک واهله بما ورد علیکم من القضاء المحتوم ونامرکم بالمعروف فی اهله وبالعدل والانصاف فی کل الامور انا وصیناک والذین آمنوا فی الواح شتی بما یرتفع به امر الله فیما سواه ویظهر مقامکم بین الادیان ان ربک هو الناصح بالحق فضلاً من عنده وهو الحق علام الغیوب البهاء علیک وعلی من تمسک بالمعروف امراً من لدی الله مالک الیوم الموعود ونکبر علی اولیائی هناک فضلاً من عندی وانا المقتدر العزیز الودود

جناب حاجی عبد الغفار علیه بهاء الله

هو المؤید العلیم

یا غفار اشهد بما شهد المختار انه لا اله الا هو العلیم الحکیم لیس له شریک فی الملک قد شهدت بفردانیته الممکنات وبوحدانیته الکائنات لا اله الا هو المقتدر القدیر قل الهی الهی انا عبدک وابن عبدک وابن امتک واعترفت بوحدانیتک وفردانیتک قد ارسلت الرسل وانزلت الکتب فضلاً من عندک علی عبادک وخلقک

Provided by the Afnan Library

ای رب ترانی معرضاً عن دونک ومقبلاً الی آیاتک الاعلی المقام الذی
فیه ارتفع حفیف سدرة المنتهی اسئلک بامواج بحر بیانک و
نفحات ایامک ومشارق قدرتک واقتدارک بان تغفر لی جریراتی
العظمی وخطیئاتی الکبری ثم اکتب لی من قلم قضائک ماینبغی فیکل
عالم من عوالمک ای رب طهرنی من شبهات الظنون والاوهام و
اشارات الذین اعرضوا عنک یامالک الاسماء وفاطر السماء انک
انت المقتدر علی ماتشاء لااله الا انت المشفق الکریم والحمد لک یامقصود
العالمین

جناب زین العابدین ابن علی نور الذی صعد الی الله علیهما بهاء الله

هو الشاهد العلیم الخبیر

یازین العابدین انا نذکرک لتفرح وتکون من الشاکرین طوبی لابیک
الذی فاز بنور الامر وسمع اذ ارتفع الندا بین الارض والسماء واعترف
بما نطق به لسان العظمة فی الزوراء وفی هذا السجن العظیم انا نوصیک
بالامانة والعفة والوفاء وما ترتفع به کلمة الله ربک ورب العرش العظیم
یازین العابدین بیقین مبین بدان اعمال طیبه واخلاق مرضیه سبب
ارتفاع کلمة الله بوده وهست قل الهی الهی ارحم عبدک انک انت
ارحم الراحمین الهی الهی اغفر عبدک انک انت غفار الذنبین
الهی الهی قدر لی ما هو خیر لی انک انت المقتدر الامین الهی الهی



ایدنی علی خدمتک انک انت مؤید العالمین الهی الهی تری جریراتی
طهرنی منها انک انت القدیر الهی الهی کفر عنی خطیئاتی انک
انت الفضال الکریم ای رب ایدنی علی العمل بما انزلته ثم وفقنی
علی ما امرتنی به انک انت الامر القدیم صل اللهم علی انبیائک
واولیائک الذین طافوا حول امرک ونصروک بجنود الحکمة والبیان
وبالاخلاق التی امرت الکل بها فی کتابک المبین یازین
العابدین خوار بجل مرتفع وکذلک نعاق ناعقین وضوضاء مرتبین
فاسئل الله ان یحفظ عباده من الذین یحبون الاختلاف و
یضعون ما امروا به من المودة والاتحاد منتسبین طرا از قبل
مظلوم تکبیر برسان وهر یک را بعنایت حق بشارت ده
لیاخذهم الفرح والاطمینان من لدی الله العلیم الحکیم

هو الظاهر الناطق العلیم الحکیم

یازین علیک بهاء الله رب العالمین قلم اعلی واغصان واوراق
سدره منتهی بل کل اشیاء شهادت میدهند بر رحیان حق
جل جلاله وآفتاب عنایت وفضلش شما دوستان خود را
ذکر فرموده که نفحات کلماتش از هر کلمه متضوع قد ملئت
الآفاق من آیات ربک لعمهم ان یشکروا الرب بهذا الفضل المبین

Provided by the Afnan Library

از سحاب عنایت رحمانی و سماء قلم ابهائی من غیر تعطیل آیات نازل و
بمثابه امطار هاطل بل لا یقاس بشیء من الاشیاء و لا یذکر
من الاذکار مع ذلک معرضین بیان منکر و غافل نسئل الله
ان یؤید الکل علی خرق الاحجاب و الاستقامة علی امره المحکم
المتین نامهٔ ابن نور علیه بهائی که بآنجناب ارسال نموده بلقاء
وجه حاضر انا وجدنا منه عرف حبه و استقامته علی امر الله طوبی
له و لابیه و امه انا ذکرنا النور من قبل فی الواح شتی بذکر اذ ظهر
نادی المناد البیان لله یا زین قد ماج بحر العرفان ببیانی و
ماج عرف الرحمن بندائی ولکن القوم اکثرهم من الغافلین
لله الحمد مرفوع علی علیه بهائی و عنایتی مع ابنش از رحیق بیان
نوشیدند و بحر رحمت الهی فائز گشتند ای پسر نور امروز
مکلم طور بر عرش ظهور مستوی و اولیای خود را ذکر نموده و مینماید
و میفرماید یا اهل البهاء اسمعوا ندائی لکم ان تحفظوا العباد باعمالکم
و اخلاقکم اثر معکم یری و یسمع و هو العزیز البصار نسئل الله ان
یمدکم بما یؤیدکم علی ما ینبغی لاهل البهاء انه هو الناصح الذاکر العلیم
ای پسر نور نفوس مذکوره در نامه‌ات هر یک بذکر قلم اعلی فائز
شد انا بشرنا الک بذکری و عنایتی و ابن اخیک برحمتی
التی سبقت من فی السموات و الارضین لله الحمد در سنین
متوالیات مذکور بوده و هستند البهاء من لدنا علیک و علی من



تسمی بحیدر و علی من معک ان ربک هو الفضال الکریم و الحمد لله
اذ هو مقصود العارفین

ط جناب مشهدی حیدر علیه بهاء الله

صحیفة الله المهیمن القیوم

هو الناطق الذاکر العلیم الحکیم

الحمد لله الذی فتح ابواب العرفان بمقالید البیان و اظهر
ما کان مکنوناً فی ازل الآزال و مستوراً عن الادراک و الابصار
التکبیر و الثناء و السلام و البهاء علی ایادی امره الذین
وجدوا عرف یوم الله و اقبلوا الیه بقلوب نوراء و اخذوا
اقداح الفلاح باسمی الابهی من ایادی العطاء اولئک
عباد وصفهم الله فی کتبه و صحفه و زبره و الواحه و جعلهم
ایادی امره فی بلاده علیهم رحمة من عنده و عنایة من لدنه
انه هو الفضال الفیاض العزیز الوهاب یا حیدر قد حضر
کتابک فی المنظر الاکبر المقام الذی فیه نطق مالک القدر
و ذکر اولیائه و انزل لهم ما تبقی به اسمائهم و اذکارهم و
ارواحهم و ما ظهر منهم فی هذا السبیل المستقیم علیهم بهاء الله
رب العالمین یا حیدر افرح ثم اشکر بما فاز کتابک

Provided by the Afnan Library

باصفيآ المظلوم اذا احاطته الاحزان من كل الجهات بما اكتسبت
ايادي الذين نقضوا الميثاق وكفروا بآيات الله العليم
الخبير طوبى لعبد اقبل وقام امام العباد باستقامة
اضطربت بها افئدة المعتدين قل يا حزب الله ضعوا
الفساد والاعتساف وخذوا العدل والانصاف لعمري
انكم خلقتم لاصلاح العالم وتهذيب نفوس الامم انه لفعال
لما يشاء ويحكم كيف يشاء وفي قبضته زمام الامور لا اله
الا هو الفرد الواحد المقتدر القدير كبر من قبلي على اوليائي
الذين شربوا رحيق العرفان من ايادي عطائي وقاموا
على خدمة امري العزيز الحكيم يا اوليائي هناك اسمعوا
ندائي من شطر سجني انه يحفظكم ويهديكم الى الله ربكم ورب
السموات والارضين يا حيدر قل يا ملاء الارض اتقوا
الله ثم انصفوا فيما ظهر بالحق ولا تكونوا من الظالمين قد
كنت صامتا انطقني الله وكنت ساكنا حركتني ارادته
تشهد بذلك كتب الله العزيز العليم ضعوا الاعتساف و
خذوا الانصاف انه يحفظكم ويكون معكم في كل عالم من
عوالم الله انه ولي من اقبل اليه وولي المخلصين قد خلقنا
الخلق لهذا اليوم ولكن القوم في وهم مبين يرون
وينكرون يسمعون ويعرضون الا انهم من الاخسرين في



لوح المبين انا اردنا في هذا الحين ان نذكر احبائي الذين كانت
اسمائهم في ورقة بيضاء ان ربك هو المشفق الكريم
يا حسين قبل علي قد اقبل اليك وجه المظلوم من هذا المقام
الرفيع وذكرك بما انجذب به الملاء الاعلى وسكان الفردوس
طوبى للمنصفين قل ان البيان ليطوف حوله والكتاب
امام وجهه ولكن الناس اكثرهم من الغافلين قل به
ماج بحر البيان وهاج عرف الرحمن لو انتم من العارفين
قل انه بالقلم سبق اسياف الامم ومنع النزاع و
القتال وحكم الجهاد انه هو ارحم الراحمين هذا هو المكنون
الذي شهدت له الكتب وهذا هو النبأ الذي بشر
به محمد رسول الله ومن قبله كل رسول امين يا زين العابدين
ان القلم من هذا السجن اقبل اليك وانزل لك ما صاحت
به الاشياء ونادت الملك والملكوت والعظمة والجبروت
لله مالك هذا اليوم العزيز البديع انا ذكرناك واباك
بما يكون باقيا ثابتا في كتاب الله المنزل القديم اشكره
بهذا الفضل الاعظم وقل لك الحمد يا مالك القدم
بما زينتني بطراز العرفان وهديتني الى مطلع البيان اسئلك
بقدرة آياتك ونفوذ كلماتك ان تجعلني مستقيما على حبك
بحيث لا يمنعني ظلم الظالمين ولا سطوة المشركين الذين

نبذوا عهدک واخذوا ما ظهر من مطالع الظنون والاوهام ای
رب انا عبدک وابن عبدک اسئلک بمشارق علمک
ومطالع حکمتک ان تجعلنی مویداً علی نصرة امرک بجنود
الامانة والدیانة انک انت الحاکم علی ما تشاء بامرک المحکم
المتین یا علی قد رجع حدیث الطور بما ظهر مکلمه ونادت
السدرة الملک لله رب هذا المقام الرفیع طوبی لاذن
فازت بندائی ولقلب اقبل الی افقی المنیر طوبی لبصر ما منعه
الهوی عن النظر الی الافق الاعلی ولید اخذت کتاب الله
بقدرة عجزت عند ظهورها قدرة من فی السموات و
الارضین قل یا اولیاء الله هل تسمعون وتبصرون
این حنین قلوبکم وضجیج نفوسکم هل عرفتم ما ظهر بالحق
ام کنتم من المتوقفین قل الهی الهی وسیدی وسندی
ومقصودی ومعبودی ونهایة املی وعزتک وجلالک وعظمتک
واقتدارک احب ان اضع وجهی علی کل بقعة من بقاع
ارضک لعل یتشرف بمقام تشرف بقدوم اولیائک وقدر
لهم ما یحفظهم عن دونک فی ایامک اشهد انک انت
الکریم وانک انت الرحیم لا یعزب عن علمک من شیء
تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید لا اله الا انت المقتدر العزیز
العظیم یا قلم اذکر من سمّی بید الله وذکره بما جری من



لسان العظمة فی ملکوت البیان لیشکر ویکون من الحامدین
نسئل الله ان یویدک علی اخذ کتابه بقوة لا تمنعها قوة
العالم وباستقامة لا تزلها شبهات الامم ان ربک
هو المقتدر علی ما یشاء بهذا الاسم الذی به ارتعدت
فرائص العالم الا من شاء الله الغفور الرحیم یا روح الله
قد ارسلنا الروح من قبل ولبشر الناس بهذا النباء
الذی به انقلبت الارض والسماء واضطربت افئدة المعتدین
ومن قبله ارسلنا الکلیم بآیات بینات وامرناه ان
یخبر الناس بیوم الله العزیز العظیم هذا الیوم الذی فیه
استوی مکلم الطور علی عرش الظهور وینادی باعلی
الندآء یا ملاء الارض والسماء تالله قد ظهر ما کان مکنوناً
فی العلم وان من قرت لظهوره اعین المقربین کذلک
اشرق نیر البیان فی هذا المقام الذی نبی باسمی المقتدر
القدیر بالضر الله قد اتی النصر والقوم فی حجاب غلیظ
ان الظالم بالمکاره یهددنی والله بالنصر یعدنی انه هو
اصدق القائلین قل انه اظهر امره بسلطان لا تضعفه
جنود العالم ولا تمنعه ضوضاء الجهال الذین منعوا العباد
عن شریعة الله المهیمن المقتدر علی کل صغیر وکبیر یا
لسان العظمة اذکر من سمّی بسید محمد الذی طار بجنحة

Provided by the Afnan Library

الاشتياق الى نيّر الآفاق الى ان وردت فى مقام جعله الله
مطاف المخلصين يا محمّد اذكر اذ قصدت الغاية القصوى
والذروة العليا وقطعت السبيل اذ فزت بالدليل فى
ايّام ربّك العزيز الحميد وقطعت البرّ والبحر الى ان
دخلت المدينة المحصنة التى اخبر بها الزبور ومن قبله
كتب الله ربّ العرش العظيم وقمت لدى الباب الّذى
فتح بمفتاح الفضل على من فى السّموات والارضين
شهدت وسمعت النّداء وفزت بما كان مسطوراً من القلم
الاعلى فى كتب النّبيّين بحضرت امام كرسى الرّبّ وسمعت
ندائه ورايت افقه ليشهد بذلك هذا اللّوح المبين طوبى
لك ولسمعك وبصرك نسئل الله تبارك وتعالى
ان يؤيّدك على الاستقامة الكبرى ويقدّر لك ما قدّره
للّذين شربوا رحيق الشّهادة من اياد[ى] عطائه انّه
يذكر من ذكره ويحبّ من احبّه وهو الفضّال الغفور
الرّحيم ولتشهد انّك شربت رحيق الوصال اذ
منع عنه العباد الّا من شاء الله المهيمن القيّوم قل
الهى الهى وسيّدى وسندى ومقصودى ومعبودى و
محبوبى احبّ ان اذكرك فى قطعات ارضك وانادى
فى كلّ الايّام باسمك بين عبادك اى ربّ اسئلك



بسلطانك الّذى غلب الوجود من الغيب والشّهود وبامرك الّذى
به سخّرت العالم وافئدة الامم ان تجعلنى ناطقاً بذكرك ومنادياً
باسمك بالحكمة والبيان ثمّ اسئلك بسلطانك الّذى
به ارتعدت فرائص كلّ جاهل واضطرب فؤاد كلّ معرض ان تقدّر
لى من قلم الفضل ما ينبغى لبحر جودك وسماء كرمك انّك انت
الفضّال المقتدر الغفور العطوف انّا اردنا فى هذا الحين ان نذكر
من وجدنا منه عرف محبّة الله ربّ هذا المقام الرّفيع ونحبّ
ان نختم الكتاب بذكره ليجذبه رحيق البيان الى مقام ارتفع
فيه النّداء امراً من لدن آمر قديم انّا اصبحنا اليوم و
اردنا ارضاً اخرى فلمّا وردنا شاهدنا صفصافها مصفوفة و
سكنّا تحت اذياله الطّويلة المعلّقة كلّما تحرّكها ارياح الارادة الى
اليمين ليسمع من حفيفها قد اتى الرّحمن بسلطان مبين والى
اليسار ليسمع منها قد ظهر المكنون باسمه القيّوم وكان ان يبشّر
اشجار العالم بهذا الامر الّذى ظهر من مشيّة الله العزيز الحميد
يا ابن ابهى اسمع النّداء الّذى ارتفع من طور العرفان عن
يمين بقعة البرهان من سدرة البيان انّه لا اله الّا هو الفرد
الواحد المقتدر العزيز الكريم نسئل الله تعالى ان يؤيّدك على
عرفان ما منع عنه اكثر العباد انّه هو المقتدر على ما يشاء
لا اله الّا هو المهيمن على من فى السّموات والارضين انّا اظهرنا

الا مروا انزلنا فی کتب شتی ما یظهر من بعد فی القرون والاعصار عند
ربک علم کل شیء ولکن الناس فی ریب عجاب یرون
وینکرون یسمعون ویعرضون الا انهم من اهل الضلال لدی
الغنی المتعال قل اصغوا یا قوم ثم انصروا ربکم بالحکمة والبیان
کذلک قضی الامر من لدی الله رب الارباب قل قد کملت
النعمة وتمت الحجة اتقوا الرحمن یا معشر العباد فی البلاد
نسئل الله ان یفتح علی وجهک باب البیان ویؤیدک علی تبلیغ
امره بالحجة والبرهان ایاک ان تحزنک شماتة الاعداء او
تخوفک سطوة الذین کفروا بالله مالک المبدء والمآب قل
الهی الهی لک الحمد بما سقیتنی کأس عرفانک من ید عطائک
ونورت قلبی بنور الایقان بجودک وعنایتک ای رب ترانی
مقبلاً الی سماء فضلک ومتشبثاً باذیال رداء رحمتک و
سائلاً لدی باب کرمک وراجیاً بدائع جودک اسئلک
بالدماء التی سفکت فی سبیلک وبالصدور التی تشبکت لاعلاء
امرک واظهار کلمتک ان تؤیدنی بجنود الغیب والشهادة لانتشار
امرک بین عبادک واذکرک باذکار تنجذب بها افئدة خلقک
ای رب انا عبدک الذی اعترف بجریراتی عند امواج
بحر عفوک وخطیئاتی عند تجلیات نیر غفرانک کم من
لیال کنت نائماً علی الفراش غافلاً عن ظهورک واصغاء



ندائک الاحلی اذ ارتفع بین الارض والسماء وکم من ایام کنت مشتغلاً
فیها باموری متوقفاً فی امرک ای رب انا الذی اعترف بمسکنتی
وفقری وافتقاری عند ملکوت غنائک وعفوک وعطائک
وعزتک استحیی ان اذکرک واصفک الا بان تجعل راسی مزیناً
باکلیل عفوک وهیکلی مطرزاً بطراز غفرانک آه آه عما فات
عنی فی ایامک ای رب تری العاصی قائماً لدی باب فضلک
اسئلک بانوار وجهک ومشارق وحیک ان تجعلنی ثابتاً
راسخاً فی نبائک الذی به زلت اقدام خلقک الا من اخذته
ید کرمک لا اله الا انت الفرد الواحد القوی الغالب الغفور الرحیم

الاعظم الاقدس

هذا یوم فیه طار طائر من اطیار العرش وطارت معه الافئدة والعقول
دن یا میم الجیم انت ارتقیت بروح وریحان ومحبیک فی الاحزان
کذلک قضی الرحمن انه لهو المهیمن القیوم انت کنت بقیة آل
الله اذا اخرجتنی المشرکون من ارض الطاء واحترقت بنار الفراق
فی سنین معدودات اذا اتی المیقات هدیناک الی کوثر
الوصال الی ان دخلت السجن و فدیت نفسک امام وجه
ربک العزیز المحبوب طوبی لک وللمن یتوجه الیک ویزور تربتک

وتقرب بک الی الله رب ما کان و ما یکون ان یا هاء الهویه
قصدت معارج القدس وترکت الدنیا فی سبیل ربک اشهد
انک انت الذی ارتقیت الی مقام محمود واشهد انک رجعت
مظلوماً الی مقرک طوبی لک وللذین تمسکوا بذیلک الممدود
ان یا دال الابدیه قد تشرفت بک تلک الارض وما حولها
انک ودیعة الله وکنزه فی هذه الدیار سوف نظهر الله باستقرارک
بک ما اراد انه لهو الحق علام الغیوب باستقرارک علی الارض تزلزلت فی نفسها
شوقاً للقائک کذلک قضی الامر ولکن الناس لا یفقهون
ان یا یاء القدمیه طوبی لک بما انفقت روحک فی السجن الاعظم
بعد الذی کنت بین ایدی الذین کفروا بالله فی الیوم الموعود انا
لو نذکر اسرار صعودک لینتبه اهل الرقود ویشتعلن الوجود
بنار ذکر اسمی العزیز الودود یا ایها المذکور لدی الوجه قد قصدنا
لک ما ورد الیوم علی غصن الله لتطلع بما قضی فی السجن من
لدن ربک العزیز الغفور انک لا تحزن ان اشکر ربک فی
کل الاحوال انه مع الذین یذکرونه وبامره هم یعملون انما البهاء
علیک وعلی من انقطع فی حبه عن الذینهم مشرکون

مقابله شد



بسم الله العلی الابهی

سبحانک یا الهی تسمع ضجیج عبادک فی فراقک وصریخ امائک
فی ایامک اوقدت فی قلوبهم نار محبتک وسترت وجهک
عنهم بما قدرته فی الواحک دعوت الکل الی مظهر نفسک العلی
الاعلی ثم منعتهم عن الدخول تلقاء جماله والورود فی ساحة عزه
فلک الحمد فی کل ما فعلت وتفعل اسئلک بان تحفظ
عبادک وامائک بقدرتک واقتدارک ثم اسکنهم فی جوار
رحمتک وارزقهم خمر الطافک وکوثر مواهبک وانک
انت الغفور الرحیم

مقابله شد

خط حضرت بهاء الله

هو العزیز الباقی

شهد الله انه لا اله الا هو العزیز المحبوب له الجود والفضل یعطی من
یشاء ما یشاء وانه لهو القادر المقتدر المهیمن القیوم قل انا
امنا بالذی ظهر باسم علی من لدن سلطان حق محمود وبالذی
یاتی فی المستغاث وبالذی یاتی بعده الی اخر الذی لا اخر له وما
نشهد فی ظهورهم الا ظهور الله وفی بطونهم الا بطونه ان انتم
تعرفون وکلهم مرایا الله بحیث لا یری فیهم الا نفس الله وجماله
وعز الله وبهائه لو انتم تعقلون وما سویهم مرایاهم وهم مرایا الادلیه

ان انتم تفقهون ما سبقهم احد فی شیئ وهم یسبقون قل
لن ینتهی مرایاء القدم وکذالک مرایاء جمالهم لان فیض الله
لن ینقطع وهذا صدق غیر مکذوب والذی یقول انتهت الظهورات
فی ارضک لن تلتفت الیه وکن من الذین هم بنصر الله فی امره
ینظرون قل ان الیهود قالت ید الله مغلولة وکذالک امم البعد
قالوا بمثل ما قالوا قل فویل لکم فیما تقولون انه سبقت رحمته کل شیئ
واحاط فضله کل من فی السموات والارض ان انتم تعلمون ما
انقطع فیضه ولن ینقطع بدوام الله المهیمن القیوم لیظهر فی الملک
من یشاء وانه لا اله الا هو وکل عنده امره فی هذه الایام
لغافلون الا الذین یشهدون ورقة الفردوس بعیونهم ونغمة الله
باذانهم یسمعون ولن یمنعهم منع مانع ولو کل الناس هم یمنعون
ولکن حق للمومن بان یفصل بین الحق والباطل کما یفصل بین
النور والظلمة بحیث لن یتبع الذین یدعون ما لا قدر الله لهم وهم فی
هوی انفسهم لیسلکون کذالک دلع دیک القدس وغنت
ورقاء العز ونطق هذه اللسان الناطق ان انتم بها تتوجهون
والروح علیک وعلی من توجه الی شطر الله فی هذا الوجه المنیر المحبوب ۵۲۱

مقابله شد



هو المحزون

ای علی الیوم لسان الله در کل شیئ ناطق ولکن ذی سمعی مشهود نه تا ادراک
نماید وآیات الله در کل شیئ ظاهر وذی بصری ملحوظ نه تا ملاحظه کند
لم یزل امر الله ظاهر ومشرق بوده ولکن ناس در وهم صرف
مستغرق واز مقصود محتجب نظر کن در امم قبل که کل بکمال طلب
وآمال در کل ایام ولیال بذکر حق ناطق ومشغول بوده اند ودر حین
ظهور کل بما عندهم از سلطان امر محتجب مانند با آیات
الهی از منزل آن محروم گشتند حال در اهل بیان الیوم بهمین
نظر ملاحظه کن کل تلاوت بیان مینمایند ولکن از منزل آن
محتجبند ای کاش باین مقدار اکتفا مینمودند بلکه بر جمال قدم
وارد آوردند آنچه را نفسی نفسی وارد نیاورده اینست مقدار این
عباد ای علی چشم از ما سوی الله بردار وقلب را از ذکر دونش
مقدس نما ای علی سرادق انقطاع در شاطی بحر اعظم
مرتفع نما وخیمه توکل در ظل سلطان احدیه برافراز چه که جز
ظلش هاویه بوده وخواهد بود حمد کن خدا را که لا زال نسیم
عنایتش بر تو مرور نموده وان شاء الله مقطوع نخواهد شد
الیوم اکثری از اهل ارض بمجادله با جمال احدیه قیام نموده اند
مع آنکه آنچه بچشم خود در این ظهور مشاهده نموده اند در هیچ
ظهور ندیده ونشنیده اند کذالک یفصل الله بین الحق والباطل
بکلمة من عنده وانه علی کل شیئ قدیر ای ثابت شو بر امر الله

Provided by the Afnan Library

وان کل منقطع باشر والبهاء علیک وعلی من معک

بسم ربنا العلی الاعلی

سبحان الذی خلق السموات والارض اقرب من آن فیها ما قدر بامره
ان انتم تعلمون وما ذکر فی الکتاب من حدود لسنته لم یکن الا بحکمة
من لدی الله المهیمن القیوم قل یا ملاء الارض خافوا عن الله ثم ارجعوا
علی انفسکم وتمسکوا بخیط الذی یحرک فی کل الجهات باشارات
عز محبوب وانتم لا تغفلوا عنه وتمسکوا به ان تریدون الی معارج
القدس تعرجون قل یا ملاء الارض تالله ان الساعة قد ظهرت فی
هیکل عز مشهود وان القیامة قد قامت وظهرت من انوار عز
محبوب والصراط قد ارتفعت فی نفس الله المهیمن المحمود وان الجنة
قد ظهرت وتزینت لطراز علی مقصود وان الارواح تعلقت فی
سماء عز مرفوع وان الورقا تغردت علی اغصان شجرة الامر ان
انتم تستمعون وان الجمال قد ظهرت عن خلف القناع واذا انتم
فی حجباتکم متحجبون فاسمعوا قولی ثم قوموا علی ما غفلتم عنه ثم اخرقوا
کل الحجبات باسم الله المهیمن العزیز القیوم لعل تدخلون فی
حدایق الرضوان وتجدون ارياح التی تهب عن ازهار قدس
محبوب ولا تمنعوا انفسکم عما قدر لکم من فضل الله المهیمن العزیز



القدوس فوالله سیطوی کل ما انتم تجتونه فی الحیات الباطلة وترجعون
الی الله وتسئلون عما کنتم به ان تعملون واذا یفوت عنکم تدارک
ما فات عنکم وفی محضر القدس عند ملائکة العالین تخجلون
ولن ینفعکم شیئ فیما فعلتم فی حیاتکم الباطلة ولا بما کنزتم من
زخارف الدنیة وهذا الحق معلوم قد رقم من اصبع عز قیوم
وظهر بالحق ان انتم تعلمون قل فوالله قد مضت علیکم ایام الروح
وکنتم عنها غافلون اذا فاستنصحوا بنصحی هذا ثم اقبلوا الی وجه
باریکم ان انتم تعلمون ولا تترجحوا علی فراشکم الا بذکر الله
وهذا ما ینصحکم حمامة الروح لعل انتم بهدی الله تهتدون ولا تتحرکوا
فی الارض الا بارادة من الله وهذا خیر لکم عن کل ما کان وما یکون
ولا تتنفسوا الا بذکر المحبوب ان انتم بهذا النصح تستنصحون قل
فوالله حینئذ یغنی حمامة الامر بابدع الندا فی وسط السماء
ان انتم تستمعون نزهوا اذانکم ثم ابصارکم لعل انتم ببصر الله تنظرون
فی ما قدر لکم فی جبروت العزة وما سطر من اصبع الروح علی لوح
قدس محفوظ وانک انت یا علی فاشکر الله ربک فیما
عرفک نفسه واودع فی صدرک حبه وهذا الغایة المقصود ثم ظهر لک ما رایت
فی المنام وهذا الفضل مشهود اذا قدس نفسک وطر بجناحین
العز فی هوا عز محبوب ولا تخف من احد ولا تنس فضل ربک
علیک وکن فی حب باریک کالجبل الیاقوت ولا تحزن نفسک

Provided by the Afnan Library

من ذکر ربک ثم اذکره فی کل حینک وهذا فضل من الله العزیز القیوم
وتوکل علی الله فی کل الامور ثم اعرض عن الذین کفروا وکانوا عن
لقاء الله هم معرضون وانا نشهد حینئذ بانک وفیت بعهدک
واجبت بارئک فی حین الذی ما اجابه المبغضون وکذلک
سبقت رحمته علیک وعلی الذینهم کانوا علی الله ربهم یتوکلون
بشر فی نفسک ثم استبشر فی روحک بما وردت علیک وعلی
الذینهم آمنوا بالله ربهم وکانوا الی وجه العز یتوجهون والتکبیر علیک
وعلی الذینهم کانوا فی حبهم لراسخین والحمد لله رب العالمین

فی ارض التی فی حولها ملائکة القدس یطوفون وکذلک منا

مقابله شد

هو الودود

یا من اشتاق الاحباء للقائک ویذکر ذکرک فی کل حین عند
محشر المخلصین فاشکر الله بما جعلک متصلا الیه ومقبولا عند
عباد الموحدین

الامنع الاعظم

هذا ذکر من لدنا الی الذی اقبل الی قبلة الآفاق لتجذبه آیات ربه و
تقربه الی مشرق الانوار ان یا عبد ان استمع ما یوحی الیک
من شطر السجن انه لا اله الا هو العزیز المختار ان استقم علی
حب الله ثم اذکره فی الغدو والاصال ایاک ان یمنعک شیئ



عن التوجه الی مطلع الوحی دع الامکان قد اتی الرحمن بقدرته و
سلطان طوبی لک بما ذکر ذکرک لدی الوجه وجری اسمک
من قلم الوحی اذ کان فی السجن بین ایدی الفجار لا تحزن من
شیئ ان الذی فاز بهذا الامر انه من اعلی الخلق لدی الحق
المتعال ان اتخذوا یا احباء الله به یظهر الامر وینکسر ظهر کل
متکبر جبار تمسکوا بحبل الله انه قد ظهر علی هیکل الانسان
تبارک الرحمن الذی به اسودت وجوه الذین کفروا وانارت وجوه
الاشرار

مقابله شد

شیخ سلمان علیه ذکر الله

بسم الله العزیز الحکیم

الحمد لله بفضل و رحمت الهی بشاطی بحر اعظم وارد شدی و تلقاء
عرش حاضر این فضل را بزرگ شمار و قدری تفکر در قدرت الهی
نما مع آنکه با مال و اسباب بدست چندین نفوس فاسدی که
ابدا کسی از ید آن نفوس سالم بیرون نیامده دست عنایت حق
ترا اخذ نمود و مع ما عندک نجات بخشید قل تعالی القدیم ذو
الفضل العظیم و ذو القدرة العظیمه خدمتهای تو در نظر بوده و هست
اگر نفسی نفسی در راه دوست کشیده ضایع نخواهد شد مطمئن
باش بفضل پروردگار خود و جهد نما تا بانقطاع کامل و اخلاق

روحانیه بذکر حق ناطق باشی سنین معدودات در سبیل حق
سفر نمودی و هاجرت اختیار کردی و مکرر تلقاء وجه حاضر شدی
ثمرات آن حال اگر از نظر تو و انفس بریه مستور باشد لوشاء الله
آید وقتی که ان را مشاهده نمائی اذاً تقول لک الحمد یا محبوب العالمین
عالم ترابیه قابل ظهورات مقامات عالیه نه لعمری من اقبل الیه
یری نفسه فی ملکوته لسلطان مبین در کل احیان لطلعت رحمن
پناه برکه این مقام اخذ نشود و تبدیل نیابد قل یا الهی اسئلک
باسمک الذی به سخرت القلوب یا محبوب بان تجعلنی فی کل
الاحوال راضیاً برضائک و فانیاً فی ارادتک و مقبلاً الی
شطر فضلک و منقطعاً عن دونک انک انت المقتدر علی
ما تشاء و انک انت المهیمن القیوم

مقابله شد

الاقدس الابهی

قد حضر بین یدینا کتاب عبدنا المهدی الذی آمن بالله العزیز الحکیم
و فیه ذکرک و ذکر الذینهم نبذوا الوری عن ورائهم و تمسکوا بعهد
الله ربهم و رب ابائهم الاولین طوبی لک بما اقبلت الی محبوب
العالمین و اعرضت عن الذین کفروا بالله بعد الذی اتی بالحق
بسلطان مبین و وفیت بمیثاقه و اشتغلت باثاره لعمری



من جری من قلمه آیة من آیات ربه کتب الله له اجر من طاف
فی حوله و شرف بلقائه الا انه من الفائزین لو نفصل ما عندنا
و نظهر ما هو المکنون لینصعق من فی السموات والارضین قم
علی الامر باسمی و توکل علی الله فی امرک انه ولی من اقبل الیه و انه لقریب
بالمحسنین ان اکتب ایات ربک ثم اقرئها لتجذبک الی ملکوتی
و تری ما منعت عنه ابصار الذین غفلوا من هذا الذکر الحکیم
کن علی شان لا یمنعک البلاء عن ذکری کما ما منعنا
الملوک و السلاطین بعد الذی اتخذوا فی ضرنا تالله انا من افق
هذا السجن ندع العباد الی رحمة ربهم الغفور الرحیم ان افرح بذکری و
آنس بثنائی انه یذکرک فی ملکوته لا اله الا هو العزیز الجمیل
مقابله شد

الاعظم الاقدس

قد تجلی الله من افق السجن علیک یا ایها المقبل الی الله فالق
الاصباح طوبی لنفس اقبل بقلبه الی مشرق الایات ان
افرح بما ذکرت لدی العرش و نزل لک ما یقربک الی العزیز
الوهاب ان الذین اعرضوا اولئک لیس لهم الیوم من هاد
والذین اقبلوا سوف یرون ما قدر لهم من لدن منزل
الایات انا زینا سماء التبلیغ بذکر اسمنا البدیع الذی به

ظهر الفزع الاكبر بين البشر ان ربك لهو العزيز الجبار اضطربت
اركان الجبت وناح الطاغوت والتفت الساق اذا لما وردنا السجن
اردنا ان نبلغ الملوك رسالات ربهم مالك الرقاب ليعلموا
ان البلاء ما منع الله عن سلطانه ايحكم كيف يشاء انه لهو
المقتدر العزيز المنان ينبغي لكل نفس ان يستقيم على الامر
على شان لا يمنعها البلاء عن ذكر الله رب الارباب

مقابله شد

هو العزيز

ان يا على فاستمع لما يوحى اليك من هذه النار التى تستضئ فى هذه
الشجرة التى تنطق بالحق بانه لا اله الا هو وان عليا قبل نبيل العينه
وبصره ونفسه ولسانه بين عباده ان انتم تعلمون وبه ظهرت
كلمة الاولية والنقطة الالهية والجمال الغيبية والالف القائمة
والهاء المنزلة والباء المنبسطة ان انتم تعقلون وبه ظهر الوجود و
طلع جمال المعبود وخذ صرف الاحدية بطراز اسم معلوم
ليكون الناس مقتدرا الى التقرب به وان هذا لفضل مشهود
لانه لو يظهر بما كان عليه لن يقدر احد ان يتقرب به وينظر
اليه او يستعلم منه علم ما كان وما يكون وبذلك فاعرف
اسرار الحكمة بما القيناك ثم فكر فيها ليفتح الله بذلك على قلبك



ابواب علم مكنون ان يا على فاشكر الله باريك بما حضرت بين
يدى العبد فى آخر ايامه وبذلك كنت من الذينهم كانوا بعد بين
الوجه بهم يهتدون فطوبى لعينيك فيما رايت ولاذنك فيما سمعت
ولجسدك بما حضر فى مقام قرب محمود فهنيئا لك يا عبد بما هاجرت
عن ديارك وسافرت الى الله المهيمن القيوم الى ان وردت مدينة
التى سميت بدار السلام من قبل لانها اسلمت فى هذا الظهور
المقدس المشهور كذلك يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده
اللوح محفوظ وانك لو تاخرت فى ذلك ما فزت بهذا الفوز
الذى يشتاقه ملاء الفردوس ان انتم توقنون ويفوت عنك كما
فات عن اكثر الناس وهم حينئذ فى حسرة وبذلك يشهد واذا
فاعرف فى نفسك بان لا ينبغى لاحد بان يؤخر سبل الخير
بعد استطاعته وان هذا الحق مسطور فى هذا الرق المنشور قل
تالله انه لبيت المعمور قد ارتفع بالحق من لدى الله العزيز
المشكور ويطوف فى حولها اهل ملاء الاعلى ثم الذينهم سمعوا
نداء الله فى هذا الظهور لانه هو اصل الظهور وتجلى المحبوب من الله العزيز
السلطان الرحيم الكريم الغفور كذلك اذكرناك فى هذا اللوح ليقر به
عينك وتوقن بانا ما نسينا الذينهم امنوا بالله واياته ثم حجته وبرهانه ثم قدرته
وسلطانه ثم جماله واجلاله وكانوا الى برهانه العزيز قاصدون والروح عليك و
على الذينهم اتبعوا حكم الله فى كل امر محدود

مقابله شد



Provided by the Afnan Library

جناب میرزا حیدر علی علیه بهاءالله

هو المقتدر الحکیم

شهد لسانی وقلبی وجنانی وجوارحی وعروقی واشراقی انه انا الله رب العالم لتشهد بذلک ما نزل فی کتابه المبین ان الذی شهد بما شهد به الله انه من المقربین فی کتاب منیر والذی فاز بنفحات الایام انه من اهل الفردوس فی لوح الحفیظ قد اظهرنا النقطة وفصلناها الی ان ظهرت کتب لم یحصها الا العلیم من اطلع بها اطلع بقدرة الله وسلطانه المهیمن علی من فی السموات والارضین اذا سمعت النداء ان اشکر ربک الخبیر.

محفل روحانی بهائیان طهران

بسم ربه الابدی بلا زوال

سبحانک اللهم یا الهی هذه ورقة التی ارادت وجهک وتحرکت من ارياح فضلک واخذها شغف حبک واجابت ندائک واقبلت الی وجهک اسئلک برحمتک التی سبقت الاشیاء بان تجعلها مستقیمة علی ما کانت علیه فی حبک ثم ارزقها ما قدرته فی سماء فضلک لخیرة اماءک ثم افتح علی وجهها ابواب الفضل فی الدنیا والآخرة وان فضلک سبق عدلک ورحمتک سبقت غضبک



وانک انت الغفور الرحیم

محفل روحانی بهائیان طهران

ار جناب میرزا علی محمد

بنام محبوب عالمیان

یا علی قبل محمد فضای معرضین مرتفع شده و مکر ماکرین ظاهر گشته و نار مغلین از جهت ربا د هویدا و آشکار انشاء الله بحق ناظر باشی و بر امر الهی مستقیم شائی که گفتار فجار و کلمات اشرار ترا از کلمه علیا و افق اعلی منع ننماید گشتند ندای کتاب مبین را و از حق جل جلاله در کل احیان مسئلت نما تا تو و دوستان را از کتاب سجین حفظ فرماید انه لهو المقتدر القدیر الحمد لله بشطر سجن توجه نمودی و فائز شدی بآنچه در کتب الهی از قبل و بعد مذکور و مسطور است طوبی لک بما اقبلت و اخذت رحیق الوصال من ید ربک الغنی المتعال و شربت بذکره الحکیم

محفل روحانی بهائیان طهران

اخت جناب حیدر قبل علی

هو العزیز المقدس الابهی

حمد محبوبی را که لم یزل سحاب فضلش بر کل ممکنات بارده

ولایزال پرتو آفتاب مکرمتش بر جمیع موجودات تابیده بی نصیب نفسیکه
خود را از امطار فضلش محروم نموده   ای امة البهاء جهد کن تا از تجلیات
انوارش بی نصیب نگردی و از ظل رحمتش دور نمانی در پناهش مأوی گیر
و در سایه فضلش مقر گزین چه که ظلش ربوبیت بوده و خواهد بود
این ایام دو اسم الهی در کمال ظهور در تصرف مشغولند اسم محیی و اسم
ممیت میمیرانند و زنده میفرمایند زهی قدرت که در یک زمان
دو فعل ظاهر فرموده   ربیع و خریف چه مقدار از اشجار نفوس که از این
ربیع معنوی الهی خرم شده و بشکوفه و اثمار عرفان الهیه مزین گشته اند
و چه مقدار از اشجار نفوس که یابس شده و از جمیع عنایات محروم مانده اند
یک نسیم از شطر رضوان بدیع وزید بر موحدین برد و سلام و رحمت
بوده و بر مشرکین سموم قهر و عذاب   اینست قدرت بالغه سلطان
احدیه   ای کنیز الهی انشاء الله از هبوب ارياح ربیع قدس
صمدانی محروم نگردی و از فیوضات ایام روح بی نصیب نمانی
از عالم و عالمیان بگذر و بحق توجه کن چه که دونش در ذات خود   ۳ و محتاج
فقیر و محتاج بوده از رفع احتیاج خود قادر نه چگونه رفع احتیاج غیر تواند نمود
ای امة البهاء هنگامیکه در بساط آسایش جالس شوی بذکر این مسجون
مشغول شو و اگر غربتی مشاهده نمائی از غربت و کربت این
غلام روحانی ذکر نما قسم بنقطه وجود که بلایائی وارد شده

در حق جمیع احبای حضرت بنده و معتقد
... با چه عنایت میفرماید



که ذره از آسمان و زمین و جبال حمل نتواند نمود   ذکر مصائب
غلام منور به و انه بکل شیء علیم جمیع قانتات را من لسان البهاء تکبیر برسانید

امة البهاء خورشید فی ارض الالف

هو الابهی

ای خورشید نامه ات بین یدی البهاء وارد و بمقر استوای عرش
رحمانی فائز له الحمد و المنة ای خورشید جهد کن که فی الحقیقه خورشید
باشی و از افق سماحت بر افروزی چه که الیوم اسم کفایت
نماید رسم باید و مسمی شاید چه مقدار از نفوس که بمحبوب موسومند
و عند الله مبغوض انشاء الله تو ظاهر و باطن از این اسم حاکی باشی
قسم بخورشید سماء توحید که اگر خورشید سماء ظاهره بر حزن جمال احدیه
مطلع شود ابداً از افق خود طالع نشود و قمیص نور و ضیا از خود
بیندازد و لکن سترنا عن کل شیء لئلا یفنی مظاهر الاسماء فی ملکوت
الانشاء   و لکن شما محزون نباشید و بذکر محبوب در کل حین
مشغول شوید   بحزن دنیا محزون مباش و بسرورش مسرور نه که هر دو
چون برق بگذرند و فانی گردند   دل از فانی بردار و بجبروت باقی دار
شو و حمد کن محبوب را که بحبش فائز شدی و بحبش منظر نفس الله
از علل و معاصی و مقتضی حوائج انشاء الله بر حبش ثابت باش و بر صراط

Provided by the Afnan Library

امرش مستقیم ولکن علامت خشیت آنکه محاسنش در مناهج رضایش سالک
شوند نه در سبیل نفس و هوی لازال در ظل رحمتش ساکن باش و از دونش
منقطع جمیع قاصدان را تکبیر ابهی مکبّر شوید والبهاء علیکم

هو المشرق من افق الملکوت

الهی الهی انا امتک التی اقبلت الیک وسمعت ندائک الاعلی
اذ ارتفع بین الارض والسماء و شربت رحیق حبک من ایادی
عطائک وسلسبیل عرفانک من قلم امرک اسئلک یا مقصود
العالم ومحبوب الامم بالاسم الاعظم بان تحفظنی من نار البغضاء
التی اشتعلت بها افئدة اهل الامکان ثم اکتب لنا بجودک
وعنایتک ما کتبته لاصفیائک واولیائک انک انت
المقتدر علی ما تشاء وانک انت المقتدر العلیم الخبیر

جناب محمد الذی یطوف حول العرش

هو الله تعالی شانه العفو والفضل یا محمد علیک بهائی
انّ المظلوم شهادت میدهد بر توجه و اقبال و خضوع و خشوع
تو نه الحق از فضل مقصود عالمیان رحیق مختوم را باسم خویش
آشامیدی و بما نطق به لسان العظمة اعتراف نمودی
این شهادت اعظمست از آنچه مشاهده شده و میشود



منتسبین ترا ذکر نموده و مینمائیم و از حق میطلبیم ترا از اشراقات
انوار آفتاب حقیقت محروم نفرماید و از بحر بخشش نصیب کلّی عطا
فرماید و نذکر امتی التی صعدت الی الله ان ربک هو المشفق
الکریم علیها بهاء من فی الارض والسماء وبهاء الذین طافوا العرش
فی البکور والاصیل یا امتی افرحی بما نطق به لسان العظمة
اذ کان المظلوم فی سجن عکاء البهاء المشرق من افق سماء جودی
ورحمتی علیک وعلی کل امة فازت بهذا النباء العظیم
لله الحمد آنجناب و سایرین جمیع فائز گشتند باثر قلم اعلی
منتسبین را از قبل مظلوم تکبیر برسان انا ذکرناهم بعنایتی و نذکرهم
بآیاتی و نبشرهم بفضلی و نامرهم بالعدل والاحسان و بتقوی
الله رب العالمین زیارات متعدده که منسوبات و دوستان
الهی بعمل آمده کل لدی المظلوم مقبول و بطراز ذکر مزیّن البهاء
علیک و علیهم من لدن فضال کریم قل الهی الهی لک الحمد بما
عرفتنی و هدیتنی و اسمعتنی ندائک بلوحک و ودادک و
وداد اولیائک و اشتعال افئدة اصفیائک و اصطبار
مطالع وقارک بان تجعلنی فی کل الاحوال قائمة علی خدمتک
و طائفة حول ارادتک انک انت الذی لا یعجزک اعراض کل

طالم وشماتة كل فاجر واعراض الذين نقضوا عهدك وميثاقك
وكفروا بآياتك الكبرى اذ نزلت من سماء مشيتك لا اله الا
انت المقتدر القدير وبالاجابة جدير

جناب ميرزا ابوطالب

بسم الله الاقدس الامنع الاعلى

ان يا ابوطالب اسمع ندائي عن شطري ثم استقم على حبي ثم استبشر من نفحات
هدى ثم قم بثناء نفسي العلي العظيم انا ما نسيناك واذكرناك
من قبل ونذكرك حينئذ في هذا اللوح الاعظم لتعرف بانه تحت عناية الله المهيمن
فاسئل الله ربك ورب آبائك الاولين بان توفقك والذين
آمنوا بان يكونن على استقامة تمنع ولا يبعدكم عن فناء حضرته لا في الدنيا
ولا في الاخرة وهذا لامر الذي كان رجاء قلوب المقربين طوبى
لك يا عبد بما توجهت الى شطر البيت وكنت في حوله لمن الساكنين
ثم اشكره بما حفظك من اعدائه وحفظك بالحق وهديك الى
مقره المالك العزيز البديع ان اذكره في كل الاحيان ثم بلغ امر
ربك بالحكمة والبيان كذلك امرناك من قبل وحينئذ لتكون من
العالمين اياك ان تجادل مع نفس او تنازع مع احد في تبليغ
امر ربك الحاكم الحكيم ان الذين يحاربون ويسفكون الدماء



انهم على غفلة عظيم تالله ان النصر في البيان لا بالسيف والسنان
وكذلك نزلنا في كل الالواح ولكن الناس ما استشعروا به وكانوا
من المفسدين وبذلك سفك دماء الذين انفس منهم عند ربك خير من
هؤلاء الظالمين لانهم يدعون الايمان ويقتلون محققه ومثبته فويل
لهم من عذاب يوم عظيم انا ارفعنا حكم القتل وقدرنا النصر فيما
نزلناه بالحق وانه لخير النصر عند كل عارف بصير لا تحزن عما ورد عليك
ان ربك قد كان عالما بما مسك من المصائب وانه لكل شيء
خبير وقد ورد عليك ما ورد عليها لتكون مقتديا بربك في كل
الامور وان هذا الفضل كبير اياك ان تحزن في شيء وانه نزل بالقدر
لك في الواح القضا وانه على كل شيء حكيم والروح عليك وعلى
الذين شربوا من هذا السلسبيل الذي جرى من يمين قلم ربك العزيز الحكيم

جناب ميرزا ابوطالب عليه بهاء الله

بنام خداوند يكتا

انشاء الله لم يزل ولا يزال بعنايات الهی فائز باشید و بذکرش
ذاكر الحمد لله در این ایام که فی الحقیقه ربیع مكاشفه و شهود است
بعرفان آن فائز شدید امروز روزیست که محجوب لن ترانی

١٧-٢١٤

Provided by the Afnan Library

انظر ترانی میفرماید قسم بآفتاب افق بیان که اگر جمیع من فی الامکان
باذان واعیه این کلمه را اصغا نمایند از سکر رحیق بیان از عالم و عالمیان بگذرند
و به افق اعلی ناظر شوند این کلمه مثل کوکب در آسمان دانائی مانند آفتاب
و در سماء بینائی بمثابه بدر تابان طوبی لاذن سمع و لعین بصر فاز بهذا
الافق الابهی المنیر الحمد لله آنجناب باین مقام رسیدند و از رحیق
عرفان آشامیدند مکتوب شما دیده شد و نداء شما باصغای مظلوم آفاق
فائز گشت جمیع عالم را فانی مشاهده نمائید و این لوح که از مطلع
عنایت کبری ظاهر باقی و دائم طوبی لک بما قرأت بهذا المقام
و تحرک علی ذکرک قلم الله المهیمن العزیز الحکیم البهاء علیک
وعلی الذین اقبلوا الی الفرد الخبیر

ق جناب میرزا ابوطالب علیه بهاء الله

الاقدس الامنع الاعظم

+ ان یا قلم الاعلی قد زیناک فی کل شأن بما یکفی العالمین طوبی لک
بما قمت علی الامر علی شأن ما منعک ظلم الظالمین قد رأیناک ناطقاً
فی کل الاحوال بثناء ربک بعد الذی کنت مسجوناً بین ایادی المشرکین
و رأیناک بصیراً بین الاعماء و قائماً بین القاعدین اشهد بک ارتفع



صریر کل قلم و فصل کل امر حکیم و بک انجذبت القلوب الی
المحبوب و اشتعلت افئدة العشاق بنار الفراق و انار الوجه فی الآفاق
الا انک من اثر السجن الی متی ترکض فی مضمار البیان هل تری من
بعد و معک لعمری اراک متحیراً فی الجواب و ناظراً الی الشمال
والیمین یا قلم ان احب لمالک القدم ان یرک حملت
البلایا کلها والرزایا باسرها و ما منعت عن البیان فی ذکر الرحمن
هل تذکره لحبک من علی الارض اذ ان خلقها ما صدقنی لعمری انت الصادق
الامین کیف اذکر یا الهی ما انا علیه بعد علمی بانک انت العلیم
الخبیر تحرکنی انامل ارادتک و تصرفنی مشیتک الغالبة علی العالمین
ان یا قلمی عذبنی بما عندک لانک ترانی غریباً بین الظالمین لیس
عندی من یکلمنی بما فیه فی هذا الامر الاعظم العظیم ان یا قلمی قد
سمعنا منک الحاناً شتی و فنوناً لا تحصی بل عندک من لحن ینجذب به العالم
و یتحرک به کل عظم رمیم بحیث لا یمنعه من شیء الا یسرع الیک
و یتوجه الی هذا المنظر المنیر یا الهی لیس لی من شأن عند شئونات قدرتک
ولا لی من علم عند تموجات بحر علمک کل شیء معلق بارادتک
و منوط بمشیتک اشهد انک انت العالم المقتدر القدیر
لو وجدت من اذن لاظهرت منی ما فی علمک و انک انت الحاکم

علی ما زید ان اذان واعیة لتسمع ما ینزل فی کل الاحیان من ملکوت البیان
واین الابصار لتری منظرک المشرق البدیع لعمری قد نزل ما اهتزت به ذرّات
الآیات ولکن الناس فی بعد مبین کذلک غرّدت الورقاء فی هذه اللیلة
الظلماء طوبی للسامعین ان یا ایها المقبل الی الله ان استمع نداء المظلوم اذ احاطته
الهموم انه لا اله الا هو المهیمن القیوم انه فی هذه الحالة یدع الکل الی العزیز
المحبوب کن کما کان مولاک بحیث لا یمنعک ذکر عن ذکره ووصف
عن وصفه ان انطق بثنائه بین عباده وکن من الذاکرین بذا خیر لک عما
فی السموات والارضین وقل الحمد لله رب العالمین

ط جناب ابوطالب علیه بهاء الله

بسمه المقدس عن الاذکار

سبحان الذی قدّر مقادیر کل امر فی کتاب حکیم واظهر مظهر نفسه لیحکم
بین الناس بما کان مستوراً فی علم ربهم العلیم الحکیم قد ارسل مطالع
امره ومشارق وحیه بآیات واضحات وبراهین ساطعات لیعلمن
الکل انه لهو المقتدر القدیر وبهم شرعت الشرائع وبیّنت المناهج
لئلا یضل احد سبیله الواضح المستقیم ونزل فی الکتاب ما یمنعهم
عن الهوی ویأمرهم بالهدی انه لهو الآمر الکریم قل یا قوم ان اتبعوا
ما حدّد فی کتاب الله من حدودات التی جعلها الله علة حفظ من فی



العالمین ومن تجاوز عن اوامره انه من اهل الحدود لدی الله العزیز العلیم
قل ما حدد فی الکتاب لیس لاحد ان ینظره کما ینظر الی حدود التی ظهرت
من ظنونات المتوهمین ان الذین اوتوا البصائر من الله یرونه فرات
الرحمة بین البریة ومشکوة الفلاح فی ملکوت الابداع وبه تفضل لمن فی
العالمین قل یا ملأ الظهور منکم ان احفظوا وحدود انفسکم بما امرتم به من لدی
الله انه اصل الفلاح ان استمعوا امره ولا تکونن من المتجاوزین کذلک
اشرقت شمس الوحی من افق البیان طوبی للناظرین انما البهاء علیک
وعلی من اخذ ما امر به من لدن عزیز حمید

ط جناب ابوطالب علیه بهاء الله

هو الناطق فی ملکوت البیان

سبحان الرحمن الذی انزل البرهان لمن فی الامکان والقوم اکثرهم
من الغافلین قد انار افق البیان بشمس ذکر اسم ربک العزیز
البدیع الذی اذا اتی انفطرت السماء وانشقت الارض ونسفت
کل جبل عظیم قل یا قوم لا تمنعوا انفسکم عن فرات رحمة الله ولا تتبعوا
اهواء کل جاهل بعید لعمری قد خلقتم لیومی هذا انه اشرق من افق الارادة
ولیشهد له هذا الکتاب الناطق المبین تمسک بعروة الفضل
وتشبث بذیل رحمة ربک المعطی العزیز المنیع کذلک نطق

Provided by the Afnan Library

لسان العظمة اذکار من ایدی الغافلین

حقه ملا بشیر



جناب میرزا ابوطالب علیه بهاء الله

الا نور الاعظم الابهی ط آل

ان استمع ما یوحی الیک من شطر السجن افق البلیة الکبری من شجر القضا
انه لا اله الا انا المقتدر المختار قد خلقناک لخدمتی وذکری لا تحزن
عما ورد علیک سوف ننصرک انه بالحق ویرفع اسمک انه لهو
العزیز الوهاب ان اعلم ان الغالب هو المغلوب وربک
هو الغالب علی من علی الارض انه لهو العزیز الجبار ان اعرف
ما اراد ربک ولا تحزن من الذین ظلموا ان ربک لبالمرصاد قل
لک الحمد یا الهی بما اشرقت علی شمس جمالک وعرفتنی مطلع آیاتک
ای رب فاجعلنی راضیاً بما قدر من عندک انک انت العزیز

هو الاطهر

ان یا ابوطالب اسمع نداء المظلوم ثم اعمل بما نصحک به وانه
لا یأمرک الا بما هو خیر لک عما خلق علی الارض لو انت من العارفین
ان لا تشرک بالله ولا تقترن به احداً دونه ثم اکشف به عن العالمین
وانه معک فی کل الاحوال ویؤیدک علی ما اردت فی سبیله
وینزل علیک ما قدر لک فی الواح عز حفیظ قل یا قوم لا تشرکوا

بالله وانّ الشرک لظلم عظیم ولو یجادلک فی ذلک کل من فی
السموات والارض تجنّب عنهم و توجّه الی ربّک الواحد الفرید
قل انّه لو یرید لیبدّل انفس الکائنات علی شأن نفسه وانّه لهو المختار
لما یرید و انّه لم یزل کان واحداً فی ذاته ما اتخذ لنفسه شریکاً ولا
شبیه دع المشرکین فی غمراتهم و تمسّک بذیل عزّ قدیم قل یا قوم
فاتقوا عن الله ولا تشرکوا بالذی لم یزل کان مقدساً عن الشبیه والمثیل
و له المثل الاعلی ولکن المثل هو حجّته و برهانه علی العالمین بالله لم یکن اهل
ما یظهر من عنده شبه فکیف نفسه المتعالی الممتنع المنیع وانک
فاطمئن بفضل مولاک وانّ فضله کان علیک قریب ولا
تحزن عن الضرّاء وانه یبدلها کیف یشاء من عنده وانه لهو المقتدر
القدیر و عاشر مع الناس بالحکمة ثم اتبع لنفسک فی صراط السّوی
سبیل والبهاء علیک وعلی الذینهم اقبلوا الی قبلة الملک
السلطان العزیز الجمیل

ط ضلع جناب ابوطالب الذی صعد الی الله

هو الشاهد من الافق الاعلی



+ یا امتی و ورقتی ذکرت لدی المظلوم بوده فراموش نشده امروز
لحاظ عنایت متوجه اما ثابت بوده و هست صد هزار
طوبی از برای نفسیکه غفلت غافلین و ظلم ظالمین او را از
نفحات یوم دین منع ننمود محبت الهی حبل و عز بمثابه لؤلؤ است
و محلش صدف قلب انکه بلؤلؤ شبیه نمودیم مقصود ادراک
عباد است والا صد هزار لؤلؤ بحور معانی طائف لؤلؤ
محبت است طوبی از برای قلبیکه صدف این لؤلؤ واقع
گشت او در جمیع عوالم لدی الله مذکور در کتاب مسطور البهاء
علیک و علی من معک انا ذکرنا الطالب علیه بهائی و
رحمتی بذکر لا تعادله الکنوز و لا خزائن الارض کلها ان ربک
لهو المشفق الکریم البهاء علیه من لدی الله ربّ العالمین

ابن حاجی میرزا موسی الذی رفع الی الرفیق الاعلی قد نزل
لابوطالب لیطلب به ما اراد الله له و یکون علی النصر قویا

هو الله الفاضل لما یشاء

+ جمال الله عن خلف السحاب من افق القدس قد کان بالفضل

مشهودا وانّ السحاب حکمة التی بها نظهر الله الامر بین رتبته ولو رفعها لفزع
کلّ من فی السموات والارض وبندکّ کلّ جبل باذخ منیعا انّ من شئ
الّا وله خزائن فی سماء القضا وما ننزّلها الّا علی قدر مقدورا ان یا قلم
الامر ذکر عبد الله الذی سمّی بابو طالب لیفرح فی نفسه بما جری اسمه
منک وکان لدی العرش مذکورا ان یا عبد قد ارسلنا الیک من
قبل لوحاً لن یعادل به ما علی الارض جمیعاً وارسلنا بعده هذا اللوح
الذی منه تنجذب افئدة الذینهم قصدوا شطر القرب وکانوا عن
اشارات الارض بالسرّ المحو مطهورا ان یا عبد طهّر قلبک عن دونی ثمّ
اقرء ما نزّل علیک لیحفظک عن الاحزان فی هذا الزمان الذی اتی
السّماء فیه بدخان مبینا ان احفظ نفسک باسمی الحفیظ لئلّا یصیبک
رمی الشیطان ویحجبک عن مقرّ القرب بعید آانس بذکری ودع
ما سواه وهذا خیر عند ربّک عن کلّ ما خلق علی وجه الارض وکذلک
قضی الامر من لدن علیم حکیما نوّر قلبک بحبّی ثمّ لسانک بذکری
وذکر مصائبی فو نفسی لو تطّلع بها لتبکی فی شهور وسنینا فانظر
ما اراد ویحفظه عن البأساء والضرّاء ویجعله عن کلّ البلایا فی کنف
الحفظ محروسا ویذکره بین العباد ویرفع اسمه فی ملأ الاسماء
الی مقام یذکره کلّ صغیر وکبیرا وانّه لمّا شهد الامر کذلک واطمئن

ان مالک الذی یأخذ ملوکاً
... عزیزاً ولعلّه



من نفسه یخرج عن خلف السّتر ویکفر بمولاه وینکر ما اعطاه بفضله الی
ان یقوم علی قتله ثمّ یصیح فی نفسه بین الذینهم امنوا ویدخل غلّ
الغلام فی صدور الذین یتبعوه وکان الله علی ذلک شهیدا فو الله ما
قبل ذلک الّا بان عرف الناس همج رعاع والاکثف بقدر ان
ینکر هذا الفضل الّذی کان المخزون ضیاء الشمس فی وسط السماء تالله لن
ینکره الّا کلّ جاهل عمیا کذلک کان امری ان تفکّر فی نفسک لتطّلع
به وتکون بین العباد علی بصیرة فیما مسّ هذا المظلوم الذی کان فی الارض
مطروحا اذا اخذ الحزن قلبی وقلمی ولن یجری علی ما اراد ولذا انّما
اللّوح وانّک فاکتف بما نزّل علیک من سماء عزّ مرفوعا

ط جناب سیّد ابو طالب علیه بهاءالله

بسمی الاعظم

سبحان الذی انزل الایات واظهر البیّنات وانطق الاشیاء علی
انّه لا اله الّا انا العلیم الخبیر قد فاز النّور بانوار الظهور والعالم بهذا
الطراز الذی به زیّن کلّ موقن بصیر ان الذین تشرّفوا بایّام الله وانبئوا
بما نزّل من سماء الفضل انهم اهل البهاء فی لوح عظیم قل یا قوم قد اتی
ما وعدتم به فی الکتاب والموعود استوی علی العرش والحبیب بنادی

الذین عرفهم حسبیاً
... مطلوب

Provided by the Afnan Library

قد طهرا لمحبوب والروح تقول لك الحمد يا اله العالمين بما شرفت ديارك
بقدومك اسئلك بان تشرفني بلقائك وتقربني الى بحر وصالك
يا مقصود العارفين كذلك جرى ذكرك من قلم المظلوم لتشكر ربك الكريم
انا نكبر من هذا المقام على وجهك ووجوه الذين اعترفوا بما نطق به لسان
العظمة انه لا اله الا انا الغفور الرحيم

جناب سيد ابوطالب

بسم الله الاقدس الابهى

ان استمع ندائي عن جهة العرش انه لا اله الا هو المهيمن القيوم فاعلم قد
اخرجونا المشركون من ارض السر وفدى احد نفسه في سبيلي بحيث قطع
حنجره بيده واذا استوى بحر الاعظم على الفلك نبذ احد نفسه في اليم
خوفاً لفراقي وفدى النير روحه حين الذي كان يكتب على جبلي الى ان
ادخلونا اخرب البلاد في هذا السجن البعيد كذلك ورد علينا من الذين
يدعوننا بالليل والنهار قد اخذتهم سكرات الغفلة والهوى وهم
لا يعرفون ومن شطر السجن انادي من على الارض كلها وادعوهم الى الله
الملك العزيز الجميل ان استقم على شأن لا يمنعك الاحجاب ولا
الاحزان عن ذكر ربك مالك يوم الدين قل انه لبديع السموات
والارض لو انتم من العارفين ان اتبع مولاك في كل الاحوال



بحيث لا يحزنك سطوة الذين ظلموا ولا اعراض المشركين قد كنت
معك واطلعنا بما ورد عليك ان ربك لهو العليم الخبير قد
قدر لك لدى العرش مقام عظيم سوف يرفع الله اسمك بالحق
انه ولي المحسنين تمسك بحبل العبودية لله الحق بها استقر الامر وتنكسر
اركان المعتدين والحمد لله رب العالمين

ق م لجناب سيد ابوطالب عليه بهاء الله

هو الله لسمه الدائم الباقي العليم الحكيم

قل اللهم يا الهي تراني مقبلاً الى بحر جودك وسماء فضلك وافق الطافك
ومتوجهاً بوجهي الى وجهك بعد فنائي في حبك اسئلك يا
فالق الاصباح ومرسل الارياح بان تؤيدني على خدمة امرك على شأن
تجذب بذكري قلوب عبادك وافئدة خلقك ثم قدر لي في
ملكوت امرك ما ثبت به ذكري وينفع ذاتي ويفرح به قلبي انك
انت المقتدر على ما تشاء لا تمنعك اشارات الذين كفروا
بآياتك واعرضوا عن برهانك وجاحدوا السلطانك لا اله
الا انت المتعالي المقتدر ~~المقتدر~~ المدبر العليم الحكيم

ط  امة الله ضلع جناب آقا سید ابوطالب علیهما بهاء الله

بنام دانای آگاه

+ یا امة الله زین المقربین علیه بهاء الله الملک العدل المبین نامه
آن ورقه را بساحت اقدس ارسال نمود ملاحظه و اصغا فائز و عرف
محبت مقصود عالمیان از آن متضوع امید آنکه بشأنی ظاهر شوی که اماء الله
از بعد باقوال و اعمال شما بقباب عظمت الهی و خرگاه عزت لا
یتناهی توجه نمایند مقام عظیم است و شأن اماء الله در این ظهور
عظیم باید از نصایح و مواعظ و اعمال طیبه و اخلاق مرضیه اوراق سدره
مبارکه اماء ارض از بعد آگاه شوند و راه حق را بیابند قولی
سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بانوار وجهک و بالاوراق التی
تحرکها ارياح ارادتک و مشیتک و بحرارة افئدة عاشقیک
و انقطاع مخلصیک و محبیک فی ایامک بان تؤید امائک
هذه علی ما تحب و ترضی ثم اظهر منها جودک و کرمک بما یکون
باقیاً ببقاء امرک بین خلقک و تجلیات نیر مشیتک فی بلادک
انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الامور و
انک انت مکلم الطور و المستوی علی عرش الظهور لا اله الا
انت العطوف الغفور



ق م  ضلع جناب آقا سید ابوطالب

بنام مقصود عالمیان

+ ای امة الله مالک قدم از شطر سجن اعظم در کل احیان اهل امکان را
بفردوس ابهی و افق اعلی دعوت میفرماید طوبی از برای نفسیکه
اجابت نمود و باعلی المقام فائز شد + امروز روزیست که نسبت
علو و دنو مرتفعست هر نفسی چه از عباد و چه از اماء بحق توجه نمود او
از حق محسوبست و من دون آن از اهل خسران لدی الرحمن مذکور اگرچه
از اعلی الخلق بوده ای امة الله حمد کن محبوب عالم را که بعرفانش فائزی
و بافقش ناظر قدر این مقام را بدان و در لیالی و ایام بذکرش مشغول
باش و از دونش فارغ و آزاد از آنچه شده اند دنیا محزون مباش شکر کن دو ال
محبوب عالم را که بکمال ظلم و ستم در سجن اعظم ساکنست لعمری
آنچه مشهود و مفقود خواهد شد و الملک و الملکوت لله
الفرد العلیم الخبیر

مقابله شد

ضلع جناب سید ابوطالب علیهما بهاء الله

بنام العلی العظیم

+ یا ورقه و یا امة البهاء حق آگاه گواه که لازال جناب مرفوع علیه
بهائی و عنایتی و تو و منتسبین تحت لحاظ عنایت بوده اید و خواهید

Provided by the Afnan Library

بود آنچه در سبیل امر الهی بر شما وارد شده و همچنین اعمالیکه لوجه الله
از شما ظاهر کل از قلم اعلی جاری و ثبت گشته ان اشکری ربک
بهذا الفضل العظیم هیچ عمل خیری ضایع نشده و نخواهد شد در کنز
علم الهی محفوظ و باقی و مکافات آن البته خواهد رسید البهاء علیکم
من لدنا و علی اللائی آمنّ بالفرد الخبیر
مقابله شد

جناب فضل الله

هو المشرق من هذا الافق المنیر

شهد الله انه لا اله الا هو والذی استقر علی العرش انه لمشرق
الآیات و مطلع البینات و به ثبت ما کان مسطوراً فی کتب
القبل و ظهر ما وعد به فی صحف الله رب العالمین یا معشر الخلق
ان استمعوا ما ینطق به الحق و لا تتبعوا کل ناعق بعید قد فتح
باب الفضل و سلطان العدل ینطق بالحق و یدع الناس الی
الله الفرد الخبیر انا وضعنا المیزان و اظهرنا الصراط و لکن
القوم اعرضوا بما اتبعوا کل جاهل مریب کذلک تنفس صبح
البیان اذ نطق لسان الرحمن فی هذا المقام الرفیع مقابله شد



جناب اشرف

الاقدس الاطهر

ان استمع نداء ربک الرحمن من افق البلاء انه لا اله الا هو العزیز
المستعان انه یذکر من اراده و یثبت ذکره فی الالواح بذلک
یذکره اهل ملاء الاعلی و اهل ملکوت الاسماء فی العشی و الاشراق ان
الذین توقفوا الیوم لیس لهم نصیب و الذی اقبل انه ممن فاز بنور
العرفان طوبی لمن دخل رضوان المکاشفة و الشهود اذ خرقت
الاحجاب و اضاء الآفاق نعیماً لک یا عبد بما جری علی ذکرک قلم
الوحی و نطق باسمک ربک العزیز الوهاب ان اعرف قدر
هذا المقام قل لک الحمد یا من بک قامت الساعة و قام القیام
مقابله شد

جناب اشرف

بسم الله الامنع الاقدس الارفع الابهی

ان یا اشرف طوبی لک بما تشرفت بعرفان مظهر نفس الله
و صرت من الموحدین تالله هذا شأن لن یعادله شیء عما خلق
بین السموات و الارضین ثم اعلم بان الحق و ما یظهر من عنده
لیکون ممتازاً عن الخلق و ما یظهر منهم و ان هذا الحق تعین ذاته
لن یشتبه بما سواه و یکون مشرقاً عن افق سماء القدس سلطان

Provided by the Afnan Library

مبین کذلک فاشهد فی آثاره وکلمات یظهر من عنده وکن علی بصیرة منیر ان
الذینهم اتبعوا کل همج رعاع اولئک لیس لهم نصیب من هذا البحر الاعظم
المحیط وانک فاحمد الله ربک بما فزت بحجة ثالثة انه لودیعة الله فی
قلوب المخلصین ان احفظ نفسک لئلا تمر علیک نفس الشیطان وتوجه
بقلبک الی روائح الرحمن من یمین السبحان هذا الشطر المقدس الانور کذلک
ذکرناک حبا لنفسک لتکون مستقیما علی هذا الامر الاعظم العظیم
والبهاء علیک وعلی من استقر علی امر الله وکان من الثابتین والحمد لله
محبوبک ومحبوب العارفین

مقابله شد

ط جناب اشرف علیه بهاء الله

بسمی الذاکر العلیم

یا ایها المسجون فی سبیلی والمطرود لاسمی والممنوع لحبی ان استمع ندائی
من شطر عرش ربک الله انه کان معک اذ کنت بین الاعداء ورأی ما ورد
علیک فی صراطه المستقیم قد حملت ما حمله مولاک طوبی لک بما
صبرت ووفیت عهد الله رب العالمین کن قائما علی الامر وناصرا
لما نزل من ملکوت الله العلیم الخبیر انا نزلنا لک فی کل سنة ما
لا یعادله ما خلق فی الارض یشهد بذلک کل عالم بصیر فانظر الخلق
وغفلة عرفائهم ینکرون من یأمرهم بالمعروف وینهون من الاتحاد



انفسهم فی ملکوت الله العزیز الحمید لعمری لو اطلعوا بما اراده الله لهم لنبذوا
ما عندهم مقبلین هذا الافق المنیر قد منعوا عن ذلک بما اتبعوا اهواء
المریبین لا تحزن من اعمالهم سوف یأخذهم الله بعدل من عنده انه لهو
المقتدر القدیر البهاء علیک وعلی من معک من الذین اعترفوا بالله
الملک الحق المبین

مقابله شد

دعی

بسم الله الابدی بلا زوال

هذا کتاب اشرق من افق البیان لمن اقبل الی العزیز المستعان
انا ذکرنا احباء الله فی السجن لیقومن علی نصرة الامر بالحکمة والبیان
لیس الفساد شأن الانسان بل ما تصلح به امورهم فی الامکان هل
من ذی ذائقة یجد لذة المائدة التی نزلت من سماء القدم علی الامم
ونفسی الحق من وجد انقطع ثم قام وصاح الملک لله المقتدر المختار
تلک آیات لو تمر نفحاتها علی الصخرة ینادی یا علی البهیة قد
اتی المحبوب بملأ الاحباب

مقابله شد

الاقدس

Provided by the Afnan Library

وقد حضر تلقاء الوجه كتاب كريم وقرئه عبد الحاضر في محضري ثمرات
المخلصين ولمّا قرئ سطره الاوّل بكت عيون اهل هذا البيت الاسماء ثم ارتفع
ضجيج ملأ الانشاء بسطر آخر ظهرت زفرات الاشتياق من قلوب المقربين
واخذت الاحزان سكّان هذا الرضوان الذين يطوفون في حول الوجه
مقر الذي يهب عنه روائح الرحمن على اهل الاكوان ونسائم السبحان
على العالمين وبلغ الحزن الى مقام بكت عيون العلام في السرّ والعلن
لحبه اياك وامطرت عيون اهل سرادق المجد وقباب القدس في
محضر الانس وكان الله على ذلك شهيد وخبير والذي كان يقرئه بكى و
ببكائه اشتد بكاء الذينهم استظلّوا في ظلّ رحمة ربهم العلي العظيم فيا
طوبى لك بما قلّبك بنسائم الفضل الى يمين العدل وجعلك من الخادمين
وانّ ذكرك ربك واعتذارك ايّاه خير من عبادة اكثر العباد
ويشهد بذلك من شرب تسنيم الاطهر من ايادي المهيمن البديع وحنينك
احترقت اكباد الذينهم طاروا في هواء القرب والقدس والجمال
ثم اصفرّت وجوه العارفين فاجتذبت الارياح مشيّة ربك الرحمن
التي هبّت عليك وجعلك مطهّراً من دنس المشركين واشهد بانك
انت ولدت من نفحات الرحمن مرة اخرى وهذا من فضل الذي
لا يعادله ما قدّر في جبروت القضاء من لدن مقتدر قدير نسئل الله



بان يحفظك بايدي عنايته الى رضوان الله الملك العزيز الجميل ويبعث
فيك ما يجذب به افئدة بريته ليدخلنّ في سرادق رحمته التي سبقت
الخلائق اجمعين انا وجدنا منك في كل حين روائح الايمان وذكرك
في لوح عز حفيظ فلمّا جائت المعنات ظهر ما كنز فيك وانّ ربك
على كل شيء محيط قم وقل يا قوم اتقوا الله ولا تفسدوا في الارض بعد
اصلاحها ولا تتبعوا الذين ما ارادوا الا اهواء انفسهم وبعدوا عن مقر
القرب وكانوا من الغافلين ان استمعوا ما نصحتم به في كل
الالواح كذلك يأمركم هذا الغلام من لدن عليم حكيم انه ما اراد في
الملك الا ما اراده الله ان افتحوا عيونكم لتشهدنّ شمس جمال ربكم العلي
الاعلى مشرقة من هذا الافق المقدس المنير فسوف تفوحنّ عن النوم
ولا تجدنّ الغلام وتجدنّ انفسكم على حسرة عظيم ان اغتنموا قدر ايامي
ولا تبدّلوها بما عندكم خافوا عن الله الذي في قبضته ملكوت كل شيء
لا اله الا هو المقتدر العزيز العليم كذلك القيناك واذكرناك
حين الذي كنّا على حزن شديد والروح والعز والبهاء عليك
وعلى الذين يسمعون قولك في الله ربك ورب العرش الكريم
والحمد لله رب العالمين

مقابله شد

Provided by the Afnan Library

هو المشفق الکریم

+ الهی الهی سیّدی سندی ترى انّه من امائک اقبلت الی افق
ظهورک بعد اعراض اکثر رجال ارضک اسئلک بالکنز الّذی اظهرته
بقدرتک و بالافق الّذی نوّرته بنور فضلک وعطائک و بالشمس المشرقة
من افق سماء حکمتک ان تؤیّدها علی الاستقامة علی حبّک انّک انت
الفیّاض الّذی شهدت بفضلک الکائنات و برحمتک الممکنات
ای ربّ قدّر لها من قلم التقدیر ما قدّرته لاورائک ثمّ اکتب لها
ما کتبته لامائک اللّتی طفن حول فنائک وتمسّکن بحبل عطائک
انّک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الاناث و
الذکور وانّک انت المقتدر المهیمن القیّوم     مقابله شد

هو الطّاهر من الافق الابهی

+ الهی الهی اشهد هذا الیوم یومک الّذی کان مذکورا فی کتبک و
صحفک و زبرک والواحک و اظهرت فیه ما کان مکنونا
فی علمک و مخزونا فی کنائز عصمتک اسئلک یا مولی العالم باسمک
الاعظم الّذی به ارتعدت فرائص الامم بان تؤیّد عبادک
و امائک علی الاستقامة علی امرک والقیام علی خدمتک



انّک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الاشیاء
تحفظ من تشاء بقدرتک وسلطانک انّک انت القوی الغالب
القدیر     مقابله شد

جناب آقا محمّد علی علیه بهاء الله

هو الذّاکر العلیم

یا محمّد قبل علی عالم را ظلم احاطه نموده و سحاب بغضا انوار عدل را
منع کرده مفتریات رواجی گرفته ظالم دعوی مظلومیت مینماید
سبحان الله شأنی عباد را اخذ نموده که از برای دو یوم از مالک
لا یفنی گذشته اند و ببغی و فحشا مشغولند قل الهی الهی اسئلک
بنورک الّذی کان ساطعا قبل خلق الشمس وضیائها و برحمتک
الّتی سبقت الارض والسّماء وما فیها ان تجعلنی مستقیما علی
حبّک و ثابتا راسخا فی امرک ای ربّ قدّر لی ما یقرّبنی
الیک و یکون معی فی کلّ عالم من عوالمک انّک انت المقتدر
العالم الحکیم والمهیمن العزیز العظیم

Provided by the Afnan Library

هـ م جناب محمد قبل حسن

هو المعزّز في وسط الاجوا

یا ملأ الارض تالله ان الکتاب قد ظهر علی هیکل الانسان و بشّرکم بظهوره و سلطانه ان استمعوا و لاتکونن من الغافلین ان السماء تبشّرکم و الارض تنادیکم و لکن اکثر من النائمین ان انتبهوا من صریر قلمی الاعلی و توجّهوا بالقلب الاطهر الی المنظر الاکبر المقام الذی فیه تنادی مالک القدر انّه لا اله الّا انا العزیز الکریم هذه کلمة اخبر بها منزل البیان و هذا ظهور بشّرکم به کتب الله العزیز الحمید کذلک تحرک قلمی فی هذا السجن و تکلّم لسانی بامری العزیز البدیع

مقابله شد

هـ م محمد حسن

هو الاقدس الاعظم

ذکر من لدنّا لمن فاز بیوم الله و سمع النداء و اجاب مولیه القدیم لیفرح فی نفسه و یذکر الله فی اللیالی و الایام انه لهو السامع البصیر هذا یوم فیه ماجت البحار و مرّت الجبال و انصعق کل صغیر و کبیر الّا من شاء الله کذلک قضی الامر فی صحف الله من قبل و لکن الناس اکثرهم من الغافلین قل یا قوم دعوا رقد الهوی و توجّهوا الی الافق الاعلی تالله قد انفطرت السماء و اتی مالکها بسلطان مبین ینبغی لکل نفس ان یکون متوجهاً بکلّه الی الله الفرد الخبیر یسمع باذنه ما نطق به لسان العظمة و یری بعینه ما ظهر من البریة و یجد



بنفسه رائحة الرحمن التی تضوّعت بین العالمین ان افرح یا ایها العبد ثم اشکر بهذا اللوح الذی به نفخ روح الحیوان فی جسد الامکان طوبی لمن سمع و وجد و آمن بالله العزیز الحکیم قد قرء کتابک لدی الوجه و اجبناک بهذا الکتاب العظیم تفکّر فی فضل الله و رحمته انه یذکرک فضلاً من عنده انه لهو الرحمن الرحیم کبّر من قبلی علی امتی و بشّرها بذکری الحکیم توکلوا علی الله فی کل الامور انه یقدّر لکم ما هو خیر لکم انه لهو الفضّال الکریم

مقابله شد

محمد حسن

الاعظم الابدع الاعلی

طوبی لقلب اتصل بالبحر الاعظم و لعین رأت برهان ربّنا المقتدر القدیر طوبی لفؤاد انجذب من نفحات الوحی و انقطع عن العالمین طوبی لصدر استضاء من انوار الفجر و الطلع ...... تجلّی هذا الجمال المشرق ...... قل یا قوم تفکّروا فیما ظهر بالحق و لا تعقّبوا کل منکر ...... ان الشجرة بکینونتها تنطق انه لا اله الّا انا العزیز الکریم ینبغی لکل نفس ان یتوجّه الیها و یتبرّک کذلک نطق لسان العظمة اذ کان جمال القدم بین ایدی الظالمین ان الذین یتکلّمون باهوائهم اولئک لیس لهم نصیب من هذا الامر البدیع ان اشکر ...... رحیق الحیوان و تغنّت فی بحر محبّة ربک العزیز الحمید

این لوح مبارک پاره شده قسمتی از بین رفته

یک سطر از بین رفته

Provided by the Afnan Library

جناب آقا محمد حسن علیه بهاء الله

هو الناطق امام الوجوه

کتاب الله ینطق فیما سواه ولکنّ القوم لا یفقهون قد اشرق النور وظهر مکلّم الطور والنّاس اکثرهم لا یشعرون یا محمد حسن یذکرک مولی العالم بما یقرّبک الی الفرد الخبیر انّا انزلنا الآیات واظهرنا البیّنات طوبی لمن شهد ورأی وویل لکلّ غافل محجوب اطلع من افق سماء البیان باسم ربّک الرّحمن ایّاک ان تمنعک شبهات الّذین انکروا امر الله ربّ ما کان وما یکون قد ذکرک من احبّنی ذکرناک بهذا اللّوح المختوم ایّاک ان تتّبع اهواء الّذین کفروا بالیوم الموعود البهاء من لدنّا علیک وعلی الّذین سمعوا وقالوا الملک لله المهیمن القیّوم مقابله شد

جناب محمد حسن علیه بهاء الله م ص

هو الاقدس الاعظم

یا ایّها النّاظر الی الوجه ان استمع نداء المظلوم الّذی ارتفع من سجن عکّا انّه شهد بما شهد الله قبل خلق الارض والسّماء واعترف بما اعترف به انبیائه ورسله وسفرائه واصفیائه انّ ربّک لهو المبین العلیم انّا امرنا الکلّ بما امرهم به الله من النّاس من انکر ومنهم من اعرض ومنهم من امر بالنّفی وارسلنی الی هذا السّجن العظیم فلمّا دخلنا فیه دعونا الکلّ



الکلّ باعلی النّداء الی الله الحقّ جلّ جلاله انّه لهو المقتدر القدیر قد قمنا علی الامر علی شأن ما منعنا الصّفوف والالوف یشهد بذلک من عنده کتاب کریم انّا نوصیک والّذین آمنوا بالامانة الکبری والاستقامة العظمی و بما ترتفع به امر الله ربّ العالمین انّک اذا فزت باللّوح خذه بقدرة من لدنا وقوّة من عندنا وقل لک الحمد یا مقصود العالمین مقابله شد

بنت ملیح

هو الله

ان یا بقیة آل الملیح نامهات رسید وناله‌ات مسموع امد حمد خدا را که بطراز حبّ الهی مزیّن شدی وبنعمت دائمی باقی مرزوق گشتی قلب محزون حبّ محبوب شده وصدرت مظهر انوار مقصود ولکن از خدا بطلب که لئالی حبّیه از دست سارقان ومظاهر شیطان محفوظ ماند چه که کلّ حیل ظاهر شده‌اند خائن بلباس امین مشهود وفاسق برداء زهد ظاهر انشاء الله باید بعنایات الهی بر صراط امر مستقیم باشی وباعمال حسنه ممدوحه عامل والرّوح علیک مقابله شد

بسمی النّاصر المعین

یا فضل علیک بهائی این مظلوم با وفاست ووفا را دوست

میدارد لازال درنظر بوده و هستی الحمد لله حجبات معرضین و سبحات
معتدین ترا باز نداشت بحق تمسک نمودی و بافق منوره انا انه
انجذب بیان بنوشی و از اشراقات انوار آفتاب توحید حقیقی منور
گردی البهاء علیک و علی من معک و علی کل ثابت راسخ مستقیم
مقابله شد

الاقدس الامنع الابهی

ذکر من لدنا لمن وجدناه مقبلاً الی کعبة المقصود و ناظراً الی المقام المحمود
اذ استقر علیه عرش ربه المقتدر العلی العظیم لیؤیده ذکر ربه علی
تبلیغ امره بین عباده و ینطقه ببیان ینجذب به الامکان هذا ما اراده الله
له لیکون من الفائزین انا نسمع ما تنطق به و نری ما اشتعلت
فی حب مولیک الذی سکن فی اخرب البلاد بما اکتسبت ایدی الظالمین
طوبی لک بما تغمست فی بحر العرفان و وجدت عرف
القمیص اذ فاح بین العالمین قم باسمی ثم اسق المخلصین کوثر اللقاء فی
هذا الیوم الذی فیه تموج بحر الوصال و ظهر الغنی المتعال بسلطان احاط
السموات والارضین یا ایها الطائر فی هوائی والذاکر باسمی ان اجذب
قلوب عبادی ببدائع آیاتی و نفحات کلماتی کذلک یأمرک من اتی من سماء
الامر بملکوته الممتنع المنیع لا یحزنک نباح الکلاب الذین یری من وجوههم

قترة



قترة العذاب الا انهم من الهالکین قل یا احبائی تمسکوا بالمعروف
و لا تتبعوا الذین تمسکوا بالاقوال دون الاعمال الا انهم من الغافلین
قل ینبغی ان تتضوع منکم نفحات اخلاقی و فوحات اعمالی المقدسة
الممتنعة المطهرة المشرقة بین العالمین تمسک فی کل الاحوال بحبل الحکمة
لئلا یحدث ما تضطرب به افئدة المستضعفین انک فاشکر الله
بما ذکرت من لسان ربک و نزل لک هذا اللوح المنیر انما البهاء
علیک و علی الذین معک من لدن عزیز حمید مقابله شد

بنام خداوند پاینده

یا محمد قبل حسن باین کلمهٔ مبارکه که بمثابه نیر اعظم است از برای
جهان بینائی ناظر باش اذکرنی فی ارضی لاذکرک فی سمائی
شکر کن محبوب عالمیان را که ترا از طراز قبول مزین فرمود و بمطلع
انوار توحید هدایت نمود ان اشکر من ذکرک بما لا تعادله خزائن
الارض کلها مقابله شد

الاعظم الابهی

تنزیل الآیات من لدن عزیز حکیم انها لسراج الله بین ما سواه توجهوا الیه

Provided by the Afnan Library

بقلوبکم یا معشر المقبلین قل انها ختمت فی هذا الظهور الاقدس المنیع
من یدعی التنزیل بعده انه کذاب ربّ البهاء و هذا العرش العظیم
یا قوم لا تختلفوا فی الامر ان اجتمعوا فی شاطئ هذا البحر المبین ان الذین
اخذتهم الغفلة بعد ظهور الصیحة اولئک من الغافلین یا عبد ان انبه
الراقدین بهذا الاسم الذی جعله الله مهیمناً علی من فی السموات والارضین
من توقف الیوم فی اسمی القیوم انه من الخائبین قل به ظهر المکنون
و طلع المخزون و فک رحیق مختوم ان اشربوا باسم ربکم العلی العظیم
کذلک نزلنا لک الآیات فضلاً من لدن علیم قدیر کبّر من لدنا علی
وجه اهلک و بشرها بذکر ربها الغفور الرحیم مقابله شد

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی منه تموج فی کل قطرة بحور
رحمتک و الطافک و ظهر فی کل ذرة انوار شمس کرمک و مواهبک
بان تزین کل نفس بطراز حبک لئلا یبقی احد فی ارضک الا و یکون
مقبلاً الیک و منقطعاً عمن سواک و انک انت یا الهی قبلت کل الضراء
لظهور نفسک لیصلن عبادک الی ذروة فضلک و ما قدرت لهم
فی الواح القضاء بجودک و الطافک فو عزتک لو یفدون فی کل
حین انفسهم فی سبیلک لیکون قلیلاً عند عطایاک اذاً اسئلک



بان تجعلهم راغباً الیک و مقبلاً الی شطر رضاک و انک انت المقتدر
علی ما تشاء لا اله الا انت المتعالی العزیز الغفار ثم اقبل یا الهی من عبدک
ما ظهر منه حباً لنفسک ثم استقمه علی کلمتک العلیا ثم انطقه بثناء
نفسک و احشره مع المقربین من بریتک و انک انت الذی فی
قبضتک ملکوت کل شیء لا اله الا انت المقتدر المهیمن العزیز المختار
مقابله شد

جناب فیضی علیه بهاء الله - ط

بنام دوست یکتا

از حین مراجعت تا حال از جناب طاهر از شما خبری نرسید تا در این وقت
که محمد قبل علی وارد شد در مکتوب جناب ط علیه بهاء الله که با او بود
ذکر شما مذکور نسئل الله بان یحفظک و یقدر لک ما تقر به عینک
و یفرح به قلبک و یبارک علیک الفرح البدیع ذکر شما لدی
المظلوم بوده و هست ارض سجن هم کما فی السابق گاهی به سبب تغییر حکام
مضطرب و گاهی ساکن انا نشکر الله فی کل الاحوال انشاء الله بعنایات
مالک اسماء در انجمن انشاء به ذکر الله مشغول باشید و از رحیق توحید
و کوثر تجرید در کل حین بیاشامید انا نکبر علیک من شطر السجن و علی
الذین آمنوا بالله الفرد الخبیر البهاء علیک و علی من فاز بایام الله الواحد
المقتدر القدیر مقابله شد

Provided by the Afnan Library

ک

اَم مهاجر جناب ضیا

بنام دوست یکتا

ای امة الله باید در کل لیالی و ایام بحمد و ثنای مالک انام مشغول باشی چه که
از فیوضات نامتناهیه‌اش ولدی بتو کرامت فرمود که در سبیلش هجرت نمود
و بایمانش فائز شد و از کوثر لقایش آشامید و حال در جوارش ساکن
قدر این نعمت را بدان و این نعمتیست که اگر نفسی صاحب خزائن ارض شود
و جمیع را در راه حق انفاق نماید هر آینه باین مقام فائز نشود که باراده حق در جنت الله
مستقیم باشی و در امرش ثابت و راسخ انا نذکر کل امة آمنت بالله فی هناک
و نکبّر علی وجوههن من لدنا و انا الجواد الکریم

مقابله شد

هو الظاهر من افق الابهی

الهی الهی اشهد هذا الیوم یومک الذی کان مذکورا فی کتبک و صحفک
و زبرک و الواحک و اظهرت فیه ما کان مکنونا فی علمک و مخزونا
فی کنائز عصمتک اسئلک یا مولی العالم باسمک الاعظم الذی به ارتعدت
فرائص الامم بان تؤید عبادک و امائک علی الاستقامة علی امرک
و القیام علی خدمتک انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک
زمام الاشیاء تحفظ من تشاء بقدرتک و سلطانک انک انت القوی الغالب القدیر

مقابله شد



الاقدس الاعظم

کتاب البهاء قد کان فی هذا الاصیل من لدی الجلیل بالحق منزولا من کان له
روح من الله یأخذه بروح الله من هذا اللوح الذی کان باصبع العز مرقوما طوبی
لاهل البهاء الذین استقروا علی الفلک الحمراء بهذا الاسم الذی کان علی العالمین
محیطا من توجه الی ما فی ایدی الناس انه لیس من اهل هذا المقام یشهد بذلک
من کان باسم الله معروفا توجهوا الی ما اتی من لدی الحق ثم انظروا ببصری هذا المقام
الذی کان بانوار العرش مضیئا طوبی لنفس نبذ الموهوم و عرف المعلوم باسمه
القیوم لعمری انه کان من الفائزین فی ام الکتاب من قلم العز مکتوبا

مقابله شد

ط جناب محمد علی اخ مهاجر علیهما بهاء الله

بنام یکتا خداوند دانا

یا محمد علی اسمی مهدی علیه بهائی ذکرت را نمود نامهای مرسله مشاهده
فائز امروز روز ذکر و روز ثنا و روز علو و سمو و اعمال بعضیه دست هر نفسی
امروز بعملی لله فائز شود او بدوام ملک و ملکوت باقی و دائم است
امروز فرات رحمت جاری و باب فضل مفتوح و آسمان معانی بانجم
بیان مزین طوبی از برای نفسیکه اوهام او را از افق یقین محروم ننمود
و ضوضای ارباب عمائم او را از توجه بافق اعلی باز نداشت انچه از ناس
وارد شد از آن نفوس بعضی از حق منیع علیم تمنا مؤید فرماید بر استقامت کبری

Provided by the Afnan Library

بشأنیکه جمیع اهل عالم قادر بر منع نباشند از کوثر بیان رحمن که از قلم اعلی
جاریست بیاشام لعمر الله اگر بآن فائز شوی خود را فوق اهل عالم مشاهده نمائی
دنیا را بقا نبوده و نیست عنقریب بفنا راجع جهد نما شاید بعنایت حق
جل جلاله از تو ظاهر شود آنچه که عرف بقا از او متضوع گردد و بدوام اسماء
حسنی باقی و پاینده ماند انا نکبّر من هذا المقام علی وجهک و انّهن ضلعک
و علی من معک نسئل الله بان یؤیدک و یقرّبک الیه فی کل الاحوال جمیع
نفوس مذکوره در ساحت اقدس مذکور و هر یک بانوار عنایات آفتاب
حقیقت فائز ذکرشان از لسان جاری و از قلم مسطور کذلک نطق مکلم الطور
الذی اتی بسلطان مبین البهاء علیک و علیهم و علی الذین ما منعتهم اشارات
المعتدین عن الله رب العالمین و شبهات المعرضین عن مقصود العارفین

مقابله شد

بسمی الظاهر من افق الظهور

سبحان الله حضرت آدم را فرستاد و باو صحیفه عطا فرمود و همچنین شیث
و ادریس و ابراهیم علیهم صلوات الله و رحمته و سائر انبیا هم هر یک را
عطا نمود آنچه را اراده فرمود و بصاحبان عزم و جزم کتاب نازل توراة
و زبور و انجیل و فرقان و این ظهور اعظم که در جمیع کتب الهی مذکور و موعود
معادل جمیع کتب قبل آورده آیاتش عالم را احاطه نمود و بیّناتش جای

نگذاشت



نگذاشت مع ذلک بعضی از اهل بیان که بانی بیوت ظنون و اوهام جدیدند
اعراض نمودند لعمر الله احقر احزاب عالمند بظنون متمسکند و باوهام متشبث
اعاذنا الله و ایاکم من شر هؤلاء کتاب الهی را باید بقدرت اخذ کنی در هر
امر قیام نما اینست وصیت مظلوم از حق میطلبیم انجناب را تائید فرماید
و توفیق عطا کند تا چشم از عالم بردارند و بافق اعلی وحده ناظر باشند

ط

جناب محمد قبل علی علیه بهاء الله ک

بسمی الناطق العلیم

قلم اعلی اهل بهاء را تکبیر میرساند و میفرماید آنچه بر شما در سبیل محبت مالک
اسماء وارد شده کل در پیشگاه حضور مذکور و در صحیفهٔ حمراء مسطور چه شبها
که خواب از چشم دوستان عزلت گزید و چه ایام که از سطوت ظالمین
قلوب مقدسه مؤمنین در اضطراب ولکن طلعت مظلوم بشارت میدهد
و میفرماید که نعیم باقی و مائده دائمه و عزت ابدی از برای شما مقدّر است
حمد کنید حق جل جلاله را که نظرش بر اعمال طیّبه دوستان خود بوده و اگر در ایام
شداد امری که لایق امر الله نبوده ظاهر شده رحمت و عنایت خود مبدل
فرموده امروز بحر غفران در امواج و آفتاب عنایت از افق فضل مشرق
این بشارت را ببشارتهای عالم معادله ننماید تمسک بالعروة الوثقی

Provided by the Afnan Library

وتشبث بما يرتفع به امر ربك الغفار الكريم ونذكر امك التى اقبلت وفازت
بايام الله رب العالمين قد حضر العبد الحاضر بكتابك وعرضه لدى الوجه
نزلنا لك ولها ما يجد منه المقربون عرف عناية الله العزيز الحكيم
مقابله شد

خلج — جناب ميرزا سيد على عليه بهاء الله

هو الله تعالى شأنه الحكمة والبيان

كتاب انزله المظلوم لمن فاز بايام الله وشرب رحيق البيان من ايادى ص ۱۱۶
رحمة ربه الرحمن ليجذبه النداء الى الافق الاعلى ويقربه الى مقام
يشهد ويرى من آيات ربه الكبرى وانا الناصح الامين قد منعت
الاذان عن الاصغاء والابصار عن مشاهدة افق ظهور مالك الاسماء
بما اكتسبت ايدى الظالمين الذين يدعون العلم ويعترضون على الذى
به ماج بحر العرفان فى الامكان كذلك نطق قلم الرحمن فى هذا المقام
الذى سمى بالاسماء الحسنى فى كتاب الله رب العالمين سمعنا ذكرك
ذكرناك ورأينا اقبالك اقبلنا اليك فضلاً من لدنا لتشكر ربك العليم
الخبير ونذكر محمداً قبل باقر ونوصيه بما يرتفع به امر الله المقتدر القدير
طوبى لنفس فازت اليوم بعرفانى وتبليغ امرى انه من اهل الفردوس
الاعلى يشهد بذلك كل عارف بصير يا حزب الله اذكروا احبائى
وذكروهم باياتى التى نزلت من سماء مشيتى وانا المنزل القديم

يا علام



يا غلام حسين اسمع نداء المظلوم وقل الهى الهى اسئلك ببحار رحمتك و
امطار عنايتك واشراقات انوار نير فضلك بان تجعلنى منقطعاً
عن دونك بحيث لا اتحرك الا من نسائم ارادتك ولا اتكلم الا بمشيتك
انك انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت العزيز العظيم ونذكر من سمى
بمحمد ليفرح ويكون من الشاكرين قد اظهرنا من خزائن البيان ما لا يحصيه
الا الله العزيز الحميد من الناس من اقبل ومنهم من اعرض ومنهم من افتى
على سفك دمى ومنهم من طار فى هوائى واعترف بما نطق به لسانى
انه من اهل البهاء فى لوحى المبين قم على خدمة الامر انه يؤيد من اراده
وهو الفضال الكريم يا على اسمع النداء من شطر السجن انه يقربك الى الله
مالك يوم الدين قد اتى الميقات واتى منزل الآيات بآيات
الحكمة والبيان والقوم اكثرهم من المعرضين قد نبذوا ما امروا به
واخذوا ما نهوا عنه فى كتاب الله المقتدر القدير انك اذا وجدت
عرف بيانى وسمعت صرير قلمى قم وقل لك الحمد بما ذكرتنى اذ كنت
بين ايدى الظالمين ونذكر من سمى بعلى قبل اكبر ليجد عرف بيان ربه الرحمن
ويكون من الفائزين ضع ما عند القوم قد اتى القيوم بسلطان لا يقوم
معه من فى السموات والارضين اياك ان تمنعك سطوة الاشقياء
عن التوجه الى الافق الاعلى او تمنعك سبحات المعرضين يا على
قبل اكبر اذا سمعت النداء من شطر منظرى الاكبر قل قد اتى من كان مسطوراً

Provided by the Afnan Library

من القلم الاعلى وكنوناً في افئدة المرسلين ونذكر من سمّي بعلي صغر
و نوصيه بالاستقامة الكبرى فی هذا الامر الذي به زلّت اقدام العرفاء
الا الذين انقذتهم يد الاقتدار من لدى الله القوي القدير اسمع النداء
من شطر سجني وقل لك الحمد يا مظلوم العالم بما ايدتني على الاقبال اليك
اسئلك بان توفقني على ما ينبغي لايامك وظهورك انك انت المقتدر
على ما تشاء لا اله الا انت الغفور الرحيم يا الطفعلي ان المظلوم
اراد ان يذكرك من شطر السجن هل تعلم من يذكرك قل اي وربي انه
هو السميع البصير انا اردنا ان نذكر الذين ارادوا ان يتقربوا الى الله
رب العالمين ليأخذهم جذب آيات ربهم على شأن لا تمنعهم
جنود العالم ولا سطوة المنكرين الذين انكروا حجة الله وآياته وجادلوا
عباده الى بئس المصير كذلك نطق القلم اذ كان مالك القدم
في هذا المقام الرفيع ونذكر من سمّي بمحمد حسين ليجد عرف البيان
ويدع ما عند القوم مقبلاً الى من خلقه ورزقه ويكون من الشاكرين
طوبى لعبد اقبل وفاز وويل للمشركين قل بسم الله وبالله وخذ
كأس الفلاح من ايادي عناية فالق الاصباح ثم اشرب بذكره الحكيم
كذلك اتى الحكم من لدى الله الامر الخبير ونذكر من سمّي بالحسين
بآيات انجذبت افئدة الملأ الاعلى والذين طافوا العرش
العظيم انا نوصي الكل بما يرتفع به هذا الامر بين العباد
طوبى لكل عالم وويل لكل غافل بعيد انا ذكرنا كل من اقبل

الی



الى الله ووصيناه بما يرتفع به مقامه يشهد بذلك من ينطق في كل شأن
انه لا اله الا انا الرحمن الرحيم من فاز بذكر قلمي الاعلى انه فاز بكل الخير
كذلك انزلنا الآيات واظهرنا الامر فضلاً من عندي وانا الفضال العزيز
البديع يا حبيب الله اسمع نداء من سجن في سبيل الله ليجذبك
الى مقام كان عليّا انه يذكر من ذكره وسبقت رحمته من في الارض والسماء
انه كان على كل شيء محيطاً ه تمنعه شبهات الخلق ولا تحجبه اشارات الذين
كفروا بالرحمن اذ اتى بسلطان كان على الحق عظيما تمسك بحبل الامر
وتشبث بذيل عناية ربك انه يؤيدك من يشاء بسلطان كان في
ازل الآزال بالحق قويا ونذكر من سمّي بمحمد باشم ثم اذكر ربك في الليالي
والايام انه يسمع ويرى وهو الله كان على كل شيء حكيما يا حزب الله

ليقربه الذكر
الى مقام كان بانوار
الامر مضيئا يا هاشم

خذوا الامانة امراً من عندنا انا نامركم بما ينفعكم في كل عالم من عوالم
ربكم وكفى بالله شهيدا يا محمد قبل جعفر قل الهي الهي ايدني
على الاستقامة على امرك والقيام على خدمة اوليائك انت الذي
لا يعجزك شيء من الاشياء ولا يمنعك ظلم الامراء تفعل ما تشاء بقدرتك
انك كنت على الامر قويا نعيماً لمن تشبث بعناية الله وذكره
انه من المقربين قد كان في الكتاب مسطورا يا علي مراد قد اتى المراد
ولم يعرفه الذين ارادوا لقائه في الليالي والايام كذلك يذكرك
ام الكتاب ما ورد عليه لتكون على الامر بصيرا ونذكر من سمّي
بمحمد باقر ونذكره بآيات الله المهيمن القيوم انا ذكرنا الذين

Provided by the Afnan Library

حضرت اسمائهم لدی العرش و انزلنا لکل واحد ما یقربه الی الله العزیز الودود
قل ان کلمة الله تنفعکم قبل عروجکم و بعده یشهد بذلک هذا اللوح المختوم
الذی به جری الرحیق المختوم من قلم الله رب ما کان و ما یکون طوبی
لمن اقبل و شرب و ویل لکل غافل ممنوع یا محمد کاظم انت فی السجن
و المظلوم یذکرک فی السجن اشکر و قل الهی الهی اسئلک بانوار عرشک
و ظهورات سلطنتک و اقتدارک بان تؤیدنی علی خدمة اولیائک الذین
سرعوا الی مقر الفداء انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن علی
ما کان و ما یکون و نذکر فی هذا الحین اماء الله لیشکرن ربهن فی العشی
و الاشراق و فی الاصیل و البکور یا اماء الله بلسان پارسی ذکر میشود تا کل
پابند که شاید عرف بیان رحمن کل را بکوثر استقامت فائز فرماید
چه که ناعقین در پی و خائنین در مراصد از حق میطلبیم کل را حفظ فرماید و از شر
نفوس غافله ظالمه در ظل اقتدار حراست نماید اوست قادر و اوست
توانا هزار و دویست سنه و ازید حزب شیعه عبده اوهام
بودند من غیر شعور خود را افضل عالم میدانستند و در یوم جزا اخسر امم
مشاهده گشتند باید حزب الله از ذکور و اناث بشأنی بر امر مستقیم باشند
که معرضین بیان و ملحدین فرقان قادر بر تکلم نباشند در امورات قبل
تفکر نمائید هر نفسی اطلاع یافت محفوظ ماند از ظنون و اوهام اهل
بیان یعنی نفوسیکه از حق اعراض نموده اند در صدد ترتیب اوهامات
قبل بر آمده اند علی اکبر در منظر اکبر تلقاء وجه حاضر ذکر احبا را نمود

ومخصوص



ومخصوص هریک نازل شد آنچه که دنیا و ما فیها با و معادله ننماید اگر
فی الجمله تفکر نمائید و نوری از انوار نیر عنایت حق جل جلاله را
بیابید بفرحی فائز شوید که او را حزن اخذ ننماید و تغییر باو راه
نیابد چه که رجال بحزب الله نامیده شده اند و نساء
باماء الله یا حزب الله انصاف تمام شده نیر عدل از ظلم
معتدین خلف سحاب مبتلا حق از ظالمین شکایت نمیفرماید بلکه
از نفوسیکه ادعای دوستی نموده اند و عمل ننموده اند آنچه را که قلم
اعلی توجه نمود کل را وصیت مینمائیم بآنچه که سزاوار یوم الله است
قدر و مقام آیات الهی را بدانید حیاً میتاً با شما بوده و خواهد
بود و در حین نزول هم کل تلقاء وجه حاضرند و بان فائز ما اطلع
بذلک الا الله المهیمن القیوم از حق میطلبیم کل را تأیید فرماید
بر حفظ آنچه عنایت شده چه که نار منکر نهال معروف را بسوزاند
یا حزب الله از اول امر تا حین من غیر ستر و حجاب امام وجوه
عباد از ملوک و مملوک و امراء و علماء قائم و کل را دعوت نمودیم
بآنچه که سبب بقاء و علت حیات ابدی بوده و چون فی الجمله
نیر امر اشراق نمود از خلف حجاب حزبی از ملاء بیان بیرون
آمده قصد مظلوم آفاق نمودند کذلک سولت لهم انفسهم
و هم الیوم من الاخسرین فی کتاب الله رب العالمین
یا علی در اول ترا ذکر نمودیم و در انتها هم ذکر مینمائیم

Provided by the Afnan Library

تا حزب الله آن ارض را در ظل کلمة الله جمع نمائی و باتحاد و اتفاق بذکر
محبوب آفاق مشغول شوند نهالهای مغروسه را باید تربیت نمود تا معتدل
شوند و ببزرگی برسند حکیم حاذق بمثابه ارض است و مانند آفتاب
اوّل باندازه عطا نماید و ثانی بمقدار اشراق کند از حق میطلبیم ترا تأیید
فرماید بر خدمت امر تا کل را متذکر داری باذکار منزله در الواح جمیع
اولیای آن دیار را از قبل مظلوم ذکر نما بعضی باسمه مذکور و برخی
لدی الوجه مشهود مقصود آنکه کل بنعمت بیان محبوب عالمیان فائز
گشتند قدر این نعمت عظمی و موهبت کبری را بدانند میرزا باقر
ذکرش از قلم اعلی نازل ان شاء الله بفیوضات فیاض حقیقی
فائز شوند و بر خدمت امر قائم البهاء المشرق من افق سماء
عنایتی علیک و علی الذین ما منعتهم الحجبات و السبحات
عن الله منزل الآیات و مظهر البیّنات

مقابله شد

جناب آقا سید علی علیه بهاء الله

هو الله تعالی شأنه الحکمة و البیان

کتاب انزله الرحمن لمن اقبل الی الافق الاعلی و سمع ما نطق به لسان ایضاً ص ۱۲۱
العظمة انه لا اله الا انا العزیز الوهاب قد حضر کتابک لدی
المظلوم ذکرناک بلوح لاح من افقه شمس عنایة ربک العزیز المختار



انا سمعنا ندائک و رأینا اقبالک ذکرناک بما لا تعادله کنوز العالم
یشهد بذلک من عنده ام الکتاب قل یا ملأ الارض تالله قد اتی مالک
الادیان الملک لله رب الارباب اتقوا الله و لا تتبعوا اهوائکم
هذا ما امرتم به فی الزبر و الالواح اذا اخذتک نفحات الوحی
قل الهی الهی لک الحمد بما عرفتنی و علمتنی ما اعرض عنه اهل مملکتک
الذین نقضوا میثاقک و عهدک اسئلک ببحار رحمتک و سماء
فضلک و اثمار سدرة المنتهی و آثار قلمک الاعلی بان تجعلنی مستقیما
علی حبک و ناطقاً باسمک و متوجهاً الی وجهک انک انت
المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الخبیر

مقابله شد

ط جناب آقا سید علی علیه بهاء الله

هو الشاهد العلیم الخبیر

ص ۷۱ ذکر من لدنا لمن حضر اسمه فی السجن الاعظم امام وجه المظلوم الذی قبل
البلایا کلها لاعلاء کلمة الله المقتدر العلیم الحکیم انا ذکرنا الذین اقبلوا
الی الوجه و نذکرهم فضلاً من لدی الله رب العالمین یا علی قد
اقبل الیک وجه المسجون من هذا الشطر البعید و یذکرک بما یقربک
الی الله العزیز الحمید انک اذا فزت بآیات ربک و وجدت
عرف عنایته قل الهی الهی لک الحمد بما خلقتنی و رزقتنی و هدیتنی

Provided by the Afnan Library

الی افقک الاعلی المقام الذی فیه ینطق مشرق آیاتک ومظهر بیّناتک
ومصدر اوامرک واحکامک ای رب اسئلک بالکلمة التی بها
انجذبت الاشیاء وماج بحر علمک فی ناسوت الانشاء بان تجعلنی فی کل
الاحوال ثابتاً علی امرک وراسخاً فی دینک انک انت المقتدر علی
ما تشاء ثم اسئلک بانوار وجهک بان تؤیدنی علی خدمة امرک
وما ینفعنی فی کل عالم من عوالمک انک انت مولی العالم ومربی الامم
لا اله الا انت الغفور الرحیم

مقابله شد

جناب استاد قاسم

بنام دوست یکتا

ای قاسم اگرچه حاضر نیستی بحسب ظاهر ولکن تلقاء وجه مذکوری
ان احمد الله بذلک انه یذکر من ذکره ویتوجه الی من توجه الی وجهه المنیر
هر هنگام که مظلوم امکان توجه ببستان مینماید آثارت را مشاهده
میکند قدر این عمل را بدان و باسم الهی حفظش کن ای قاسم امر
بزرگست و نفوس ضعیف از حق میطلبیم جمیع را بطراز قوت و قدرت
مزین فرماید تا کل بر صراط امر مستقیم بمانند دنیای فانی را قدری
نبوده و نیست چه که در آنی زایل و معدوم میشود انشاء الله باید
نفوسیکه از رحیق بقا آشامیده اند در جمیع احوال بافق اعلی ناظر



باشند وازمن علی الارض فارغ وآزاد تمسک بحبل عنایة ربک وقل
یا من بک انار افق العالم واضطربت افئدة الامم اسئلک
بکلمتک العلیا ووجهک الانور الابهی بان تؤیدنی علی ذکرک
وثنائک وخدمة امرک وتکتب لی ما کتبته لخیرة خلقک انک
انت المقتدر علی ما تشاء بیدک ملکوت کل شیء وانک انت المقتدر
القدیر

مقابله شد

جناب ابوطالب علیه بهاء الله

هو الناطق من افقه الاعلی

کتاب انزله الرحمن لمن آمن واقبل الی صراطه المستقیم اسمع
ندائی من شطر سجنی ثم انطق بذکری وثنائی بین عبادی انا نؤید
الذین نبذوا ما عند القوم متمسکین بما نزّل لهم من لدن قوی قدیر
هذا یوم فیه ینطق النار وینطق النور والقوم اکثرهم من الغافلین
قد اتی من کان مکنوناً فی ازل الآزال وظهرت به اسرار الله
المقتدر العلیم الحکیم ایاک ان تمنعک شبهات القوم
عن التقرب الی الله رب العالمین قل یا ملأ الارض قد ارتفع
النداء من الافق الاعلی اسرعوا ولا تکونوا من المتوقفین قد
فازت الاشیاء بظهور مولی الوری یشهد بذلک کل عالم بصیر
تالله قد خرقت الاحجاب ومالک الرقاب ینطق امام وجوه

Provided by the Afnan Library

الاحزاب فضلاً من عنده وهو الفضّال الكريم من النّاس من سمع النّداء واعرض عنه ومنهم من اقبل وسرع وبلغ وقال لك الحمد يا مقصود العالم ولك الثّناء يا ايّها المذكور في افئدة المرسلين خذ كتاب الله بقوّة من عنده بحيث لا تمنعك جنود الظّالمين الّذين انكروا حجّة الله وبرهانه وارتكبوا ما ذرفت به دموع المخلصين البهاء من لدنّا عليك وعلى الّذين شربوا رحيق البيان من كأس عناية ربّهم الغفور الكريم والحمد لله ربّ العالمين

مقابله شد

١٥٢

بسم ربّنا الاقدس الاعظم العليّ الابهى

لك الحمد يا الهنا بما سقيتنا رحيق عرفانك من كأس عطائك وقدّرت لنا الحضور امام وجهك والقيام لدى باب فضلك نسئلك بالسّرّ الّذي كان مكنوناً في علمك واللّؤلؤ الّذي كان مستوراً في صدف قضائك وقدرك بان تجعل لمن سمع ندائك واجاب ما كتبته للمخلصين من خلقك الّذين ما خوّفتهم سطوة العالم وما اضعفتهم قوّة الامم سرعوا بالقلوب الى افق الظّهور وفازوا بما نطق به لسان عظمتك في الطّور انّك انت الّذي شهد بجودك كلّ الوجود وبكرمك الغيب والشّهود لا اله الّا انت المقتدر العزيز الودود

مقابله شد

بولهرق



هو المشرق من افق سماء البيان

ان الشّمس ارادت ان ترسل اليك نوراً من انوارها على هيئة كلمات الله ونفحات اياته المهيمنة على من في السّموات والارضين قل يا ملأ الارض قد اتت السّاعة واشراطها وظهر ما كان مسطوراً من القلم الاعلى في كتب الله ربّ العالمين انّ الكتاب ينادي بالحقّ ويدع الكلّ الى افق الظّهور من لدى الله ربّ العرش العظيم قد ارتفع صرير القلم ومالك القدم امام وجوه الامم قام وقال اتّقوا الله يا قوم لا تتّبعوا الّذين انكروا حجّة الله وبرهانه وكفروا بيومه العزيز البديع خافوا الله وطهّروا افئدتكم من القصص الاولى وما عند الّذين نبذوا الهدى متمسّكين بالبغي والفحشاء الا انّهم من الاخسرين في كتاب مبين يا ايّها النّاظر الى افق الامر اسمع النّداء وقل يا مالك الاسماء وفاطر السّماء ايّدني في كلّ الاحوال على اصغاء ندائك والتّوجّه الى انوار وجهك والنّظر الى تجلّيات نيّر ظهورك ايربّ لك الحمد بما اظهرت لي امرك الاعظم ونبأك العظيم وسقيتني كوثر العرفان من ايادي فضلك وعطائك في يوم فيه منع عنه اكثر عبادك وخلقك اي ربّ وفّق عبادك ليتوجّهوا الى السّدرة واثمارها والشّمس وانوارها والبحر وامواجه وعزّتك يا مقصود العالم ومربّي الامم ان عبدك هذا اراد ان يقوم على ذكرك وثنائك بين عبادك ايّده بجنود الحكمة والبيان ايربّ تراني مقبلاً الى افقك الاعلى ومتمسّكاً بعروتك الوثقى قدّر لي من يراعة تقديرك ما ينفعني في كلّ عالم

Provided by the Afnan Library

من عوالمک ویجعلنی من الذین ما منعتهم حوادث الدنیا وشئوناتها
انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم
مقابله شد

رش جناب میرزا محمد علی علیه بهاء الله

بسمی المغرد علی الاغصان

یا ملأ الارض قد فتح باب العرفان واتی الرحمن بملکوت البیان ولکن
القوم فی غفلة وضلال قد حضر کتابک ووجدنا منه عرف حبک لله
المقتدر العزیز المنان سمعنا ندائک اجبناک بلوح لا تعادله
الالواح اقرء ما نزل لک من سماء العطاء انه یقربک الی اعلی
المقام تری المظلوم بین ایدی الاعداء ویدع الکل الی الله منزل
الایات ما منعه ذکر العلماء ولا کلمة الفقهاء ولا ضوضائهم قد
اظهرت امری امام وجوه خلقی بقدرة منها تزعزعت الارکان
اشکر ربک انه ذکرک بما لا ینقطع عرفه فی القرون والاعصار
البهاء من لدنا علیک وعلی الذین ما منعهم ظلم الذین کفروا بالمبدء
والمآب مقابله شد

جناب میرزا مهدی علیه بهاء الله

هو الله تعالی شانه الحکمة والبیان



یا مهدی نامهٔ که باسمی مهدی علیه بهائی ارسال نمودی بشرف حضور فائز
آنچه در او مسطور شنیده شد و عرف محبت محبوب عالمیان از او
متضوع نسئل الله ان یؤیدک ویوفقک علی خدمة امره
المحکم المبرم المتین اولاد از برای آنست که ذکر واسم در ارض
باقی بماند وانهم اگر باعمال پسندیده واخلاق مرضیه مزین باشد
ولکن آنچه الیوم از قلم اعلی مخصوص تو نازل شده از صد هزار اولاد
صالح افضل واعظمست اگر آثار قلم اعلی بیک کلمه محدود شود
آن کلمه ببقاء ملک وملکوت پاینده وباقیست وهر صاحب
بصری شهادت داده وهر صاحب درایتی گواه لله الحمد
باقبال فائز شدی در یومیکه اهل ارض معرض وغافل مشاهده
گشتند قل الهی الهی اشهد بوحدانیتک وفردانیتک
وبان ما جری من قلمک هو خیر لی عما اعطیتنی من الاموال والاولاد
اسئلک باسمک الذی به سخرت الاشیاء بان تؤیدنی
علی ما یکون نوراً لی فی کل عالم من عوالمک ای رب انا عبدک
وابن امتک اشهد بانی لا اعلم ما ینفعنی انک انت اعلم
منی قدر لی ما قدرته لاصفیائک وامنائک الذین اقبلوا
بوجوه بیضاء الی افقک الاعلی اذ کان الناس فی اعراض
مبین ثم اسئلک بان تجعلنی مستقیماً علی امرک وراسخاً
فی حبک وثابتاً علی دینک انک انت المقتدر القوی العزیز

Provided by the Afnan Library

الحکیم ثمّ اسئلک بالاسم الاعظم بان تقدّر لی لقائک والحضور
امام بابک او تکتب لی من قلم فضلک اجر لقائک انّک
انت المشفق القدیر و بالاجابة جدیر مقابله شد

١٥٢ بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

سبحانک یا من باسمک استأنست افئدة المشتاقین وبذکرک
طارت قلوب الموحّدین وبعرفانک نوّرت وجوه المخلصین وفی
حبّک سفکت دماء العشّاق فی الآفاق بما اکتسبت ایدی الظالمین
اسئلک . یا مالک الوجود ومطلع الجود باسمک الودود ان تؤیّد عبادک
علی التقرب الیک والتمسّک بحبل عنایتک والتشبث بذیل
رحمتک باستقامة لاتمنعها شبهات المغلّین ولا اشارات الناعقین
عن التقرب الی بحر فضلک وسماء عطائک ای رب تری
احد افنانک اقبل الیک وقام علی خدمة امرک ونطق فی حبّک
بما شهد به لسان عظمتک فی مقامک الاعلی وافقک الابهی
ای ربّ قدّر له ما تقرّ به العیون والابصار انک انت
المقتدر العزیز المختار مقابله شد

١٥٣
بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی



یشهد لسانی وقلبی وجوارحی بوحدانیّة الله وفردانیته وبانّه هو المقتدر
علی ما یشاء لا تعجزه شئونات العالم ولا شبهات الامم
قد اشرق من افقه الاعلی نور لامع وعرف ساطع ولسان ناطق
وامر مهیمن واظهر بقوته وقدرته وسلطانه ما اراد علی شأن ما منعته
شوکة الامراء ومنع العلماء الذین نقضوا عهد الله ومیثاقه
واحلوا قومهم دار البوار سبحانک یا مسخّر العالم ومنجم الامم
اسئلک بسفینة امرک التی جرت علی بحر الاسماء بارادتک
وقدرتک بان تؤیّد عبادک واماءک الذین قصدوا المقصد
الاقصی والذروة العلیا علی الاستقامة علی حبّک وعلی ارتفاع
امرک انّک انت المقتدر علی ما تشاء وفی قبضتک زمام
الاشیاء ای ربّ تری وتسمع انّ افنانک ذکر واحدة
من امائک وشهد باقبالها وتوجهها اسئلک بسلطان اسمائک
بان تقبل منها ما ارادت فی ایامک وارسلت ما دلّت علی
اتباعها اوامرک واحکامک ای ربّ فاغفر لها وطهّرها
بفضلک واحسانک ثم انزل علیها فی کل حین ما یجعلها مستقیمة
علی امرک الذی سمّیتی فی الفرقان بالنبأ العظیم وفی
کتب القبل بما افتربه ثغر الموحّدین لا اله الّا انت السامع المجیب
وبالاجابة جدیر مقابله شد

Provided by the Afnan Library

۱۵۲

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

یا محبوب فؤادی والمذکور فی قلبی والمشتعل بنار محبة ربی والناطق
بذکره وثنائه والقائم علی خدمة امره قسم باشراقات انوار آفتاب
حقیقت که از افق اعلی عالم اشراق نموده ذکرت مذکور وسعیت
مشکور وعملت مبرور لازال شعلات امام وجه مالک قدم ظاهر
وهویدا صد هزار طوبی ونعیم از برای آنحضرت چه که فائز شدند بآنچه
که در الواح مکرر از قلم اعلی نازل لک الحمد یا اله العالم ومقصود
الامم بما اظهرت فی افنانک فی تمسک بسدرتک تمسکا لاینقطع
بما فی العالم ولا بما عند الامم اسئلک یا مالک الوجود بجودک
الذی احاط ما کان وما یکون بان تکتب له فی فلکک الاعلی
ما ینبغی لفضلک وجودک ولو انی اعترف یا الهی بان
شأنی لا یقتضی ذکره لانک نسبته الی نفسک وذکرته
بما لا اطلع به الا نفسک ولکن لما امرتنی بحب افنانک
وذکرهم ذکرته علی شأنی وقدری اسئلک بانوار وجهک
بان تقبل منی ما نطق به لسانی فی شأنهم انک انت المقتدر
الذی لا تخیب السائلین لا اله الا انت الغفور الرحیم
ای رب صلّ علیه وعلی الذین معه ویحبونه لوجهک لا اله
الا انت السمیع البصیر والمقتدر القدیر مقابله شد



ی آقای معظم حضرت افنان حضرت باوقاف علیه منکل
بهاء الابهاء بلحاظ انور ملاحظه فرمایند ۱۵۲

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

حق ناطق وآیات مشرق سبیل واضح دلیل مشهود ولکن
اهل ارض باوهام مشغول واز تجلیات انوار آفتاب ایقان
محجوب امروز ذکر بدیع وثناء جمیل در رتبه اولیه ومقام اول
اولیاء حق جل جلاله را لایق وسزاست که اشارات معرضین و
شبهات منکرین وسطوت معتدین وظنون واوهام غافلین ایشانرا
از صراط مستقیم الهی منع ننمود در باطن چون بحر مواجند ودر ظاهر
چون جبل ساکن وثابت ایشانند نفوسی که بر نمارق نور جالسند
ودر سایه ایقان متکی چه که بافق ابهی ناظرند وبکلمه
مبارکه بحکم ما یرید موقن ومتمسک حجبات عالم وسبحات امم
ایشانرا از مالک قدم منع ننمود عرف یوم الله را یافتند
وبتوحید حقیقی فائز گشتند ایشانند ایادی امر بین عباد واعلام
الهدایة فی البلاد از حفیف سدره منتهی وصریر قلم اعلی
زندگانی بدیع جدید رسیده اند واز کوثر تجرید نوشیده اند
ضوضاء علما نزدشان مثل طنین ذباب وغوغاء فقها مانند
نعیب غراب بنار حب الهی مشتعلند اشتعالیکه خاموشی
نپذیرد باراده حق متحرکند وباهتزاز سدره مبارکه بهتز طوبی لهم

Provided by the Afnan Library

ونعيماً لهم ولهم حسن مآب لا اله الا هو المقتدر العزيز الوهاب سبحانك
يا من بندائك قام اهل القبور وبامرك نفخ في الصور اسئلك
بمكلم الطور الذي به ظهر حكم النشور بان تؤيد اصفيائك واوليائك
الذين بهم انتشرت اياتك وارتفعت راياتك وظهرت
بيناتك ونصبت اعلامك اي رب ان الفاني اراد ان
يذكر احداً افنانك الذي فاز بلقائك ونسبته الى نفسك
ولو ان ذكري لا يليق لمقاماته العليا التي نزلت من قلمك الاعلى
ولكن اسئلك يا مالك الاسماء وفاطر السماء بان تقبل مني
ما نطق به لساني وما فات عني في ذكرهم وثنائهم اي رب
اسئلك باسمك الاعظم الذي به تزلزلت اركان العالم
بان تزينه في كل آن بعناية اخرى وفضل آخر ونعمة جديدة ومائدة
بديعة ورحمة عظيمة انك انت الذي باسمك ماج بحر الكرم بين
الامم وبامرك اشرق نور البيان من افق العالم لا اله الا انت
القوي الغالب العليم الحكيم روحي لذكركم الفداء ولعنايتكم
الفداء قد فاز الخادم بآثر مدادكم وما جرى من قلم عرفانكم فلما
شربت كوثر الوداد من كأس بيانكم الاحلى قصدت المقام
الاعلى والذروة العليا حضرت وعرضت تلقاء وجه مولى
الورى اذا نطق لسان العظمة بما يبقى بدوام الملك والملكوت
قوله عز بيانه وجل برهانه لسبحي الذي به تضوع عرف الرحمن في



في الامكان ذكر من لدى السدرة الى افنانه الذي اقبل الى الافق الاعلى
اذ كان الزوراء مستقر عرش ربه مالك الاسماء وفاز برحيق الوحي اذ
كان الناس في نوم عجاب اقبل وسمع ورأى افقاً اشرق
منه نيّر عناية ربه مالك الايجاد قد ماج البحر الاعظم وهاج عرف القدم
وغردت حمامة البيان على اعلى غصن العرفان انه لا اله الا انا
العزيز الوهاب طوبى لعضد كسر اصنام الاوهام بقوة مالك الانام
وفاز بنور التوحيد اذ اشرق من افق الاقتدار قل تالله قد فتح
باب السماء واتى مالك الاسماء بسلطان لم تمنعه جنود الامراء
ولا شبهات العرفاء قام امام وجوه العالم ودعا الكل الى الله
رب الارباب قل ايأكم ان يمنعكم شيء من الاشياء عن هذا الفضل
الذي ما رأت شبهه عين الابداع قد انار العالم من نيّر اسمي الاعظم
قل انصفوا يا قوم في هذا الامر الذي اذ ظهر خضعت له الآيات
قل يا ملأ البيان اتقوا الرحمن انه قال لو يأتيكم احد بآية لا تنكروه
واذا انتم انكرتم الذي اتى بما لا يحصى وله ما نزل في ازل الآزال تالله
قد خضع كل ذكر عند ذكري وانجذب الملأ الاعلى من صرير قلمي
يشهد بذلك من نطق في كتاب انه لا اله الا انا المقتدر المختار
هذا يوم فيه ينادي ام الكتاب من شطر السجن بما نادت به الاشياء
الملك لله مالك الرقاب يا افناني عليك بهائي وعنايتي
اشكو اليك من الذين انكروني احد ما خلقوا الخادم قل فاعتبروا

Provided by the Afnan Library

یا اولی الابصار قل یا ملأ البیان این کنتم اذ کان النور ساطعاً
من الافق الاعلی و الظهور قائماً امام وجوه الوری اتقوا الله یا مظاهر
الاوهام قد کنت قائماً فی قطب العالم و ناطقاً بذکر الله مولی
الامم اذ کان القوم خلف الحجاب قل ضعوا الغدیر و ان کم تالله
قد ماج بحر الحیوان باسمی الرحمن اقبلوا ثم اشربوا بهذا الاسم
الذی به تزعزعت الارکان قل یا قوم زنوا ما عندکم بمیزان العدل
والانصاف بهذا الکتاب الذی اذ نزل خضعت له الصحائف
والالواح قل یا ملأ المعرضین لا ینفعکم الیوم ما عند القوم و لا یغنیکم
کتب العالم اتقوا الله انه اتی بامر سجدت له الآیات سبحان
الی حین عرف یوم الله را ادراک ننموده اند مفتریاتی با وهامات
خود ترتیب داده اند و درصدد اضلال عباد افتاده اند آسمان
شاهد و آفتاب گواه که اینمظلوم منقطعاً عن الکل در ظاهر ظاهر امام
وجوه عالم قیام نمود قیامیکه هیچ منصفی انکار ننماید و جمیع را بافق
اعلی دعوت فرمود و چون فی الجمله انوار امر تجلی نمود از خلف
حجاب شرذمهٔ از ذئاب از کاف و را قصد مظلوم نموده اند
مع آنکه از اصل امر آگاه نبوده و نیستند کذلک سوّلت لهم انفسهم
امراً الا انهم من الاخسرین فی کتاب مبین لعمر الله از بحر
مودعه در کلمهٔ مبارکه یفعل ما یشاء بی نصیبند و از یحکم ما یرید بیخبر
و هر نفسی باینکلمهٔ مبارکه موفق شد او محفوظ است از جمیع شبهات



و اشارات قوم کذلک نطق القلم الاعلی فی سجن عکاء فضلاً لک و رحمة
علیک و نوراً من یدیک انه هو المشفق الکریم البهاء الظاهر من افق
سماء العطاء علیکم و علی من یحبکم و یسمع قولکم امراً من الله رب
العالمین انتهی این خادم فانی لازال از حق مسئلت نموده و نماید
که اهل ارض را از فیوضات ایامش محروم نفرماید کل را تأیید نماید
شاید برجوع فائز شوند آنحضرت هم باید از حق نجات عباد را
در لیالی و ایام طلب نمایند چه که اینکلمهٔ مبارکه را از لسان عظمت مکرر
استماع نمود قوله تبارک و تعالی یا عبد حاضر افنان را برگزیدیم
و منتسباً لا لسدره محکم نمودیم لوح شاهد و قلم گواه و البته آنچه مشتاق
نمایند عند الله باجابت مقرون است انتهی لله الحمد فائزند بآنچه که
اینعبد و امثال او از ذکرش عاجز است در ایامیکه حضرت افنان
کبیر و حضرت من فاز فی الزوراء مع حضرتکم در فی هذا السجن تشریف
داشتند جای آنحضرت فی الحقیقه خالی بود مجالسی ترتیب یافت
که ذکرش از عالم محو نخواهد شد و لکن ذکر آنحضرت لازال بوده
و همچنین ذکر منتسبین آنحضرت مجالسیکه ملأ اعلی از او روحانیت
اخذ نمودند و اهل فردوس اعلی تبارک الله ناطق و وقتی از اوقات
اینکلمهٔ مبارکه علیا از لسان مالک اسما استماع شد قوله تبارک
و تعالی یا عبد حاضر این ایام نظر بعدم استعداد عالم مراتب
و مقامات مستور مانده و لکن در علم الهی یومی مکنون است و در آن

Provided by the Afnan Library

یوم حشر الواح و نشر آیات خواهد شد و در آن یوم مراتب مستوره و مستورات
مکنونه بمثابه شمس از افق سماء عالم ظاهر و هویدا گردد امثال
آنچه از قلم اعلی جاری حق لاریب فیه چنانچه بر کل واضح و معلوم
و مبرهن شد هر منصفی شهادت داده و میدهد فی الحقیقه آنچه
در عالم ظاهر شده و یا بشود بکمال تصریح در الواح الهی نازل لا بد
مقامات افنان هم در عالم ظاهر و هویدا خواهد گشت و دستخط
آنحضرت مکرر قرائت شد در هر حین اثر کوثر حیوان از او ظاهر
حمد مقصود عالمیان را لایق و سزا که در کلمات افنانش کنز حب را
مستور فرموده و از فرات در اد مخزون جل فضله و عظم جوده
و جلت عنایته لافنانه یسئل الخادم ربه بان یؤید حضرتکم و یوفقکم
و یفتح علی وجوهکم ما یتضوع به عرف ظهوره بین العالم ان ربنا الرحمن
هو المقتدر علی ما یشاء و هو السامع المجیب خدمت نورین نیرین
علیهما بهاء الله الابهی سلام و ثنا و تکبیر میرسانم و میگویم فی الحقیقه
مزینند بطراز تخصیص و مشتعلند بنار محبت حضرت مریم و حوا
علیه بهاء الله الابهی بحکم محکم راجع شدند در حالتیکه تصعد زفراته
و تنزل عبراته فی الحقیقه ذکر مراتب محبت و وداد و اقبال
و اشتیاق و اشتعال ایشان خارج از ذکر و وصف است
و آنچه ارسال نمودند رسید دو لوح از سماء مشیت الهی
مخصوص نورین نازل انشاء الله بان فائز شوند و عرف



رحمن را بیابند و از بحر بیانش بیاشامند البهاء و الثناء و الذکر
و التکبیر علی حضرتکم و علی من معکم و علی الذین یحبونکم و یذکرونکم
و ینصرونکم امراً من لدن آمر حکیم الحمد لله مالک هذا الیوم
المبین خ ادم ۵ رمضان المبارک سنه ۱۳۰۲

مقابله شد

آثار قلم اعلی جلد ع

Provided by the Afnan Library